این کتاب ملا علی طلب با [illegible] قران [illegible] خریده

کتابخانه شخصی حسین کی استوان طهرانی
شماره ۱۱۷ نام کتاب

کتابخانه حسینیه ارشاد
شماره دفتر ۲۵۸
تاریخ

میکروفیلم تهیه شد

کتابخانه آستان قدس

اسم کتاب: حلیة المتقین ... فارسی
مصنف: علامه مجلسی
مؤلف
خطی: نسخ ۱۶ سطری
چاپی
سال چاپ یا تحریر ... عدد اوراق ۳۲۱
جزء کتب: اخبار ... شماره خصوصی
شماره عمومی ۱۲۳۸۸ شماره قبض
واقف: حسین کی استوان ... تاریخ وقف اردیبهشت ۱۳۶۲
طول ۲۱ عرض ۱۳ شماره صفحات

وقف کتابخانه آستان قدس رضوی (ع)
اهدائی بنام شادروان حسین کی استوان

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله الذی حلی انبیائه المرسلین باحسن حلیة
المتقین وبعث نجبة اصفیائه محمد صلی الله علیه وآله
لتتمیم مکارم اخلاق المؤمنین واکمل فی اوصیائه المنتجبین
افضل خصال النبیین صلوات الله علیه وعلیهم اجمعین
عدد انفاس المحبین من الملائکة والناس اجمعین و
لعنة الله ملأ السموات والارضین اما بعد چنین گوید
تراب اقدام مؤمنین وخادم طلبه علوم ائمه طاهرین

محمد باقر ابن محمد تقی حشره الله مع موالیه المطهرین
صلوات الله علیهم اجمعین که چون عمده امتیاز بنی نوع
انسان از سایر انواع حیوان تخلق باخلاق حسنه وتزین باداب
مستحسنه است وبمقتضای حدیث شریف نبوی
صلوات الله علیه وآله که بعثت لاتمم مکارم الاخلاق
تمامی اداب پسندیده وجمیع اخلاق حمیده در شرع انور
ودین اظهر انحضرت ظاهر ومبین گردیده وچون مختصری
از مکارم اخلاق در کتاب عین الحیوة بیان شده بود جمعی
از سالکان مسالک سعادت وناهجان مناهج متابعت اهلبیت
رسالت علیهم السلام ازین ذره حقیر التماس نمودند
که رساله در محاسن آداب که از طریقه مستقیم ائمه طاهرین صلعم
باسانید معتبره باین قلیل البضاعه رسیده باشد بروجه

اختصار بتحریر نماید و بجهة عموم نفع نسبت باین دیار متصامنین
اخبار را در لباس لغت فارسی قریب الفهم بجلوه در آورده
لهذا با ضیق مجال و کثرت اشتغال رعایت حقوق اخوت
ایمانی را لازم دانسته و از مقتضای حدیث الدال علی الخیر
کفاعله امیدوار گردیده اجابت ملتمس ایشان نموده بر چهارده
باب و خاتمه اول در آداب لباس پوشیدن باب دویم در آداب حلی
و زیور پوشیدن و سرمه کشیدن و در آینه نظر نمودن
و خضاب کردن باب سیم در آداب خوردن و آشامیدن باب
چهارم در فضیلت تزویج و آداب مجامعت و معاشرت زنان
و کیفیت تربیت فرزندان و معاشرت ایشان باب پنجم در آداب
مسواک کردن و ناخن و شارب گرفتن و سر تراشیدن و شانه
کردن و امثال اینها باب ششم در آداب بوی خوش کردن و بگل خوشبو

بوئیدن و روغن مالیدن باب هفتم در آداب حمام رفتن و دارو
کشیدن و امثال آن باب هشتم در آداب خواب رفتن و بیدار شدن
و بیت الخلا رفتن باب نهم در آداب حجامت و تنقیه و ذکر بعضی
ادعیه و احراز و خواص بعضی از ادویه و معالجه بعضی از امراض
باب دهم در آداب معاشرت مؤمنان و حقوق و اصناف ایشان باب
یازدهم در آداب داخل شدن بخانه و بیرون رفتن باب دوازدهم
در آداب سوار شدن و راه رفتن و بازار رفتن و تجارت و زراعت
نمودن و چهارپایان نگاه داشتن باب سیزدهم در آداب سفر کردن باب چهاردهم
در بیان بعضی از فوائد متفرقه از این ابواب بر دوازده فصل
مشتملست و بکتاب حلیة المتقین مسمی گردید مامول از
ناظران در این رساله شافیه و عاملان وافیه آنکه این محرر
خطا پیشه را بدعای مغفرت و استدعای رحمت یاد نمایند
و بر خطای لفظ و معنی این معترف بعجز و قصور در مؤاخذه ننمایند

والله الموفق والمعین باب اول در آداب جامه و کفش پوشیدن
فصل اول در فضیلت تجمل و زینت کردن بدانکه موافق احادیث
معتبره بسیار زینت کردن و جامهای فاخر و نو پوشیدن هرگاه
از حلال بهم رسد و مناسب حال او باشد سنت است و موجب
خوشنودی پروردگار است و اگر از حلال بهم نرسد بهر چه میسر شود
باید قناعت نماید و تحصیل زیادتیهای لباس را مانع عبادات
الهی نگرداند و اگر حقتعالی روزی بر او فراخ گرداند در خوردن
بخورد و بپوشد و صرف نماید و به برادران دینی مؤمن بدهد
روزی بر او تنگ شود قناعت نماید و بحرام و شبهه خود را آلوده
ننماید چنانچه در حدیث معتبر از حضرت امام جعفر صادق
منقولست که هرگاه خدا نعمتی به بنده خود کرامت فرماید و اثر
آن نعمت بر او ظاهر شود او را دوست خدا مینامند و یاد کننده
نعمت پروردگار خود خواهد بود و در حدیث دیگر از حضرت

منقولست

منقولست که هرگاه حقتعالی نعمتی بر بنده خود کرامت فرماید
دوست دارد که اثر آن نعمت را بر او ببیند و از حضرت امیر
المؤمنین علیه السلام منقولست که باید از برای برادر
مؤمن خود زینت کنند چنانچه از برای بیگانه زینت میکنید
که خواهید شما را به نیکوترین هیئاتی ببیند و در حدیث دیگر
بسند معتبر منقولست که علی ابن موسی الرضا علیه السلام
در تابستان بر روی حصیر می‌نشستند و در زمستان
بر روی پلاس و در خانه جامهٔ کهنه می‌پوشیدند و چون
بیرون می‌آمدند برای مردم زینت میکردند و از حضرت
صادق علیه السلام منقولست که حقتعالی زینت و اظهار
نعمت را دوست میدارد و ترک زینت و اظهار بدحالی را
دشمن میدارد دوست میدارد که اثر نعمت را در بندهٔ خود
ببیند باینکه جامهٔ خود را خوشبو کند و خانه را نیکو

دارد و ساحتهای خانه را بروبید حتی آنکه چراغ پیش از فرو رفتن
آفتاب روشن کردن فقر را زائل میکند و روزی را زیاد میکند
و از حضرت امیر المؤمنین منقولست که خوشا جمعی را خلق کرده است
که برای شفقت دنیا را بر ایشان تنگ کرده است و محبت دنیا را
از ایشان برداشته است پس بسوی آخرت که خدا ایشان را بسوی آن خوانده
راغب گردیده اند و بر تنگی معاش و مکروهات دنیا صبر میکنند و
مشتاقند بآنچه نزد خداست از کرامت ابدی و جان خود را در رضای
خدا در باخته اند و آخر کار ایشان شهادتست پس چون بنشأه
آخرت روند خدا از ایشان خوشنود باشد و میدانند که مرگ را اهلیت
که همه را در پیش است پس توشه برای آخرت خود اندوخته اند و طلا و نقره برای
خود جمع نکرده اند و بقوت ضروری قناعت مینمایند و زیاده‌ها را
در راه خدا میدهند که توشهٔ آخرت ایشان باشد و از برای رضای خدا
با نیکان دوستی میکنند از برای خداوند عز و جلت
عظمته و با دشمنان خدا دشمنی میکنند از برای خدا

وحکم در میان مردم میکرد مردم را با لباس او کاری نبود و از او عدالت
در حکم میخواستند امام میباید که آنچه گوید راست گوید و هرگاه
وعده کند وفا کند و حکم بعدالت کند خدا حلال را بر کسی حرام نکرده
است و اندکی و بسیار حرام را حرام کرده است پس خواندند این
آیه را که قل من حرّم زینة الله و بسیاری از مناسب این فصل را
در کتاب عین الحیوة ایراد نموده ام **فصل دویم** از باب اول در بیان جامه‌های
که حرام است پوشیدن آنها بدانکه مردان را جامه حریر پوشیدن
و جامه طلا بافت پوشیدن حرام است و احوط آنست که عرقچین
و کیسه و چیزهائی که عورت را بآن نتوان پوشید هم از حریر نباشد
و باز احوط آنست که اجزای جامه مانند سجاف حریر نباشد و بهتر آنست
که چیزی که با ابریشم مخلوط کنند یا پشم یا ریسمان یا کتان باشد و اولی
آنست که بقدر ده یک یا زیاده باشد و اگر مجموع تار یا مجموع پود
غیر حریر باشد بهتر خواهد بود و باید که پوست حیوان مرده نباشد
هرچند که دباغی کرده باشند بنا بر اشهر بین الاصحاب و پوست حیوانی
[illegible] که قابل تذکیه نیست نباشد و در نماز باید که پوست و پشم
و مو و شاخ و دندان و سایر اجزای حیوانی که گوشتش حرام است

باشد و در سمور و سنجاب و خزی که الحال معروفست خلافست و احوط
اجتنابست اگرچه اظهر در سنجاب و خز آنست که نماز در آنها جایز است و بهتر
آنست که جامه که در زیر آن جامها یا در بالای آنها پوشیده باشند نماز
نکنند مبادا موی چسبیده باشد و بهتر آنست که ولی اطفال غیر
بالغ را نیز منع نماید از پوشیدن حریر و طلا و بسند معتبر منقولست
که حضرت رسول الله ص بحضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه فرمود
که یا علی انگشتری طلا در دست مکن که آن زینت تست در بهشت و جامه
حریر مپوش که آن پوشش تست در بهشت و در حدیث دیگر فرمود
که جامه حریر مپوش که حق تعالی بسبب این در قیامت پوستت را بآتش
می سوزاند و از حضرت امام جعفر صادق ع پرسیدند که جایز است
مرد را که اهل خود را بطلا زینت کند گفت بلی زنان و کنیزان را اما پسران را
نه و در حدیث دیگر وارد است که آنحضرت فرمود که دیدم امام محمد
باقر علیه السلم فرزندان و زنان خود را بزیور طلا و نقره زینت میفرمود
و باکی نیست و ممکنست که مراد از فرزندان دختران باشد و احتمال
دارد که شامل پسران نابالغ هم باشد و احوط اجتنابست **فصل**
سیم از باب اول در پوشیدن پنبه و کتان و پشم بهترین جامها جامه ایست

که از پنبه بافته باشند و بعد از آن کتانست و جامه پشمینه را همیشه
پوشیدن و لباس خود قرار دادن کراهت دارد اما گاهی برای قناعت
یا دفع سرما پوشیدن بد نیست چنانچه بسند معتبر از حضرت
امیر المؤمنین صلوات الله علیه منقولست که بپوشید جامه پنبه
که پوشش رسول خدا صلی الله علیه و آله است و پوشش ما اهل بیت است
و حضرت رسول ص جامه مو و پشم نمی پوشیدند مگر از برای علتی
و در حدیث معتبر دیگر از حضرت صادق ع منقولست که نباید پوشید
جامه پشم و مو مگر برای عذری و در روایت دیگر از حسین بن
کثیر منقولست که حضرت صادق ع را دید که پیراهن کنه پوشیده و
جامه پشمینه بر بالای آن پوشیده و بر بالای آن پیراهن کنه پوشیده
گفت فدای تو شوم مردم کراهت دارند از پوشیدن جامه پشمینه حضرت
فرمود که پدرم می پوشید و حضرت امام زین العابدین می پوشید
و هرگاه بنماز می ایستادند کنده ترین جامها را می پوشیدند و ما نیز چنین
میکنیم و از حضرت رسول ص منقولست که فرمود پنج چیز است که تا مردن
ترک نمیکنم بر روی زمین با غلامان چیزی خوردن و بر الاغ جل دار
سوار شدن و بز را بدست خود دوشیدن و سلام بر اطفال کردن

وجامه پشمینه پوشیدن و وجه جمع میان این احادیث آنست که اگر
پوشیدن شال را زی خود قرار دهند و بآن ممتاز شوند از دیگران
مذموم است امّا اگر گاهی برای قناعت یا شکستگی یا دفع سرما بپوشند
قصوری ندارد و مؤید این معنی است آنچه در حدیث ابوذر وارد
شده است که حضرت رسول ص فرمود که در آخر الزمان گروهی بهم رسند
که جامه پشمینه در تابستان و زمستان بپوشند گمان کنند که ایشانرا
باین سبب بر دیگران فضلی و زیادتی هست آن جماعت را لعنت کنند
ملئکه آسمانها و زمین و از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه
منقولست که کتان از پوشش پیغمبرانست و از حضرت صادق صلوات
الله علیه منقولست که پوشیدن کتان بدن را فربه میکند و در حدیث
دیگر منقولست که حضرت علی بن الحسین صلوات الله علیه جامه خز بهزار
درهم یا پانصد درهم میخریدند و در زمستان می پوشیدند و چون
زمستان میگذشت میفروختند و قیمتش را تصدق میفرمودند

فصل چهارم از باب اول در بیان رنگهائی که در جامه سنت یا مکروه هست

بهترین رنگها در جامه سفید است و بعد از آن زرد و بعد از آن سبز
و بعد از آن سرخ نیم رنگ و کبود و عدسی مکروه هست سرخ تیره خصوصا

در نماز و پوشیدن جامه سیاه کراهت شدید دارد و در همه حال
مگر در عمامه و عبا و موزه و اگر عمامه و عبا هم سیاه نباشد بهتر است
و در چند حدیث معتبر از حضرت رسول ص منقولست که بپوشید
جامه سفید که آن نیکوتر و پاکیزه ترین رنگهاست و مردهای خود را
در آن کفن کنید و از حضرت صادق ع مرویست که حضرت امیر المؤمنین
صلوات الله علیه در اکثر اوقات جامه سفید می پوشیدند
و حفص مؤذن روایت کرده است که دیدم حضرت امام جعفر صادق
علیه السلم را در میان قبر و منبر نماز میکرد و جامه زردی برنگ به
پوشیده بود و در حدیث حسن از زراره منقولست که حضرت
امام محمد باقر علیه السلم بیرون آمد و جبه خز زرد و عمامه خز زرد
و رداء خز زرد پوشیده بود و در حدیث معتبر منقولست که حکم
بن عتیبه بخدمت حضرت امام محمد باقر ع رفت دید که جامه سرخ تیره
که بگل کافشه رنگ کرده بودند پوشیده است حضرت فرمود که در
این جامه چه میگوئی حکم گفت که چه گویم در چیزی که شما پوشیده باشید
امّا جوانان شوخ که در میان ما این جامه را می پوشند ما ایشانرا عیب
میکنیم حضرت فرمود که زینت خدا را کی حرام کرده است بعد از آن فرمود

که باین سبب این جامه را پوشیده ام که تازه داماد شده ام و در حدیث
حسن از حضرت امام جعفر صادق ع منقولست که جامه سرخ تیره پوشیدن
کراهت دارد مگر برای نو داماد و در حدیث معتبر از یونس منقولست
که حضرت امام رضا ع را دیدم که طیلسان کبودی پوشیده بودند و از
حسن زیات منقولست که دیدم حضرت ابی جعفر علیه السلم را که جامه برنگ
گل سرخ پوشیده بودند و محمد بن علی روایت کرده است که حضرت
امام موسی علیه السلم را دیدم که جامه عدسی پوشیده بودند و از ابی العلا
منقولست که حضرت صادق ع را دیدم در حال احرام که برد یمنی سبزی
پوشیده بودند و از حضرت امام جعفر ع منقولست که جبرئیل در روز
آخر ماه مبارک رمضان بر حضرت رسول صلی الله علیه و آله نازل شد
بعد از نماز عصر چون بآسمان رفت حضرت رسول ص حضرت فاطمه صلوات
الله علیها را طلب نمود و فرمود که شوهر خود علی را طلب بس چون حاضر
شدند حضرت امیر المؤمنین ع را در جانب راست نشانید دستش را
گرفت و بر دامن خود گذاشت و حضرت فاطمه را در جانب چپ نشانید
دستش را گرفت و در دامن گذاشت پس فرمود که میخواهید شما را خبر
دهم بآنچه جبرئیل مرا بآن خبر داد گفتند بلی یا رسول الله فرمود که جبرئیل

گفت

گفت که در قیامت من در جانب راست عرش خواهم بود و خداوند
جامه بمن پوشاند یکی سبز و دیگری سرخ برنگ گل و تو یا علی در جانب
راست عرش باشی و دو جامه چنین در تو پوشانند پس راوی عرض کرد
که مردم رنگ سرخ چنین را مکروه میدانند حضرت فرمود که چون خدا
حضرت عیسی را بآسمان برد دو جامه چنین بر او پوشانید و بسند
معتبر از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه منقولست که مپوشید جامه
سیاه که آن پوشش فرعونست و در حدیث معتبر منقولست که شخصی
از حضرت صادق علیه السلم پرسید که در کلاه سیاه نماز بکنم فرمود
که نماز در آن مکن که لباس اهل جهنم است و از حضرت رسول ص منقولست
که مکروهست سیاه مگر در سه چیز در موزه و عمامه و عبا

فصل پنجم از باب اول

در بعضی آداب جامه پوشیدن جامهای دراز پوشیدن
و آستین جامه را دراز کردن و جامه را از روی تکبر بر خاک کشیدن
مکروه و مذموم است و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلم منقولست
که حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه رفت ببازار و سه جامه
برای خود خرید بیک اشرفی پیراهن را تا نزدیک بر بند پا ولنگ را
تا نیمه ساق و ردا را از پیش تا پستان و از عقب تا پایین تر از کمر بست

باسمان برداشت و پیوسته حمد الهی مینمود بر این نعمت تا بجانه باز گشت و
حضرت صادق ع فرمود که جامه آنچه از عوزك پا میگذرد در آتش جهنم
است و از حضرت امام موسی کاظم صلوات الله علیه منقولست که حق تعالی
بپیغمبرش فرمود که وثیابك فطهر که ترجمه لفظش اینست که جامهای خود را
پس پاك کردان حضرت فرمود که جامهای آنحضرت پاك بود ولیکن مراد
الهی این است که جامه را کوتاه کن که آن آلوده نشود و در روایت دیگر
یعنی بردار که بزمین کشیده نشود و در روایت حسن از حضرت باقر
ع منقولست که حضرت رسول ص شخصی را وصیت فرمود که زنهار که
پیراهن و ازار خود را بلند مساویز که این از تکبر است و خدا تکبر را
دوست نمیدارد و در حدیث معتبر منقولست که حضرت امیر المؤمنین
صلوات الله علیه چون پیراهن می پوشیدند آستین را میکشیدند
آنچه از سر انگشتان میگذشت میبریدند و حضرت رسول ص با بوذر
فرمود که هر که از روی تکبر جامه اش را بر زمین کشد حق تعالی در قیامت
نظر رحمت باو نفرماید و ازار مرد تا نصف ساق است و تا بند پا هم

فصل ششم از باب اول

جایز است و زیاده در آتش است در پوشیدن
لباسی که مخصوص زنان یا کافران باشد حرام است مردان را پوشیدن

لباسی

لباسی که مخصوص زنان باشد مانند یحك و مقنعه و نیمتنه و همچنین
حرام است زنان را پوشیدن لباسی که مخصوص مردان باشد مانند
کلاه و قبا و عمامه و هیچکس را جایز نیست پوشیدن لباسی که مخصوص
کافران باشد مانند زنار و کلاههای فرنگی و از حضرت امام
محمد باقر ع منقولست که جایز نیست زن را که شبیه بمردان شود زیرا
که رسول خدا صلی الله علیه و آله لعنت کرد مردانی را که شبیه بزنان
شوند و لعنت کرد زنانی را که شبیه بمردان شوند و از حضرت امام
جعفر ع مرویست که خدای عز و جل وحی فرمود بپیغمبری از پیغمبرانش
که بگو بمؤمنان که بپوشند جامهای دشمنان مرا و نخورند طعام دشمنان
مرا و مسلك دشمنان من سلوك ننمایند که ایشان نیز مانند آنها دشمنان
من خواهند بود

فصل هفتم از باب اول

در آداب عمامه بستن عمامه بر سر بستن
سنتست و با عمامه تحت الحنك بستن سنت است و یك طرف عمامه را
از پیش و دیگری را از عقب انداختن بروش سادات مدینه مشرفه
سنتست و شیخ شهید علیه رحمه گفته است که عمامه ایستاده پیچیدن
سنتست و از حضرت رسول ص منقولست که عمامه تاج عربانست
هرگاه که عمامه را بر طرف کنند خدا عزتشانرا بر طرف میکند و در حدیث

حسن از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که هر که عمامه بر بپیچد
بر سر و تحت الحنک نه بندد و باو دردی برسد که دوا نداشته باشد
پس ملامت نکند مگر خود را و از حضرت امام رضا ع منقولست که حضرت
رسول ص عمامه بستند و یک طرف عمامه را از طرف پیش انداختند و
دیگری را از عقب و حضرت جبرئیل نیز چنین کردند و از حضرت امام محمد
باقر علیه السلام منقولست که ملئکه در روز بدر عمامهای سفید در سر
داشتند و علاقها انداخته بودند و از حضرت صادق ع منقولست
که حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله بر سر حضرت امیر المؤمنین
صلوات الله علیه عمامه بدست مبارک خود پیچیدند و یک سر عمامه را
از پیش رو آویختند و طرف دیگر را بقدر چهار انگشت کوتاه تر از عقب
سر آویختند پس فرمودند برو رفت فرمودند که بیا آمد آنگاه فرمودند
که چنین است والله تاجهای ملئکه و در فقه رضوی علیه السلام مذکور است
که هرگاه عمامه بر سر گذاری این دعا بخوان بِسْمِ اللهِ اَللّٰهُمَّ ارْفَعْ
ذِکْرِی وَاَعْلِ شَأْنِی وَاَعِزَّنِی بِعِزَّتِکَ وَاَکْرِمْنِی بِکَرَمِکَ بَیْنَ یَدَیْکَ
وَبَیْنَ خَلْقِکَ اَللّٰهُمَّ تَوِّجْنِی بِتَاجِ الْکَرَامَةِ وَالْعِزِّ وَالْقَبُولِ
و در مکارم الاخلاق از کتاب نجات نقل کرده است که این دعا بخوانند

اَللّٰهُمَّ سَوِّمْنِی بِسِیمَاءِ الْاِیمَانِ وَتَوِّجْنِی بِتَاجِ الْکَرَامَةِ وَقَلِّدْنِی
حَبْلَ الْاِسْلَامِ وَلَا تَخْلَعْ رِبْقَةَ الْاِیمَانِ مِنْ عُنُقِی و گفته است که باید
که عمامه را ایستاده بپیچد و حضرت رسول ص چند قسم کلاه داشتند
که در سر میگذاشتند و در کلاههای دراز که برطله میگویند وارد
شده است که پوشیدن آنها زی یهود است و علما گفته اند که
مکروهست و از بعضی احادیث ظاهر میشود که پایین کلاه را شکستن
و برگردانیدن مکروهست و از حضرت رسول ص منقولست که هرگاه
کلاههای ترک دار در میان امت من بسیار شود زنا کردن در میان
ایشان شایع شود و کلاه ترک دار ظاهرا مانند قاو و قاو و کلاه بکتاشی
وامثال آن باشد **فصل هشتم** از باب اول در آداب زیرجامه پوشیدن
از حضرت ابی عبدالله صلوات الله علیه منقولست که حق تعالی وحی فرمود
بحضرت ابرهیم که زمین بمن شکایت میکند از دیدن عورت تو پس میان
عورت خود و زمین حجابی قرار ده پس زیرجامه تا زانو بعمل آورد
و پوشیدن و از جامع بزنطی روایت شده است که هر که زیرجامه را
ایستاده بپوشد تا سه روز حاجتش برآورده نشود و در فقه رضوی
مذکور است که زیرجامه را نشسته بپوش و ایستاده مپوش که مورث

هلاک و زرداب و غم و الم میشود و در وقت پوشیدن این دعا بخوان
بسم الله اللهم استر عورتی ولا تهتکنی فی عرصات القیمة وأعف
فرجی ولا تخلع عنی زینة الایمان و در مکارم الاخلاق از کتاب
نجات نقل کرده است که این دعا بخواند اللهم استر عورتی وامن
روعتی واعفف فرجی ولا تجعل للشیطان فی ذلک نصیبا ولا له
الی ذلک وصولا فیضع لی المکائد ویهیجنی لارتکاب محارمک
و از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه منقولست که پیغمبران
علیهم السلم پیراهن را پیش از زیرجامه می پوشیدند و در روایت
دیگر وارد شده است که ایستاده و رو بقبله و رو بآدم مپوش
و از حضرت امیر المؤمنین ع منقولست که زیرجامه را ایستاده پوشیدن
مورث اندوه هست **فصل نهم** در آداب جامه نو بریدن و
پوشیدن بسند صحیح از حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه منقولست
که چون کسی جامه نو بپوشد این دعا بخواند اللهم اجعله ثوب
یمن وتقی وبرکة اللهم ارزقنی فیه حسن عبادتک وعملا بطاعتک
وأداء شکر نعمتک الحمد لله الذی کسانی ما اواری به عورتی
واتجمل به فی الناس و بسند معتبر از حضرت امیر المؤمنین ع

منقولست که رسول خدا صلی الله علیه و آله این دعا را تعلیم من نمود که
در وقت پوشیدن جامه نو بخوانم الحمد لله الذی کسانی من
اللباس ما اتجمل به فی الناس اللهم اجعلها ثیاب برکة اسعی فیها
لمرضاتک واعمر فیها مساجدک پس فرمود که یا علی هر که این دعا بخواند
چون جامه را بپوشد آمرزیده شود و در حدیث دیگر از حضرت موسی بن
جعفر علیهما السلم منقولست که سزاوار است که کسی که جامه نو بپوشد دست
بر آن بمالد و بگوید الحمد لله الذی کسانی ما اواری به عورتی و
اتجمل به فی الناس واتزین به بینهم و از حضرت ابی عبد الله ع
منقولست که هر که آبی در ظرف نوی بکند و سی و دو مرتبه سوره انا انزلناه
فی لیلة القدر بر آن آب بخواند و بر جامه نو بپاشد در هنگام پوشیدن
پیوسته در فراخی روزی باشد تا تاری از آن جامه باقی باشد و در
حدیث دیگر از آنحضرت مرویست که چون جامه نو بپوشی بگو لا اله
الا الله محمد رسول الله تا از آفتها نجات یابی و چیزی را که دوست
داری بسیار آنرا یاد مکن که آنرا در هم میشکند و چون بکسی کاری داشته
باشی در غایبانه او را دشنام مده که در دل او اثر میکند و بسند معتبر منقولست
که حضرت علی بن موسی الرضا ع چون جامه نو می پوشیدند جامها در جانب

راست میکذاشتند و چون رخت نوی می پوشیدند قدح آبی میطلبیدند
و سوره قل هو الله احد و سوره قل یا ایها الکافرون هریک ده نوبت
در آن ظرف میخواندند و آن آب را بر جامه می پاشیدند و میفرمودند
که هر که چنین کند پیوسته در فراخی روزی باشد مادام که تاری
از آن جامه باقیست و بسند معتبر از حضرت امیر المؤمنین صلوات
الله علیه منقولست که چون خدا جامه نوی بکسی عطا فرماید و بپوشد
باید که وضو بسازد و دو رکعت نماز بگذارد و در هر رکعت سوره
حمد و آیة الکرسی و قل هو الله احد و انا انزلناه فی لیلة القدر بخوانند
پس حمد کند خداوندی را که عورت او را پوشانیده و در میان مردم
او را مزین ساخته و بسیار بگوید لا حول و لا قوة الا بالله العلی
العظیم پس اگر چنین کند در آن جامه معصیت خدا نکند و بعدد
هر تاری که در آن جامه است ملکی خدا را بپاکی یاد کند و برای او استغفار
کند و بر او ترحم کند و بسند معتبر از حضرت صادق ع منقولست
که هر که جامه نوی ببرد و آبی در ظرف کند و سی و شش مرتبه سوره
انا انزلناه را بخواند و هر گاه که بآیه تنزل الملائکة برسد
اندکی از آب را بزند بر جامه بپاشد پس دو رکعت نماز بکند و دعا کند

و بگوید الحمد لله الذی رزقنی ما اتجمل به فی الناس و اواری
و له به عورتی و اصلی فیه لربی و خدا را شکر کند پیوسته در
فراخی نعمت باشد تا آن جامه کهنه شود **فصل دهم** از باب اول در ستر
آداب جامه پوشیدن و کندن از حضرت رسول ص منقولست که نهی فرمود
از عریان شدن در شب و روز و از حضرت امیر المؤمنین صلوات
الله علیهم منقولست که هر گاه مرد عریان شود شیطان بسوی آن نظر
میکند و طمع میکند در آنکه او را بمعصیت در آورد و فرمود که سزاوار
نیست مرد را که جامه خود را از ران خود دور کند در وقتی که در میان
جماعتی نشسته باشد و فرمود که چون جامه خود را از بدن بیرون آورید
بسم الله بگوید تا جنیان نپوشند و اگر نگوید جنیان آن جامه را
می پوشند تا صبح و از حضرت امام جعفر صادق ع منقولست که سزاوار
نیست زن مسلمان را که دو پاک و پیراهنی بپوشد که تن نما باشد و
از حضرت امام محمد باقر ع منقولست که عرض مقنعه حضرت فاطمه صلوات
الله علیها آنقدر بود که تا نصف بازوی آنحضرت میرسید و همه زنان
باید چنین کنند و از حضرت صادق علیه السلم بسند معتبر منقولست
که ادنای اسراف آنست که جامه اندرون و بیرون یکی باشد و د دیگر

منقولست که اسحق بن عمار از آنحضرت پرسید که می تواند بود که مؤمن ده
پیراهن داشته باشد فرمود که بلی گفت که بیست پیراهن فرمود که بلی
این اسراف نیست اسراف آنست که جامه که باید برای زینت نگاه داشت
بعوض جامه که در وقت دیگر پوشند بپوشی و در روایت دیگر از
حضرت امام موسی ع سؤال کردند که کسی ده پیراهن داشته باشد
اسرافست فرمود که نه بلکه از برای محافظت جامه این بهتر است بلکه
اسراف آنست که جامه نگاه داشتنی را در جاهای کثیف بپوشی و از حضرت
باقر ع منقولست که تاه کردن جامه راحت جامه است و بیشتر باقی میماند
و فرمود که جامه پاکیزه پوشیدن دشمن را منکوب میکند و از حضرت
امیر المؤمنین صلوات الله علیه منقولست که شستن جامه اندوه و غم را
برطرف میکند و موجب قبولی نماز میگردد و حضرت رسول ص فرمود
که هر که جامه پوشد باید که پاکیزه باشد و از حضرت امیر المؤمنین ع
منقولست که شش چیز است که از اخلاق قوم لوط است کمان گلوله انداختن
و سنگ ریزه انداختن بیکدیگر و کندر را خاییدن در راهها و جامه بر زمین
کشیدن از روی تکبر و بندهای قبا و پیراهن را گشودن و بسند معتبر از
منقولست که شخصی بخدمت حضرت صادق ع آمد دید که گریبان

۱۳

جامه را پینه کرده اند آن شخص بتعجب نظر میکرد حضرت فرمود که چرا چنین
نظر میکنی گفت که از پینه جامه تعجب میکنم کتابی در پیش حضرت گذاشته
بود فرمود که بخوان در آنجا نوشته بود که ایمان ندارد کسی که حیا ندارد
و مال نیست کسی را که معیشت خود را باندازه نکند و نو نیست کسی را
که جامه کهنه ندارد و حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه فرمود
که آن قدر پینه بر جامه خود زدم که شرم کردم از آنکس که بر آن پینه
میزد و از حضرت صادق ع منقولست که هر که گریبان جامه را پینه
زند و کفش را پینه کند و چیزی که برای خانه خود خرد خود بردارد
و بخانه برد از تکبر ایمن گردد فصل یازدهم از باب اول در رنگ نعلین و موزه
و کفش و چگونگی آنها بهترین رنگها در نعل و کفش رنگ زرد است و
بعد از آن سفید و بهترین رنگها در موزه و چکمه رنگ سیاه است و در سفر
سرخ خوبست و در حضر کراهت دارد و در نعل سنتست که پیش و عقبش
بلند باشد و میانش تهی باشد و همه اش بر زمین نچسبد و غیر این مکروهست
و ظاهر آنکه کفش نیز این حکم داشته باشد که کفش سر پائی مکروه باشد
و بسند معتبر از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه منقولست
که کفش نیکو پوشیدن بدن را از بلاها نگاه میدارد و معین است بر نماز

نماز و وضو و در حدیث دیگر فرمود که هر که خواهد که عمرش دراز باشد
چاشته را بامداد بخورد و کفش نیکو بپوشد و ردا و بالاپوش را سبک
کند و با زنان بسیار جماع نکند و حضرت صادق ع فرمود که اول
کسی که نعلین پوشید حضرت ابرهیم ع بود و در حدیث معتبر از آنحضرت
منقولست که نعل هموار پوشیدن که همه اش بزمین رسد پوشش یهود است و
بر مذمت اینقسم احادیث بسیار وارد شده است و در احادیث
معتبره وارد شده است که نعل سیاه مپوش که چشم را ضعیف میکند
و ذکر را سست میکند و مورث اندوه و غم است و بر تو باد بنعل زرد
که چشم را جلا میدهد و ذکر را سخت میکند و غم را بر طرف میکند و
پوشش پیغمبرانست و در حدیث دیگر وارد شده است که پوشیدن نعل
سیاه موجب خیلا و تکبر است و هر که بپوشد در قیامت با جباران
محشور شود و از حضرت امام محمد باقر ع منقولست که هر که نعل زرد بپوشد
تا آنرا پوشیده باشد در شادی و سرور باشد زیرا که حق تعالی در وصف
بقرهٔ بنی اسرائیل میفرماید که صَفْرَاءُ فَاقِعٌ لَوْنُهَا تَسُرُّ النَّاظِرِينَ یعنی
زرد بسیار زردی که شاد گرداند نظر کنندگان را و بسند معتبر از
سدید صراف منقولست که بخدمت حضرت امام جعفر ع رفتم و نعل

سفید پوشیده بودم فرمود که آیا دانسته این نعل را پوشیده بین فرمود
که هر که داخل بازار شود و نعل سفیدی بخرد کهنه نکند آنرا مگر
آنکه کسب کند مالی را از جایی که گمان نداشته باشد راوی گوید که سند بد
مرا خبر داد که هنوز آن نعل کهنه نشده بود که صد اشرفی از جایی بدستم
آمد که گمان نداشتم و در حدیث دیگر وارد است که هر که نعل زرد
یا سفید بپوشد او را مال و فرزندان بهم رسد و هر که نعل سیاه بپوشد
هیچیک را نیابد و در حدیث معتبر از حضرت صادق ع منقولست
که موزه پوشیدن نور چشم را زیاد میکند و در روایت دیگر فرمود
که مداومت پوشیدن موزه امان میدهد از مرض سل و از مرلبد
و داود رقی روایت میکند که حضرت امام جعفر صادق ع را دیدم
در سفر که موزه سرخ پوشیده بودند پرسیدم که این موزه سرخ چیست
فرمود که اینرا برای سفر گرفته ام و از برای گل و باران خوبست اما در حضر
هیچ رنگ بهتر از سیاه نیست

فصل دوازدهم از باب اول در آداب پوشیدن نعل و موزه و کفش

بسندهای معتبر از حضرت امام محمد باقر و امام جعفر
صادق صلوات الله علیهما منقولست که چون نعل پوشی ابتدا بپای راست
بکن و در وقت کندن ابتدا بپای چپ کن و فرمودند که هر که با یکتای کفش

براه رود یعنی یک پا در کفش باشد و دیگری برهنه شیطان بر او دست
یابد و دیوانه شود و از عبد الرحمن بن کثیر منقولست که گفت در خدمت
حضرت صادق ع براهی میرفتیم بند نعل آنحضرت گسیخت من بندی دیگر
از آستین خود بدر آوردم و نعل را باصلاح آوردم و حضرت دست
بر دوش من انداخته بودند پس فرمودند که هر که مؤمنی را بردارد برای
اصلاح نعل او چون در قیامت از قبر بیرون آید حق تعالی او را بر ناقه
کرم روی سوار کند تا در بهشت را بکوبد و از یعقوب سراج منقولست
که براهی در خدمت آنحضرت میرفتیم بند نعل آنحضرت پاره شد حضرت
پای پیاده روانه شدند عبد الله بن ابی یعفور بند نعل خود را گشود
و بنزد آنحضرت آورد قبول نفرمود و گفت که صاحب مصیبت اولی است
که بر آن صبر نماید و عبد الرحمن بن ابی عبد الله ع روایت کرده است
که در خدمت آنحضرت بدیدن شخصی رفتیم چون داخل شدند نعل را از
پا بیرون آوردند و فرمودند که نعلها را بیرون کنید که کندن نعل راحت
قدم است و منقولست که حضرت رسول ص نهی فرمود از راه رفتن
با یکتای نعل و از ایستاده پوشیدن نعل و دور نیست که کراهت ایستاده
پوشیدن مخصوص نعلی باشد که بندهایش را می باید بست و در حدیث

دیگر از آنحضرت منقولست که سه چیز است که هر که کند بیم آن هست که
دیوانه شود غایط کردن در میان قبرها و با یک موزه راه رفتن و در خانه
تنها خوابیدن و از حضرت امام جعفر صادق ع منقولست که مداومت
بر پوشیدن موزه امان میدهد از خوره و در فقه الرضا ع مذکور است
که چون خواهی که موزه یا کفش بپوشی ابتدا بپای راست بکن و بگو بسم الله
وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَعَلٰى آلِ مُحَمَّدٍ اَللّٰهُمَّ وَطِّئْ قَدَمَيَّ
فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَثَبِّتْهُمَا عَلَى الْإِيمَانِ وَلَا تُزَلْزِلْهُمَا يَوْمَ زَلْزَلَةِ
الْأَقْدَامِ اَللّٰهُمَّ وَقِنِي مِنْ جَمِيعِ الْآفَاتِ وَالْعَاهَاتِ وَمِنَ الْأَذَى
و چون خواهی بکنی بگو اَللّٰهُمَّ فَرِّجْ عَنِّي كُلَّ غَمٍّ وَهَمٍّ وَلَا تَنْزِعْ عَنِّي حُلَّةَ
الْإِيمَانِ و در مکارم الاخلاق از کتاب نجات نقل نموده که موزه و نعل
نشسته بپوش و در وقت پوشیدن بگو بِسْمِ اللّٰهِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ
وَآلِ مُحَمَّدٍ وَوَطِّئْ قَدَمَيَّ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَثَبِّتْهُمَا عَلَى الصِّرَاطِ يَوْمَ
تَزِلُّ فِيهِ الْأَقْدَامُ و در وقت کندن ایستاده بکن و بگو بِسْمِ اللّٰهِ
الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي رَزَقَنِي مَا أَتَّقِي بِهِ قَدَمَيَّ مِنَ الْأَذَى اَللّٰهُمَّ ثَبِّتْهُمَا
عَلَى صِرَاطِكَ وَلَا تُزِلَّهُمَا عَنْ صِرَاطِكَ السَّوِيِّ

باب دویم

در آداب حلی و زیور پوشیدن مردان و زنان و سرمه کشیدن و در

آینه نظر کردن و خضاب کردن **فصل اول از باب دوم** در فضیلت انگشتر بدست
کردن و آداب آن سنت است مردان و زنان انگشتر در دست راست
کردن و در بعضی از احادیث تجویز فرموده اند که در دست چپ بکنند
اما اگر نقش شریفی یا نگین شریفی داشته باشد باید که در وقت استنجا
بیرون آورد و در حدیث صحیح از حضرت امام رضا ع منقولست که اگر
خواهی انگشتر را بدست راست کن و اگر خواهی بدست چپ و بسند
معتبر از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه منقولست که حضرت رسول
ص انگشتر در دست راست میکردند و از حضرت امام محمد باقر ع منقولست
که حضرت رسول الله ص در دست راست میکردند و از حضرت امام
محمد باقر علیه السلام منقولست که حضرت رسول ص در دست راست میکردند
انگشتر را و از سلمان فارسی رضی الله عنه مرویست که حضرت رسول الله
ص بحضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه فرمود که یا علی انگشتر
در دست راست بکن تا از مقربان باشی فرمود که یا رسول الله کدام
مقربان فرمود که جبرئیل و میکائیل پرسیدند که چرا انگشتر در دست کنم
فرمود که عقیق سرخ بدستی که آن اقرار کرده است برای خدا بیگانگی و برای
من به پیغمبری و برای تو یا علی بانکه وصی منی و برای فرزندان تو بامامت

وبرای

و برای دوستان تو بهشت و برای شیعیان فرزندان تو بجنة الفردوس
و در حدیث معتبر منقولست که از حضرت امام موسی ع سؤال کردند
که بچه علت حضرت امیر المؤمنین انگشتر در دست راست میکردند
فرمود که زیرا که آنحضرت پیشوای اصحاب یمینست که در قیامت نامهاشان را
بدست راست میدهند و حضرت رسول ص در دست راست میکردند
انگشتر را و این علامتیست برای شیعیان ما که باین علامت ایشانرا
میشناسند و بمحافظت کردن بر وقت فضیلت نمازهای پنجگانه و بدادن
زکوة و بقسمت کردن مال خود با برادران مؤمن خود و بامر بنیکیها کردن
و بنهی از بدیها کردن و از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه
منقولست که حضرت جبرئیل ع بحضرت رسول ص گفت که هر که انگشتر
در دست راست کند و غرضش متابعت سنت تو باشد و من بینم اورا
در قیامت که متحیر مانده است دستش را بگیرم و بتو و بامیر المؤمنین
برسانم و از حضرت صادق ع منقولست که از سنت پیغمبر است انگشتر
در دست راست کردن و حضرت امیر المؤمنین ع فرمود که هر که
انگشتری در دست چپ داشته باشد که نام خدا در او باشد در وقت
استنجا بدر آورد و در دست دیگر کند و از حضرت صادق ع منقولست

که حضرت رسول صلعم نهی فرمود از انگشتر کردن در انگشت شهادة و انگشت
میان و از حضرت صادق ع منقولست که انگشتر را ببندید پایین انگشت
برسانید و در روایتی وارد شده است که انگشتر را بسر انگشتان کردن
عمل قوم لوط است و در فقه الرضا مذکور است که در وقت انگشتر
در دست کردن بگو اَللّٰهُمَّ سِمْنِی بِسِیمَاءِ الْاِیمَانِ وَاخْتِمْ لِی بِخَیْرٍ
وَاجْعَلْ عَاقِبَتِی اِلَی خَیْرٍ اِنَّکَ اَنْتَ الْعَزِیزُ الْاَکْرَمُ و ابن طاوس علیه
الرحمة روایت کرده است که این دعا بخواند اَللّٰهُمَّ سَوِّمْنِی بِسِیمَاءِ
الْاِیمَانِ وَتَوِّجْنِی بِتَاجِ الْکَرَامَةِ وَقَلِّدْنِی حَبْلَ الْاِسْلَامِ وَلَا تَخْلَعْ
رِبْقَةَ الْاِیمَانِ مِنْ عُنُقِی

فصل دوم از باب دوم

در بیان آنچه انگشتر از آن سازند
سنت است که انگشتر از نقره باشد و مردان را انگشتر طلا در دست
کردن حرام است و انگشتر آهن و فولاد و برنج مردان و زنان را مکروه هست
چنانچه منقولست از حضرت صادق علیه السلام بسند صحیح و حسن که انگشتر
رسول صلعم از نقره بود و در چند حدیث معتبر منقولست که حضرت رسول
صلعم بحضرت امیر المؤمنین ع فرمود که یا علی انگشتر طلا در دست مکن
که آن زینت تست در آخرت و از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه
منقولست که انگشتر غیر نقره در دست مکنید بدرستی که رسول خدا صلعم

فرمود

فرمود که پاک نیست دستی که در آن انگشتر آهن باشد و در حدیث دیگر
فرمود که پاک نکند خدا دستی را که در آن انگشتر آهن باشد و در حدیث
معتبر دیگر از حضرت رسول صلعم منقولست که نماز نکند مرد در انگشتر آهن
و نهی فرمود از انگشتر برنج در دست کردن و از حضرت صادق ع منقولست
که انگشتر حضرت رسول صلعم از نقره بود و نگین نداشت و بر آن نقش کرده
بودند محمد رسول الله

فصل سیم از باب دوم

در فضیلت عقیق منقولست
که حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه چهار انگشتر در دست
میکردند انگشتر یاقوت را برای شرافت و زینتش و فیروزه برای نصرت
و یاریش و حدید صینی برای قوتش و عقیق برای حرز و دفع دشمنان
و بلاها و در حدیث صحیح از حضرت علی بن موسی الرضا ع مرویست که
عقیق فقر و درویشی را برطرف میکند و در دست کردن عقیق نفاق را
زایل میکند و در حدیث صحیح دیگر از آنحضرت منقولست که هر که قرعه
بانگشتر عقیق بزند بهره او تمام تر بیرون می آید و در حدیث معتبر
از حضرت امام جعفر ع منقولست که انگشتر عقیق در انگشت کنید که
مبارکست و هر که انگشتر عقیق در دست داشته باشد امید هست که
عاقبتش مقرون بخیر و نیکی باشد و از ربیع الرای منقولست که در دست

حضرت امام زین العابدین ع انگشتر عقیقی دید پرسید که این چه نگینست
فرمود که عقیق رومیست و حضرت رسول ص فرمود که هر که انگشتر
عقیق در دست داشته باشد حاجاتش بر آورده است و از حضرت
صادق علیه السلم منقولست که انگشتر عقیق موجب ایمنی است در سفر
و در حدیث دیگر از آنحضرت منقولست که هر که انگشتری بگیرد که نگینش
عقیق باشد پریشان نشود و عاقبت کارش البته نیکو باشد و در حدیث
دیگر وارد شده است که حاکم پی شخصی فرستاده بود بسبب جرمی حضرت
صادق ع فرمود که انگشتر عقیقی باو برسانید چنان کردند مکروهی
باو نرسید و در حدیث دیگر منقولست که شخصی نزد حضرت رسول ص
آمد و شکایت کرد که دزدی در راه بمن رسید و اموال مرا برد حضرت
فرمود که چرا انگشتر عقیق در دست نداشتی که آنرا از هر بدی نگاه میدارد
آدمی را و بسند معتبر دیگر از آنحضرت منقولست که انگشتر عقیق در دست
کنند که مادام که آدمی آن انگشتر را با خود دارد اندوهی باو نمیرسد
و در حدیث معتبر دیگر فرمود که انگشتر عقیق با خود دارید که آن اول
کوهیست که اقرار کرده است از برای خدا بیگانگی و از برای من بپیغمبری
و از برای تو یا علی بامامت و در حدیث معتبر منقولست از بشیر دهان

که عرض

که عرض کردم که کدام یک از نگینها بر انگشتر خود بنشانم فرمود که چرا
غافلی از عقیق سرخ و عقیق زرد و عقیق سفید که اینها سه کوهند
در بهشت اما کوه عقیق سرخ پس مشرفست بر خانه رسول خدا صلی الله
علیه و آله و اما کوه عقیق زرد پس مشرفست بر خانه حضرت فاطمه ص
و اما کوه عقیق سفید پس مشرفست بر خانه امیر المؤمنین صلوات الله علیهم
و همه یکخانه است و از زیر هر کوهی نهر جاریست از برف سردتر و از عسل شیرینتر
و از شیر سفیدتر و نمیخورد از آن نهرها مگر آل محمد و شیعیان ایشان
و هر سه نهر از کوثر می آید و بیکجا میریزد و این سه کوه تسبیح و تقدیس
و تمجید الهی میکنند و از برای محبان آل محمد طلب آمرزش میکنند
پس هر که از شیعیان آل محمد یکی از این عقیقها را در دست داشته باشد
نبیند مگر خیر و فراخی روزی و سلامتی از جمیع بلاها و امان یابد از
شر پادشاه ظالم و از هر چه آدمی از آن میترسد و حذر مینماید و در
حدیث دیگر منقولست که شخصی را از برابر حضرت امام محمد باقر ع گذرانیدند
که تازیانه بسیار بر او زده بودند حضرت فرمود که انگشتر عقیق او
کجاست اگر با او می بود تازیانه نمیخورد و در روایت دیگر از حضرت
صادق علیه السلم منقولست که دستی بسوی آسمان بدعا بلند نمیشود که خدا

دوست تر دارد از دستی که در آن انگشتر عقیق بوده باشد و در حدیث
معتبر از حضرت امام حسین صلوات الله علیه منقولست که چون حضرت
موسی ع بر کوه طور با حق تعالی مناجات کرد و بر زمین نظر کرد حق تعالی
نور در روی او و عقیق را آفرید پس فرمود که قسم خورده‌ام بذات مقدس
خود که عذاب نکنم بآتش جهنم دستی را که انگشتر عقیق در آن باشد اگر
ولایت علی بن ابی طالب داشته باشد و در حدیث دیگر منقولست
که جبرئیل علیه السلم نازل شد بر حضرت رسول ص و گفت یا محمد پروردگارم
سلام میرساند و میگوید انگشتر را بدست راست بکن و نگینش را
از عقیق بکن و بگو بعلی بن ابی طالب بسرعت که انگشتر در دست راست
بکند و نگینش را عقیق بکند حضرت امیر المؤمنین پرسید که یا رسول الله
عقیق کدام است فرمود که کوهیست در یمن که برای خدا اقرار کرده است
بیگانگی و برای من بپیغمبری و برای تو و اولاد تو بامامت و برای شیعیان
تو ببهشت و برای دشمنان تو بجهنم و از حضرت امیر المؤمنین ع منقولست
که نماز کسی که انگشتر عقیق در دست داشته باشد بر نماز جماعتی که غیر عقیق
در دست داشته باشند بر نماز جماعتی که غیر عقیق در دست داشته باشند
بچهل درجه زیادتی دارد و سلیمان اعمش روایت کند که در خدمت حضرت

امام

امام جعفر علیه السلم رفتم در در خانه منصور عباسی پس شخصی را بیرون
آوردند که تازیانه خورده بود حضرت فرمود که ای سلیمان ببین که
انگشترش چه نگین دارد گفتم یا ابن رسول الله عقیق نیست فرمود که ای سلیمان
اگر عقیق بود تازیانه نمیزدند اورا گفتم یا ابن رسول الله دیگر بفرما فرمود
که ای سلیمان انگشتر عقیق امان می بخشد از دست بریدن گفتم دیگر
بفرما فرمود که ای سلیمان امان می بخشد از خون گفتم دیگر بفرما فرمود
که ای سلیمان خدای عز و جل دوست میدارد که بلند کنند بدعا بسوی
او دستی را که در آن نگین عقیق باشد گفتم دیگر بفرما فرمود که عجب دارم از
دستی که در آن نگین عقیق باشد چگونه خالی میماند از دینار و درهم گفتم
یا ابن رسول الله دیگر بفرما فرمود که نگاه دارنده آدمیست از هر بلائی
گفتم یا ابن رسول الله دیگر بفرما فرمود که ایمن میگرداند از فقر گفتم یا ابن
رسول الله روایت کنم این حدیث را از جدت حسین بن علی از پدرش
امیر المؤمنین صلوات الله علیهما فرمود بلی و در روایت دیگر منقولست
که دو رکعت نماز که با انگشتر عقیق باشد بهتر است از هزار رکعت که
با آن نباشد **فصل چهارم از باب سیم** در فضیلت یاقوت و زبرجد و زمرد
در سه حدیث معتبر از حضرت علی بن موسی الرضا صلوات الله علیه منقولست

که انکشتر یاقوت در دست کنید که پریشانی را زایل میکند و از حضرت
امام جعفر صادق ع مرویست که سنت است انکشتر یاقوت در دست
داشتن و از حضرت امام موسی صلوات الله علیه منقولست که انکشتر
زمرد در دست کردن موجب آسانیست که در ان هیچ دشواری نباشد
و در حدیث دیگر از حضرت امام رضا ع بهمین لفظ وارد شده است
اما بلفظ زبرجد و فرمود که انکشتر زمرد در دست داشتن فقر را بتوانگری
بدل میکند و فرمود که هرکه انکشتر یاقوت زرد در دست کند فقیر نشود
[illegible] در فضلت فیروزه و جزع یمانی از حضرت امام جعفر
صادق ع منقولست که هرکه انکشتر فیروزه در دست کند دستش فقیر
نشود و از حسن بن علی بن مهران منقولست که بخدمت حضرت امام موسی
کاظم علیه السلم رفتم در انکشت آنحضرت انکشتری دیدم که نکینش فیروزه
بود و نقشش الله الملک بود من بسیار نظر میکردم در ان انکشتر فرمود
که چه نظر میکنی کفتم که حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه انکشتر
فیروزه داشت که نقشش الله الملک بوده است فرمود که آنرا میشناسی
کفتم نه فرمود که همان انکشتر است و این سنکیست که جبرئیل برای رسول
خدا صلی الله علیه و آله بهدیه آورده است از بهشت و آنحضرت

امیر

امیر المومنین صلوات الله علیهما بخشید و از حضرت امیر المؤمنین ع
منقولست که انکشتر جزع یمانی در دست کنید که رد میکند مکر متمردان
شیاطین را و از حضرت امام رضا ع منقولست که حضرت امیر المؤمنین
صلوات الله علیه فرمود که روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله
بیرون آمدند و انکشتر جزع یمانی در انکشت کرده بودند و با ما نماز
کردند چون از نماز فارغ شدند انکشتر را بمن دادند و فرمودند که این
انکشتر را در انکشت دست راست خود کن و با آن نماز بکن که نماز در
جزع یمانی برابر هفتاد نماز است و تسبیح و استغفار میکوید و ثوابش
برای صاحبش نوشته میشود و علی بن محمد صمیری کفت که دختر جعفر بن
محمود را خواستم و بسیار او را دوست میداشتم و فرزند از و بوجود
نمی آمد رفتم بخدمت حضرت امام علی نقی صلوات الله علیه و این مطلب را
عرض کردم پس تبسم نمود و فرمود که بکیر انکشتری که نکینش فیروزه باشد
و بر آن نقش کن این آیه را رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ
چنان کردم یکسال نکذشت که از آن زن پسری بوجود آمد و از حضرت
رسول ص منقولست که خداوند عالمیان میفرماید که من شرم میکنم
از دستی که بسوی من بلند شود بدعا و در آن دست انکشتر فیروزه باشد

پس آن را نا امید برگرداند **فصل بیستم** در فضیلت در نجف و
بلور و حدید صینی و سایر نگینها بسند معتبر از مفضل بن عمر منقولست
که گفت روزی بخدمت حضرت صادق صلوات الله علیه رفتم و انگشتر
فیروزه در دست داشتم فرمود که ای مفضل فیروزه سیرگاه دیدهای
مردان و زنان مؤمنه است یا دور کرداننده دردهاست از دیدههای
ایشان و من دوست میدارم برای هر مؤمن که پنج انگشتر در دست
داشته باشد یاقوت و آن فاخرترین همه است و عقیق و آن خالص تر است
برای خدا و برای ما اهل بیت و فیروزه و آن چشم را قوت میدهد و سینه را
گشایش میدهد و قوت دل را زیاد میکند و چون پی کاری رود آن را
در دست کند پس چون برگردد حاجتش برآورده شده باشد و
حدید صینی و از او دوست نمیدارم که همیشه در دست داشته باشد
ولیکن بد نمیدانم در دست کردن آن را در وقتی که بدیدن کسی رود که
از او بترسد از اهل شر برای آنکه شر او ساکن شود و حدید صینی شیاطین را
دور میگرداند باین سبب دوست میدارم که داشته باشد پنجم آن
دری که در نجف اشرف خدا ظاهر میسازد هر که آن را در دست
کند بهر نظر کردنی بآن خداوند عالمیان زیارتی یا حج و عمره در نامه

عمل

عمل او بنویسد که ثوابش ثواب پیغمبران و صالحان باشد و اگر خدا رحم
نمیکرد بر شیعیان ما هر آینه هر نگینی از آن بقیمت بسیار میرسید ولیکن
خدا ارزان کرده است برای ایشان که توانگر و فقرا ایشان توانند در
دست کرد ابوطاهر میگوید که این حدیث را بحضرت امام حسن عسکری
علیه السلم عرض کردم فرمود که این حدیث جدم حضرت صادق ع است
گفتم شما هیچ چیز را بر عقیق سرخ اختیار نمیفرمایید فرمود که بلی برای فضیلت
بسیاری که در آن وارد شده است بدرستی که پدرم خبر داد مرا که
اول کسی که انگشتر عقیق در دست کرد حضرت آدم ع بود دید که در
عرش بنور نوشته است اَنَا اللهُ لا اِلهَ اِلّا اَنا وَحدی محمدٌ صفوتی
مِن خلقی اَیَّدتُهُ بِاَخیهِ علیٍّ وَنَصَرتُهُ بِهِ تا آخر نامهای پنجگانه آل عبا پس
چون حضرت از آن درخت میوه خورد و بزمین آمد متوسل شد
بسوی خدا باین نامهای مبارک و ببرکت این نامها خدا توبه اش را قبول
کرد پس حضرت آدم انگشتری از نقره ساخت و نگینش را از عقیق
سرخ کرد و این نامهای پنجگانه را بر آن نقش کرد و آن انگشتر را در دست راست
خود کرد پس این سنتی شد که پرهیزکاران از فرزندانش همه بسنت او عمل
کردند و از حضرت امام جعفر صادق ع منقولست که نیکو نگینیست بلور

و از حسین بن عبید الله منقولست که سؤال کرد از حضرت امام علی نقی
صلوات الله علیه که آیا خوبست انکشتر کردن سنک ریزه که از چاه
زمزم بیرون آورند فرمودند که بلی اما چون خواهد که استنجا کند
از دست بیرون آورد یعنی اکر در دست چپ باشد فصل
هفتم از باب دوم در بیان آنچه سزاوار است که در نکین نقش کنند حسن بن خالد
بخدمت حضرت امام رضا ع عرض کرد که جایز است شخصی استنجا کند و در
دستش انکشتری باشد که نقش نکینش لا اله الا الله باشد حضرت
فرمود که خوب نمیدانم اینرا از برای آن کفت مکر رسول خدا و پدران
شما با انکشتر استنجا نمیکرده اند فرمود که بلی ولیکن ایشان انکشتر را
در دست راست میکرده اند پس از خدا بترسید و افترا بر ایشان
مبندید پس فرمود که نقش نکین حضرت آدم لا اله الا الله محمد رسول
الله بود با خود از بهشت آورده بود و حضرت نوح چون بکشتی سوار
شد حق تعالی باو وحی فرستاد که ای نوح چون از غرق شدن بترسی هزار مرتبه
لا اله الا الله بکو پس دعا کن تا من ترا و مؤمنان را از غرق نجات دهم
پس چون کشتی براه افتاد باد تندی وزید و حضرت نوح از غرق ترسیدن
و او را مجال آن نشد که هزار مرتبه لا اله الا الله بکوید بزبان سریانی

کفت

کفت هلولیا الفا الفا یاما ریا اتقن پس طوفان برطرف شد و کشتی
براه افتاد پس حضرت نوح فرمود که سخنی که خدا مرا بآن نجات بخشید
سزاوار است که همیشه با من باشد پس در انکشتر خود ترجمه آنرا
بعربی نقش کرد لا اِلٰهَ اِلّا اللّٰه اَلفَ مَرَّةٍ یا رَبِّ اَصلِحنی و حضرت
ابرهیم ع را چون در کفهٔ منجنیق کذاشتند که در آتش اندازند جبرئیل
بخشم آمد حق تعالی باو وحی فرمود که چه چیز باعث غضب تو کردید است
کفت پروردکارا خلیل تست و هیچکس نیست در این وقت که ترا بیکانکی
پرستد بغیر از او و دشمن خود و دشمن او را بر او تسلط کردانیده پس
خداوند عالم باو وحی فرمود که ساکت باش که کسی تعجیل در امور میکند
که مثل تو بندهٔ عاجزی باشد که بترسد که از دستش بدر رود اما من
پس آن بندهٔ منست هرکاه که خواهم او را میکیرم پس جبرئیل خاطرش
مطمئن شد و بجانب ابرهیم ملتفت شد و کفت آیا ترا حاجتی و کاری
در اینوقت هست فرمود اما بتو پس نه پس حق تعالی انکشتری برای او
فرستاد که در آن شش حرف نقش شده بود لا اِلٰهَ اِلّا اللّٰه محمّد رسول
الله لا حَولَ وَلا قُوَّةَ اِلّا بِاللّٰهِ فَوَّضتُ اَمری اِلَی اللّٰهِ اَسنَدتُ
ظَهری اِلَی اللّٰهِ حَسبِیَ اللّٰه پس خدا وحی نمود که این انکشتر را در دست کن

که آتش را بر تو سرد و سلامتی میکردانم ونقش نگین حضرت موسی ع دو
حرف بود که از توریت بیرون آورده بود اِصْبِرْ تُوجَرْ اُصْدُقْ تَنْجُ
یعنی صبر کن تا مزد یابی راست بگو تا نجات یابی ونقش نگین حضرت سلیمن
این بود سُبْحَانَ مَنْ اَلْجَمَ الْجِنَّ بِکَلِمَاتِهِ ونقش نگین حضرت عیسی
دو حرف بود که از انجیل بیرون آورده بود طُوبٰی لِعَبْدٍ ذُکِرَ اللّٰهُ
مِنْ اَجْلِهِ وَوَیْلٌ لِعَبْدٍ نُسِیَ اللّٰهُ مِنْ اَجْلِهِ یعنی خوشا حال بنده
که خدا یاد کرده شود بسبب او و وای بر بنده که خدا فراموش شود
از خاطرها بسبب او ونقش نگین حضرت رسول صلی الله علیه وآله
این بود لا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللّٰهِ ونقش نگین حضرت امام
حسن صلوات الله علیه العِزَّةُ لِلّٰهِ بود ونقش نگین حضرت امام
حسین صلوات الله علیه اِنَّ اللّٰهَ بَالِغُ اَمْرِهِ بود وحضرت علی بن
الحسین صلوات الله علیه انگشتر پدر خود را در دست میکردند
وحضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه نیز انگشتر حضرت امام حسین را
در دست میکردند ونقش انگشتر حضرت امام جعفر صادق صلوات
الله علیه اَللّٰهُ وَلِیِّیْ وَعِصْمَتِیْ مِنْ خَلْقِهِ بود ونقش انگشتر حضرت
امام موسی صلوات الله علیه حَسْبِیَ اللّٰهُ بود پس حضرت امام رضا ع

دست

دست دراز کردند ونمودند انگشتر پدر خود را که در دست داشتند
ودر حدیث صحیح از حضرت امام جعفر صادق ع منقولست که نقش نگین
حضرت رسول ص محمد رسول الله بود ونقش نگین حضرت امیر المؤمنین
صلوات الله علیه اَللّٰهُ الْمَلِکُ بود ونقش نگین حضرت امام محمد باقر
ع العِزَّةُ لِلّٰهِ بود ودر حدیث معتبر دیگر منقولست که از آنحضرت پرسیدند
که آیا کراهت دارد که کسی در نگین غیر نام خود و پدر خود چیزی نقش کند
حضرت فرمود که نقش انگشتر من اَللّٰهُ خَالِقُ کُلِّ شَیْءٍ است ونقش انگشتر
پدرم اَلْعِزَّةُ لِلّٰهِ بود ونقش انگشتر امام زین العابدین اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الْعَلِیِّ
بود ونقش انگشتر امام حسن و امام حسین ع حَسْبِیَ اللّٰهُ بود و
نقش انگشتر امیر المؤمنین ع اَللّٰهُ الْمَلِکُ بود ودر روایت معتبر دیگر
منقولست که نقش نگین حضرت امام جعفر صادق ع این کلمات بود اَللّٰهُمَّ
اَنْتَ ثِقَتِیْ فَقِنِیْ شَرَّ خَلْقِکَ ودر حدیث صحیح از حضرت امام رضا
ع منقولست که نقش نگین حضرت امام جعفر ع اَنْتَ ثِقَتِیْ فَاعْصِمْنِیْ
مِنَ النَّاسِ بود ونقش نگین حضرت امام موسی کاظم ع حَسْبِیَ اللّٰهُ
بود ودر زیرش شکل گلی و در بالایش هلالی نقش کرده بودند ودر حدیث
صحیح دیگر منقولست که نقش نگین حضرت امام رضا ع مَا شَاءَ اللّٰهُ لَا قُوَّةَ

الا بالله بود و در حدیث معتبر دیگر از حضرت امام رضا ع منقولست
که نقش نگین حضرت امام زین العابدین ع این بود خَزِیَ وَشَقِیَ
قَاتِلُ الْحُسَیْنِ بْنِ عَلِیٍّ و عبد الله بن سنان میگوید که حضرت صادق ع
انگشتر حضرت رسول صلعم را بمن نمود نگین سیاهی داشت و در دو سطر
نوشته بود محمد رسول الله صلی الله علیه و آله و در حدیث معتبر
منقولست که حضرت رسول صلعم نهی فرمود از آنکه صورت چیزی از
حیوانات بر انگشتر نقش کنند و از حضرت صادق ع منقولست
که عقل مرد را در سه چیز امتحان میتوان کرد در درازی ریشش و
نقش انگشترش و کنیتش و در حدیث دیگر فرمود که هر که نقش کند
بر انگشترش مَا شَاءَ اللهُ لَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللهِ اَسْتَغْفِرُ اللهَ ایمن شود
از فقر شدید و از حضرت امام رضا ع منقولست که نقش نگین حضرت
امام محمد باقر ع چنین بود ظَنِّی بِاللهِ حَسَنٌ وَبِالنَّبِیِّ الْمُؤْمِنِ وَ
بِالْوَصِیِّ ذِی الْمِنَنِ وَبِالْحُسَیْنِ وَالْحَسَنِ و در روایت دیگر از حضرت
امام محمد باقر ع مرویست که انگشتر حضرت امیر المؤمنین ع از نقره بود
و نقشش نِعْمَ الْقَادِرُ اللهُ بود و در بعضی روایات وارد است که نقش
نگین امیر المؤمنین اَلْمُلْکُ لِلّٰهِ بود و در روایت دیگر آنکه انگشتری

داشتند

داشتند از حدید صینی سفید صاف و این کلمات را در آن نقش فرموده
بودند در هفت سطر و در جنگها و در شدتها در دست میکردند
کلمات اینست که اَعْدَدْتُ لِکُلِّ هَوْلٍ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ وَلِکُلِّ کَرْبٍ
لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللهِ وَلِکُلِّ مُصِیبَةٍ نَازِلَةٍ حَسْبِیَ اللهُ وَلِکُلِّ
ذَنْبٍ وَکَبِیرَةٍ اَسْتَغْفِرُ اللهَ وَلِکُلِّ هَمٍّ وَغَمٍّ فَادِحٍ مَا شَاءَ اللهُ وَ
لِکُلِّ نِعْمَةٍ مُتَجَدِّدَةٍ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ وَمَا بِعَلِیِّ بْنِ اَبِی طَالِبٍ مِنْ نِعَمِ اللهِ
فَمِنَ اللهِ و از اسمعیل بن موسی منقولست که انگشتر حضرت امام جعفر ع
تمامش از نقره بود و بر آن این نقش بود یَا ثِقَتِی قِنِی شَرَّ جَمِیعِ خَلْقِکَ
و از حضرت امام محمد باقر ع منقولست که هر که در انگشتر خود آیه از
قرآن نقش کند آمرزیده شود و ابن طاوس علیه الرحمه بروایت قاسم
بن العلا نقل کرده است از صافی خادم حضرت امام علی نقی صلوات الله
علیه که رخصت طلبیدم از آنحضرت که بزیارت جدش امام رضا صلوات
الله علیه بروم فرمود که باید با خود انگشتری داشته باشی که نگینش
عقیق زرد باشد و نقش نگین مَا شَاءَ اللهُ لَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللهِ اَسْتَغْفِرُ الله
باشد و بر روی دیگر نگین محمد و علی نقش کرده باشند چون این انگشتر را
با خود داری امان می یابی از شر دزدان و راه زنان و برای سلامتی تو

تمام تراست و دین تورا حفظ کننده تراست خادم گفت که بیرون آمدم
وانگشتری که حضرت فرموده بهم رسانیدم و برگشتم که وداع کنم چون وداع
کردم و دور شدم فرمود که مرا بر گردانند چون برگشتم گفت ای صافی
گفتم لبیک ای آقای من فرمود که باید که انگشتر فیروزه هم با خود داشته
باشی بدرستی که در میان طوس و نیشابور شیری بر خواهد خورد بتو
و قافله را منع خواهد کرد از رفتن تو پس پیش برو و این انگشتر را بشیر
بنما و بگو مولای من میگوید که دور شو از راه و باید که بر یکطرف نگین
فیروزه اللّٰه الملک نقش کنی و بر طرف دیگر الملک للّٰه الواحد القهار
زیرا که نقش انگشتر حضرت امیر المؤمنین اللّٰه الملک بود چون خلافت
بآنحضرت برگشت الملک للّٰه الواحد القهار نقش کرد و نگینش
فیروزه بود و چنین نگینی امان می بخشد از حیوانات درنده و باعث
ظفر و غلبه می شود در جنگها خادم گفت که رفتم بسفر و بخدا سوگند
که در همان مکان که حضرت فرموده بود شیر بر سر راه آمد و آنچه فرموده
بود بعمل آوردم و شیر برگشت چون از زیارت برگشتم آنچه گذشته بود
بخدمت آنحضرت کردم حضرت فرمود که یک چیز ماند که نقل نکردی عرضه
اگر خواهی من نقل کنم گفتم ای آقای من شاید که فراموش کرده باشم فرمود

که

که شبی در طوس نزدیک روضه امام رضا ع خوابیده بودی گروهی
از جنیان بزیارت قبر میرفتند آن نگین را در دست تو دیدند و نقش
او را خواندند پس آنرا از دست تو بدر آوردند و بردند بنزد بیماری
که داشتند و آن انگشتر را در آبی شستند و آب را ببیمار خود خورانیدند
و بیمار شان صحت یافت پس انگشتر را بر گردانیدند و تو در دست
راست کرده بودی ایشان در دست چپ تو کردند چون بیدار شدی
بسیار تعجب کردی و سببش را ندانستی و بر بالین خود یاقوتی یافتی آنرا
برداشتی و الحال همراه تست ببر ببازار و آنرا بهشتاد اشرفی خواهی فروخت
و این یاقوت هدیه از جنیانست که برای تو آورده بودند خادم گفت که یاقوت را
بردم ببازار و بهشتاد اشرفی فروختم وایضا سید ابن طاوس روایت کرده است
که شخصی آمد بخدمت حضرت امام جعفر صادق ع و گفت من میترسم از حاکم شهر
جزیره و میترسم که دشمنان مرا و او را با من بخشم آورند و ایمن نیستم از آنکه مرا بکشند
حضرت فرمود که انگشتری بساز که نگین آن حدید صینی باشد و بر روی نگین سه سطر
نقش کن در سطر اول اعوذ بجلال اللّٰه در سطر دویم اعوذ بکلمات اللّٰه در
سطر سیم اعوذ برسول اللّٰه و در زیر نگین دو سطر نقش کن در سطر اول آمنت
باللّٰه وکتبه و سطر دویم وانی واثق باللّٰه و رسله و دور دور نگین نقش کن

اشهد ان لا اله الا الله مخلصا این صورت نگین است
و در دست کن این انگشتر را و در هر حاجتی که بر تو دشوار
شود در وقتی که از آثار اجلی از مردم بدستی که
حاجتهایت برآورده میشود و ترسهایت با ایمنی مبدل میشود و زنی
که زاییدن بر او دشوار شود بر او ببندید که بمشیت خدا بزودی وضع حمل
او میشود و همچنین دفع میکند از چشم بد را و حذر کن که بنجاستی و چرکی بآن
نگین نرسد و با خود بحمام و بیت الخلا مبر و خوب محافظت نما از آنکه از اسرار
خدا است و شما شیعیان از دشمنان خود میترسید بر جان خود باید که این
انگشتر را داشته باشید و از دشمنان خود پنهان دارید و تعلیم مکنید مگر
کسی که اعتماد بر او داشته باشید راوی حدیث گفت که من تجربه کردم و اثرش را
یافتم و از حضرت امام محمد باقر ع روایت کرده است که هر که صبح کند و در دستش
انگشتر عقیق باشد که در انگشت دست راست کرده باشد و پیش از آنکه
نظرش بر کسی بیفتد نگین آنرا بجانب کف دست بگرداند و بآن نظر کند و سوره
انا انزلناه فی لیلة القدر را تا آخر بخواند پس بگوید آمَنتُ بِاللهِ وَحدَهُ
لا شَریکَ لَهُ وَ کَفَرتُ بِالجِبتِ وَ الطّاغوتِ وَ آمَنتُ بِسِرِّ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَلانِیَتِهِم
وَ ظاهِرِهِم وَ باطِنِهِم وَ اَوَّلِهِم وَ آخِرِهِم چون چنین کند خداوند عالمیان

کتابخانه حسینیه ارشاد

او را نگاه دارد در آن روز از شر آنچه از آسمان نازل میشود و آنچه بالا میرود
بسوی آسمان و آنچه در زمین فرو میرود و آنچه بیرون می آید از زمین و در حرز
و حمایت خدا و دوستان خدا باشد تا شام فصل هشتم از باب دوم در زیور طلا
و نقره پوشیدن و بزنان و اطفال پوشانیدن در حدیث صحیح منقولست که
از حضرت امام جعفر صادق ع پرسیدند که آیا جایز است که پسران نابالغ را زیور
طلا بپوشانند فرمود که حضرت امام زین العابدین صلوات الله علیه زینت
میفرمود زنان و اطفال خود را بزیور طلا و نقره و در حدیث صحیح دیگر از آنحضرت
پرسیدند در این باب فرمود که بدیدم امام محمد باقر ع زنان و فرزندان خود را
از زیور طلا و نقره می پوشانید و در حدیث صحیح دیگر پرسیدند از آنحضرت
از زیور کردن زنان بطلا و نقره فرمود که باکی نیست و در حدیث معتبر
دیگر از آنحضرت منقولست که سر غلاف شمشیر حضرت رسول ص و دسته اش
از نقره بود و در میان حلقه‌های نقره داشت و زره آنحضرت سه حلقه نقره در پیش
و دو حلقه در عقب داشت و از حضرت امام رضا ع منقولست که ذوالفقار را حین
جبرئیل برای رسول خدا ص از آسمان آورد و زیورش از نقره بود و در حدیث
از آنحضرت منقولست که باکی نیست زیور کردن شمشیر بطلا و نقره و در حدیث
دیگر فرمود که زیور شمشیر حضرت رسول ص تمام از نقره بود دسته اش و سر دسته اش

و در حدیث معتبر دیگر فرمود که باکی نیست بزینت کردن قرآنها و شمشیرها بطلا
و نقره و بسند موثق دیگر از حضرت امام محمد باقر ع منقولست که همیشه زنان
زیور می پوشیدند و در حدیث معتبر از فضیل بن یسار منقولست که از حضرت
امام جعفر ع پرسید از کرسی که در آن طلا باشد آیا می توان در ان خانه نگاه داشت
حضرت فرمود که اگر طلا باشد نه و اگر آب طلا بر او مالیده باشد باکی نیست
و در حدیث دیگر از آنحضرت منقولست که سزاوار نیست که زن خود را معطل
بگذارد و زینت نکند اگرچه گردن بندی باشد که در گردن ببندد و سزاوار نیست
که دستش از خضاب خالی باشد اگرچه بمالیدن حنا باشد هرچند سال دار باشد
و در روایت معتبر وارد شده است که جایز است که دندانها را بطلا بگیرند
ببندند بدانکه در باب زیور طلا احوط و اولی آنست که مردان اجتناب نمایند
اگرچه در شمشیر و مصحف باشد **فصل نهم از باب دوم** در آداب سرمه کشیدن
در حدیث معتبر از حضرت صادق ع منقولست که حضرت رسول ص سرمه سنگ
بچشم میکشیدند در وقت خواب تاق تاق و در حدیث معتبر از حسن بن
جهم منقولست که گفت حضرت امام رضا ع میلی از آهن بمن نمودند و سرمه دانی
از استخوان و فرمودند که اینها از حضرت امام موسی ع بود باین میل سرمه بکش
و بسند صحیح از حضرت صادق ع منقولست که سرمه کشیدن در شب چشم را نفع

میرساند و در روز زینت است و در حدیث معتبر دیگر از حضرت امام محمد
باقر صلوات الله علیه منقولست که سرمه سنگ در دیده کشیدن دهان را
خوشبو میکند و مژگان را محکم میکند و بسند موثق از حضرت صادق ع
منقولست که سرمه کشیدن دهان را شیرین میکند و در حدیث دیگر فرمود
که سرمه کشیدن موی مژگان را میرویاند و بینایی را تند میکند و اعانت میکند
بر طول دادن سجود و در حدیث دیگر فرمود که سرمه سنگ چشم را جلا میدهد
و موی مژه را میرویاند و آب ریختن چشم را زایل میکند و در روایت دیگر فرمود
که سرمه کشیدن قوت جماع را زیاده میکند و فرمود که هر که هر شب سرمه سنگ
که مشک نداشته باشد در دیده کشد چشمش هرگز آب سیاه نیاورد و در
حدیث معتبر از حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه منقولست که هر که
سرمه کشد باید که تاق بکشد و اگر چنین نکند هم باکی نیست و در حدیث صحیح
منقولست که حضرت رسول ص پیش از خواب سرمه میکشیدند چهار میل در
دیده راست و سه میل در دیده چپ و در حدیث معتبر از حضرت صادق
ع منقولست که چهار چیز است که رو را نورانی میکند نظر کردن در روی نیکو
و در آب جاری و در سبزه زار و سرمه کشیدن وقت خواب و از حضرت امام
رضا ع منقولست که هر که ایمان بخدا و روز قیامت دارد باید که سرمه بکشد

وحضرت صادق ع فرمود که سرمه کشیدن در وقت خواب امان میدهد از
آب آوردن چشم   واز حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که هر کرا ضعف
در باصره بهم رسد هفت میل از سرمه سنگ در وقت خواب در چشم کشد
چهار در چشم راست وسه در چشم چپ   واز حضرت امام محمد باقر ع
منقولست که حضرت رسول ص در هر چشم سه میل میکشیدند در وقت
خواب   ودر روایت دیگر وارد شده است که سه میل در چشم راست ودو
میل در چشم چپ میکشیدند   وحضرت صادق ع فرمود که بر شما باد بمسواک
کردن که چشم را جلا میدهد وبر شما باد بسرمه کشیدن که دهان را خشبو میکند
زیرا که چون مسواک میکند آدمی بلغم نازل می شود از چشم وجلا می یابد وچون
سرمه میکشد بلغم از چشم بر طرف میشود وبدهان نازل میشود ودهان خوش
بو می شود   ودر فقه الرضا ع مذکور است که چون اراده نمائی که سرمه بکشی
میل را بدست راست بگیر ودر سرمه دان بزن وبکو بسم الله   وچون میل را
در چشم کشی بکو اَللّٰهُمَّ نَوِّرْ بَصَرِی وَاجْعَلْ فِیهِ نُوراً اُبْصِرُ بِهِ حَقَّكَ
وَاهْدِنِی اِلٰی طَرِیقِ الْحَقِّ وَاَرْشِدْنِی اِلٰی سَبِیلِ الرَّشَادِ اَللّٰهُمَّ نَوِّرْ
عَلَیَّ دُنْیَایَ وَآخِرَتِی   ودر مکارم الاخلاق روایت کرده است که این دعا
بخواند در وقت سرمه کشیدن   اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَسْئَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

اَنْ تُصَلِّیَ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَجْعَلَ النُّورَ فِی بَصَرِی وَالْبَصِیرَةَ فِی دِینِی
وَالْیَقِینَ فِی قَلْبِی وَالْاِخْلَاصَ فِی عَمَلِی وَالسَّلَامَةَ فِی نَفْسِی وَالسَّعَةَ فِی رِزْقِی
وَالشُّکْرَ لَكَ اَبَداً مَا اَبْقَیْتَنِی   **فصل دوم از باب دوم** در آداب نظر بآینه کردن بسند
معتبر از حضرت صادق ع منقولست که رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود که
خداوند عالمیان واجب میگرداند بهشت را از برای جوانی که بسیار نظر در آینه
کند وحمد خدا بسیار گوید براینکه خدا او را بصورت نیکو آفریده واو را معیوب
نگردانیده است   ودر بعضی روایات مذکور است که حضرت رسول ص نظر
میکردند واز برای اصحاب در آینه وموی سر مبارک وریش را شانه میکردند
واز برای اصحاب خود وزنان خود خود را میساختند ومیفرمودند که خدا
می پسندد ودوست میدارد از بنده اش که چون بنزد برادران مؤمن برود از
برای ایشان زینت کند وخود را بسازد   واز حضرت امیر المؤمنین صلوات
الله علیه منقولست که چون کسی در آینه نظر کند باید که بکوید اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ
الَّذِی خَلَقَنِی فَاَحْسَنَ خَلْقِی وَصَوَّرَنِی فَاَحْسَنَ صُورَتِی وَزَانَ مِنِّی مَا
شَانَ مِنْ غَیْرِی وَاَکْرَمَنِی بِالْاِسْلَامِ   ودر فقه الرضا ع وغیر آن مذکور است
که چون خواهی در آینه نظر کنی آینه را بدست چپ بگیر وبکو بسم الله پس چون
در آن نظر کنی دست راست را بر پیش سر بگذار وبر رو بکش وریش خود را بدست راست

بگیر و در آینه نظر کن و بگو الحمد لله الذی خلقنی بشراً سویّاً و زیّننی و لم
یشینی و فضّلنی علی کثیرٍ من خلقه و منّ علیّ بالاسلام و رضیه لی ولم یشنّی
دیناً پس آینه را از دست بگذار و بگو اللّهمّ لا تغیّر ما بنا من نعمک و
اجعلنا لانعمک من الشّاکرین و لآلائک من الذّاکرین و در روایت
دیگر وارد شده است که آینه را بدست چپ میگیری و چون روی خود را در
آینه دیدی بگو الحمد لله الذی احسن و اکمل خلقی و حسّن خُلقی و خلقنی
خلقاً سویّاً و لم یجعلنی جبّاراً شقیّاً الحمد لله الذی زیّن منّی ما شان
من غیری اللّهمّ کما احسنت خلقی فصلّ علی محمّد و آل محمّد و حسّن خُلقی
و تمّم نعمتک علیّ و زیّنّی فی عیون خلقک و جمّلنی فی عیون بریّتک و
ارزقنی القبول و المهابة و الرأفة و الرحمة یا ارحم الراحمین
و در روایت دیگر منقولست که حضرت رسول ص بحضرت امیر المؤمنین ع فرمود
که یا علی چون در آینه نظر کنی بگو اللّهمّ کما حسّنت خلقی فحسّن خُلقی و ارزقنی

فصل یازدهم در فضیلت خضاب کردن مردان و زنان بدانکه مردان را
خضاب موی سر و ریش سنّت مؤکّد است و زنان را خضاب موی سر و دست و پا
سنّت است و مردان را خضاب دست و پا کراهت دارد مگر اندک رنگی که بعد از
نوره که بر جمیع بدن سنت است حنا مالیدن از آن و دست بماند که رنگ ناخن

لبریختی مایل شود چنانچه بسندهای معتبر از حضرت رسالت پناه صلی الله
علیه و آله منقولست که چهار چیز است که از سنتهای پیغمبر است بوی خوش کردن
و تزویج زنان و مسواک کردن و خضاب بحنا کردن و در حدیث دیگر از
آنحضرت منقولست که یک درهم که در خضاب صرف شود بهتر است از هزار درهم
که در راه خدا صرف نمایند و در آن چهارده خصلت است باد را از گوشها
دور میکند و غبار از چشم جلا میدهد و بینی را نرم میکند و دهان را خوشبو
میکند و بن دندان را محکم میکند و گند زیر بغل را دفع میکند و کم میکند وسوسه
شیطان را و ملئکه بسبب آن شاد میشوند و سبب خوشحالی مؤمنان و خشم
کافران میشود و زینت است و بوی خوش است و موجب خلاصی از عذاب قبر
میشود و نکیر و منکر شرم میکنند از آن و در حدیث دیگر فرمود که موی سفید
خود را رنگ کنید و شبیه مشوید بیهودان و حسن بن جهم گفت که بخدمت حضرت
امام رضا ع رفتم دیدم که آنحضرت خضاب ریش برنگ سیاه کرده بودند
پس فرمود که در خضاب کردن اجر عظیم هست و خود را ساختن موجب زیادتی
عفت زنانست و جمعی از زنان دست از عفت برداشتند بسبب آنکه شوهران
ایشان خود را برای ایشان نمی آراستند عرض کرد که بما رسیده است که حنا موی
سفید را زیاد میکند حضرت فرمود که موی سفید خود زیاد میشود بی حنا

و در حدیث دیگر منقولست که شخصی بخدمت حضرت رسول ص آمد و نظر کرد حضرت
که موی سفید در ریش او بهم رسیده است فرمود که ای موی سفید نور است
پس فرمود که هر که در اسلام یك موی سفید در ریش او بهم رسد از برای او نوری
باشد در قیامت پس آن شخص بحنا خضاب کرد و باز در آنحضرت آمد فرمود که هم
نور است و هم اسلام پس رفت و خضاب سیاه کرد و آمد فرمود که نور است
و اسلام است و ایمان است و محبوب میگرداند بسوی زنان و خوف و بیم
می افکند در دل کافران و در حدیث معتبر منقولست که گروهی بخدمت حضرت
امام حسین صلوات الله علیه آمدند دیدند که آنحضرت بسیاهی خضاب کرده است
در این باب از آنحضرت سؤال کردند دست را بر ریش خود گذاشتند و
فرمودند که امر کرد رسول خدا ص در یکی از جنگها که مسلمانان بسیاهی خضاب
کنند تا باعث غلبه ایشان شود بر کافران و در حدیث حسن منقولست
که از حضرت صادق ع پرسیدند که خضاب سر و ریش آیا سنت است فرمود
که بلی حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه برای آن خضاب نمیفرمودند که
حضرت رسول ص فرموده بود که یا علی موی ریش تو از خون سرت خضاب
خواهد شد انتظار آن خضاب میکشید و حضرت امام حسین و حضرت امام
محمد باقر علیهما السلم هر دو خضاب میکردند و در حدیث دیگر منقولست که حضرت

امیر المومنین صلوات الله علیه فرمود که من برای آن خضاب نمیکنم که هنوز
صاحب تعزیه ام در مصیبت وفات حضرت رسول الله صلی الله علیه و آله
و در احادیث بسیار منقولست که حضرت رسول ص خضاب میفرمودند
و در حدیث معتبر منقولست که حضرت صادق ع نظر کردند بمردی که از حمام
بیرون آمده بود و در دستهایش حنا بسته بود حضرت فرمود که آیا تو را خوش
می آمد که خدا تو را چنین خلق کند گفت نه والله و لیکن خبر بما رسیده است
که هر که داخل حمام شود باید که اثر حمام بر او دیده شود یعنی حنا حضرت فرمود
که غلط فهمیده بلکه مراد آنست که چون بسلامت از حمام بدر آید بشکر این نعمت
دو رکعت نماز بگذارد و در حدیث حسن منقولست که حضرت صادق ع
فرمودند که از جمله علامات بدی که در آخر الزمان ظاهر شود آنست که آنان
زنان در مردان و مردان عباس ظاهر شود و خضاب کنند و خود را مشاطگی
کنند بروش زنان و ظاهر آنست که مراد خضاب دست و پا باشد زیرا که خضاب
سر و ریش سنت است و از علامات مردانست و در حدیث معتبر منقولست از
آنحضرت که باکی نیست که در حمام خلوق بدست و پا بمالد بجهت ترکهایی که در دست
بهم میرسد از بابت دوا اما خوشم نمی آید که همیشه این کار کند و خلوق بوی
خوشی بوده است که زعفران داشته است و رنگ از آن در بدن میمانده است

و در حدیث دیگر از ابی الصباح منقولست که گفت اثر حنا در دست حضرت
امام محمد باقر ع دیدم یعنی اثر ضعیفی که از حنا مالیدن بعد از دار و میمانده
چنانچه بعد از این مذکور خواهد شد و در حدیث معتبر از حضرت صادق
ع منقولست که سزاوار نیست زن را که دستش را از خضاب خالی گذارد اگر
چه بمالیدن حنا باشد هر چند پیر باشد و فرمود که امر کرد رسول خدا ص زنان
شوهردار و بیشوهر را بخضاب اما شوهردار برای شوهرش و اما غیر شوهردار
برای آنکه دستش بدست مردان نماند **فصل دوازدهم از باب دویم** در کیفیت خضاب
و احکام آن در حدیث صحیح از حضرت امام جعفر صادق ع منقولست که
باکی نیست در خضاب کردن بوسمه برای مرد پیر و در حدیث صحیح و موثق از
حضرت امام محمد باقر ع منقولست که فرمود که خضاب کردن بوسمه دندانهای
مرا سست کرد و درهم شکست و در چندین حدیث معتبر وارد شده است
که چون حضرت امام حسین صلوات الله علیه شهید شد خضاب بوسمه در ریش
مبارک آنحضرت بود و حضرت صادق ع فرمود که خضاب کردن بوسمه موجب
انس زنانست و مهابت از آن در دلهای کافران بهم میرسد و در حدیث حسن از
آنحضرت منقولست که خضاب کردن بحنا آب رو را زیاد میکند و سفیدی مو را
هم زیاد میکند و در حدیث صحیح و حسن منقولست که حضرت امام محمد باقر ع خضاب

بحنا میفرمودند خضاب سرخ رنگین و در حدیث دیگر فرمود که خضاب بحنا بوی های
بد را زایل میکند و آب رو را می افزاید و دهان را خوشبو میکند و فرزند را خوش
رو میگرداند و از حضرت امام موسی ع منقولست که هر زنی که علت حیضش
قطع شده باشد بحنا خضاب کند تا حیضش برگردد و در حدیث دیگر منقولست
که حضرت امام حسین و امام محمد باقر ع خضاب بحنا و وسمه با هم میکردند
و از حضرت رسول ص منقولست که بهترین خضابها نزد خدا رنگ سیاهست
و در حدیث دیگر از حضرت صادق ع منقولست که حضرت رسول ص رخصت فرمود
زنان را که سر خود را بسیاهی خضاب کنند و بدانکه مشهور میان علما آنست که
جنب را خضاب کردن مکروهست و همچنین مکروهست در حال خضاب جنب
شدن و از بعضی اخبار معتبره ظاهر میشود که چون حنا رنگ خود را داده باشد
بعد از آن جنب شدن باکی نیست و همچنین مکروهست زن حایض را خضاب
کردن **باب سیم** در آداب خوردن و آشامیدن **فصل اول**
در بیان ظرفهای که در خوردن و آشامیدن و سایر استعمالات توان استعمال
نمود و آنچه نهی از آن وارد شده است جایز نیست خوردن و آشامیدن از
ظرف طلا و نقره و در استعمال غیر اکل و شرب خلافست و احوط اجتنابست
و همچنین در نگاهداشتن برای زینت احوط اجتنابست و بعضی گفته اند که

طعامی را که در ظرف طلا و نقره کنند حرام میشود اگرچه طعام را در جای دیگر
کنند و اگرچه دلیلی ندارد اما احوط اجتنابست و جمعی باطل میدانند وضوی را
که از ظرف طلا و نقره بسازند و در مانند سرمه دان و عنبرچه و سر قلیان
و قندیلها که هر دو طرفش کشوده باشد که در مشاهد مشرفه می آویزند و ظروف
و مصحف و دعا و آینه را بنقره و طلا گرفتن بلکه چوب و نی را بنقره گرفتن
خلافست و احوط در همه اجتنابست اگرچه حرمت اینها بر فقیر ثابت نیست
و در نعلبکی قلیان که از نقره و طلا باشد احتیاط بیشتر باید کرد و مکروهست
از ظروف نقره کوب و طلا کوب چیزی خوردن و آشامیدن و اگر بخورد
بهتر آنست که دهان را بموضع نقره و طلا نرساند و اشهر میان علما آنست که
جایز نیست استعمال پوست مگر پوست حیوانی که در حال حیوة پاک باشد
و آنرا بعنوان مشروع کشته باشند یا از دست مسلمانی گرفته باشند و
حرام است استعمال پوست حیوان مرده و همچنین پوستی که یافته باشند اگرچه
گمان باشد که از دست مسلمان افتاده است مثل کفش در مسجد مسلمانان
و بعضی گفته اند که جایزاست استعمال میته در عملی که مشروط بطهارت نباشد
مثل آب بزراعت و حیوانات دادن و امثال اینها و این قول قوی است و احوط
اجتنابست و همچنین بعضی جایز دانسته اند استعمال پوستی را که ظن بهم رسد که

آنرا کشته اند یا از دست مسلمانی افتاده است و خالی از قوتی نیست و احوط
اجتنابست و پوست حیوان طاهری که گوشت آنرا نخورند و قابل تذکیه باشد
استعمال میتوان کرد اما پیش از دباغی کردن مکروهست استعمال آن ظرفی
که شراب در آن کرده باشند هرچه نجاست در آن نفوذ نکند مثل شیشه و مس
بشستن پاک میشود و همچنین هرچه کاشی داشته باشد و منفذی نداشته
باشد که شراب در جرم آنجا کند و در مثل سبو و کدو و خم بی کاشی و امثال اینها
خلافست و اشهر آنست که بآب کشیدن پاک می شوند خصوصا وقتی که آن
قدر در آب بگذارند که آب در آن نفوذ کند و اثر شراب در آن نماند و احوط
اجتنابست و از حضرت رسول صلعم منقولست که هر که در دنیا از ظروف طلا
و نقره آب خورد در آخرت از ظروف طلا و نقره بهشت محروم باشد و بسند
معتبر منقولست که محمد بن اسمعیل بن بزیع از حضرت امام رضا علیه السلم سوال کرد
از ظروف طلا و نقره حضرت اظهار کراهت فرمودند گفت که بما روایت رسیده است
که حضرت امام موسی علیه السلم آینه را داشتند که بنقره گرفته بودند حضرت فرمود
که نه الحمد لله همین حلقه داشت از نقره و آن آینه الحال نزد من است و فرمود
که برادرم عباس را چون ختنه میکردند برای او چوبی ساخته بودند و آنرا
بنقره گرفته بودند که قصبه نقره اش نزدیک بده درهم بود که ششصد و سی دینار

بجهی باشد حضرت امام موسی ع فرمود که آن اشکستند و در حدیث معتبر از
حضرت موسی بن جعفر صلوات الله علیه منقولست که ظرف طلا و نقره متاع
جماعتی است که یقین باخرت ندارند و در حدیث دیگر از عمرو بن ابی المقدام
منقولست که ظرفی آوردند بنزد حضرت امام جعفر ع که آب بخورند پاره
از نقره بر آن ظرف چسبانیده بودند دیدم که حضرت بدندان خود آنرا از آن
ظرف میکندند و در حدیث موثق از آنحضرت منقولست که مکروهست
آب خوردن از ظرفی که نقره کوب باشد یا بعضی از آن نقره باشد و روغن
مالیدن از روغن دان چینی و شانه کردن از شانه چینی مکروهست
و در حدیث معتبر از آنحضرت منقولست که کراهت دارد خوردن چیزی که در
سفالی که از مصر می آورند پخته باشند و در روایت موثق از حضرت امام
رضا علیه السلم منقولست که طعام مخورید در ظرفهای سفالی که از مصر می آورند
و از بزیع بن عمر منقولست که بخدمت حضرت امام محمد تقی آمدید که حضرت
طعام تناول میفرمودند در میان کاسه سیاهی که در میان آن برنگ زرد
سوره قل هو الله احد نقش کرده بودند **فصل دویم** در ترجیح خوردن
طعامهای لذیذ و مذمت حرص و افراط در آن بدانکه از احادیث اهل بیت ع
ظاهر میشود که طعامهای لذیذ خوردن و بمردم خورانیدن و تکلف در خوبی و پاکیزگی

آنها خوبست و طعامهای لذیذ را بر خود حرام کردن خوب نیست اما باید که
از حلال باشد و آنقدر نخورد که او را از عبادت الهی باز دارد و مانند حیوانات
پیوسته همتش مصروف خوردن و آشامیدن نباشد بلکه باید منظور و مقصود
او از خوردن و آشامیدن تحصیل قوت عبادت باشد و باید آنقدر صرف کند
که نسبت بحال او اسراف نباشد که خدا مسرفان را دوست نمیدارد و بسند معتبر
منقولست که حضرت امام جعفر صادق علیه السلم بسیار بود که نانهای فرنی نفیس و
حلواهای لذیذ بمردم میخورانیدند و میفرمودند که هرگاه خدا بر ما توسعه
میدهد ما نیز توسعه میکنیم و هرگاه خدا بر ما تنگ میگیرد ما نیز تنگ میگیریم
و در حدیث معتبر دیگر از آنحضرت منقولست که سه چیز است که حق تعالی مومن را
در قیامت بر آنها حساب نمیکند طعامی که بخورد و جامه که بپوشد و زن صالحه
که یاور او باشد و فرج را از حرام نگاه دارد و ابو خالد کابلی میگوید که بخدمت
حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه رفتم حضرت چاشت طلبیدند و من
خوردم با آنحضرت هرگز از آن نیکوتر و پاکیزه تر طعامی نخورده بودم پس فرمودند
که چگونه دیدی طعام ما را گفتم فدای تو شوم هرگز با این خوبی طعام نخورده بودم
و لیکن بیادم آمد آن آیه که در کتاب خداست وَلَتُسْأَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ
که ترجمه اش اینست که البته سؤال کرده خواهید شد در روز قیامت از نعمت الهی

حضرت فرمود که مراد از نعیم در این آیه مذهب تشیع و ولایت اهل بیت علیهم السلام
است که در قیامت از شما سؤال خواهد کرد و بسند صحیح از حضرت صادق ع
منقولست که حق تعالی از آن کریمتر است که سؤال کند از مؤمن از خوردنی و آشامیدنی
که در دنیا بر او حلال کرده باشد و بسند حسن از آنحضرت منقولست که
طعام بعمل بیاور و نیکو بعمل بیاور و اصحاب خود را بطلب و با ایشان بخور
و از حضرت رسول ص منقولست که با سیری چیزی خوردن مورث پیسی است
و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که سه چیز است که خدا دشمن
میدارد صاحب آنها را خواب کردن بدون بیداری شب و خنده کردن
در غیر محل تعجب و خوردن طعام در هنگام سیری و از حضرت رسول ص منقولست
که مؤمن در یک چشم چیزی میخورد و کافر در هفت شکم چیزی میخورد یعنی بسیار
میخورد و در حدیث دیگر منقولست که ابو جحیفه بخدمت آنحضرت آمد و
آروغ میزد از سیری حضرت فرمود که آروغ خود را منع کن که هر که در دنیا
سیرتر است در قیامت گرسنه‌تر است پس ابو جحیفه بعد از آن طعام سیر نخورد
تا از دنیا رفت و در حدیث دیگر فرمود که هیچ چیز را خدا دشمن نمی‌دارد مانند
شکم پر از طعام و از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه منقولست که حضرت
عیسی ع بشهری رسید که مرد و زنی فریاد میکردند و با یکدیگر نزاعی داشتند

از سبب آن پرسید مرد گفت که این زن منست و صالحه است و عیبی ندارد
اما من او را دوست نمیدارم و میخواهم از او جدایی اختیار کنم فرمود که بهمه حال
سبب این کراهت را بگو چیست گفت که رویش کهنه و بی طراوت شده است بی آنکه
پیر شده باشد حضرت عیسی بآن زن فرمود که میخواهی که آب رویت بر گردد و تازه
شود گفت بلی فرمود که طعام که میخوری سیر مخور زیرا که طعام زیاد که در معده
بجوش آمد آب رو را می‌برد آن زن چنین کرد و رویش بحالت طراوت برگشت
و محبوب شوهر شد و از حضرت امام موسی کاظم ع منقولست که اگر مردم میانه
رو باشند در طعام خوردن همیشه بدن ایشان صحیح باشد و از حضرت رسول
ص منقولست که پنج خصلت است که مورث برص و پیسی است نوره کشیدن در روز
جمعه و چهارشنبه و وضو و غسل کردن در آبی که در آفتاب گرم شده باشد و در
حالت جنابت چیزی خوردن و در حال حیض با زن جماع کردن و در وقت سیری
چیزی خوردن و از حضرت امام جعفر صادق ع منقولست که آدمی را ناچار است
از طعامی که از آن قوت بیابد و هرگاه طعامی خورد باید که یک حصه شکم را برای
طعام قرار دهد و یک حصه برای آب و یک حصه برای نفس و سعی میکنند در فربه کردن
خود چنانچه حیوانات را برای کشتن فربه میکنند و فرمود که هرگاه شکم پر شد باعث
طغیان و فساد میشود و فرمود که هر دردی و بیماری از بسیار خوردن بهم میرسد بغیر از

ت که آن بیاگاه میرسد و در حدیث دیگر منقولست که حضرت عیسی ع فرمود که
ای بنی اسرائیل تا گرسنه نشوید چیزی مخورید و هرگاه گرسنه شوید بخورید و سیر
مخورید زیرا که چون سیر شدید گردنهای شما کنده می شود و پهلوی شما فربه میشود
و پروردگار خود را فراموش میکنید و از حضرت امام جعفر صادق ع منقولست
که کفران نعمت الهی است اینکه کسی گوید که فلان طعام را خوردم و مرا آزار کرد
و از حضرت رسول ص منقولست که روزی شیر و عسل نزد آنحضرت آوردند اندکی
تناول نمودند و بر زمین گذاشتند گفتند یا رسول الله آیا حرام میکنی خوردن
این را فرمود که نه اما تواضع و شکستگی میکنم برای خدا و پالوده بسیار طیب و خوش
بوی نزد حضرت امیر المؤمنین ع آوردند انگشتی بآن فرو بردند و بدهان گذاشتند
و فرمودند که حرام نیست اما نمیخواهم خود را عادت فرمایم بچیزی که عادت نکرده ام
و در حدیث دیگر وارد است که فرمود که چیزی که حضرت رسول ص نخورده است نمیخواهم
بخورم و در حدیث دیگر از آنحضرت منقولست که همیشه این امت با خیر و نعمت
باشند ما دام که لباس عجمان را نپوشند و طعامهای عجمان را نخورند پس چون
چنین کنند خدا ایشان را ذلیل و خوار گرداند و از حضرت رسول ص منقولست
که نیکو نان خورشیست سرکه و همین بس است در اسراف که نعمتی را که نزد او بیاورند
دشمن دارد و نخواهد **فصل ششم** در بیان بعضی از آداب و اوقات طعام

خوردن

خوردن سنتست که چاشت را بامداد بخورد و در میان روز دیگر چیزی نخورد
و بعد از نماز خفتن بار دیگر طعام بخورد و لقمه را کوچک بردارد و نیکو بخاید
و نظر بر روی مردم نکند و طعام بسیار گرم نخورد و در طعام گرم ندمد بلکه
بگذارد تا سرد شود و بعد از آن بخورد و نان را بکارد نبرد و استخوان را پاک نکند
و بکمتر از سه انگشت چیزی نخورد و از پیش خود چیزی بخورد و دست در پیش دیگران
دراز نکند و کاسه و انگشتان را بلیسد و در حالت جنابت مکروهست طعام و آب
خوردن و اگر وضو بسازد یا دست بشوید و مضمضه و استنشاق بکند یا دست
و رو را بشوید و مضمضه بکند یا دستها را بشوید و مضمضه کند کراهتش ضعیف
میشود و در حدیث وارد است که اگر چیزی بخورد در حال جنابت بی آنکه اینها را
بعمل آورد بیم آنست که پیس شود و در حدیث معتبر منقولست که پیری بادنشهای
بحضرت امام جعفر ع شکایت کرد از دردها و امتلاء و فساد معده حضرت فرمود
که چاشت و شام بخور و در میان دیگر چیزی مخور زیرا که خداوند عالمیان در وصف
طعام اهل بهشت میفرماید لَهُمْ رِزْقُهُمْ فِيهَا بُكْرَةً وَعَشِيًّا ترجمه اش اینست
که مهیاست برای اهل بهشت روزی ایشان در بهشت در بامداد و پسین یا خفتن
و در حدیث معتبر از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه منقولست که طعام
خوردن آخر روز پیغمبران بعد از نماز خفتن است پس از آن ترک مکنید که ترکش موجب

خرابی بدنست و در حدیث دیگر منقولست که ترک طعام کردن طرف شب آدمی را
پیر میکند و فرمود که چون آدمی پیر شد باید که در شب پیش از خواب البته چیزی
بخورد که بهتر بخواب میرود و دهانش خوشبو میشود یا خلقش نیکو میشود
و از حضرت امام موسی ع منقولست که چیزی خوردن شب را ترک مکنید
اگر چه پارهٔ نان خشکی باشد که باعث قوت بدن و قوت جماع است و از حضرت صادق ع
منقولست که هر که ترک کند طعام خوردن را در شب شنبه و شب یکشنبه
پی هم قوتی از او بر طرف شود که تا چهل روز باو برنگردد و فرمود که طعام شب
نافع تر از طعام روز است و از حضرت امام رضا علیه السلم منقولست که در بدن
رگی هست که آن عشا نام دارد هر که در طرف شب چیزی نمیخورد آن رگ او را
نفرین میکند تا صبح میگوید که خدا تو را گرسنه بدارد چنانچه مرا گرسنه داشتی
خدا تو را تشنه بدارد چنانچه مرا تشنه داشتی پس البته ترک مکنید عشا را
اگر چه بلقمهٔ نان باشد و اگر چه بدمی آب باشد و از حضرت صادق ع منقولست
که سزاوار نیست که مومن از خانه بیرون رود تا آنکه چاشت بخورد که باعث زیادتی
عزت اوست و در حدیث دیگر فرمود که هر گاه خواهی بحاجتی بروی پارهٔ
نانی با نمک بخور که بیشتر باعث عزت تست و حاجتت زودتر برمی آید و از حضرت
امیر المؤمنین صلوات الله علیه منقولست که طعام گرم را بگذارید تا سرد شود
بدرستی

که طعامی نزدیک رسول خدا صلی الله علیه و آله آوردند فرمود که بگذارید تا سرد
شود که خدا آتش را طعام ما نکردانیده و برکت در طعام سرد است و از حضرت
امام رضا ع منقولست که طعام گرم برکت ندارد و شیطان دران بهره دارد
و در حدیث موثق از سلیمان بن خالد منقولست که گفت حاضر شدم شب بر سفرهٔ
حضرت امام جعفر صادق علیه السلم در تابستان خوانی آوردند که نانی دران بود و کاسه
آوردند که ترید و گوشت در آن بود پس دست بر آن گذاشتند و برداشتند و فرمودند
که امان میطلبیم از خدا از آتش جهنم پناه میبریم بخدا از آتش جهنم تاب این گرمی را
نداریم و صبر بر این نمی توانیم کرد چگونه تاب آوریم و صبر کنیم بر آتش جهنم این را مکرر
میفرمود تا طعام چنان شد که می توانست خورد پس تناول فرمود و ما تناول کردیم
و از حضرت رسول ص منقولست که نهی فرمود از دمیدن در خوردنی و آشامیدنی
و از حضرت صادق ع منقولست که مکروهست سه دمیدن در گرههای افسانها
و در طعام و در موضع سجده و در حدیث دیگر از آنحضرت منقولست که اگر از برای
سرد کردن باشد مذکور ندارد و حمل بر ضرورت و حالت استعجال می توان کرد
و از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه منقولست که مخورید از بالای ترید
و از پهلوهایش بخورید که برکت در بالای طعام است و در حدیث معتبر از حضرت
رسول ص منقولست که هر گاه یکی از شما طعام خورد باید که از پیش خود بخورد

ودر حدیث دیگر منقولست که آنحضرت کاسه طعام را میلیسیدند ومیفرمودند
که هرکه کاسه طعام را بلیسد چنانست که مثل آن طعام را تصدق کرده باشد
ومنقولست که حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه بتمام انگشتان طعام
تناول میفرمودند ومیگفتند که هرکه کاسه طعام را بلیسد ملئکه براو صلوات
فرستند ودعا کنند برای او بفراخی روزی وحسنات مضاعف برای او بنویسند
واز حضرت امام جعفر ع منقولست در وقت طعام خوردن وزانو بروش
بندگان می‌نشستند ودست بر زمین میگذاشتند وبسه انگشت چیزی تناول
میکردند ومیفرمودند که رسول خدا ص چنین طعام تناول میفرمودند نه بروش
متکبران وجباران که بدو انگشت چیزی میخورند وبسند معتبر منقولست
که حضرت رسول ص فرمود که هرگاه کسی طعام خورد وانگشتان خود را بمکد وبلیسد
خداوند عالمیان فرماید که خدا برکت دهد تورا واز حضرت صادق علیه السلام منقولست
که آنحضرت کراهت داشتند از اینکه دست را بدستمال پاک کنند در وقتی که چیزی
از طعام در آن باشد تا آنکه خود میمکیدند یا طفلی که در پهلوی آنحضرت بود میدادند
که میمکید برای حرمت طعام واز حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه منقولست
که کسی که خواهد که طعام او را ضرر نرساند تا گرسنه نشود ومعده پاک نشود
چیزی نخورد وچون خواهد بخورد بسم الله بگوید ونیکو بخاید ودست از طعام

وقتی

وقتی بکشد که هنوز خواهش طعام داشته باشد وبسند معتبر منقولست از
حضرت علی بن الحسین صلوات الله علیهما که استخوان را پاک مکنید که جنیان از آن
بهره هست واگر پاک کنید ایشان از خانه شما میبرند چیزی که بهتر از این باشد
وبسند معتبر از حضرت امام حسن صلوات الله علیه منقولست که در خوان
دوازده خصلتست که بر هر مسلمان واجبست که بداند چهار از آنها فرض است و
چهار دیگر سنت است وچهار دیگر تادیبست اما فرض پس آنست که منعم خود را بشناسد
وبداند که نعمت از جانب پروردگار است وراضی باشد بآنچه خدا باو عطا کرده است
وبسم الله بگوید وخدا را شکر کند واما سنت پس دست شستن پیش از طعام و
بر جانب چپ نشستن وبسه انگشت چیزی خوردن وانگشتان لیسیدن واما
تادیب پس از پیش خود چیزی خوردن ولقمه را کوچک بر داشتن وبسیار خاییدن
ودر روی مردم کم نگاه کردن ودر حدیث معتبر منقولست که حضرت امیر المؤمنین
بحضرت امام حسن صلوات الله علیهما فرمود که میخواهی ترا تعلیم نمایم چهار خصلت
که اگر بجا آوری از طبابت طبیبان مستغنی شوی گفت بلی یا امیر المؤمنین فرمود که
منشین بر طعام مگر وقتی که گرسنه باشی وبرمخیز از طعام مگر وقتی که خواهش داشته
باشی ونرم بخا وهرگاه که خواهی که بخواب روی بیت الخلا برو واز حضرت رسول ص
منقولست که وقتی که طعام میخوردند بسم الله میگفتند واز پیش دیگری چیزی بر نمیداشتند

و بیش از میهمانان شروع بطعام میکردند و با انگشت مهین و انگشت بعد از آن
و انگشت میانین طعام میخوردند و گاهی انگشت چهارم را هم ضم میکردند و گاهی
بتمام انگشت میخوردند و هرگز بدو انگشت چیزی نمیخوردند و میفرمودند که این
خوردن شیطانست **فصل چهارم** از باب سیم در سایر آداب طعام خوردن سنتست
که بدست راست چیزی بخورد و دو زانو بنشیند و خوابیده چیزی نخورد اما
اگر بدست چپ تکیه کند باکی نیست و چهار زانو نشستن مکروهست و اگر پا را
بر روی زانو گذارد بدتر است و تنها چیزی خوردن مکروهست و با خدمتکاران
و غلامان چیزی خوردن و بر روی زمین چیزی خوردن سنتست و مشهور
آنست که در وقت راه رفتن چیزی خوردن مکروهست و بیش از طعام و بعد از آن
دست شستن سنتست و در دست شستن بیش از طعام سنتست که دست را
بدستمال خشک نکند و اول صاحب خانه دست بیشتر بشوید و بعد از او هر که در
جانب راست اوست و بترتیب بشویند تا آخر مجلس و در شستن بعد از طعام
از جانب چپ صاحب خانه ابتدا کنند و خود آخر همه بشوید و سنتست که همه در
یک طشت بشویند و آب را نریزند و بر سر خوانی که شراب در آن خورند چیزی
خوردن حرام است و بعضی گفته اند که حرامی که خورند یا کنند در آن مجلس چیزی
خوردن حرام است حتی بر سر سفره جماعتی که غیبت مسلمانان کنند بجا مرو سنتست

که در اول و آخر طعام نمک بخورند و در حدیث معتبر از حضرت امام موسی ع منقولست
که حضرت رسول ص لعنت فرمود سه کس را کسی که توشه خود را تنها بخورد و کسی
که بسفر تنها برود و کسی که در خانه تنها بخوابد و در حدیث دیگر از آنحضرت منقولست
که چون در طعام چهار چیز جمع شود آن تمام است هرگاه که از حلال باشد و دست بسیار
بر آن دراز شود و نام خدا در اولش گفته شود و در آخرش حمد الهی بکنند و در
حدیث صحیح منقولست که چون خوان طعام نزد حضرت امام رضا علیه السلم حاضر
میشد کاسه می طلبیدند و از طعامهای که لذیذتر بود از هر طعامی قدری بر
میگرفتند و در آن کاسه میگذاشتند و میفرمودند که بمساکین و درویشان
بدهند و در احادیث معتبره از حضرت امام جعفر صادق ع منقولست که حضرت
یعقوب بمفارقت فرزند برای آن مبتلا شد که روزی گوسفندی کشت و
بریان کرد و مرد صالح روزه داری در نزدیک خانه او بود و بوی آن را شنید و غافل
شد که با و بخوانند پس جبرئیل در همان شب آمد و گفت مهیای بلا باش از جانب خدا
و در همانشب حضرت یوسف آن خواب را دید پس بعد از آن حضرت یعقوب
در وقت چاشت میفرمود که ندا میکردند تا یک فرسخ راه که هر که چاشت میخواهد
بطعام یعقوب حاضر شود و در شب نیز چنین ندا میکردند و در حدیث دیگر
منقولست که چون خوان طعام حاضر شود هر سائلی که بیاید رد مکنید و بسند صحیح

از حضرت رسول ص منقولست که ملعونست کسی که بنشیند بر سر خوانی که در آن شراب
خورند و در حدیث معتبر دیگر از آنحضرت منقولست که هر که ایمان بخدا و روز
قیامت دارد نباید بخورد چیزی بر سر سفرهٔ که در آن شراب بخورند و در فقه امام
رضا ع مذکور است که مخور طعامی در خوانی که بعد از رفتن تو بر سر آن شراب خورند
و در چند حدیث وارد شده است که چیزی خوردن در حالت جنابت سبب فقر
و بی چیزی میشود و در احادیث بسیار وارد شده است که حضرت رسول ص نهی
فرموده از خوردن و آشامیدن بدست چپ مگر آنکه مضطر باشد و در دست راستش
علتی باشد و بسندهای معتبر منقولست از حضرت صادق ع که حضرت رسول ص
هرگز تکیه کرده بر پهلوی راست و پهلوی چپ چیزی تناول نفرموده تا از دنیا رفت
و بروش بندگان مینشست و بروش بندگان چیزی میخورد از جهت تواضع
و فروتنی نزد پروردگار خود و در حدیث دیگر منقولست از آنحضرت که نباید تکیه
کرده و بر رو خوابیده چیزی بخورند و در حدیث حسن منقولست که روزی عباد
بصری که از مشایخ صوفیه و علمای عامه است در خدمت حضرت صادق ع نشسته بود
و حضرت طعام تناول میفرمود و دست چپ خود را بر زمین گذاشته بود عباد گفت
که مگر نمیدانی که حضرت پیغمبر نهی کرده است از تکیه بر دست کردن در وقت طعام خوردن
حضرت لحظهٔ دست را برداشتند و باز بر زمین گذاشتند دست را باز عباد اعادهٔ

آن سخن کرد تا سه مرتبه پس حضرت فرمود که و الله که حضرت رسول ص هرگز نهی از
این نفرمود و بسند معتبر از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه منقولست که
هرگاه بخوردن طعام بنشینید بروش بندگان دو زانو بنشینید و یکپا را بر روی
پای دیگر مگذارید و چهار زانو منشینید که این نشستن را و صاحبش را خدا دشمن
میدارد و ظاهر این حدیث آنست که چهار زانو که نهی واقع شده است آنست که بروش
جباران یکپا را بر بالای ران گذارند و در حدیث منقولست که حضرت رسول ص
چون بر سر خوان می نشستند از پیش خود طعام میخوردند و بروشی که در تشهد نماز
نشستند بهمان روش می نشستند و زانوی راست را بر بالای زانوی چپ و پای
راست را بر شکم پای چپ میگذاشتند و میفرمودند که من بنده ام بروش بندگان
میخوردم و بروش بندگان می نشینم و از حضرت صادق ع منقولست که مکروهست
آدمی را که از دست چپ چیزی بخورد یا بیاشامد یا چیزی بآن بردارد و حال آنکه
تواند از دست راست برداشتن و در حدیث معتبر از حضرت امیر المؤمنین ع
منقولست که باکی نیست که در حال راه رفتن چیزی بخورند و در حدیث دیگر فرمود
که روزی حضرت رسول ص پیش از نماز صبح بیرون آمدند و پاره نانی در دست داشتند
که در میان شیر فرو برده بودند و میخوردند و بنماز می آمدند و بلال اقامه نماز
میگفت پس با مردم نماز کردند و در حدیث معتبر از حضرت امام جعفر صادق ع

منقولست که مخور چیزی در حالت راه رفتن مگر انکه مضطر باشی و در احادیث
معتبره بسیار از حضرت امیر المؤمنین و ائمه طاهرین صلوات الله علیهم اجمعین
منقولست که هر که خواهد خیر خانه اش بسیار شود دست را پیش از طعام خوردن
بشوید و فرمودند که دست شستن پیش از طعام و بعد از طعام فقر را زایل
میکند و روزی را زیاد میکند و چرک را از جامه دور میکند و چشم را جلا
میدهد و درد ها را از بدن دور میکند و از حضرت صادق ع منقولست که
دستها را همه در یك ظرف بشوید تا اخلاق شما نیکو شود و در حدیث معتبر
از آنحضرت منقولست که در دست شستن پیش از طعام اول صاحب خانه میشوید
که دیگران را دشوار نباشد دست شستن و چون از طعام فارغ شوند ابتدا از کسی
میکنند که در جانب راست در گاه نشسته است و در روایت دیگر انست که در
نشستن پیش از طعام اول صاحب خانه میشوید و بعد از او هر که در جانب
راستش نشسته است و در شستن بعد از طعام ابتدا بدست چپ صاحب خانه
میکنند و خود آخر همه میشوید زیرا که او اولی است باین که صبر کند بر آلودگی دست
و در حدیث حسن از مرازم منقولست که دیدم حضرت امام موسی علیه السلام را که
چون پیش از طعام دست می شستند دست را بدستمال پاك نمیکردند و بعد از طعام
که می شستند دست را بدستمال پاك میکردند و در حدیث معتبر از حضرت امام

جعفر

٤٠

جعفر ع منقولست که دست را برای طعام خوردن که بشوئی دست را بدستمال پاك
مکن زیرا که تا تری در دست هست برکت در طعام هست و فرمود که بعد از دست
شستن دست بر رو مالیدن کلف را از رو برطرف میکند و روزی را زیاد
میکند و از مفضل بن عمر منقولست که شکایت کرد بآنحضرت از آزار چشم حضرت
فرمود که چون بعد از طعام دست بشوئی دستها را بر ابرو ها بمال و سه نوبت بگو
اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الْمُحْسِنِ الْمُجْمِلِ الْمُنْعِمِ الْمُفْضِلِ مفضل گوید که چنین کردم هرگز
آزار چشم ندیدم و از حضرت امام رضا ع منقولست که چون حضرت رسول ص
بعد از طعام دست می شستند آب در دهان میگردانیدند و مضمضه میفرمودند
و حضرت صادق ع فرمود که در اشنان که دست بآن میشوئید سعد داخل کنند
که دهان را خوشبو میکند و بر قوت جماع می افزاید و منقولست که چون حضرت امام
رضا علیه السلام باشنان دست می شستند اشنان را در دهان میکردند و میخوا‌بانیدند
و می انداختند و منقولست که حضرت امام محمد تقی صلوات الله علیه بعد از
انکه چاشت تناول فرمودند و دست شستند دستها را بر سر و رو مالیدند
پیش از انکه بدستمال پاك کنند و فرمودند اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنِی مِمَّنْ لَا یَرْهَقُ
وَجْهَهُ قَتَرٌ وَلَا ذِلَّةٌ و در روایت دیگر از حضرت رسول ص منقولست که چون دست را
بعد از طعام بشوئی بر رو و دیدها بمال پیش از انکه بدستمال پاك کنی و بگو اَللّٰهُمَّ

تقرّم

إِنِّي أَسْئَلُكَ الزِّينَةَ وَالْمَحَبَّةَ وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الْمَقْتِ وَالْبِغْضَةِ واز حضرت
امام رضا ع منقولست که هرکه دستش پاکیزه باشد باکی نیست که بخورد بدون
آنکه دست بشوید واز فضل بن یونس منقولست که حضرت امام موسی علیه السلام
بمنزل من آمدند وچون طعام حاضر شد دستمالی آوردم که در دامن ایشان بیندازم
قبول نکردند وفرمودند که این طریقه عجمانست واز حضرت صادق ع منقولست
که چون بعد از طعام دست بشویی بان تری که در دست هست دیدهای خود را
مسح کن که این امانست از درد چشم ودر روایت دیگر منقولست که چون حضرت
رسول ص از دست شستن بعد از طعام فارغ میشدند دست را برو میکشیدند
واین دعا میخواندند الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي هَدَانَا وَأَطْعَمَنَا وَسَقَانَا وَكُلَّ بَلَاءٍ
صَالِحٍ أَوْلَانَا ودر حدیث موثق منقولست که حضرت رسول ص بحضرت امیر المومنین
ع فرمود که یا علی در اول طعام وآخر طعام نمک بخور که هرکه در طعام افتتاح و اختتام
بنمک کند خدا دفع کند از او هفتاد نوع از انواع بلا را که آسانتر آنها خوره باشد
ودر روایت حسن دیگر عافیت یابد از هفتاد و دو نوع از انواع بلا که از جمله
آنها دیوانگی وخوره وپیسی است ودر روایت دیگر واز درد گلو ودرد دندان
ودرد شکم ودر حدیث معتبر از حضرت امام محمد باقر ع منقولست که در نمک
شفای از هفتاد نوع از انواع درد هست واگر مردم بدانند که چه منفعتها در نمک

هست

هست مداوا نکنند مگر بآن وفرمود که حق تعالی وحی نمود بموسی ع که امر کن قوم
خود را که افتتاح واختتام بنمک بکنند واگر نکنند وببلایی مبتلا شوند ملامت
نکنند مگر خود را ودر روایت دیگر از آنحضرت منقولست که حضرت رسول را
در اثنای نماز عقربی گزید حضرت نعل بر او زد واو را کشت وچون فارغ شد
فرمود که لعنت خدا بر تو نه نیکوکار را میگذاری ونه بدکردار را مگر آنکه آزار
میرسانی پس نمک ساییده طلبید وبر موضع گزیده عقرب مالید وفرمود که اگر
مردم منفعتهای نمک را بدانند محتاج بتریاک فاروق وغیر آن نشوند ودر بعضی
روایات معتبره وارد شده است که ابتدا بسرکه نیز خوبست وعقل را زیاد میکند
ودر روایت دیگر از حضرت امام جعفر ع منقولست که ما ابتدا بنمک وختم
بسرکه میکنیم ودر روایت دیگر از آنحضرت منقولست که هرکه نمک بپاشد براول
لقمه که میخورد روی بتوانگری آورد ودر حدیث دیگر منقولست که آنحضرت فرمود که
من روزی بمجلس سفاح که یکی از خلفای بنی عباس بود رفتم در وقتی که سفره اش
گسترده بود پس دست مرا گرفت وبنزد خود کشید پای من بر کنار سفره واقع شد
پس آنقدر غمگین شدم که خدا داند زیرا که این کفران نعمتست ودر روایت دیگر از
آنحضرت منقولست که طول دهید نشستن بر سر سفره را که این ساعتیست که از
عمر شما حساب نمیشود ودر حدیث معتبر منقولست از یاسر خادم حضرت امام رضا

ع که چون آنحضرت بر سر سفره می نشستند هیچ کوچك و بزرکی را نمیکذاشتند
مکر آنکه بر سر سفره میطلبیدند حتی مهتر و حجام واز ابرهیم بن العباس مرویست
که آنحضرت چون خلوت میشد و سفره می آوردند غلامان خود را همه بر سر خوان
میطلبیدند حتی دربانان و خدمتکاران واز حضرت رسول ص منقولست
که چون طعام خورید نعل و کفش را از پا بیرون کنید که سنت نیکوست و بیشتر
راحت می یابد پاهای شما و در اخبار معتبره وارد شده است که یك امتیاز
انسان از حیوانات دیکر آنست که بدست چیزی میتواند خورد پس باید بدست
چیزی بخورد و باسانید معتبره منقولست که حضرت رسول ص چون با جماعتی
طعام میخوردند یعنی مهمانان پیش از همه دست دراز میکردند و بعد از همه
دست میکشیدند برای آنکه ایشان بیشتر چیزی بخورند و منقولست که
حضرت رسول ص هرکز بر خوان چیزی نمیخوردند بلکه بر روی سفره میخوردند
و از اخبار چنین معلوم می شد که در آن زمان خوانها را پایه دار و بلند
میساختند از روی تکبر که برای طعام خوردن خم نباید شد والله یعلم
و در حدیث موثق منقولست از سماعة بن مهران که از حضرت صادق ع پرسید
که وقت نماز میشود و طعام رسیده است بکدام یك ابتدا کنیم فرمود که اکر اول
وقت نماز باشد اول طعام بخورید و اکر از وقت پاره کذشته باشد و بیم آن باشد

که تا طعام خوردن وقت فضیلت بدر رود ابتدا بنماز بکنید باب
در بیان دعاهای وقت طعام خوردن از حضرت رسول ص منقولست که چون خوان را
میکذارند چهار هزار ملك بر دور آن احاطه میکنند اکر بنده بسم الله کفت ملئکه
میکویند خدا برکت فرستد بر شما در طعام شما پس با شیطان میکویند بیرون رو
ای فاسق که ترا برای ایشان سلطنتی نیست و بعد از فارغ شدن اکر کفتند الحمد لله
ملئکه میکویند که ایشان جماعتی اند که نعمت داد خدا بایشان پس ادا کردند شکر پروردکار
خود را و اکر بسم الله در اول نکفتند ملئکه با شیطان میکویند که بیا ای فاسق و با ایشان
طعام بخور و اکر خوان را برداشتند و ایشان حمد الهی نکردند ملئکه میکویند که
کروهی اند که خدا بایشان نعمت داد و ایشان پروردکار خود را فراموش کردند و در حدیث
معتبر از حضرت ابی عبد الله صلوات الله علیه منقولست که چون خوان را بکذارند بکو
بسم الله و چون شروع کنی بخوردن بکو بسم الله علی اوله و آخره و چون خوان را
بردارند بکو الحمد لله و از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه منقولست
که هر که نام خدا بر اول طعام برد و حمد خدا در آخر بکند هرکز از آن طعام از او سؤال نکنند
و بسند حسن از حضرت صادق ع منقولست که هر کاه مسلمان خواهد که طعام بخورد
و چون لقمه را بردارد بکوید بسم الله و الحمد لله رب العالمین پیش از آنکه لقمه بدهانش
رسد خدا کناهانش را بیامرزد و در حدیث دیکر منقولست که چون سفره نزد حضرت

رسوله میگستردند این دعا میخواند سُبحانَکَ اللّهُمَّ ما احسَنَ ما ابتَلیتَنا
سُبحانَکَ ما اکثَرَ ما تُعطینا سُبحانَکَ ما اکثَرَ ما تُعافینا اللّهُمَّ اوسِع
علَینا وعلی فقراءِ المؤمنینَ والمؤمناتِ والمسلمینَ والمسلماتِ ودر روایت
معتبر دیگر منقولست که چون طعام نزد حضرت امام زین العابدین صلوات الله
میگذاشتند این دعا میخواند اللّهُمَّ هذا مِنکَ وفَضلِکَ وعَطائِکَ
فبارِک لَنا فیهِ وسَوِّغناهُ وارزُقنا خلَفاً اذا اکلناهُ ورُبَّ محتاجٍ
الیهِ رزقتَ فاحسَنتَ اللّهُمَّ اجعَلنا مِنَ الشّاکرینَ وچون خوان را
برمیداشتند این دعا میخواند الحمدُ لِلّهِ الّذی حمَلَنا فی البَرِّ والبَحرِ ورزَقَنا
مِنَ الطّیِّباتِ وفَضَّلَنا علی کثیرٍ مِن خَلقِهِ تفضیلاً واز حضرت صادق
ع منقولست که نام خدا بر طعام ببرید وچون فارغ شوید بگویید الحمدُ لِلّهِ
الّذی یُطعِمُ ولا یُطعَمُ ودر حدیث دیگر منقولست که چون خوان را برمیداشتند
حضرت رسول ص این دعا میخواندند اللّهُمَّ اکثَرتَ واطَبتَ وبارَکتَ فاشبَعتَ
وارْوَیتَ الحمدُ لِلّهِ الّذی یُطعِمُ ولا یُطعَمُ ودر حدیث حسن از حضرت امام
جعفر ع منقولست که فرمود که پدرم بعد از طعام این دعا میخواند الحمدُ لِلّهِ
الّذی اشبَعَنا فی جائعینَ وارْوانا فی ظامئینَ وآوانا فی ضاحینَ وحمَلَنا
فی راجلینَ وآمَنَنا فی خائفینَ واخدَمَنا فی عانینَ ودر حدیث صحیح از زراره

منقولست که با حضرت صادق ع طعام خوردم بسیار میگفت الحمدُ لِلّهِ الّذی
جعَلَنی اشتَهیهِ ودر حدیث معتبر دیگر از آنحضرت منقولست که روزی حضرت
امیر المؤمنین ع میفرمود که من ضامنم از برای کسی که بسمِ اللّهِ بر طعامی بگوید که
آزارش نکند ابن کوا گفت که یا امیر المؤمنین دیشب طعام خوردم وبسم الله گفتم
وآزار کشیدم حضرت فرمود که شاید چند رنگ طعام خورده باشی وبر بعضی
بسم الله گفته باشی وبر بعضی نگفته باشی ای احمق ودر حدیث صحیح منقولست که
شخصی بحضرت صادق ع عرض کرد که از طعام آزار میکشم فرمود که مگر بسم الله
نمیگویی گفت میگویم وباز آزار میکشم فرمود که هرگاه سخن میگویی باز بسم الله
میگویی گفت نه فرمود که باین سبب آزار میکشی هرگاه که از سخن فارغ شوی وعود
بخوردن کنی بسم الله بگو ودر روایت صحیح دیگر منقولست از آنحضرت که هرگاه
چند ظرف باشد بر هر ظرفی یک بسم الله بگو راوی گفت که اگر فراموش کنم چه کنم
فرمود که بگو بِسمِ اللّهِ علی اوَّلِهِ وآخِرِهِ ودر روایت معتبر دیگر منقولست که
آنحضرت بعد از طعام این دعا خواندند اللّهُمَّ هذا مِنکَ وبِمحمّدٍ رسولِکَ
صلّی اللّهُ علیهِ وآلِهِ اللّهُمَّ لکَ الحمدُ علی محمّدٍ وآلِ محمّدٍ واز حضرت امیر المؤمنین
صلوات الله علیه منقولست که خدا را یاد کنید در هنگام طعام خوردن وحرف
بسیار مگویید که آن طعام نعمت وروزی خداست وبر شما واجبست که در وقت صرف

کردن آن شکر خدا و یاد او و حمد او بکنید و در حدیث معتبر از حضرت صادق
ع منقولست که چون ملئکه بنزد حضرت ابرهیم ع آمدند و گوساله بریان برای ایشان
آورد و گفت بخورید گفتند نمیخوریم تا بگویی که قیمت این نعمت چیست حضرت
ابرهیم گفت که چون شروع در خوردن کنید بگویید بسم الله و چون فارغ شوید
بگویید الحمد لله حضرت جبرئیل رو کرد بسوی سه ملک میکرد گفت لائق است
یا سزاوار است که حق تعالی چنین بندهٔ را خلیل خود کرداند و بسند معتبر از حضرت
رسول ص منقولست که طعام خورندهٔ شکر کنندهٔ بهتر از روزه دار خاموش است
و در حدیث دیگر منقولست که حضرت صادق ع بسماعه گفت که ای سماعه بخور و حمد
خدا کن و مخور که خاموش باشی و منقولست بسند صحیح که حضرت علی بن الحسین ع
بعد از طعام این دعا میخواندند اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی اَطْعَمَنَا وَ سَقَانَا وَ کَفَانَا
وَ اَیَّدَنَا وَ آوَانَا وَ اَنْعَمَ عَلَیْنَا وَ اَفْضَلَ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی یُطْعِمُ وَ لَا یُطْعَمُ و در حدیث
معتبر از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه منقولست که فرمود که هرگز
از امتلای طعام آزار نکشیده ام زیرا که هیچ لقمه را نزدیک دهان نبرده ام مگر
آنکه نام خدا بر آن گفته ام و در حدیث معتبر دیگر منقولست که آنحضرت فرمود که من
ضامنم که هر که این کلمات را بگوید هیچ طعامی اورا آزار نکند اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَسْأَلُكَ
بِاسْمِكَ خَیْرِ الْاَسْمَاءِ مِلْأَ الْاَرْضِ وَ السَّمَاءِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیمِ الَّذِی لَا یَضُرُّ مَعَهُ

داءٌ و در روایت دیگر منقولست که شخصی از ضعف معده بحضرت صادق ع شکایت
کرد حضرت فرمود که چون از طعام خوردن فارغ شوی دست بر شکم بمال و بگو اَللّٰهُمَّ
هَنِّئْنِیهِ اَللّٰهُمَّ سَوِّغْنِیهِ اَللّٰهُمَّ اَمْرِئْنِیهِ و در حدیث صحیح از آنحضرت منقولست
که چون خوان حاضر شد اگر یکی از حاضران بسم الله بگوید از دیگران مجزیست

فصل ششم در آداب بعد از طعام • در حدیث معتبر از حضرت امام رضا ع
منقولست که هرگاه چیزی خوردی بر پشت بخواب و پای راست را بر روی پای چپ
گذار و در حدیث معتبر از حضرت امیر المؤمنین ع صلوات الله علیه مرویست که بخورید
آنچه از خوان بر زمین افتد که خوردن آن شفای هر دردیست بامر الهی برای کسی که باو
طلب شفا نماید و در حدیث دیگر منقولست که شخصی بحضرت صادق ع شکایت نمود
از درد تهیگاه فرمود که بر تو باد بآنچه از خوان بر زمین می افتد بخور پس چند کسی که صاحب
این درد بودند کردند و زایل شد از ایشان و در حدیث دیگر معمر بن وهب گوید
که در خدمت آنحضرت طعام خوردیم چون خوان را برداشتند بر میچیدند آنچه از خوان
افتاده بود و تناول میفرمودند بعد از آن فرمودند که خوردن اینها فقر و تنگدستی را
برطرف میکند و فرزندان را زیاد میکند و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله
منقولست که هر که پارهٔ نانی بیابد و بردارد و بخورد یک حسنه از برای او باشد و هر که
پارهٔ نانی در میان جای کثیفی یا نجسی بیابد پس بشوید آن را و بردارد برای او هفتاد حسنه

بوده باشد و در حدیث معتبر دیگر منقولست که حضرت رسول صلعم روزی بخانهٔ
عایشه آمدند پارهٔ نانی دیدند که بر زمین افتاده است برداشتند و تناول
فرمودند و گفتند ای عایشه گرامی دار نعمتهای خدا را بر خود که نعمت خدا از جماعتی
که گریخت دیگر بسوی ایشان بر نمیگردد و در حدیث صحیح از حضرت امام رضا ع
منقولست که هرکه در خانه طعامی بخورد و از آن طعام چیزی بیفتد آنرا بردارد
و بخورد و اگر در صحرا باشد برای مرغان و حیوانات بگذارد و از حضرت امام
محمد تقی علیه السلم منقولست که اگر در صحرا باشد بر مدار اگرچه پای گوسفند باشد
و از عبدالله ارجانی منقولست که گفت در خدمت حضرت صادق ع بودم دیدم
بعد از طعام میکردند و آنچه بر زمین افتاده بر میدارد حتی کنجد و امثال آنرا گفتم
فدای تو شوم اینها را هم بر میچینید فرمود که اینها روزی تست مگذار که از برای دیگری
که اینها شفا اند از همه دردی و در حدیث دیگر منقولست که خوردن آن فقر را
برطرف میکند از خورندهٔ آن و فرزندان او و فرزندان او تا فرزند هفتم و در
روایت دیگر هرکه بخورد خدا نگاه دارد او را از دیوانگی و خوره و پیسی و زرد آب
و حماقت و در حدیث دیگر منقولست که هرکه خرمایی یا پارهٔ نانی ببیند که بر زمین
افتاده است پس بردارد و پاک کند و بخورد در شکمش قرار نگیرد مگر آنکه بهشت او را
واجب شود و بسندهای معتبر از حضرت رسول ص منقولست که آنچه از سفره و خوان

میریزد مهر حور العین است و بسند معتبر دیگر منقولست که روزی حضرت امام حسین
صلوات الله علیه داخل بیت الخلا شدند لقمهٔ نانی دیدند که افتاده است برداشتند
و بغلامی از غلامان خود دادند و فرمودند که هرگاه که بیرون آیم این را بمن ده پس چون
بیرون آمدند پرسیدند که چه شد لقمه گفت خوردم فرمود که ترا آزاد کردم از برای
خدا شخصی پرسید از سبب آزاد کردن غلام حضرت فرمود که از جدم رسول خدا
ص شنیدم که هرکه لقمه بیابد و او را پاک کند یا بشوید پس بخورد آن در شکمش قرار نگیرد
مگر آنکه خدا او را از آتش جهنم آزاد گرداند و من نمیخواهم در بندگی بدارم کسی را که خدا
از آتش جهنم آزاد گردانیده و در حدیث صحیح از حضرت صادق ع منقولست که ریزهٔ
خوردهٔ مؤمن شفای هفتاد درد است و در حدیث دیگر منقولست که آنحضرت فرمود
که من انگشتان خود را بعد از طعام آنقدر میلیسم که خادم من گمان میکند که این از حرص است
و همچنین نیست بدرستی که حق تعالی نعمت فراوان عطا فرمود بر اهل نهر ثرثار بحدی که
از مغز گندم نان نفیس می پختند و بان استنجا میکردند و بر مقعد اطفال خود میمالیدند
تا آنکه کوه عظیمی از آن نانها جمع شد روزی مرد صالحی گذشت دید که زنی از نان
نجاست از طفل خود پاک میکند گفت که از خدا بترسید و نعمت خدا را از خود بر
مگردانید آن زن گفت که ما را از گرسنگی میترسانی تا این نهر ما جاریست ما از گرسنگی
نمیترسیم پس حق تعالی بر ایشان غضب فرمود و باران و آسمان و گیاه زمین را از ایشان باز داشت

تا آنکه محتاج شدند بان نانها که استنجا کرده بودند و بعد از و در میان خود قسمت میکردند
و بسند معتبر از یاسر و نادر خادمان حضرت امام رضا ع منقولست که آنحضرت میفرمود
بخادمان خود که اگر من بر بالای سر شما بایستم در وقت طعام خوردن بر مخیزید تا
فارغ شوید و بسیار بود که یکی از ما هارا میطلبید میگفتند چیزی میخورد میفرمود
بگذارید تا فارغ شوند و در وقت طعام خوردن مارا خدمت نمیفرمود فصل
هفتم از باب سیم در فضیلت نان و سویق و گوشت و روغن و سایر آنچه از حیوان حاصل می شود
و سرکه و شیرینیها و بروایت معتبر از حضرت رسول ص منقولست که گرامی دارید نان را
که کار کرده اند در او ملئکه از ما بین عرش تا زمین و بسیاری از اهل زمین تا آنکه برای
شما بعمل آمده است بعد از آن فرمود که روزی حضرت دانیال نزد کشتی بانی آمد کرده
نانی باو داد که مرا از آب بگذران کشتی بان نان را انداخت و گفت این نان را چه کنم
بیش از این نان در زیر پای مردم افتاده و پا بر آن میمالند پس دانیال دست بسوی آسمان
بلند کرد و گفت پروردگارا نان را گرامی دار بتحقیق که دیدی این بنده چه کرد با نان و چه
گفت پس خداوند عالمیان وحی نمود باسمان که باران مبار بر ایشان و وحی فرمود بزمین
که گیاه مرویان برای ایشان تا آنکه کار ایشان بحالی رسید که از گرسنگی یکدیگر را میخوردند
پس دو زن که هر یک فرزندی داشتند روزی یکی بدیگری گفت که بیا من و تو امروز فرزند
مرا بخوریم و فردا فرزند ترا بخوریم پس چون نوبت بفرزند زن دیگر رسید ابا کرد از خوردن

فرزند

فرزند و نزاع کردند و مخاصمه بنزد حضرت دانیال آوردند حضرت فرمود که کار باینجا
رسیده است گفتند بلی و بدتر پس دست باسمان برداشت و گفت پروردگارا عود کن
بر ما بفضل رحمت خود و عقاب مکن اطفال و بیگناهان را بگناه کشتی بان پس حق تعالی
وحی فرمود باسمان که باران ببار و بزمین که برویان برای خلق آنچه در این مدت از ایشان
فوت شده است بدرستی که من رحم کردم بر ایشان بطفل صغیر و بسند صحیح و غیر صحیح از
حضرت امام جعفر صادق ع منقولست که نان را در زیر کاسه مگذارید و در حدیث
دیگر فرمود که نان را گرامی دارید گفتند گرامی داشتن نان کدام است فرمود که چون نان
حاضر شود بخورید و انتظار چیز دیگر مبرید و از حضرت رسول ص مرویست که نان را بو
مکنید بر وش و زنید کان که نان مبارکست و بان نماز میکنید و روزه میدارید و حج خانه
پروردگار میکنید و در روایت دیگر فرمود که خداوندا برکت ده از برای ما در نان
و میان ما و آن جدائی میفکن که اگر نان نباشد ما نماز نمیکنیم و روزه نمیگیریم و فرایض خدا را
ادا نمی توانیم کرد و در حدیث دیگر فرمود که چون نان و گوشت حاضر شود ابتدا بنان
کنید و رخنه گرسنگی را بنان ببندید پس گوشت بخورید و بسند صحیح از حضرت امام
رضا ع منقولست که حضرت رسول ص فرمود که گرده های نان را کوچک کنید که با هر گرده برکتیست
و در چند حدیث معتبر منقولست که نان را بر وش عجمان از کارد مبرید ولیکن بدست بشکنید
و در بعضی روایات وارد شده است که اگر نان خورش نباشد نان را بکار دمی توان

برید ودر حدیث صحیح از حضرت امام رضا ع منقولست که فضیلت نان جو بر نان
گندم مانند فضیلت ما اهل بیت است بر سایر مردم و هیچ پیغمبری نیست مگر آنکه
دعا کرده است برای خورنده نان یا آش جو و برکت فرستاده است بر او و داخل
هیچ شکم نمیشود مگر آنکه هر دردی که در آن هست بیرون میکند و نان و طعام همه
قوت پیغمبران و طعام نیکانست و حق تعالی نگردانیده است قوت پیغمبران را مگر نان جو
و فرمود که داخل شکم صاحب مرض سل نمیشود چیزی که نافع تر از نان برنج باشد
و در روایت دیگر از حضرت امام جعفر ع منقولست که برای صاحب اسهال نان برنج
نیکوست و همچنین برای صاحب سل و دردها را از بدن میکند و در حدیث
دیگر از آنحضرت منقولست که پیوسته خوراک حضرت رسول ص نان جو بود
تا از دنیا مفارقت کردند و در حدیث صحیح از حضرت امام رضا ع منقولست
که نیکو خوراکیست سویق یعنی آرد بو داده گرسنه را سیر میکند و طعام را هضم میکند
و از حضرت صادق ع منقولست که سویق بوحی الهی ساخته شده است و گوشت را
میرویاند و استخوان را محکم میکند و خوراک پیغمبرانست و قاووت خشک سپیدی را
زایل میگرداند و با زیت خوردن گوشت را میرویاند و استخوان را سخت میکند
و بشره را نازک میکند و قوت جماع را زیاده میکند و اگر سه کف سویق خشک
ناشتا خورده شود بلغم و صفرا را برطرف میکند و در حدیث دیگر فرمود

کسویق

که سویق هفتاد نوع بلا را دفع میکند و هر که چهل صباح بخورد دو کتفین او پر میشود
از قوت و در حدیث دیگر فرمود که سویق عدس تشنگی را زایل میکند و معده را
قوت میدهد و صفرا را فرو مینشاند و معده را پاک میکند و شفای هفتاد
درد است و هیجان خون و حرارت را برطرف میکند و در حدیث صحیح از حضرت
امام محمد تقی ع منقولست که زنی که خون حیضش بند نشود سویق باو باید
خورانید تا بند شود و در حدیث صحیح از حضرت امام جعفر صادق ع منقولست
که بهترین نانخورشهای در دنیا و آخرت گوشت است مگر نشنیده که حق تعالی در وصف
بهشت میفرماید وَلَحْمِ طَيْرٍ مِمَّا يَشْتَهُونَ یعنی و گوشت مرغ از آنچه خواهش
داشته باشند آنرا و در حدیث معتبر دیگر منقولست که عبد الاعلی و مسمع
بآنحضرت عرض نمودند که نزد ما روایت میکنند از حضرت رسول ص که خدا دشمن
میدارد خانه پر گوشت را حضرت فرمود که راست میگویند اما آن معنی ندارد
که ایشان فهمیده اند بلکه معنیش آنست که خدا دشمن میدارد خانه را که گوشت
مردم را بغیبت در آنخانه بخورند و در حدیث دیگر از آنحضرت منقولست
که حضرت رسول ص گوشت بسیار میخوردند و دوست میداشتند و فرمود
که پدرم گوشت را دوست میداشتند و روزی که فوت شد سی درهم برای
خریدن گوشت جدا کرده بود و حضرت رسول ص فرمود که ما گروه قریش گوشت را

دوست میداریم و در حدیث حسن از حضرت صادق ع منقولست که گوشت
خوردن در بدن گوشت میرویاند وکسی که چهل روز گوشت نخورد بد خلق میشود
و هر که بد خلق شود اذان در گوشش بگویید و فرمود که هر که چهل روز بگذرد
و گوشت نخورد توکل بر خدا کند و قرض کند و بخورد که قرضش ادا میشود
و در حدیث صحیح منقولست که شخصی بخدمت حضرت امام رضا ع عرض کرد
که اهل بیت ما گوشت گوسفند نمیخورند و میگویند که سودا را بحرکت می آورد
و از درد سر و دردهای دیگر بهم میرسد حضرت فرمود که اگر خدای عز و جل
گوشتی بهتر از گوشت گوسفند میدانست فدای اسمعیل را گوسفند قرار نمیکرد
و از حضرت امام محمد باقر ع منقولست که بنی اسرائیل بحضرت موسی ع شکایت
کردند از پیسی که در میان ایشان بسیار شده بود حق تعالی وحی نمود بحضرت موسی که
امر کن ایشان را که گوشت گاو با چغندر بخورند و از حضرت صادق ع منقولست
که مرق گوشت گاو پیسی را زایل میکند و فرمود که شیر گاو دواست و روغن گاو شفاست
و گوشت گاو درد است و در چند حدیث منقولست که هر یک لقمه چربی که بخورد
بخورد بقدر آن درد از بدنش بیرون رود و از حضرت امیر المؤمنین صلوات
الله علیه مرویست که اردک گامیش مرغانست چون بچینی میخورد و مرغ خانگی
خوک مرغانست زیرا که فضله آدمی میخورد و دراج حبشی مرغانست چرا نمیخوری

دوکبوتر

دو کبوتر بچه را که تازه پرواز آمده باشند و زنگی بزبادتی قوت پاکیزه خود ایشانرا
تربیت کرده باشد و در احادیث معتبره وارد شده است که هر که خواهد خشم او
کم شود و اندوهش زایل شود گوشت دراج بخورد و از حضرت امام موسی ع
منقولست که گوشت کبک ساق پای را قوی میگرداند و تب را دور میکند
و در حدیث صحیح از امام محمد تقی ع منقولست که گوشت اسفرود مبارکست و پدرم
آنرا دوست میداشت و میفرمود که برای صاحب یرقان بریان کنید و باو بخورانید
و از حضرت امام موسی علیه السلم منقولست که گوشت هبره را خوردن باکی نیست
و آن برای دفع بواسیر و درد پشت نافع است و اعانت میکند بر بسیاری جماع
و از حضرت امام رضا علیه السلم سؤال کردند از گوشت گوره خر فرمود که چون و
حشی است خوردنش جایز است اما نخوردنش نزد من بهتر است و از حضرت موسی ع
منقولست که باکی نیست در خوردن گوشت و شیر و روغن گامیش و در حدیث
حسن منقولست که حضرت رسول صلعم نهی فرمود از خوردن گوشت خام و فرمود
که این خوردن حیوانات درنده است بلکه بنا بر خورد تا آنکه آتش یا آفتاب آنرا
تغییر دهد و در حدیث صحیح منقولست که از حضرت صادق ع پرسیدند از
خوردن گوشت خام فرمود که طعام درندگانست و در احادیث بسیار منع
وارد شده است از گوشت قدید که در سایه خشک کرده باشند و وارد شده است

که درد دهان را بحرکت می‌آورد و معده را سست میکند و در بعضی احادیث تجویز
خوردنش هم وارد شده است و از حضرت صادق ع منقولست که سه چیز است
که بدن را خراب میکنند و بسیار باشد که آدمی را بکشند خوردن گوشت قدید
بدبو و با امتلای معده بحمام رفتن و جماع با زنان پیر کردن و در روایت دیگر
و با امتلاء مجامعت با زنان کردن و در حدیث دیگر از آنحضرت منقولست که
سه چیز است که خوردنی نیستند و بدن را فربه میکنند و سه چیز است که خوردنی
اند و بدن را لاغر میکنند و دو چیز است که بهمه چیز نفع میرسانند و بهیچ چیز
ضرر نمیرسانند و دو چیز است که بهمه جهت ضرر میرسانند و بهیچ جهت
نفع نمیرسانند اما آنها که خوردنی نیستند و فربه میکنند پیراهن کتان پوشیدن
و بوی خوش کردن و نوره مالیدن و اما آنها که خوردنی اند و لاغر میکنند گوشت
خشک و پنیر و شکوفه خرما و اما آن دو چیز که بهمه جهت نفع میرسانند آب نیم
گرم و انار و اما آن دو چیز که بهمه جهت ضرر میرسانند گوشت خشک کرده
و پنیر و در احادیث بسیار وارد شده است که حضرت رسول ص گوشت
دست و کتف گوسفند را دوست میداشتند و از گوشت ران گوسفند کراهت
داشتند برای آنکه بمحل بول نزدیکست و بچند سند منقولست که حضرت
آدم ع گوسفندی قربانی کرد برای پیغمبران از فرزندان خود و برای هر پیغمبری عضوی نام

نام برد

برد و از آنجمله برای پیغمبر آخر الزمان صلی الله علیه و آله دست گوسفند را نام
برد باین سبب آنحضرت آنرا دوست میداشت و بر همه اعضای گوسفند تفضیل
میداد و در حدیث حسن از حضرت امام جعفر ع منقولست که گوشت که با شیر پخته
باشد مرق پیغمبرانست و از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه منقولست
که هرگاه ضعف بر مسلمانی مستولی شود گوشت را با شیر بپزد و بخورد و در حدیث
دیگر منقولست که یکی از پیغمبران بحق تعالی شکایت نمود از ضعف و سستی بدن
وحی رسید باو که گوشت را با شیر طبخ کن و بخور که بدن را قوت میدهد
و در روایت معتبر منقولست که محبوبترین طعامها نزد حضرت رسول ص آش انار
بود و بسند صحیح منقولست که حضرت صادق ع زبیبه را دوست میداشتند
و آن آشی یا قلیه بوده است که مویز در آن میکرده اند و در احادیث بسیار
مدح مرق گوشت که نان در آن ترید کرده باشند وارد شده است و احادیث
معتبره در مدح کباب منقولست که ضعف را زایل میگرداند و زنگ را سرخ میکند
و تب را زایل میکند و در حدیث معتبر منقولست که اصبغ بن نباته گفت
روزی بخدمت حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه رفتم در پیش آنحضرت
گوشت بریانی گذاشته بود فرمود که نزدیک بیا و بخور گفتم یا امیر المؤمنین مرا
ضرر میکند فرمود که نزدیک بیا که ترا تعلیم کنم که چون آن دعا را بخوانی هیچ چیز

نور او را ضرر نرساند بِسْمِ اللهِ خَيْرِ الأَسْمَاءِ مِلْءَ الأَرْضِ وَالسَّمَاءِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الَّذِي لَا يَضُرُّ مَعَ اسْمِهِ شَيْءٌ وَلَا دَاءٌ و مدح کله نیز در حدیث وارد شده است
که محل تذکیه است و بچراگاه از همه اعضا نزدیک تر و از کثافات دورتر است
و از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه منقولست که بر شما باد بخوردن
هریسه که تا چهل روز قوت عبادت میدهد و از جمله مائده است که خداوند
عالمیان بر حضرت رسول ص نازل گردانید و از حضرت صادق ع منقولست که
پیغمبری از پیغمبران بحق تعالی شکایت نمود از ضعف و کمی قوت جماع حق تعالی او را امر فرمود
بخوردن هریسه و در حدیث دیگر از آنحضرت منقولست که خداوند عالم
هدیه فرستاد برای پیغمبر ص هریسه از هریسهای بهشت که دانهاش در باغهای
بهشت رویده بود و حوران بهشت بدست خود بعمل آورده بودند پس چون
حضرت رسول ص از آن تناول فرمودند قوت چهل مرد بر قوت آنحضرت افزود
و این چیزی بود که خدا میخواست که پیغمبر ص را باین خوشحال گرداند و مدح مثلثه وارد
شده است و آن طعامی بوده است که یک قفیز برنج و یک قفیز نخود و یک قفیز باقلا را
میکوفته اند و می پخته اند و گاهی بعوض باقلا دانه دیگر می کرده اند و مدح تلبینه
نیز وارد شده است و آن حلوای روانی بوده است که از آرد و شیر و عسل بعمل می
آورده اند و از هرون بن موفق منقولست که حضرت امام موسی ع روزی مرا

طلبید

طلبید و در خدمت آنحضرت طعام خوردم و حلوای بسیار آورده بودند
گفتم چه بسیار است حلوا فرمود که ما و شیعیان ما از شیرینی خلق شده ایم
پس دوست میداریم حلوا را و از عبد الاعلی منقولست که روزی در خدمت
حضرت صادق ع طعام خوردم مرغی آوردند که میانش را از خرما و روغن
پر کرده بودند و در حدیث موثق منقولست از یونس بن یعقوب که او گفت
ما در مدینه بودیم بسیار بید و کم بفرستید ما کاسه کوچکی بخدمت آنحضرت
فرستادیم و در حدیث دیگر از آنحضرت منقولست که هر که شب ماهی بخورد
و بعد از آن خرما یا عسل نخورد تا صبح رگ فالج در بدن او متحرک می باشد و فرمود
که حضرت رسول ص چون ماهی تناول میکردند میفرمودند اللَّهُمَّ بَارِكْ
لَنَا فِيهِ وَأَبْدِلْنَا بِهِ خَيْرًا مِنْهُ یعنی خداوندا برکت ده برای ما در این ماهی
و بعوض این بهتر از این بما عطا کن و بسند معتبر از حضرت موسی بن جعفر ع
منقولست که بر شما باد بخوردن ماهی که اگر بی نان بخورید گوارا است و از حضرت
امیر المؤمنین صلوات الله علیه منقولست که مداومت منمائید بر خوردن
ماهی که بدن را میگدازاند و در روایت دیگر منقولست که ماهی تازه بینایی چشم را
میگدازد و در حدیث صحیح وارد است که شخصی بخدمت حضرت امام حسن عسکری
ع نوشت که هر گاه که حجامت میکنم صفرا بهیجان می آید و اگر نمیکنم خون آزار میکند

حضرت در جواب نوشتند که حجامت بکن و بعد از آن ماهی تازه که با آب نمک
کباب کرده باشند بخور پس آن مرد چنین کرد و همیشه در عافیت بود
و در حدیث معتبر از حضرت صادق ع منقولست که تخم سبکست و خواهش
گوشت را بر طرف میکند و مفسدهٔ گوشت را ندارد و شخصی بخدمت حضرت
امام رضا علیه السلم شکایت کرد از کمی فرزند فرمود که استغفار بکن و تخم مرغ با پیاز
بخور و از حضرت امام جعفر ع منقولست که پیغمبری بخدا شکایت کرد از کمی نسل
وحی باو رسید که تخم با گوشت بخور و در حدیث دیگر فرمود که زردهٔ تخم
سبکست و سفیده اش سنگین است و از حضرت امام موسی ع منقولست که
بسیار خوردن تخم زیاد میکند فرزندرا و احادیث در مدح سرکه با زیت
وارد شده است که خورش پیغمبرانست و ائمه علیهم السلم تناول میفرموده اند و در مدح
سرکه احادیث معتبره بسیار وارد شده است و منقولست که بهترین نانخورشها
نزد حضرت رسول صلعم سرکه بود و میفرمودند که خانه که سرکه در آن باشد خالی از نان
خورش نیست و حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه فرمود که نیکو نانخورشی
سرکه صفرا را فرو می نشاند و دل را زنده میکند و از حضرت صادق علیه السلم
بطرق متعدده منقولست که سرکه که از شراب بهم رسیده باشد کرم معده را
میکشد و بن دندان را محکم میکند و عقل را قوی میکند و شهوة زنان را قطع میکند

و فرمود

و فرمود که بنی اسرائیل در اول و آخر طعام سرکه میخوردند و ما در اول طعام نمک
میخوریم و در آخر طعام سرکه میخوریم و در احادیث بسیار مدح خوردن روغن
زیت و بر خود مالیدن آن وارد شده است و منقولست که نان خورش پیغمبران
و برگزیدگانست و مدح میوه زیتون نیز بسیار وارد شده است و منقولست
که دفع بادها میکند و بچندین سند از ائمه طاهرین علیهم السلم منقولست که مردم
طلب شفا نموده اند بچیزی مانند عسل و آن شفای هر درد نیست و خوردن عسل
و تلاوت قرآن و خاییدن کندر بلغم را میگدازند و در مدح شکر احادیث بسیار
وارد شده است و مراد از آن یا نبات است یا قندها از قبیل نقل چیزی از شکر
میساخته اند و منقولست که حضرت امام موسی ع در وقت خواب تناول میفرمودند
و منقولست که بهمه جهت نافع است و دفع بلغم میکند و در روایت وارد شده است
که اگر کسی هزار درهم داشته باشد و بغیر آن چیزی نداشته باشد و همه را شکر
بخرد مسرف نخواهد بود و در مدح روغن خصوصاً روغن گاو و احادیث بسیار
وارد شده است و از برای پیران که پنجاه سال و زیاده داشته باشند منع از خوردن
روغن وارد شده است و منقولست که روغن گاو شفاست و در حدیث معتبر
منقولست که حضرت رسول صلعم هرچه میخوردند و می آشامیدند میگفتند اَللّٰهُمَّ
بَارِكْ لَنَا فِيهِ وَاَبْدِلْنَا خَيْرًا مِنْهُ یعنی خداوندا برکت ده برای ما درین که خوردیم

وبعوض آن بهتر از آن بما عطا فرما وچون شیر تناول میکردند میفرمودند اللّهمّ
بارِك لَنا فیهِ وَزِدنا مِنهُ یعنی خداوندا برکت ده برای ما درین که آشامیدیم
واز این بیشتر بما عطا فرما واز حضرت امام محمد باقر ع منقولست که شیر یک گوسفند
سیاه بهتر است از شیر دو گوسفند سرخ وشیر یک گاو سرخ بهتر است از شیر
دو گاو سیاه ومنقولست که شیر خوراک پیغمبرانست وشخصی بخدمت حضرت صادق
ع عرض کرد که شیر خوردم وآزار کشیدم حضرت فرمود که شیر آزار نمیکند ولیکن
با چیز دیگر خورده وآزار کشیده از آن وشخصی بآنحضرت شکایت نمود از ضعف بدن
فرمود که شیر بخور که گوشت را میرویاند واستخوان را سخت میکند وحضرت امام
موسی ع فرمود که هر که آب پشتش متغیّر شود یعنی فرزند ازو حاصل نشود
شیر با عسل بخورد ودر سند موثق کالصحیح از حضرت رسول ص منقولست که
بر شما باد بشیر گاو که آن از همه درختی میخورد وخاصیت هر گیاه در شیرش هست
وحضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه فرمود که شیر گاو دواست ودر حدیث
دیگر منقولست که او برای فساد معده نافع است وحضرت امام موسی ع
فرمود که بول شتر نافع تر است از شیرش وحق تع در شیرش شفا قرار داده است
ودر روایت دیگر منقولست که شیر شتر شفای تمام دردهاست ودر روایتی
چند مدح شیر الاغ وخاصیت آن وارد شده است ودر حدیث معتبر از حضرت

موسی بن جعفر ع منقولست که هر که خواهد که ماست او را ضرر نرساند باید نان
بخورد وحضرت امام محمد باقر ع فرمود که دوست میدارم پنیر را ودر روایتی
وارد شده است که در طرف چاشت مضر است ودر طرف شب نافع است
وموجب تولد فرزند میشود واز حضرت امیر المؤمنین علیه السلم منقولست
که خوردن مغز گردکان در تابستان حرارت اندرون را بحرکت می آورد ودملها
در بدن احداث میکند ودر زمستان گردها را گرم میکند وسرما را دفع
میکند ودر چند روایت وارد شده است که پنیر ومغز گردکان را چون باهم
بخوری دواست وهریک را که تنها بخوری درد است

فصل هشتم از باب

در فواید حبوب وسبزیها ومیوها وسایر مأکولات از حضرت امام جعفر
صادق صلوات الله علیه منقولست که نیکو طعامیست برنج رودها را
گشاده میکند وبواسیر را قطع میکند ودر چند روایت وارد شده است
که ما بیماران خود را ببرنج دوا میکنیم ودر حدیث موثق منقولست که شخصی
بخدمت حضرت صادق ع از درد شکم شکایت نمود حضرت فرمود که برنج
بشوی ودر سایه خشک کن واندکی بریان کن ونرم بکوب وهر صبح یک
کف بخور ودر روایت دیگر منقولست که آنحضرت را درد شکم بود فرمود
که برنج را با سماق بپزند وچون تناول نمود برطرف شد ودر حدیث معتبر منقولست

که حضرت امام رضا ع نخد بریان کرده پیش از طعام و بعد از طعام تناول میفرمودند
و در روایت دیگر از حضرت رسول صلعم منقولست که هفتاد پیغمبر بران برکت
فرستاده اند و در روایات معتبره بسیار وارد شده است که خوردن عدس
دل را نرم میکند و آب دیده را جاری میکند و در دو روایت معتبر منقولست
که خوردن باقلا ساق را پر مغز میکند و دماغ را زیاد میکند و تولید خون
تازه میکند و در روایت دیگر مرویست که باقلا را با پوست بخورید که معده را
دباغی میکند و منقولست که خوردن لوبیا بادهای اندرونی را دفع میکند
و منقولست که شخصی بحضرت امام موسی ع شکایت نمود از بهق فرمود که
ماش در طعام خود داخل کن و در حدیث معتبر منقولست که اگر چیزی طعام
نزد حضرت رسول صلعم می آوردند که در میان آنها خرما بود ابتدا بخوردن
خرما مینمود و حضرت علی بن الحسین علیهما السلم دوست میداشت کسی را که خرما
دوست دارد بجهت آنکه حضرت رسول صلعم خرما دوست میداشت و از سلیمن
جعفری منقولست که رفتم بخدمت حضرت امام رضا ع و نزد آنحضرت خرمای
برنی گذاشته بود و آنحضرت با اهتمام از روی خواهش تناول مینمود فرمود که ای
سلیمان نزدیک بیا و بخور بگفتم فدای تو شوم بسیار بجد تناول میفرمائید
فرمود که بلی دوست میدارم که حضرت رسول و امیر المؤمنین و امام حسن و امام

حسین و امام زین العابدین و امام محمد باقر و امام جعفر صادق و پدرم همگی خرما
دوست میداشتند و من دوست میدارم و شیعیان ما دوست میدارند
زیرا که از طینت ما خلق شده اند و دشمنان ما شراب دوست میدارند زیرا
که از آتش خلق شده اند و از حضرت صادق ع منقولست که هر که هر روز هفت
دانه خرمای عجوه از خرماهای اطراف مدینه تناول نماید ناشتا هیچ زهری و
سحری و شیطانی با وضرر نرساند و در حدیث دیگر فرمود که هر که هفت دانه
عجوه در هنگام خواب بخورد کرمهای شکمش را میکشد و در احادیث معتبره
منقولست که پنج میوه است که از بهشت آمده است انار ملس و سیب شامی و به
و انگور رازقی و رطب مشان و در حدیث معتبر از حضرت صادق ع منقولست که
کراهت دارد پوست میوه را کندن و در حدیث دیگر فرمود که بر روی هر میوه
زهری هست پس چون بیارند برای شما با آب فرو برید و بخورید و در حدیث
صحیح منقولست که از حضرت موسی بن جعفر ع پرسیدند از انجیر و خرما و سایر
میوه ها و دانه ها با هم خوردن چونست حضرت فرمود که حضرت رسول صلعم نهی فرمود
از آن پس اگر تنها باشی بهر روش خواهی بخور و اگر با جمعی از مسلمانان خوری
چنین مکن و یکدانه یکدانه بخور و در حدیث دیگر فرمود که اگر خواهی دو تا دو تا
بخوری رفیق خود را اعلام کن و از او رخصت بگیر و بخور و در روایت معتبر

منقولست که روزی حضرت امام رضا ع دیدند که غلامان میوه را نیم خورده
انداخته اند فرمود که سبحان الله اگر شما مستغنی شده اید دیگران مستغنی نیستند
بکسی که محتاج باشد بخورانید و در حدیث موثق از حضرت صادق ع منقولست
که دو چیز است که بدو دست می باید خورد انگور و انار و حضرت امام موسی ع
فرمودند که سه چیز است که ضرر نمیرسانند انگور رازقی و نیشکر و سیب و در احادیث
معتبره از حضرت صادق ع منقولست که چون حضرت نوح ع از کشتی فرود آمد از دیدن
استخوان مردها غم عظیم او را عارض شد پس حق تع باو وحی فرمود که انگور سیاه بخور
تا غمت زایل شود و در حدیث دیگر فرمود که پیغمبری از پیغمبران بخدا شکایت نمود از اندوه
و غم باو وحی رسید که انگور بخور و در حدیث حسن منقولست که حضرت علی بن الحسین
ع انگور بسیار دوست میداشتند روزی روزه بودند چون وقت افطار شد ام
ولد آنحضرت خوشه انگوری نزد آنحضرت گذاشت و اول انگور بود پس سایلی رسید
حضرت آن انگور را بسایل دادند پس ام ولد پنهانی رفت و آن انگور را از سایل
خرید و نزد حضرت گذاشت پس سایل دیگر رسید باز حضرت آن را بسایل
دادند و باز کنیزک رفت و خرید و آورد تا چهار مرتبه پس در مرتبه چهارم تناول
فرمودند و منقولست که ابو عکاشه بخدمت حضرت امام محمد باقر ع آمد انگوری
نزد او گذاشتند حضرت فرمود که پیر و طفل خورد یکدانه یکدانه میخورند و کسی که

میترسد که سیر نشود سه دانه و چهار دانه میخورد و تو دو دانه دو دانه بخور که مستحبست
و بند و سند از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه منقولست که بیست و یکدانه
مویز سرخ ناشتا خوردن جمیع مرضها را دفع میکند مگر مرض مرگ و بند و سند
از حضرت صادق ع منقولست که مویز طایف عصبهای بدن را محکم میکند و
کلال و ماندگی را میبرد و نفس را خوشحال میکند و در حدیث معتبر از آنحضرت منقولست
که میوه صد و بیست قسم است و بهتر از همه انار است و فرمود که بر شما باد بخوردن
انار که گرسنه را سیر میکند و سیر را هضم طعام میکند و فرمود که هیچ میوه نزد
حضرت رسول ص محبوب تر از انار نبود و نمیخواست که با او در خوردن کسی شریک
شود و در احادیث معتبره بسیار وارد شده است که در هر اناری دانه از بهشت
هست و چون کافر میخورد ملکی می آید و آن دانه را بر میدارد که او نخورد و باین سبب مستحبست
که انار را تنها بخورند و از حضرت صادق ع منقولست که هر مؤمنی که یک انار
تنها بخورد خدا شیطان را از روشنی دل او چهل روز دور گرداند و هر مؤمن
که دو انار را تمام بخورد خدا شیطان را از روشنی دل او صد روز دور گرداند و هر
مؤمن که سه انار را تمام بخورد خدا شیطان را از روشنی دل او یکسال دور گرداند
و هر که یکسال شیطان از او دور گردد گناه نمیکند و هر که گناه نکند داخل بهشت میشود
و در حدیث صحیح از آنحضرت منقولست که بر شما باد بخوردن انار شیرین که هیچ حبه از آن در معده

مؤمن نمی افتد مگر آنکه دردی را برطرف میکند و شیطان و وسوسه را از او دور میکند
و در حدیث حسن منقولست که هر که یک انار ناشتا بخورد دلش تا چهل روز روشن باشد
و در حدیث دیگر فرمود که انار را با پیه اش بخورید که دباغی معده میکند و شعور را
می افزاید و فرمود که انار برش شیرین شایسته تر است در شکم و از حضرت امام موسی
علیه السلم منقولست که هر که در روز جمعه یک انار ناشتا بخورد تا چهل روز دلش را
روشن کند و اگر دو تا بخورد تا هشتاد روز و اگر سه تا بخورد تا صد و بیست روز
و وسوسه شیطان را از او دور گرداند و هر که وسوسه شیطان از او دور شود معصیت
خدا نکند و هر که معصیت خدا نکند داخل بهشت شود و در حدیث دیگر فرمود که
دود چوب درخت خرما حشرات و گزندهای زمین را بر می اندازد و بسند معتبر از
حضرت صادق ع منقولست که سیب معده را جلا میدهد و حضرت امام موسی
ع فرمود که خوردن سیب نافع است برای زهر و سحر و استیلای اجنه و غلبه
بلغم و هیچ چیز منفعتش از آن تندتر نیست و در روایات معتبره وارد شده است
که خوردن سیب دفع تب و رعاف و طاعون میکند و در روایت معتبره دیگر
منقولست که سویق سیب [illegible] قطع رعاف میکند و فرمود که هیچ بر دوای
برای دفع زهرها بهتر از سویق سیب نیست و فرمود که اگر مردم بدانند که چه نفعها
در سیب هست هر آینه بیماران خود را دوا نکنند مگر بسیب و از حضرت امیر المؤمنین

صلوات الله

صلوات الله علیه منقولست که بخورید سیب که دباغی میکند معده را و از حضرت
امیر المؤمنین صلوات الله علیه منقولست که خوردن به دل ضعیف را قوی میگرداند
و معده را پاکیزه میکند و دل را زیرک میکند و مرد ترسان را شجاع میکند
و از حضرت صادق ع منقولست که رنگ را صاف میکند و فرزند را نیکو میکند
و در حدیث دیگر فرمود که هر که به ناشتا بخورد آب منی او پاکیزه شود
و فرزندش وجیه شود و در حدیث معتبر دیگر فرمود که هر که به بخورد حق تعالی
حکمت را بر زبان او گویا گرداند چهل صباح و فرمود که خدا هیچ پیغمبری را نفرستاده است
مگر آنکه بوی به با او بوده و فرمود که به غم اندوهگین را میبرد چنانچه دست
عرق جبین را میبرد و در حدیث حسن از حضرت امام رضا ع منقولست
که انجیر گند دهان را زایل میکند و استخوان را سخت میکند و مو را میرویاند
و دردها را می برد و با آن به دوای دیگر حاجت نیست و شبیه ترین میوهها است
میوههای بهشت و بسند معتبر از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه منقولست
که بخورید امرود که جلا میدهد دل را و دردهای اندرون را ساکن میکند بامر
الهی و در حدیث معتبر دیگر از حضرت صادق ع منقولست که امرود دباغی
معده میکند و قوت میدهد معده را و با سیری خوردن نافعتر است از ناشتا
خوردن و از حضرت امام رضا ع منقولست بسند صحیح که انجیر گند دهان را برطرف

میکند واستخوان را سخت میکند وموراموی رویاند ودردها را می برد که با آن بدوای
دیگر حاجت نیست وشبیه ترین میوه هاست بمیوه های بهشت ودر حدیث
دیگر فرمود که برای دفع قولنج نافع است واز حضرت امیر المؤمنین ع منقولست
که خوردن انجیر سدها را نرم میکند وبرای بادهای قولنج نافعست در روز
بخورید وبسیار بخورید ودر شب بخورید وبسیار مخورید ومنقولست
که دفع میکند بواسیر ونقرس را وقوت مجامعت را می افزاید واز زیاد قندی
منقولست که رفتم بخدمت حضرت امام موسی ع دیدم که نزد آنحضرت ظرف آبی
گذاشته ودر میان آن آلوی سیاه ریخته اند پس فرمود که حرارتی بر من غالب
شده بود والوی تازه حرارت را فرو می نشاند وصفرا را ساکن میکرداند وآلوی
خشک خون را ساکن میکند ودردهای کهنه را از بدن میکشد ودر حدیث
معتبر منقولست که حضرت صادق ع از شخصی سؤال نمود که اطبای شما چه میگویند
در باب ترنج گفتم که میگویند پیش از طعام می باید خورد فرمود که من میگویم
که بعد از طعام بخورید ودر حدیث دیگر فرمود که بخورید ترنج که آل محمد میخورند
ازو فرمود که نان خشک هضم میکند ترنج را واز حضرت امام رضا ع منقولست
که حضرت رسول ص را خوش می آمد نگاه کردن بسوی ترنج سبز وسیب سرخ وبدانکه
عرب لیمو ونارنج را هم ترنج میگویند ودر بعضی احادیث مدح موزه وارد شده است

واز

واز حضرت صادق منقولست که سنجد مغزش گوشت را میرویاند وپوستش
پوست را میرویاند واستخوانش استخوان را میرویاند وخوردن سنجد گرده ها را
گرم میکند ومعده را دباغی میکند وامان میدهد از بواسیر واز تقطیر بول وساق
پا را قوت میدهد ورگ طوخره را قطع میکند واز حضرت صادق ع منقولست
که بخورید خربزه که در آن ده خصلت هست دردی وفسادی در آن نیست و
خوردنیست وآشامیدنیست ومیوه است وگلست واشنانست که دهان را
پاک میکند ونان خورش است وقوت جماع را زیاد میکند ومثانه را میشوید
وادرار بول میکند وریگ مثانه را دفع میکند واز حضرت امام رضا ع
منقولست که خربزه خوردن ناشتا مورث فالج است وحضرت رسول ص
رطب را با خربزه میل میفرمودند ودوست میداشتند وگاهی شکر وقند
با خربزه میخوردند وبسند معتبر از حضرت صادق ع منقولست که چون حضرت
رسول ص میوه تازه میدیدند میبوسیدند وبر هر دو دیده میگذاشتند
ومیگفتند که اَللّٰهُمَّ كَمَا أَرَيْتَنَا فِي عَافِيَةٍ فَأَرِنَا آخِرَهَا فِي عَافِيَةٍ یعنی خداوندا
چنانکه نمودی بما اولش را در عافیت بنما آخرش را در عافیت ودر حدیث
دیگر از حضرت رسول ص منقولست که هر که میوه بخورد واول بسم الله بگوید
باو ضرر نرساند واز حضرت صادق ع منقولست که هرگز خوانی نزد حضرت

امیر المؤمنین ع نمی آوردند مگر آنکه سبزی در آن بود و فرمود که دلهای مؤمنان
سبز است و بسبزی مایلست و فرمود که هر کس شب بخوابد و هفت برگ کاسنی
در معده او باشد در آن شب از قولنج ایمن گردد و فرمود که کسی که خواهد که مال
و فرزندش زیاده شود بسیار بخورد برگ کاسنی را و در حدیث دیگر فرمود
که نیکو سبزیست کاسنی هیچ برگی نیست از آن مگر آنکه قطرهٔ از بهشت بر روی آن هست
پس در وقت خوردن حرکت میدهد که قطراتش بریزد و فرمود که کاسنی بهترین
سبزیهاست و فرزند را بسیار و نیکو میکند و پیری آورد و فرمود که فضیلت
آن بر سبزیها مانند فضیلت ماست بر جمیع خلایق و حضرت امام رضا ع فرمود
که خوردن کاسنی شفای همه دردهاست و هیچ دردی در اندرون فرزند
آدم نیست مگر آنکه کاسنی آنرا از بیخ میکند و شخصی را تب عارض میشد و صداع
داشت حضرت فرمود که کاسنی را بکوبند و بر روی کاغذی پهن کنند و روغن
بنفشه بر آن بریزند و بر پیشانیش ببندد از آنکه تب و صداع را برطرف میکند
و حضرت صادق ع فرمود که کاسنی سبزی رسول خدا است و بادروج
سبزی امیر المؤمنین است و برگ خرفه سبزی حضرت فاطمه علیها السلام است و
احادیث بسیار در تعریف بادروج مرویست و آنکه باید در اول طعام خورده
شود که فتح سده میکند و اشتهای طعام را زیاده میکند و سل را می برد و آروغ را

خشبو

خشبو میکند و امانست از خوره و چون در شکم ساکن شود همه دردها را زایل میکند
و در روایت معتبر از حضرت موسی بن جعفر ع منقولست که شخصی را علت سپرز
عارض شده بود فرمود که سه روز با و تره بخورانید چنان کردند صحت یافت
شد و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که بخور تره برگ که در آن چهار خصلت
هست کند دهان را برطرف میکند و بادها را دفع میکند و بواسیر را قطع
میکند و هر که مداومت کند بر آن از خوره ایمن است و منقولست که حضرت
امیر المؤمنین صلوات الله علیه تره را با نمک سائیده تناول میکردند و در حدیث
معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که حضرت رسول ص فرمود که بر شما باد
بخوردن کرفس که خوراک حضرت الیاس و یسع و یوشع بن نون است و از حضرت
امام موسی ع مرویست که خوردن سیب و کشنیز موجب فراموشی است
و از حضرت امام جعفر ع منقولست که بر روی زمین سبزی شریفتر و نافعتر از برگ
خرفه نیست و آن سبزی حضرت فاطمه است و در حدیث دیگر فرمود که بر شما
باد بخوردن کاهو که خون را صاف میکند و در دو حدیث معتبر از حضرت امام
جعفر ع منقولست که هر که تره تیزک را بعد از نماز خفتن سیر بخورد تا صبح نفس
او را کشد بسوی خیر و در حدیث دیگر فرمود که کاسنی و بادروج و تره از ماست
تیزک از بنی امیه است و در روایت دیگر از خادم حضرت امام موسی ع منقولست

که هرگاه آنحضرت مارا امر میکرد بخوردن سبزی میفرمود که تره تیزک بسیار
بخوریم و میفرمود که چه بسیار احمقند بعضی از مردم میگویند که تره تیزک در
در کنار رودخانه جهنم میروید و حال آنکه حق تعالی میفرماید که آتش افروز جهنم
مردم اند و سنگهای بتان یا سنگ کبریت پس چون توانند بود که سبزی در جهنم
بروید و از حضرت صادق ع منقولست که حق تعالی از یهودان دفع کرد خوره را
بخوردن چغندر و بیرون آوردن رگهای گوشت و حضرت امام موسی ع
فرمود که نیکو سبزیست چغندر و حضرت امام رضا ع فرمود که بخورانید
بر بیماران خود برگ چغندر را که آن شفاست و در آن درد نیست و مضرت
ندارد و بیمار را بخواب راحت می برد و اصلش سودا را بحرکت می آورد و در
حدیث دیگر فرمود که داخل شکم صاحب ذات الجنب نشده است چیزی مثل
برگ چغندر و در حدیث معتبر منقولست از حضرت رسول الله ص که [کمأة]
داخل من است که بر بنی اسرائیل نازل شد و من از بهشت آمده و آبش شفای
چشم است و در چندین حدیث معتبر منقولست که حضرت رسول ص دوست
میداشتند کدو را در میان دیگ و از میان صحن بر میچیدند کدو را و امر
میفرمودند زنان خود را که کدو در طعام بسیار بکنند و وصیت نمود آنحضرت
امیر المؤمنین صلوات الله که یا علی بر تو باد بخوردن کدو که دماغ و عقل را

زیاد میکند و از حضرت صادق ع منقولست که در ترب سه خصلت هست برگش
دفع بادها میکند و تخمش طعام را هضم میکند و ریشه اش قطع بلغم میکند و در
روایت دیگر فرمود که برگش مورث ادرار بولست و در روایت دیگر تخمش ادرار
بول میکند و در حدیث معتبر از امام جعفر و امام موسی علیهما السلام منقولست که
خوردن کرفس قوت جماع را زیاد میکند و امان میدهد از قولنج و دفع بواسیر
میکند و در چهار حدیث معتبر وارد شده است که بخورید شلغم و مداومت
بر خوردنش بکنید که هیچکس نیست مگر آنکه در او رگ خوره هست و شلغم آن
رگ را میگدازد و در حدیث معتبر منقولست که حضرت رسول الله ص خیار را
با نمک میخوردند و از حضرت صادق ع منقولست که خیار را از تهش
ابتدا کنید بخوردن که باعث زیادتی برکت آن میگردد و در حدیث معتبر دیگر از
آنحضرت منقولست که بخورید بادنجان که درد را می برد و با آن درد نیست و
احادیث در مدح و منافعش بسیار است و از حضرت صادق ع منقولست
بچندین سند که پیاز کند دهان را می برد و بلغم را زایل میگرداند و سستی
و ماندگی را بر طرف میکند و پیهای بدن را محکم میکند و بن دندان را سخت
میکند و قوت مجامعت را می افزاید و نسل را زیاد میکند و تب را می برد و
بدن را نازک میکند و از حضرت رسول ص منقولست که چون داخل شهری بشوید

پیاز آن شهر را بخورید که طاعون آن شهر را از شما دور میگرداند و در حدیث حسن
از حضرت امام محمد باقر ع منقولست که حضرت رسول ص فرمود که هر که سیر بخورد
بجهت بوی بدش داخل مسجد ما نشود اما اگر کسی بمسجد نرود باکی نیست که
آنرا بخورد و از حضرت صادق علیه السلم منقولست که پیاز و تره را خام و پخته
خوردن باکی نیست اما کسی که بخورد داخل مسجد نشود زیرا که کراهیت میدارد
بسبب آن از کسی که در پهلوی او می‌نشیند و در احادیث در مدح آبشم
وارد شده است که تقویت معده میکند و اگر در صبح ناشتا سفوف کنند
و بخورد رطوبت معده را دفع میکند و در حدیث معتبر از حضرت صادق
ع منقولست که حق تعالی حضرت آدم را از خاک آفرید پس خوردن خاک را
بر فرزندان او حرام گردانید و از حضرت رسول ص منقولست که هر که گل
بخورد و بمیرد در خون خود شریک شده است و از حضرت امام محمد باقر
ع منقولست که بزرگترین دامهای شیطان خوردن خاک و گلست و دردهای در
بدن حادث میکند و خارش بدن و بواسیر از آن بهم میرسد و دردهای سوداوی
از آن متولد میشود و قوت را از ساق و قدم میبرد و هر چه از قوتش بسبب آن
کم شده است و از اعمال خیر کاسته است در قیامت او را بر آن حساب و عذاب
میکنند و حضرت امام موسی ع فرمود که چهار چیز است که از وسواس شیطانست

خوردن

خوردن گل و گل را بدست خود خرد کردن و ناخن را بدندان گرفتن و ریش را خاییدن
و در احادیث معتبره وارد شده است که خوردن هر گلی حرام است مانند
مردار و خون و گوشت خوک مگر گل قبر حضرت امام حسین صلوات الله علیه
که خوردن آن بقدر یک نخود شفاست از هر دردی و امانست از هر خوفی

فصل نهم از باب ششم در فضیلت ضیافت مؤمنان و آداب آن از حضرت امام
جعفر صادق ع منقولست که چون برادر مؤمن بخانه تو بیاید او را تکلیف
خوردنی بکن اگر نکند تکلیف آشامیدنی بکن اگر نکند تکلیف دست و رو
شستن بآب یا بعرق خوشبو بکن و از حضرت رسول ص منقولست که از جمله
گرامی داشتن آدمی برادر مؤمنش را آنست که تحفه او را قبول کند و آنچه حاضر
داشته باشد برای او تحفه بیاورد و چیزی که نداشته باشد برای او تکلف
نکند و حضرت صادق ع فرمود که هلاک شد کسی که حقیر شمارد آنچه را حاضر
دارد برای آوردن نزد برادر مؤمن خود و هلاک شد هر که حقیر شمارد آنچه را
برادر مؤمن نزد او می‌آورد و بسند حسن از آنحضرت منقولست که هر گاه
برادر مؤمن تو نطلبیده بنزد تو آید آنچه حاضر داری برای او بیاور و اگر طلبیده
باشی او را برای او تکلف کن و در حدیث حسن بن هشام منقولست که با ابن
ابی یعفور بخدمت حضرت صادق ع رفت آنحضرت چاشت طلبید هشام

گفت که من چیز میخورم حضرت فرمود که مگر نمیدانی که محبت مؤمن نسبت ببرادر
مؤمن او بقدر آنست که از طعام او میخورد یعنی هرچند او را بیشتر دوست میدارد
طعامش را بیشتر میخورد و بر این مضمون احادیث بسیار وارد شده است و حضرت
امام رضا ع فرمود که سخی و صاحب همت از طعام مردم میخورد تا مردم از طعام او بخورند
و بخیل طعام مردم را نمیخورد تا از طعام او نخورند و حضرت رسول ص فرمود که
ولیمه و مهمانی سنت در پنج چیز میباشد در عروسی و عقیقه و ختنه کردن پسر و خانه
نو خریدن یا بنا کردن و در وقتی که از سفری بخانه خود برگردد و منقولست که
آنحضرت نهی فرمود از ولیمه که مخصوص توانگران باشد و فقرا را در آنجا نطلبند
و در احادیث معتبره وارد شده است که هرکه داخل شهری شود مهمان برادر مؤمن
و اهل دین خود است تا از آن شهر بیرون رود و سزاوار نیست که مهمان روزه دارد
مگر برخصت صاحبان خانه که مبادا طعامی برای او بعمل آورند و ضایع شود و
سزاوار نیست اهل خانه را روزه داشتن مگر برخصت مهمان که مبادا بسبب
روزه ایشان شرم کند و طعام نخورد و بسند معتبر منقولست از حضرت رسول ص
که حد ضیافت سه روز است بعد از سه روز تصدق و تبرعیست که نسبت
باو میکنی فرمود که اینقدر نمانید نزد برادر مؤمن خود که او را درهم بشکنید که
دیگر چیزی نداشته باشد که خرج شما کند و ابن ابی یعفور روایت کرده است که

در خانه حضرت امام جعفر صادق ع مهمانی دیدیم که برخواست پی کاری حضرت
او را منع کردند و خود برخواستند و آن کار را بجا آوردند و فرمودند که حضرت
رسول ص نهی فرموده است از خدمت فرمودن مهمان و در حدیث
دیگر منقولست که مهمانی در خدمت حضرت امام رضا ع بود دست دراز کرد
که چراغ را اصلاح کند حضرت او را منع کردند و خود اصلاح چراغ کردند و فرمودند
که ما اهل بیت خدمت نمیفرمائیم مهمانان خود را و از حضرت امام محمد باقر ع منقولست
که از جمله ضعف و سستی آنست که کسی بتو احسانی کند و تو بعوض مکافات او نکنی
و از خلاف آدابست خدمت فرمودن مهمان پس چون مهمان بیاید او را اعانت و یاری
کنید در فرود آمدن و وقتی که خواهد بار کند و برود او را مدد مکنید برفتن که
این دلیل برخسّت نفس است و در وقت رفتن توشه همراهش بکنند و توشه را نیکو و خوشبو
بعمل آورید که این دلیل جوانمردیست و بسند معتبر از حضرت رسول ص منقولست که
از جمله حق مهمان آنست که همراه او بروی تا در خانه و از حضرت باقر ع منقولست که چون
شخصی بخانه کسی برود هرجا که صاحب خانه امر میکند بنشیند که صاحب خانه امور مخفی
خانه خود را بهتر میداند و از حضرت رسول ص منقولست که هشت کسند که اگر
با ایشان مذلتی و خواری برسد ملامت نکنند مگر خود را کسی که بر سر سفره حاضر شود
که او را نطلبیده باشند و کسی که بر صاحب خانه تحکم کند و کسی که طلب خیر از دشمنان خود

بکند و کسی که طلب فضل و احسان از لئیمان و بخیلان بکند و کسی که خود را داخل
کند در رازی که میان دو کس باشد بی رخصت ایشان و کسی که استخفاف کند
بپادشاهان و صاحبان حکم و کسی که در مجلسی بنشیند که سزاوار آن مجلس نباشد
و کسی که با شخصی سخن گوید که گوش بسخن او ندهد و در حدیث دیگر فرمود که بطعام
خود ضیافت کن کسی را که از برای خدا او را دوست داری و حضرت امام محمد باقر
ع فرمود که یک برادر مؤمن را که از برای خدا با او برادری کنم سیر کنم بهتر است
نزد من از آنکه ده مسکین را سیر کنم و فرمود که چون حضرت رسول ص با مهمانان طعام
تناول میفرمودند پیش از همه شروع میکردند و بعد از همه دست میکشیدند
و حضرت رسول ص فرمود که کسی که بجماعتی آب دهد باید که خودش بعد از همه آب بخورد
و از حضرت صادق ع بسند صحیح منقولست که چون برادر مؤمن تو بخانه تو بیاید
میپرس که امروز چیزی خورده و لیکن هر چه حاضر داری بنزد او بیاور که جواد
و جوانمرد آنست که هر چه دارد حاضر سازد و در حدیث دیگر فرمود که اگر کسی
هزار درهم صرف طعامی کند و مؤمنی از آن بخورد اسراف نکرده است و در
احادیث معتبره بسیار وارد شده است که هر که ایمان بخدا و روز قیامت دارد
باید که مهمان خود را گرامی دارد و حضرت رسول ص فرمود که از جمله حق مهمان
آنست که او را گرامی دارند و خلال برای او حاضر کنند و در احادیث بسیار وارد

شده است که هرگاه مهمان می‌آید با روزی خود می‌آید و چون طعام خورد خدا صاحبان
خانه را می‌آمرزد و در روایت دیگر چون بیرون میرود گناه تو و عیال تو را
بیرون میبرد و در حدیث صحیح از حضرت صادق ع منقولست که یک لقمه که برادر
مؤمن نزد من بخورد دوست تر میدارم از بنده آزاد کردن و حضرت امام محمد
باقر ع فرمود که سه مؤمن را طعام دهم نزد من بهتر است از هفت بنده آزاد
کردن و از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه منقولست که هر مؤمنی که
صدای مهمان را بشنود و بآن شاد شود گناهانش آمرزیده شود اگرچه میان زمین و
آسمان را پر کرده باشد و از حضرت رسول ص منقولست که هر خانه که مهمان
بآنخانه نرود ملائکه داخل آنخانه نمیشود و از حضرت صادق ع منقولست که از
حقوق واجبه مؤمن بر مؤمن آنست که او را اگر بضیافت بطلبد قبول کند
و حضرت رسول ص فرمود که وصیت میکنم حاضران و غایبان امت خود را که
دعوت مسلمانان را قبول کنند بضیافت اگرچه پنج میل راه باشد که این از
امور دینست که در دین لازم است و هر میل یک ثلث فرسخ است و فرمود که اگر مؤمنی
برای پادست گوسفندی بطلبد میروم و فرمود که بدترین عجزها آنست که شخصی
برادرش او را بطعامی بخواند و او قبول نکند

فصل دهم از باب نهم در فضیلت خلال و مسواک

و آداب آن از حضرت صادق ع منقولست که جبرئیل ع برای حضرت رسول ص

وخلال و حجامت را آورد و فرمود که خلال بن دندان را اصلاح می آورد و روزی را
زیاد میکند و حضرت امام موسی ع فرمود که خلال مکنید بچوب گل و بچوب درخت
انار که هر دو رگ خوره را بحرکت می آورند و حضرت صادق ع فرمود که هر که
بنی خلال کند تا شش روز حاجتش برآورده نشود و فرمود که حضرت رسول ص
بهر چه می یافتند خلال میکردند بغیر از برگ درخت خرما و نی و در حدیث
دیگر فرمود که حضرت رسول ص نهی نمود از خلال کردن بچوب درخت انار و درخت
مورد و نی و فرمود که بحرکت می آورند عرق خوره را و از حضرت امیر المؤمنین
صلوات الله علیه منقولست که خلال کردن بچوب گز موروث فقر و بیچیزیست
و در حدیث دیگر فرمود که حضرت رسول ص امر میکرد ما را که چون خلال کنیم
آب بخوریم تا سه نوبت مضمضه کنیم دهن را بآب و از حضرت رسول ص منقولست
که از جمله حق مهمان آنست که خلال از برای او مهیا کنی و فرمود که خلال کنید که ملائکه
هیچ چیز را دشمن نمیدارند مانند آنکه ببینند در دندان بنده طعامی
و در حدیث صحیح از حضرت امام جعفر صادق ع منقولست که هر چه از طعام در بن
دندان مانده باشد بخور و آنچه در میان دندان مانده باشد بینداز و از حضرت
امام موسی کاظم ع مرویست که هر چه را بزبان از میان دندانها بدر می آوری بخور
وآنچه را بخلال بدر می آوری میخواهی بخور و میخواهی بینداز و از حضرت صادق ع

منقولست که آنچه بخلال بیرون می آورد فرو نبرد که جراحتهای اندرونی بهم میرساند
و در احادیث دیگر وارد شده است که هر چه را بخلال بیرون می آوری بینداز
و در احادیث معتبره وارد شده است اندرون و بیرون دهان را بعد از طعام
بسعد و اشنان شستن **فصل یازدهم** در فضیلت آب و انواع آن در
احادیث معتبره وارد شده است که بهترین آشامیدنیها دنیا و آخرت آبست
و از حضرت صادق ع منقولست که هر که محفوظ و ملتذ باشد از آب دنیا خدا اورا
ملتذ کرداند از آشامیدنیهای بهشت و شخصی از آنحضرت پرسید که آب چه مزه دارد
فرمود که مزه زندگانی حق تعالی میفرماید که از آب آفریده ایم هر چیز صاحب حیوتی را
آیا ایمان نمی آورند بخدا کافران و از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه منقولست
که در تفسیر این آیه کریمه ثُمَّ لَتُسْئَلُنَّ یَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِیمِ یعنی پس سؤال کرده
خواهید شد در روز قیامت از نعمتهای دنیا فرمود که مراد از آن نعمتها رطب و آب
سرد است و در حدیث دیگر از آنحضرت منقولست که آب زمزم بهترین آبهاست
بر روی زمین و بدترین آبها بر روی زمین آبیست که در برهوت است در بلاد
یمن که روح کافران در آنجا وارد میشوند در شب و معذب می باشند و در حدیث
دیگر فرمود که آب زمزم دواست از برای هر دردی که از برای آن بخورند و حضرت
صادق ع فرمود که آب زمزم شفاست از هر دردی و در روایت دیگر از برای

هر مطلبی که بخورند ان مطلب حاصل میشود و حضرت امیر المؤمنین صلوات
الله علیه فرمود که بخورید آب باران بدرستی که بدن را پاک میکند و بیماریها
و دردها را از بدن دفع میکند و از حضرت صادق ع نهی وارد شده است
از خوردن تگرگ و در روایت دیگر وارد شده است که خوردن تگرگ برای
دندان نافع است و مصادف روایت کرده است که شخصی از یاران ما در مکه
بیمار شد تا آنکه بحال مرگ افتاد بخدمت حضرت صادق ع عرض کردم حال اورا
فرمود که اگر من بجای شما بودم از آب ناودان کعبه باو میخورانیدم پس ما طلب کردیم
نزد هیچ کس نیافتیم ناگاه ابری بلند شد و رعد و برق ظاهر شد و باران آمد
قدحی گرفتم و از آب ناودان پر کردم و آوردم و بنزد بیمار و از آن آب آشامید
و در ساعت شفا یافت و از حضرت صادق ع منقولست که گمان ندارم که
طفلی را کامش را از آب فرات بردارند مگر آنکه دوست ما اهل بیت باشد و فرمود
که پیوسته دو ناودان از آب بهشت در آن میریزد و فرمود که اگر میان من و آب
فرات راه بسیار باشد که برای شفا بنزد آن میروم و در حدیث دیگر فرمود
که اگر بنزدیک فرات میبودم دوست میداشتم که هر صبح و شام بنزد آن بروم
و از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه منقولست که اگر اهل کوفه کام فرزندان
خود را از آب فرات بردارند هر آینه همه شیعه ما باشند و از حضرت امام زین العابدین

ع منقولست که ملکی در شب می آید و سه مثقال از مشک بهشت در آب فرات
میریزد و هیچ نهری در مشرق و مغرب عالم برکتش زیاده از نهر فرات نیست
و در احادیث بسیار وارد شده است که حضرت رسول ص نهی کرد از شفا طلبیدن
از آبهای گرم که در کوهها می باشد و بوی گوگرد میدارد و فرمود که گرمی آنها از
گرمی جهنم است و حضرت امام حسن و امام حسین صلوات الله علیهما فرمودند
که ولایت و دوستی ما را بر همه آبها عرض کردند هر آب که قبول کرد شیرین و نیکو شد
و هر آب که قبول نکرد تلخ و شور شد و حضرت امام محمد باقر ع کراهت داشتند
از آنکه کسی طلب شفا کند از آب تلخ و آبی که بوی گوگرد از آن شنیده میشود و
میفرمود که حضرت نوح در وقت طوفان همه آبها را طلبید همه اجابت او کردند
بغیر از آب تلخ و آب گوگرد پس نفرین کرد و لعنت کرد هر دو را و حضرت امیر المؤمنین
صلوات الله علیه فرمود که آب نیل مصر دلها را میمیراند و از حضرت صادق ع
منقولست که آب سرد حرارت را فرو می نشاند و صفرا را ساکن میکند و طعام را
در معده میگدازد و تب را زایل میکند و فرمود که آب جوشانیده برای همه دردی
نافع است و بهیچ جهت ضرر ندارد و حضرت امام موسی ع فرمود که خوردن آب
سرد لذتش بیشتر است و حضرت امام رضا ع فرمود که آب جوشانیده که هفت مرتبه
بجوشد و از ظرف بظرف دیگر بگردانند تب را زایل میکند و قوت میدهد ساق

وقدم را وازابن ابی طیفور طبیب منقولست که بخدمت حضرت امام موسی ع رفت
وآنحضرت را نهی کرد از خوردن آب حضرت فرمود که خوردن آب بد نیست طعام را
در معده میکرداند وغضب را فرو می نشاند وعقل را زیاده میکند وصفرا را کم
میکند وشخصی دیکر بخدمت حضرت صادق ع رفت حضرت خرما تناول فرمودند
وآب بعد از آن خوردند کفت اکر آب بعد از خرما نخورید بهتراست فرمود که خرما
از برای آن میخورم که لذت آب را بیابم فصل دوازدهم از باب ششم در آداب آب خوردن
از حضرت امام جعفر صادق ع منقولست که هر بنده که آب بخورد وحضرت امام حسین
صلوات الله علیه واهل بیت او را یاد کند ولعنت کند کشندکان آنحضرت را
حق تعالی صد هزار حسنه از برای او بنویسد وصد هزار کناه از او بیندازد وصد هزار
درجه برای او بلند کند وچنان باشد که صد هزار بنده آزاد کرده باشد وحق تعالی
در قیامت او را خوشحال ومطمئن خاطر محشور کرداند واکر باین نحو بکوید خوبست
صَلَوٰاتُ اللهِ عَلَی الحُسَیْنِ وَاَهْلِ بَیْتِهِ وَاَصْحَابِهِ وَلَعْنَةُ اللهِ عَلَی قَتَلَةِ الحُسَیْنِ
وَاَعْدَائِهِ ودر حدیث صحیح از آنحضرت منقولست که کاه باشد که شخصی یکشربت
آب بخورد وخدا او را بهمان آب خوردن بهشت برد باینکه آب بخورد وهنوز
خواهش داشته باشد که از لب بردارد وحمد خدا بکوید پس باز بخورد وهنوز
سیر نشده از لب باز کیرد وحمد خدا بکوید پس باز بخورد پس خدا بسبب این بهشت را

براو

براو واجب کرداند ودر حدیث معتبر دیکر از آنحضرت منقولست که حضرت
رسول چون آب میخوردند این دعا میخواندند اَلحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی سَقَانَا عَذْبًا
زُلَالًا وَلَمْ یَسْقِنَا مِلْحًا اُجَاجًا وَلَمْ یُؤَاخِذْنَا بِذُنُوبِنَا ودر روایت دیکر از آنحضرت
منقولست که هرکاه کسی پیش از آب خوردن بسم الله بکوید ودمی بخورد والحمد لله
بکوید پس باز بسم الله بکوید ودمی بخورد والحمد لله بکوید پس باز بسم الله
بکوید وبخورد پس بعد از خوردن الحمد لله بکوید مادام که آن آب در شکم او
باشد تسبیح خدا کوید وثوابش از او باشد ودر حدیث دیکر فرمود که هرکاه
خواهی در شب آب بخوری ظرف آب را حرکت بده وبکو یَا مَاءُ مَاءُ زَمْزَمَ و
مَاءُ فُرَاتٍ یَقْرَءُ اِنَّکَ السَّلَامَ ودر روایت دیکر فرمود که هرکه در شب آب بخورد
وسه مرتبه بکوید عَلَیْکَ السَّلَامُ مِنْ مَاءِ زَمْزَمَ وَمَاءِ الفُرَاتِ آب خوردن
شب باو ضرر نرساند ودر روایت دیکر منقولست که در وقت آب خوردن
این دعا بخواند اَلحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی سَقَانِی فَاَرْوَانِی وَاَعْطَانِی فَاَرْضَانِی و
عَافَانِی وَکَفَانِی اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنِی مِمَّنْ تَسْقِیهِ فِی المَعَادِ مِنْ حَوْضِ مُحَمَّدٍ صَلَّی اللهُ
عَلَیْهِ وَآلِهِ وَتُسْعِدُهُ بِمُرَافَقَتِهِ بِرَحْمَتِکَ یَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ وحضرت صادق ع
فرمود که آب بسیار مخور که هر دردی را بسوی تو میکشد وتا تاب درد داری دوا
مخور وحضرت امام رضا ع فرمود که بر بالای طعام آب بسیار خوردن ضرر ندارد

اما در غیر آن حال آب بسیار بخورد و فرمود که اگر کسی بقدر دو کف طعام بخورد
و آب بعد از آن نخورد عجب دارم که چرا معده اش شق نمیشود و مشهور میان علما
آنست که آب ایستاده خوردن مکروه هست و سنتست که بسه نفس خورده شود
و احادیث بسیار وارد شده است که آب ایستاده خوردن خوبست و آب
بیک نفس خوردن خوبست و بهتر آنست که بسه نفس خورده شود و در روز
ایستاده بخورد و در شب نشسته چنانچه از حضرت امام جعفر صادق ع منقولست
که آب ایستاده خوردن در روز طعام را گوارا میکند و در شب ایستاده آب
خوردن باعث غلبهٔ زرداب و صفرا میشود و در حدیث دیگر فرمود که آب
ایستاده خوردن بیشتر باعث قوت و صحت بدن میشود و از حضرت امیر المؤمنین
صلوات الله علیه منقولست که آب ایستاده مخورید که باعث دردی میشود که
دوا نداشته باشد مگر آنکه خدا عافیت دهد و در حدیث صحیح از حضرت امام جعفر
صادق ع منقولست که ایستاده آب مخور و بر دور هیچ قبر مگرد و در آب ایستاده
بول مکن پس اگر کسی چنین کند و بلایی باو برسد ملامت نکند مگر خود را
ابن بابویه علیه الرحمه گفته است که مراد از این احادیث آب خوردن شب است
و بسند حسن از حضرت صادق ع منقولست که آب را بسه نفس خوردن بهتر است
از خوردن بیک نفس و در حدیث دیگر منقولست که شخصی بخدمت آنحضرت عرض

کرد که اگر کسی دم از آب برندارد تا سیراب شود چونست حضرت فرمود که مگر لذت هست
در غیر این گفت که مردم میگویند که این شرب هیم است یعنی شتر تشنه حضرت
فرمود که شرب هیم آنست که در وقت آشامیدن نام خدا نبرد و در روایت دیگر
منقولست که اگر آنکسی که آب بتو میدهد بنده تو باشد بسه نفس آب بخور و اگر
آزاد باشد بیک نفس آب بخورد و از حضرت صادق ع منقولست که حضرت
رسول ص دوست میداشتند آب خوردن در قدح شامی را و میفرمودند که پاکیزه
ترین ظرفهای شماست و برای آنحضرت قدحها از شام بهدیه می آوردند و در حدیث
دیگر منقولست که حضرت امام محمد باقر ع از کوزه سفال آب میخوردند و در روایت
معتبر منقولست که حضرت رسول ص گذشتند بر جماعتی که دهان بآب گذاشته بودند
و میخوردند حضرت فرمود که بدست خود بخورید که بهترین ظرفهای شماست و در احادیث
معتبره از حضرت امام محمد باقر ع منقولست که آداب آب خوردن آنست که در ابتدا
بسم الله بگویی و چون فارغ شوی الحمد لله بگویی و از پیش دسته کوزه و از جایی
که شکسته باشد یا رخنه داشته باشد نخوری که این دو موضع جای شیطانست
و حضرت رسول ص نهی فرمود از دمیدن بدهان در آب و از حضرت صادق
ع منقولست که دمیدن در آب وقتی مکروه هست که دیگری حاضر باشد که خواهد از آن
آب بخورد که مبادا او را خوش نیاید و در حدیث دیگر از آنحضرت نهی وارد شده است

از آن خوردن بدست چپ و فرمود که آب را بمکید و کم کم بخورید و دهان را
پر مکنید که باعث درد جگر میشود و منقولست که حضرت رسول ص گاهی در قدحهای
آبگینه که از شام می آورده اند آب تناول میکرده اند و گاهی در قدح چوب و گاهی
در پوست و گاهی در خزف و اگر ظرفی حاضر نبود آب در کف میکردند و می آشامیدند

باب چهارم در بیان فضیلت تزویج و آداب مجامعت و معاشرت زنان و کیفیت تربیت فرزندان و معاشرت ایشان

فصل اول از باب چهارم در فضیلت تزویج
کردن و نهی کردن از رهبانیت بسندهای معتبر از حضرت صادق ع منقولست
که از اخلاق پیغمبرانست دوست داشتن زنان و فرمود که گمان ندارم کسی را که
در ایمان خیری زیاد شود او را مگر آنکه محبت زنان او را زیاده میشود و فرمود
که هر که محبت زنان او را زیاده میشود فضیلت ایمانش بیشتر میشود و در حدیث
صحیح از حضرت امام رضا علیه السلم منقولست که سه چیز است که از سنت پیغمبرانست
بوی خوش کردن و موهای زیادتی بدن را ازاله کردن و زنان بسیار داشتن یا بسیار
با ایشان مقاربت کردن و بسندهای بسیار از حضرت رسول ص منقولست که
فرمود که از دنیای شما اختیار کرده ام زنان و بوی خوش را و روشنی دیده من در
نماز است و در حدیث معتبر منقولست که سکین نخعی اختیار عبادت کرده بود
و ترک زنان و بوی خوش و طعامهای لذیذ کرده بود و در این باب نامه بحضرت صادق ع

نوشت

نوشت آنحضرت در جواب نوشتند که اما زنان پس میدانی که حضرت رسول ص چه عدد
از زنان داشتند و اما طعام لذیذ پس رسول خدا ص گوشت و عسل تناول میفرمودند
و حضرت رسول ص فرمود که هر که زنی بعقد خود در می آورد نصف دین خود را حفظ
کرده است از خدا بپرهیزد در نصف دیگر و فرمود که بدترین مردهای شما عزبانند
و فرمود که چه چیز مانع است مؤمن را از آنکه زنی بگیرد شاید خدا او را فرزندی روزی
کند که سنگین کند زمین را بگفتن لا اله الا الله و فرمود که هر که خواهد متابعت سنت
من بکند از سنت من زن خواستن است و حضرت امام محمد باقر ع فرمود که خوشم
نمی آید که دنیا و آنچه در دنیاست داشته باشم و یکشب بی زن بخوابم پس فرمود
که دو رکعت نماز که کدخدا میگذارد بهتر است از عزبی که شبها تمام نماز کند و روزها
روزه باشد و حضرت رسول ص فرمود که هر که ترک کدخدایی بکند از ترس پریشانی
پس بتحقیق که گمان بد بخدا برده است زیرا که حق تعالی میفرماید که اِن یَکونوا فُقَراءَ
یُغنِهِمُ الله مِن فَضلِه یعنی اگر ایشان فقیران باشند بی نیاز میگرداند ایشان را
خدا از فضل خود و در حدیث معتبر از حضرت صادق ع منقولست که زن عثمن
بن مظعون آمد بخدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله و گفت یا رسول الله
عثمن روزها روزه می باشد و شبها نماز میکند و بنزد من نمی آید حضرت غضبناک
بنزد عثمن آمدند و فرمودند که ای عثمن خدا مرا برهبانیت نفرستاده است ولیکن

بدین مستقیم سهل آسان فرستاده است روزه میگیریم و نماز میکنیم و با زنان خود
نزدیکی میکنیم پس هرکه دین مرا میخواهد باید که بسنت من عمل کند و از سنت من نکاح
زنانست و در حدیث دیگر از آنحضرت منقولست که سه زن آمدند بنزد رسول
خدا ص یکی گفت که شوهرم گوشت نمیخورد دیگری گفت که شوهرم بوی خوش نمی‌بوید
دیگری گفت که شوهرم با زنان نزدیکی نمیکند پس حضرت بیرون آمدند و از روی
غضب ردای خود را بر زمین میکشیدند تا بر منبر برآمدند و حمد و ثنای الهی
گفتند و فرمودند که چرا جماعتی از اصحاب من گوشت نمیخورند و بوی خوش نمی‌بویند
و نزدیک زنان نمیروند من گوشت میخورم و بوی خوش میبویم و بنزد زنان میروم
هرکه سنت مرا نخواهد از من نیست و در حدیث دیگر منقولست که زنی آمد بخدمت
حضرت رسول ص و شکایت کرد که شوهر من بنزد من نمی‌آید حضرت فرمود که خود را
خوشبو کن تا بنزدیک تو بیاید گفت هیچ بوی خوشی را نگذاشتم مگر آنکه خود را بآن
خشبو کردم و از من دوری میکند حضرت فرمود که اگر میدانست که چه ثواب دارد
در آمدن بنزد تو از تو دوری نمیکرد پس فرمود که چون متوجه جانب تو میشود
و ملک باو احاطه میکنند و ثواب آن دارد که شمشیر کشیده در راه خدا جهاد
کند پس چون با تو مجامعت میکند گناهان از آن میریزد چنانچه برگ از درخت
ریزد پس چون غسل میکند از گناهان بدر می‌آید و حضرت صادق ع فرمود که

دو رکعت

دو رکعت نمازی که کدخدا میکند برابر است با هفتاد رکعت نمازی که عزب بکند

فصل پنجم از باب چهارم در اصناف زنان و صفات پسندیده و ناپسندیده

ایشان از حضرت صادق ع منقولست که زن بمنزله قلاده ایست که در گردن خود
می‌افکنی پس ببین که چگونه قلاده برای خود میگیری و فرمود که زن صالح و غیر صالح
هیچیک قیمت ندارند زن صالح طلا و نقره قیمت و قدر او نیست بلکه او بهتر است
از طلا و نقره و زن غیر صالح بخاک هم نمی‌ارزد خاک بهتر از اوست و حضرت رسول ص
فرمود که دختر بکفو و مثل خود بدهید و از کفو و مانند خود دختر بخواهید و از
برای نطفه خود زنی را پیدا کنید که شایسته آن باشد که فرزند از او بهم رساند
و در حدیث صحیح از حضرت امام جعفر صادق ع منقولست که هرکه زنی بخواهد
برای حسن و جمال یا برای مال از هر دو محروم ماند و اگر از برای دین داری و صلاح او
بخواهد حق تعالی مال و جمال او را روزی کند و حضرت رسول ص فرمود که زن باکره
بخواهید که فرزند بسیار آورد و زن [illegible] که فرزند نیاورد مخواهید که من مباهات
میکنم بشما با امتهای پیغمبران دیگر در روز قیامت مگر نمیدانی که فرزندان در زیر
عرش الهی از برای پدران خود طلب آمرزش میکنند و حضرت ابراهیم ایشان را
نگاهداری میکند و حضرت ساره ایشان را تربیت مینماید در بالای کوهی از مشک
و عنبر و زعفران و در حدیث دیگر فرمود که دختران باکره بخواهید که دهنهای ایشان

خوشبوتر و رحمهای ایشان خشک‌تر و پستانهای ایشان پرشیرتراست و فرزند
آورنده‌تراند مگر نمیدانید که من مباهات میکنم ببسیاری شما در روز قیامت
حتی بفرزندی که ناتمام از شکم افتاده باشد او می‌آید خشمناک بر در بهشت
می‌ایستد پس حق‌تعالی میفرماید که داخل بهشت شو میگوید که نمیروم تا پدر
و مادرم پیش از من بروند پس حق‌تعالی بملکی امر فرماید که پدر و مادرش را
بیاورد و داخل بهشت کن پس بطفل خطاب میفرماید که ایشانرا داخل بهشت
کردم برای زیادتی رحمت من بنسبت بتو و از حضرت امیرالمؤمنین صلوات
الله علیه منقولست که بخواه زن گندم‌گون فراخ چشم سیاه‌چشم بزرگ سُرین
میانه‌بالا پس اگر نخواهیش پس مهرش را از من بگیر و در حدیث دیگر منقولست که
حضرت رسول ص چون بخواستگاری زنی میفرستاد و میفرمود که گردنش بو کنند
که خوش‌بو باشد و غوزک پایش پرگوشت باشد و از حضرت امام رضا
ع منقولست که از سعادت آدمیست که زن سفیدی داشته باشد و حضرت
صادق علیه السلم فرمود که چون خواهید زنی خواستگاری کنید از مویش بپرسید
چنانچه از رویش می‌پرسید که نصف حسن موست و بسند معتبر از حضرت
رسول ص منقولست که بهترین زنان شما زنیست که فرزند بسیار آورد و دوست
شوهر باشد و صاحب عفت باشد و در میان خویشان خود عزیز باشد و نزد

شوهرش

شوهرش ذلیل باشد و از برای شوهر خود زینت و بشاشت کند و از دیگران
ستر کند و عفت ورزد و هرچه شوهر گوید بشنود و آنچه فرماید اطاعت کند
و چون شوهر با او خلوت کند آنچه از او خواهد مضایقه نکند اما بشوهر در
نیاویزد که او را بتکلیف بر جماع بدارد بعد از آن فرمود که بدترین زنان شما
زنیست که در میان قوم خود خوار باشد و بر شوهر مسلط باشد و فرزند نیاورد
و کینه‌ور باشد و از اعمال قبیحه پروا نکند و چون شوهر غایب شود زینت
کند و خود را بدیگران نماید و چون شوهر آید مستوری اظهار کند و سخنش را
نشنود و اطاعتش نکند و چون شوهر با او خلوت کند مانند شتر صعب مضایقه
کند از آنچه شوهر با او اراده دارد و عذرش را قبول نکند و از تقصیرش
درنگذرد و در حدیث دیگر منقولست که شخصی بخدمت حضرت رسول ص
آمد و گفت زنی دارم که هرگاه که بخانه میروم مرا استقبال میکند و چون بیرون
می‌آیم مشایعت میکند و چون مرا غمگین می‌بیند میگوید که چه غم داری اگر برای
روزی غم میخوری خدا متکفل روزی تو و دیگران شده است و اگر برای آخرت
غم میخوری خدا غمت را زیاد کند حضرت فرمود که خدا کارکنان دارد این زن
از کارکنان خداست و نصف ثواب شهید دارد و در حدیث دیگر فرمود که
بهترین زنان امت آنست که خوش‌روتر و مهرش کمتر باشد و حضرت صادق ع

فرمود که خوبی زن آنست که خرجش کم باشد و زاییدنش آسان باشد و شومی
زن آنست که مهرش گران و زاییدنش دشوار باشد و حضرت رسول صلعم فرمود
که بهترین زنان شما زنان قریش اند مهربان‌ترین زنانند بشوهران و رحیم‌ترین
ایشانند بفرزندان و آیا نند با شوهران و با عفت‌اند از دیگران و مصداق
قریش در این زمان ساداتند و در حدیث معتبر دیگر از آنحضرت منقولست
که خداوند عالمیان میفرماید که چون خواهم که جمع کنم برای مسلمان نیکیهای دنیا
و آخرت را با و میدهم دل شکسته خاشع و زبان ذکر کننده و بدنی صبر کننده
بر بلا و زن مؤمنه که هرگاه باو نظر کند شاد شود و چون غایب شود شوهر
خود را نگاهداری کند و مال شوهر را ضایع نکند و در حدیث صحیح از حضرت
امام محمد باقر ع منقولست که در بنی اسرائیل شخصی بود بسیار عاقل و مال بسیار
داشت و یک فرزند داشت از زن عفیفه و در شکل و شمایل باو شبیه بود
و دو فرزند داشت از زن دیگر که عفتی نداشت چون وقت فوت او شد
گفت همه مال من از یکی از شما هاست چون مرد هر یک دعوی کردند که مال از منست
بنزد قاضی رفتند قاضی گفت که نزد آن سه برادر که بعقل مشهورند بروید
پیش یکی از آنها رفتند مرد پیری بود گفت بروید نزد فلان برادر من که
از من بزرگتر است بنزد او که رفتند نه پیر بود و نه جوان او گفت که نزد
برادر بزرگتر از من بروید چون بنزد او رفتند او را جوان یافتند پس اول
سؤال کردند که بچه سبب برادر کوچکتر از همه پیرتر بود و تو که از همه بزرگتری
از ایشان جوانتری گفت اما آن برادر کوچک زن بسیار بدی دارد و بر بدیهای
او صبر میکند که مبادا ببلای دیگر مبتلا شود که صبر نتواند کرد باین سبب از
همه پیرتر مینماید و اما آن برادر دیگر زنی دارد که گاهی خوشحالش میکند و
گاهی غمگینش میکند باین سبب میانه حال مانده است و من زنی دارم که همیشه
مرا خوشحال دارد و هرگز آزرده ام نمیکند باین سبب جوان مانده ام پس برادران
حال خود را نقل کردند گفت اول بروید و استخوان پدر خود را بدر آورید
و بسوزانید بعد از آن بیایید تا در میان شما حکم کنم چون رفتند پسر
کوچک شمشیری برداشت و برادرانش کلنگها برداشتند و چون بسر قبر
رسیدند آن دو برادر کلنگ بر قبر زدند که قبر را بشکافند برادر کوچک
شمشیر کشید که نمیگذارم که قبر پدرم را بشکافید و من از حصهٔ خود گذشتم
و مال را بشما ها گذاشتم چون نزد قاضی آمدند قاضی مالها را بپسر کوچک داد
و با نها گفت که اگر شما ها هم فرزند او می بودید همچنانچه برادر کوچک را شفقت
فرزندی مانع شد از در آوردن و سوختن بدن شما را هم مانع میشد
در آداب نکاح و ارادهٔ آن در حدیث حسن از حضرت صادق ع

منقولست که هرگاه کسی اراده خواستکاری نماید دو رکعت نماز بگذارد و حمد الهی بگوید و این دعا بخواند اَللّٰهُمَّ اِنِّی اُرِیْدُ اَنْ اَتَزَوَّجَ فَقَدِّرْ لِی مِنَ النِّسَاۤءِ اَعَفَّهُنَّ فَرْجًا وَاَحْفَظَهُنَّ لِی فِی نَفْسِهَا وَمَالِی وَاَوْسَعَهُنَّ رِزْقًا وَاَعْظَمَهُنَّ بَرَکَةً وَقَدِّرْ لِی وَلَدًا طَیِّبًا تَجْعَلُهُ خَلَفًا صَالِحًا فِی حَیٰوتِی وَبَعْدَ مَوْتِی و در دو حدیث معتبر منقولست که سنّت است که تزویج در شب واقع شود و در حدیث موثق منقولست که بحضرت امام محمّد باقر ع خبر رسید که شخصی زنی خواسته است در ساعتی که هوا گرم بوده است در میان روز حضرت فرمود که گمان ندارم که میان ایشان اتفاق و الفت بهم رسد پس بزودی از هم جدا شدند و در حدیث معتبر دیگر منقولست که عقد کردن در ماه شوال خوبست و در حدیث معتبر از حضرت صادق ع منقولست که هر که عقد کند یا زفاف کند و ماه در عقرب باشد عاقبت نیکو نبیند و در روایت دیگر منقولست که هر که در تحت الشعاع عقد یا زفاف بکند بداند که فرزندی که منعقد شود پیش از تمام شدن سقط می‌شود و از حضرت امیر المؤمنین ص منقولست که دو روز جمعه روز خواستکاری و نکاح است و بدانکه مؤمنان را طلبیدن و مهمانی کردن در نکاح سنت است و پیش از عقد نکاح خطبه خواندن سنت است منقولست که از سنت پیغمبرانست طعام دادن در وقت تزویج و حضرت رسول

و از حضرت رسول ص

چون

چون میمونه را تزویج نمودند ولیمه فرمودند و حیس بمردم خورانیدند و آن جنگالی بوده است که از خرما و روغن و کشک میساختند و حضرت رسول ص فرمود که ولیمه روز اول لازم است و روز دویم نیکست و روز سیم ریا و سمعه است و منقولست که حضرت امام محمّد تقی صلوات الله علیه چون دختر مامون را عقد کردند این خطبه را خواندند اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ اِقْرَارًا بِنِعْمَتِهِ وَلَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ اِخْلَاصًا لِوَحْدَانِیَّتِهِ وَصَلَّی اللّٰهُ عَلٰی سَیِّدِ بَرِیَّتِهِ وَالْاَصْفِیَاۤءِ مِنْ عِتْرَتِهِ اَمَّا بَعْدُ فَقَدْ کَانَ مِنْ فَضْلِ اللّٰهِ عَلَی الْاَنَامِ اَنْ اَغْنَاهُمْ بِالْحَلَالِ عَنِ الْحَرَامِ فَقَالَ سُبْحَانَهُ وَاَنْکِحُوا الْاَیَامٰی مِنْکُمْ وَالصَّالِحِیْنَ مِنْ عِبَادِکُمْ وَاِمَاۤئِکُمْ اِنْ یَکُوْنُوْا فُقَرَاۤءَ یُغْنِهِمُ اللّٰهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللّٰهُ وَاسِعٌ عَلِیْمٌ و سایر خطبهای طولانی در کتب مبسوطه مذکور است و این رساله گنجایش ذکر آنها ندارد و در آداب صیغ نکاح رساله جدائی تألیف کرده ام

فصل چهارم

در بیان آداب زفاف و مجامعت بدانکه زفاف کردن در وقتی که ماه در برج عقرب باشد یا تحت الشعاع باشد مکروهست و جماع کردن مرد با زن در وقتی که حایض باشد یا با خون نفاس باشد حرام است و از مابین ناف تا زانو از ایشان تمتع بردن مکروهست و بعد از پاک شدن و پیش از غسل کردن جماع را بعضی حرام میدانند و احوط

منقولست که هرگاه کسی ارادهٔ خواستکاری نماید دو رکعت نماز بگذارد و حمد
الهی بگوید و این دعا بخواند اَللّٰهُمَّ اِنّی اُرِیدُ اَنْ اَتَزَوَّجَ فَقَدِّرْ لی مِنَ النِّساءِ
اَعَفَّهُنَّ فَرْجاً وَاَحْفَظَهُنَّ لی فی نَفْسِها وَمالی وَاَوْسَعَهُنَّ رِزْقاً وَاَعْظَمَهُنَّ
بَرَکَةً وَقَدِّرْ لی وَلَداً طَیِّباً تَجْعَلُهُ خَلَفاً صالِحاً فی حَیٰوتی وَبَعْدَ مَوْتی
و در دو حدیث معتبر منقولست که سنّت است که تزویج در شب واقع شود
و در حدیث موثق منقولست که بحضرت امام محمّد باقر ع خبر رسید که شخصی زنی
خواسته است در ساعتی که هوا گرم بوده است در میان روز حضرت فرمود که
گمان ندارم که میان ایشان اتفاق و الفت بهم رسد پس بزودی از هم جدا شدند
و در حدیث معتبر دیگر منقولست که عقد کردن در ماه شوال خوبست
و در حدیث معتبر از حضرت صادق ع منقولست که هر که عقد کند یا زفاف
کند و ماه در عقرب باشد عاقبت نیکو نبیند و در روایت دیگر منقولست
که هر که در تحت الشّعاع عقد یا زفاف بکند بداند که فرزندی که منعقد شود
پیش از تمام شدن سقط می‌شود و از حضرت امیر المؤمنین ع منقولست که
دو در جمعه روز خواستکاری و نکاح است و بدانکه مؤمنان را طلبیدن و مهمانی
کردن در نکاح سنت است و پیش از عقد نکاح خطبه خواندن سنت است
و از حضرت رسول ص منقولست که از سنت پیغمبرانست طعام دادن در وقت تزویج و حضرت رسول

چون

مِنَ الذُّلِّ وَفَرَّجَ عَنّا غَمَراتِ الْکُرُوبِ
وَاَنْقَذَنا مِنْ شَفا جُرُفِ الْهَلَکاتِ
وَمِنَ النّارِ بِاَبی اَنْتُمْ وَاُمّی وَنَفْسی
بِمُوالاتِکُمْ عَلَّمَنَا اللّٰهُ مَعالِمَ دینِنا
وَاَصْلَحَ ما کانَ فَسَدَ مِنْ دُنْیانا وَ
بِمُوالاتِکُمْ تَمَّتِ الْکَلِمَةُ وَعَظُمَتِ النِّعْمَةُ
وَائْتَلَفَتِ الْفُرْقَةُ وَبِمُوالاتِکُمْ تُقْبَلُ
الطّاعَةُ الْمُفْتَرَضَةُ وَلَکُمُ الْمَوَدَّةُ الْواجِبَةُ
وَالدَّرَجاتُ الرَّفیعَةُ وَالْمَقامُ الْمَحْمُودُ
وَالْمَقامُ الْمَعْلُومُ عِنْدَ اللّٰهِ عَزَّ وَجَلَّ
وَالْجاهُ الْعَظیمُ وَالشَّأْنُ الْکَبیرُ
وَالشَّفاعَةُ الْمَقْبُولَةُ رَبَّنا آمَنّا بِما

(اَنْزَلْتَ)

اَنْزَلْتَ وَاتَّبَعْنَا الرَّسُولَ فَاكْتُبْنَا
مَعَ الشَّاهِدِينَ رَبَّنَا لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا
بَعْدَ اِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ
رَحْمَةً اِنَّكَ اَنْتَ الْوَهَّابُ سُبْحَانَ
رَبِّنَا اِنْ كَانَ وَعْدُ رَبِّنَا لَمَفْعُولًا يَا
وَلِيَّ اللّٰهِ اِنَّ بَيْنِي وَبَيْنَ اللّٰهِ عَزَّ وَجَلَّ
ذُنُوبًا لَا يَأْتِي عَلَيْهَا اِلَّا رِضَاكُمْ
فَبِحَقِّ مَنْ ائْتَمَنَكُمْ عَلَى سِرِّهِ وَاسْتَرْعَاكُمْ
اَمْرَ خَلْقِهِ وَقَرَنَ طَاعَتَكُمْ بِطَاعَتِهِ
لَمَّا اسْتَوْهَبْتُمْ ذُنُوبِي وَكُنْتُمْ شُفَعَائِي
فَاِنِّي لَكُمْ مُطِيعٌ مَنْ اَطَاعَكُمْ فَقَدْ
اَطَاعَ اللّٰهَ وَمَنْ عَصَاكُمْ فَقَدْ عَصَى اللّٰهَ

(ومن)

وازحضرت

چون

چون میمونه را تزویج نمودند ولیمه فرمود و حیس بمردم خورانیدند وآن چنگالی
بوده است که از خرما و روغن وکشک میساخته اند وحضرت رسول
فرمود که ولیمه روز اول لازم است و روز دویم نیکست و روز سیم ریا و
سمعه است ومنقولست که حضرت امام محمد تقی صلوات الله علیه چون
دختر مأمون را عقد کردند این خطبه را خواندند الحمد لله اقرارا
بنعمته ولا اله الا الله اخلاصا لوحدانیته وصلى الله على سید
بریته والاصفیاء من عترته اما بعد فقد کان من فضل الله على
الانام ان اغناهم بالحلال عن الحرام فقال سبحانه وانکحوا الایامى
منکم والصالحین من عبادکم وامائکم ان یکونوا فقراء یغنهم الله
من فضله والله واسع علیم وسایر خطبهای طولانی در کتب مبسوطه
مذکور است واین رساله گنجایش ذکر آنها ندارد و در آداب صیغ نکاح رساله
جدا تألیف کرده ام **فصل چهارم** در بیان آداب زفاف ومجامعت
بدانکه زفاف کردن در وقتی که ماه در برج عقرب باشد یا تحت الشعاع باشد
مکروهست وجماع کردن در فرج زن در وقتی که حایض باشد یا با خون
نفاس باشد حرام است واز ما بین ناف تا زانو از ایشان تمتع بردن مکروهست
وبعد از پاک شدن وپیش از غسل کردن جماع را بعضی حرام میدانند واحوط

اجتنابست مگر آنکه ضرورتی باشد پس امر کند زن را که فرج را بشوید و با
او مقاربت کند و زن مستحاضه اگر غسل و سایر اعمال که او را می باید کرد بجا آورد
با او جماع میتوان کرد و در وطی در دبر زن خلافست بعضی حرام میدانند
و اکثر علما مکروه میدانند و احوط اجتنابست و بهتر آنست که با زن خود که
جماع کند و آزاد باشد منی خود را بیرون فرج نریزد و بعضی از علما حرام
میدانند بی رخصت زن و در کنیز باکی نیست و از حضرت صادق ع منقولست
که نباید مرد را دخول کردن بزن خود در شب چهارشنبه و حضرت امام موسی
ع فرمود که هر که جماع کند با زن خود در تحت الشعاع پس باید خود قرار دهد افتادن
فرزند را از شکم پیش از آنکه تمام میشود و حضرت صادق ع فرمود که
جماع مکن در اول ماه و میان ماه و آخر ماه که باعث این میشود که باعث فرزند
سقط شود و نزدیکست که اگر فرزندی بهم رسد دیوانه باشد یا صرع داشته
باشد نمی بینی کسی را که صرع میگیرد اکثر آنست که در اول ماه یا در میان ماه یا در آخر
ماه می باشد و حضرت رسول ص فرمود که هر که جماع کند با زن خود در حیض پس
فرزندی که بهم رسد مبتلا شود بخوره یا پیسی پس ملامت نکند مگر خود را و حضرت
صادق علیه السلم فرمود که دشمن ما اهل بیت نیست مگر کسی که ولد الزنا باشد
یا مادر او در حیض یا و حامله شده باشد و در چندین حدیث معتبر از حضرت

رسول ص

رسول ص منقولست که چون کسی که خواهد با زن خود جماع کند بروش مرغان بنزد
او نرود بلکه اول با او دست بازی و خوش طبعی بکند و بعد از آن جماع بکند
و در حدیث صحیح از حضرت صادق ع منقولست که در وقت جماع سخن مگوئید که بیم
آنست که فرزندی که بهم رسد لال باشد و در آن وقت نظر بفرج زن مکنید که بیم
آنست که فرزندی که بهم رسد کور باشد و در روایت دیگر از آنحضرت منقولست
که باکی نیست بنگاه کردن بفرج در وقت جماع و در چندین حدیث معتبر وارد شده است
که مرد و زن هر دو در حالتی که خضاب بحنا و غیر آن بسته باشند جماع نکند و از حضرت
امام موسی ع پرسیدند که اگر در حالت جماع جامه از روی مرد و زن دور شود چونست
فرمود که باکی نیست و باز پرسیدند که اگر کسی فرج زنش را ببوسد چونست فرمود
که باکی نیست و از حضرت صادق ع پرسیدند که اگر کسی زن خود را عریان کند و باو
نظر کند چونست فرمود که مگر لذتی از این بهتر می باشد و پرسیدند که اگر کسی
بدست و انگشت با فرج زن و کنیز خود بازی کند چونست فرمود که باکی نیست
اما بغیر از اجزای بدن خود چیزی دیگر در آنجا نکند و پرسیدند که آیا می تواند
در میان آب جماع بکند فرمود که باکی نیست و در حدیث صحیح از حضرت امام رضا ع
پرسیدند از جماع کردن در حمام فرمود که باکی نیست و حضرت صادق ع فرمود
که مرد با زن و کنیز خود جماع نکند در خانه که طفلی باشد که آن طفل زناکار میشود

یا فرزندی که بهم میرسد زناکار میشود و از حضرت رسول صلعم منقولست که فرمود که
بحق آنخداوندی که جانم در قبضهٔ قدرت اوست اگر شخصی با زن خود جماع کند
و در آن خانه شخصی بیدار باشد که ایشانرا ببیند یا سخن و نفس ایشانرا شنود فرزندی
که از ایشان بهم رسد رستکار نباشد و زناکار باشد و چون حضرت امام زین العابدین
ع ارادهٔ مقاربت زنان مینمودند خدمتکاران را دور میکردند و درها را
می بستند و پردها را می انداختند و از حضرت صادق ع منقولست که کسی که
با کنیزی جماع کند و خواهد که با کنیز دیگر پیش از غسل جماع وضو بسازد و در
حدیث صحیح وارد شده است که باکی نیست که با کنیز وطی کند و در خانه دیگری باشد
که بیند و شنود و مشهور میان علما آنست که باکی نیست که مرد در میان دو کنیز
خود بخوابد اما مکروه هست که در میان دو زن آزاد بخوابد و در حدیث موثق
از حضرت صادق ع منقولست که باکی نیست که مرد در میان دو کنیز و دو آزاد
بخوابد و فرمود که کراهت دارد که مرد رو بقبله جماع کند و در حدیث دیگر از
آنحضرت پرسیدند که آیا مرد عریان جماع میتواند کرد فرمود که نه و رو بقبله
و پشت بقبله جماع نکند و در کشتی جماع نکند و حضرت امام موسی ع فرمود
که دوست نمیدارم که کسی در سفر آب نیابد برای غسل کردن جماع کند مگر آنکه خوف
ضرری داشته باشد بر خود و بعضی از علما قایل بحرمت شده اند و حضرت رسول

نهی فرمود از آنکه کسی که محتلم شده باشد پیش از آنکه غسل کند جماع کند و فرمود
که اگر بکند و فرزندی بهم رسد دیوانه باشد ملامت نکند مگر خود را و حضرت
صادق ع فرمود که مکروه هست جنب شدن در وقتی که آفتاب طلوع میکند
و زرد می باشد و همچنین در زردی آفتاب وقت فرو رفتن و حضرت امیر المؤمنین
ع فرمود که مستحب است در شب اول ماه رمضان جماع کردن و از ابو سعید خدری
منقولست که حضرت رسول صلعم وصیت نمود بحضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه
که یا علی چون عروس داخل خانهٔ تو شود کفشهایش را بکن تا بنشیند و پاهایش را
بشوی و آن آب را از در خانه تا منتهای خانه بپاش چون چنین کنی خدا هفتاد هزار
نوع از پریشانی را از خانهٔ تو بیرون کند و هفتاد هزار نوع برکت داخل خانهٔ تو
کند و هفتاد هزار نوع رحمت بر تو بفرستد که بر سر عروس فرو آید تا آنکه
آن برکت بهر گوشه از خانه برسد و ایمن گردد عروس از دیوانگی و خوره و پیسی
تا در آن خانه باشد و منع کن عروس را تا هفت روز از خوردن شیر و سرکه و
گشنیز و سیب ترش پس حضرت امیر المؤمنین گفت یا رسول الله بچه سبب او را
منع کنم از اینها فرمود که زیرا رحم بسبب خوردن اینها سرد و عقیم میشود و فرزند
نمی آورد و حصیری که در ناحیهٔ خانه افتاده باشد بهتر است از زنی که فرزند از او
بوجود نیاید پس فرمود که یا علی جماع مکن با زن خود در اول ماه و میان ماه و آخر ماه

که دیوانگی و خوره و خبط دماغ راه می‌یابد بان زن و فرزندانش یا علی جماع مکن

پیش از پیشین اگر فرزندی بهم رسد احول خواهد بود یا علی در وقت جماع سخن

مگو که اگر فرزندی بهم رسد ایمن نیستی که لال باشد و نگاه نکند احدی بفرج زن خود

و چشم بپوشد در آن حالت که نظر کردن بفرج در آن حال باعث کوری فرزند میشود

یا علی بشهوت و خواهش زن دیگری با زن خود جماع مکن که اگر فرزندی بهم رسد مخنث

یا دیوانه باشد یا علی هر که جنب با زن خود در فراش خوابیده باشد قرآن نخواند

که میترسم که آتشی از آسمان بر هر دو نازل شود و بسوزاند ایشان را یا علی جماع مکن

با زن خود مگر آنکه تو دستمالی از برای خود داشته باشی و او دستمالی از برای خود

داشته باشد و هر دو خود را بیک دستمال پاک میکنند که دشمنی در میان شما

پیدا می شود و آخر بجدایی میکشد یا علی ایستاده با زن جماع مکن که از فعل خران است

و اگر فرزندی بهم رسد مانند خران بر رخت خواب بول کند یا علی در شب عید

فطر جماع مکن که چون فرزندی بوجود آید شر بسیار از او بظهور آید یا علی در شب

عید قربان جماع مکن که اگر فرزندی بهم رسد شش انگشت یا چهار انگشت در دست

داشته باشد یا علی در زیر درخت میوه دار جماع مکن که اگر فرزندی بهم رسد

جلاد و کشنده مردم باشد یا رئیس و سرکرده ظلم باشد یا علی در برابر آفتاب

جماع مکن مگر آنکه پرده بیاویزی که اگر فرزندی بوجود آید همیشه در بدحالی و پریشانی

باشد

باشد تا بمیرد یا علی در میان اذان و اقامه جماع مکن که اگر فرزندی بوجود آید

راغب باشد در خون ریختن یا علی چون زنت حامله شود با او جماع مکن بی وضو

که اگر چنین کنی فرزندی که بهم رسد کوردل و بخیل باشد یا علی در شب نیمه شعبان

جماع مکن که اگر فرزندی حاصل شود شوم باشد و در رویش نشان سیاهی باشد

یا علی در روز آخر ماه شعبان جماع مکن که اگر فرزندی بهم رسد عشار و یاور

ظالمان باشد و هلاک بسیاری از مردم بر دست او بشود یا علی بر پشت بام

جماع مکن که اگر فرزندی بهم رسد منافق و ریاکننده و صاحب بدعت باشد

یا علی چون بسفری بروی در آن شب که بیرون میروی جماع مکن که اگر فرزندی

بوجود آید مالش بناحق صرف کند و اسراف کنندگان برادران شیاطین اند و اگر

بسفری روی که سه روز راه باشد جماع مکن که اگر فرزندی بهم رسد یاور ظالمان باشد

یا علی در شب دوشنبه جماع بکن که اگر فرزندی بوجود آید حافظ قرآن و راضی بقسمت

خدا باشد یا علی اگر جماع کنی در شب سه شنبه و فرزندی بهم رسد بعد از سعادت

اسلام او را شهادت روزی شود و دهانش خوشبو و دلش رحیم و دستش از مردم

و زبانش از غیبت و بهتان پاک باشد یا علی اگر جماع کنی در شب پنجشنبه و فرزندی

بهم رسد حاکمی از حکام شریعت یا عالمی از علما باشد و اگر در روز پنجشنبه در وقت کج

آفتاب در میان آسمان باشد نزدیکی کنی با زن خود و فرزندی بهم رسد

نزدیک او نشود تا پیر شود و خدا او را روزی کند سلامتی در دنیا و دین
یا علی اگر جماع کنی در شب جمعه و فرزندی بهم رسد خطیب و سخنگو باشد و اگر
در روز جمعه بعد از عصر جماع کنی و فرزندی بهم رسد از دانایان مشهور باشد
و اگر جماع کنی در شب جمعه بعد از نماز خفتن امید هست که آن فرزند از ابدال
باشد یا علی در ساعت اول شب جماع مکن که اگر فرزندی بهم رسد ایمن نیست
که ساحر باشد و دنیا را بر آخرت اختیار نماید یا علی این وصیت را از من
بیاموز چنانچه از جبرئیل آموختم و در حدیث معتبر منقولست که روز عقد حضرت
فاطمه صلوات الله علیها حق تعالی امر فرمود سدرة المنتهی را که آنچه داری فرو ریز
برای نثار حضرت فاطمه پس آنچه داشت از مروارید و مرجان و جواهر بر اهل
بهشت نثار کرد پس حوران آن نثار را بر بودند و تا روز قیامت مفاخرت
میکنند و بهدیه بیکدیگر میفرستند و میگویند این نثار حضرت فاطمه است
و در شب زفاف استر اشهب حضرت رسول صلعم را آوردند و قطیفه بر روی
آن انداختند و حضرت فرمود که ای فاطمه سوار شو و سلمان لجام استر را
میکشید و حضرت رسول صلعم از عقب روان شد در اثنای راه صدای ملائکه
بگوش آن حضرت رسید و جبرئیل با هزار ملک و میکائیل با هزار
ملک در آمدند و گفتند که حق تعالی ما را بجهت زفاف حضرت فاطمه فرستاد

پس

پس جبرئیل و میکائیل الله اکبر میگفتند و ملائکه با ایشان موافقت میکردند و باین
سبب سنت شد که در زفاف الله اکبر بگویند و در روایت دیگر منقولست
که شخصی بحضرت صادق ع عرض کرد که ما طعامها بعمل می آوریم و بسیار پاکیزه
و خوشبو میکنیم و بوی طعام عروسی از هیچ طعامی نمی آید فرمود که زیرا که بر طعام
عروسی نسیم بهشت می وزد چون طعامیست که برای حلال مهیا میکنند و در
احادیث معتبره وارد شده است که سنت آنست که عروسی در شب واقع شود
و طعام در چاشت پخته شود و در بعضی از اخبار وارد شده است که نثار
عروسی را می توان برداشت اما چون غارت میکنند و از یکدیگر میربایند کراهت
دارد و علما گفته اند که وقتی جایز است برداشتن که بقرائن معلوم باشد که صاحبانش
راضی اند که مردم بردارند و از حضرت امام محمد باقر ع منقولست که هرگاه شما را
بعروسی بطلبند دیر بروید زیرا که دنیا را بیاد شما می آورد و چون شما را بجنازه
بخوانند زود بروید چون آخرت را بیاد شما می آورد و در حدیث دیگر منقولست
که حضرت رسول صلعم نهی فرمود از جماع کردن در زیر آسمان و بر سر راه که مردم تردد
کنند و فرمود هر که در میان راه جماع کند خدا و ملائکه و مردم او را لعنت کنند
و حضرت رسول صلعم فرمود که بیاموزید از کلاغ سه خصلت را پنهان جماع کردن
و بامداد بطلب روزی رفتن و بسیار حذر کردن و حضرت امیر المؤمنین ع

فرمود که هرگاه کسی خواهد با زن خود نزدیکی کند تعجیل نکند که زن را کارها
می باشد پیش از جماع و هرگاه کسی زنی ببیند و خوشش آید پس برود با اهل
خود جماع کند که آنچه را با آن هست با آن هم هست و شیطان را بدل خود راه ندهد
و اگر زنی نداشته باشد دو رکعت نماز بکند و حمد خدا بسیار بگوید و صلوات بر
محمد و آل محمد بفرستد پس از فضل خدا زنی سؤال کند که البته خدا باو عطا
میفرماید آنچه او را از حرام بی نیاز گرداند و در حدیث معتبر از حضرت رسول
منقولست که چون مرد و زن جماع کنند عریان نشوند مانند دو خر زیرا که اگر چنان
کنند ملئکه از ایشان دور میشوند و در حدیث معتبر دیگر از حضرت امام محمد
باقر ع منقولست که جایز نیست جماع کردن با دختر پیش از آنکه نه سالش تمام شود
پس اگر بکند و عیبی برسد بآن زن ضامنست و در حدیث معتبر دیگر منقولست
که مکروهست جماع کردن میان طلوع صبح تا طلوع آفتاب و از وقت فرو رفتن
آفتاب تا برطرف شدن سرخی طرف مغرب و در روزی که در آن روز آفتاب بگیرد
و در شبی که در آن شب ماه بگیرد و در شب یا روزی که در آن باد سیاه یا باد
سرخ یا باد زرد حادث شود و در شب یا روزی که در آن زلزله حادث شود
و الله که اگر کسی جماع کند در این اوقات پس او را فرزندی بهمرسد نبیند در آن
فرزند چیزی که دوست دارد زیرا که آیات غضب الهی را سهل شمرده است و در

فقه

فقه الرضا مسطور است که چون بعد از غسل دادن میت پیش از آنکه غسل کنی خواهی
که جماع کنی وضو بساز بعد از آن جماع بکن و از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه
منقولست که هرگاه کسی را دردی در بدن بهمرسد یا حرارت بر مزاجش غالب شود
پس با زن خود جماع کند تا ساکن شود و از حضرت امام جعفر ع منقولست که هر که
در حالت خضاب با زن خود جماع کند فرزندی که بهمرسد مخنث باشد و حضرت
امام محمد باقر ع فرمود که زن آزاد را برابر زن آزاد دیگر جماع مکن اما کنیز را در برابر
کنیز دیگر جماع کردن باکی نیست و در حدیث صحیح از حضرت امام رضا ع منقولست
که حضرت صادق ع هرگاه بعد از جماع و پیش از غسل اراده جماع میکردند وضو میساختند
و در روایت دیگر منقولست که اگر کسی انگشتری با او باشد که بر آن نام خدا نقش
کرده باشند جماع نکند

فصل پنجم از باب دهم

در آداب نماز و دعا در شب زفاف و در
وقت مقاربت زنان در حدیث صحیح از حضرت امام محمد باقر ع منقولست که چون
عروس را بنزد تو بیاورند بگو که پیش از او وضو بسازد و تو وضو بساز و تو وضو
بساز و دو رکعت نماز بکن و بگو که او را نیز امر کنند که دو رکعت نماز بگذارد پس
حمد الهی بگو و صلوات بر محمد و آل محمد بفرست پس دعا کن و امر کن که آن زنان را
که با او آمده اند که آمین بگویند و این دعا بخوان اللّٰهُمَّ ارْزُقْنِی اِلْفَهَا وَوُدَّهَا
وَرِضَاهَا وَاَرْضِنِی بِهَا وَاجْمَعْ بَیْنَنَا بِاَحْسَنِ اجْتِمَاعٍ وَاَنَسِ ائْتِلَافٍ فَاِنَّکَ تُحِبُّ

الحلال وتکره الحرام تعدازان فرمود که بدان که الفت از جانب خداست و دشمنی
از جانب شیطان است که میخواهد که آنچه را خدا حلال کردانیده مکروه طبع مردم
کرداند و در حدیث حسن از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست
که چون در شب زفاف بنزد عروس بروی موی پیشانیش را بگیر و رو بقبله
آور و بگو اللّهم بامانتک اخذتها وبکلماتک استحللتها فان قضیت
لی منها ولدا فاجعله مبارکا تقیا من شیعة آل محمد ولا تجعل للشیطان
فیه شرکا ولا نصیبا و در حدیث معتبر دیگر از آنحضرت منقولست که دست
بر بالای پیشانیش بگذارد و بگو اللّهم علی کتابک تزوجتها وفی امانتک اخذتها
وبکلماتک استحللت فرجها فان قضیت لی فی رحمها شیئا فاجعله مسلما
سویا ولا تجعله شرک شیطان راوی پرسید که فرزند چگونه شرک شیطان
میشود فرمود که اگر در وقت جماع نام خدا برند شیطان دور میشود و اگر نبرند
ذکر خود را با ذکر آنشخص داخل میکند پس جماع از هر دو می باشد و نطفه
یکیست پرسید که بچه چیز می توان دانست که شیطان در کسی شریک شده است
فرمود که هر که ما را دوست میدارد شیطان در او شریک نشده است و هر که
دشمن ماست شیطان در او شریک شده است و برین مضمون احادیث از طرق
خاصه و عامه بسیار وارد شده است و از حضرت امیر المؤمنین ص منقولست

که در

که در وقت زفاف این دعا بخواند اللّهم بکلماتک استحللتها وبامانتک
اخذتها اللّهم اجعلها ولودا ودودا لا تفرک تأکل مما راح ولا تسأل
عما سرح و در روایت معتبر دیگر از حضرت صادق ع منقولست که این دعا
بخواند که بکلمات الله استحللت فرجها وفی امانة الله اخذتها اللّهم
ان قضیت لی فی رحمها شیئا فاجعله بارا تقیا واجعله مسلما سویا
ولا تجعل فیه شرکا للشیطان و در حدیث دیگر از آنحضرت منقولست که
حضرت شریک شدن شیطان را در نطفه آدمی بیان کردند و بسیار عظیم شمردند
راوی گفت چه باید کرد که این واقع نشود فرمود که هرگاه اراده جماع داشته
باشی بگو بسم الله الرحمن الرحیم الذی لا اله الا هو بدیع السموات و
الارض اللّهم ان قضیت منی فی هذه اللیلة خلیفة فلا تجعل للشیطان
فیه شرکا ولا نصیبا ولا حظا واجعله مؤمنا مخلصا مصفی من الشیطان
ورجزه جل ثناؤک و در حدیث دیگر فرمود که چون خواهد که شیطان
شریک نشود بگوید بسم الله و پناه ببرد بخدا از شر شیطان و از حضرت
امیر المؤمنین صلوات الله علیه منقولست که چون کسی اراده جماع داشته
باشد بگوید بسم الله وبالله اللّهم جنبنی الشیطان وجنب الشیطان
ما رزقتنی پس اگر فرزند بوجود آید شیطان هرگز باو ضرر نرساند و از حضرت

امام محمد باقر ع منقولست که چون اراده جماع کنی این دعا بخوان اَللّٰهُمَّ ارْزُقْنِی وَلَدًا
وَاجْعَلْهُ تَقِیًّا زَکِیًّا لَیْسَ فِی خَلْقِهِ زِیَادَةٌ وَلَا نُقْصَانٌ وَاجْعَلْ عَاقِبَتَهُ
اِلَی خَیْرٍ **فصل ششم** در بیان حق زن و شوهر بر یکدیگر و احکام ایشان
از حضرت امام محمد باقر و امام جعفر صادق علیهما السلم منقولست که حق تعالی برای
زنان غیرت جایز نداشته است و از برای مردان غیرت قرار داده است زیرا
که از برای مردان چهار زن و از متعه و کنیز آنچه خواهند حلال کردانیده است
و از برای زن بغیر از یکشوهر حلال نکرده است اگر شوهر دیگر طلب کند یا
اراده نماید نزد خدا از ناکارانست و غیرت و رشک نمیبرند مگر زنان بد و زنان
مؤمنه صاحب رشک نمی باشند و در حدیث معتبر از حضرت صادق ع
فرمود که رشک بردن زنان از بسیاری دوستی ایشانست نسبت بشوهران
و از حضرت رسول ص منقولست که گفتن مرد بازن خود که ترا دوست میدارم
هرگز از دل او بدر نمی رود و در حدیث صحیح از حضرت امام محمد باقر ع منقولست
که زنی آمد بخدمت حضرت رسول ص و گفت یا رسول الله چیست حق شوهر
بر زن فرمود که لازم است که اطاعت شوهر بکند و نافرمانی او نکند و از خانهٔ
او بی رخصت او تصدق نکند و روزهٔ سنت بی رخصت او ندارد و هر وقت
که اراده نزدیکی او کند مضایقه نکند اگرچه بر پشت پالان شتر باشد و از خانهٔ

شوهر بی رخصت او بدر نرود و اگر بی رخصت بدر رود ملئکهٔ آسمان و ملئکه
زمین و ملئکهٔ غضب و ملئکهٔ رحمت همه او را لعنت کنند تا بخانه برگردد
گفت یا رسول الله حق کی بر مردان از همه کس عظیم تر است فرمود که حق پدر گفت
که حق کی بر زن از همه عظیم تر است فرمود که حق شوهر پرسید که من بر شوهر
آنقدر حق ندارم که او بر من دارد فرمود که از صد یکی نه آن زن گفت که
قسم میخورم بآن خدایی که ترا بحقیقت فرستاده است که هرگز شوهر نکنم
و در حدیث دیگر منقولست که زنی بخدمت حضرت رسول ص آمد و
سؤال کرد از حق شوهر بر زن فرمود که زیاده از آنست که توان گفت پس
فرمود که از جملهٔ حقها آنست که روزهٔ سنت بی رخصت او ندارد و از خانهٔ
بی رخصت او بیرون نرود و نیکوترین بوهای خوش خود را خوشبو کند و
نیکوترین جامهای خود را بپوشد و بهترین زینتها خود را بیاراید و هر بامداد
و شام خود را بر او عرض کند که اگر ارادهٔ جماع داشته باشد ابا نکند
و در حدیث دیگر فرمود که هیچ چیز بی رخصت او بکسی ندهد اگر بدهد گناهش
برای آن زنست و ثوابش از برای شوهر و هیچ شب نخوابد که شوهر از او خشمناک
باشد زن گفت که هرچند شوهر بر او ظلم کرده باشد فرمود که بلی حضرت
صادق ع فرمود که هر زنی که شب بسر آورد و شوهر از او آزرده باشد نمازش

مقبول نباشد تا شوهر از او راضی شود و هر زنی که بوی خوش برای غیر شوهر
خود بکند نمازش مقبول نشود تا آن بوی خوش را از خود بشوید و فرمود که
سه کس اند که هیچ عمل ایشان بآسمان بالا نمیرود غلام گریخته و زنی که شوهرش
از او راضی نباشد و کسی که جامه خود را از روی تکبر بلند آویخته باشد
و در احادیث معتبره وارد شده است که جهاد مردان آنست که مال و جان
خود را در راه خدا صرف کنند تا کشته شوند و جهاد زنان آنست که بر آزار
شوهران و غیرت آوردن ایشان صبر کنند و حضرت رسول ص فرمود
که اگر امر میکردم که کسی برای غیر خدا سجده کند هر آینه میگفتم که زنان
برای شوهران سجده کنند و فرمود که زن نماز خود را طول ندهد برای
آنکه منع کند شوهر را از آنچه از او میخواهد و فرمود که هر زنی که شوهر او را
برای مجامعت بطلبد و او تاخیر کند تا شوهر بخواب رود پیوسته ملئکه
او را لعنت کنند تا شوهر بیدار شود و در حدیث صحیح منقولست که زن
از مال خود هم چیزی بی رخصت شوهر نمی تواند داد مگر حج یا زکوة یا نیکی
بپدر و مادر یا صله و احسان بخویشان و در حدیث صحیح از حضرت
صادق ع منقولست که هر زنی که بشوهرش بگوید که من هرگز از تو نیکی ندیده ام
ثواب عملهایش همه برطرف شود و در احادیث معتبره بسیار وارد شده است

که حق زن بر مرد آنست که او را سیر کند و بدنش را بپوشاند و اگر بدی کند او را
ببخشد و عفو کند و در حدیث دیگر منقولست که رو ترش نکند نزد او و
یک روز نه یک روز روغن برای بدن مالیدن باو بدهد و هر سه روز یکمرتبه
گوشت برای او بیاورد و رنگ مانند حنا و سمه هر شش ماه یکبار باو بدهد
و در هر سال چهار جامه اش بدهد دو از برای زمستان و دو از برای تابستان
و باید که خانه اش را خالی نگذارد از روغن برای مالیدن سر و از سرکه و زیت
و روزی یکمن کهنه قوت باو دهد و میوها که همه کس خورند باو بخوراند
و در عیدها زیاده از اوقات دیگر خوردنی برای او بگیرد و از حضرت صادق
ع منقولست که بترسید از خدا در حق دو ضعیف یتیمان و زنان و حضرت
رسول ص فرمود که بهترین شما آنکسیست که با زنان بهتر سلوک کند و فرمود
که عیال مرد اسیران اویند و محبوب ترین بندگان نزد خدا کسی است که احسان
با اسیران خود بیشتر بکند و حضرت صادق ع فرمود که موجب هلاک
صاحب مروتست که در شهری که زنش در آن شهر باشد شب در خانه دیگر
بخوابد و نزد او نیاید و حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه وصیت
فرمود بحضرت امام حسن صلوات الله علیه که زنهار که مشوره با زنان مکن
که رای ایشان ضعیف و عزم ایشان سست است و ایشان را پوشیده در پرده

نبدار و بیرون مفرست و تا توانی چنان کن که بغیر تو مردی را نشناسند و با ایشان
خدمتی بغیر آنچه تعلق بخودشان دارد مگذار که این از برای حال ایشان و
خشنودی ایشان و حسن و جمال ایشان بهتر است زیرا که زن گلیست خدمتکار
نیست و همین خودش را گرامی دار و سخنش را در حق دیگران قبول مکن و خود را
بسیار بدست او مده و در حدیث معتبر از حضرت رسول صلعم منقولست که
زنان را در غرفه و بالاخانه جا مدهید و چیزی نوشتن بایشان میاموزانید
و سوره یوسف تعلیم ایشان مکنید و چرخ رشتن بیاد ایشان بدهید و سوره
نور را بایشان تعلیم کنید و حضرت رسول صلعم نهی فرمود از آنکه زنان را
بر زین سوار کنند و فرمود که در نیکی اطاعت زنان مکنید تا آنکه بطمع نیفتند
در امر کردن شما ببدیها و بخدا پناه برید از بدان ایشان و از نیکان ایشان
در حذر باشید و حضرت امام محمد باقر ع فرمود که رازی با ایشان مگوئید
و درباره خویشان شما آنچه گویند اطاعت مکنید و حضرت امیر المؤمنین
ع فرمود که مردی که کارهای او را زنی تدبیر کند ملعونست و حضرت پیغمبر
ص چون اراده جنگ داشتند با زنان خود مشورت میکردند و آنچه
ایشان میگفتند خلاف آن میکردند و حضرت رسول صلعم فرمود که هر که
اطاعت زن خود کند خدا او را سرنگون در جهنم در اندازد گفتند یا رسول

الله

الله این طاعت کدام است فرمود که از و رخصت طلبد که برای سیر حمامها
و عروسیها و عیدگاهها و عزاها برود و او رخصت بدهد و جامهای نازک از او
طلبد که در بیرون بپوشد و برای او بگیرد و در حدیث دیگر فرمود که مثل زنان
مثل استخوان کج پهلوست اگر او را بحال خود میگذاری منتفع میشوی و اگر
میخواهی راست کنی میشکند پس صبر کن بر ناخوشیهای ایشان و بدانکه از
حقوق زن بر مرد آنست که هر چهار ماه یکمرتبه با او جماع کند اگر حاضر باشد
و عذری نداشته باشد و این واجبست و اگر چند زن داشته باشد و پیش
یک زن یکشب بخوابد واجبست که پیش آنهای دیگر هر یک یکشب بخوابد و جمعی را
اعتقاد آنست که مطلقا واجبست که پیش هر زنی از چهار شب یکشب بخوابد
خواه یک زن داشته باشد و خواه زیاده و این احوطست و در کنیز و متعه اینها
واجب نیست اما بهتر آنست که کنیزی که داشته باشد یا خود دفع شهوت او
بکند یا او را بشوهر دهد و در بعضی اخبار وارد شده است که اگر نکند و آنها
زنا کنند گناهش بر اوست و مشهور میان علما آنست که اگر کسی زنی داشته
باشد و زن دیگر بخواهد اگر باکره است تا هفت شب مخصوص اوست و اگر
غیر باکره است تا سه شب **فصل هفتم** از باب چهارم در بیان دعاهای طلب فرزند
و فضیلت آن از حضرت رسول صلعم منقولست که فرزند صالح گلیست از گلهای بهشت

و فرمود که از سعادت آدمی فرزند صالح است و فرمود که فرزند بسیار بهم رسانید
که من ببسیاری شما در قیامت مباهات خواهم کرد و حضرت امیر المؤمنان
صلوات الله علیه فرمود که بیماری که بفرزند میرسد کفارهٔ پدر و مادر اوست
و در حدیث صحیح منقولست که روزی جبرئیل نازل شد و حضرت رسول
و امیر المؤمنین ناله میکردند جبرئیل از سبب آن پرسید حضرت رسول ص فرمود
که دو طفل ما آزار داشتند و بگریهٔ ایشان متاذی شدیم جبرئیل گفت یا محمد
حق تعالی برای فرزندان شما شیعه چند برانگیزد که چون اطفال ایشان گریه
کنند تا هفت سال گریهٔ ایشان لا اله الا الله باشد و چون هفت سال بگذرد
گریهٔ ایشان طلب آمرزش باشد برای پدر و مادر پس چون بحد بلوغ برسند
پدر و مادر در ثواب ایشان شریک باشند و در گناهان شریک نباشند
و از حضرت رسول ص منقولست که زن از روزی که حامله میشود تا وضع
حملش میشود و تا فرزند را از شیر باز میگیرد مثل ثواب کسی دارد که در سرحد
کافران مرابطه نماید و دفع ایشان از مسلمانان کند و اگر در این میانه بمیرد
ثواب شهیدان دارد و در حدیث صحیح از حضرت رسول ص منقولست که
حضرت عیسی بقبری گذشت که صاحبش را عذاب میکردند پس در سال دیگر
بهمان قبر گذشت صاحبش را عذاب نمیکردند از آن حال سؤال کرد از پروردگار

خود

خود وحی باو رسید که در این سال فرزند شایسته از او بحد بلوغ رسید
و راهی را اصلاح کرد و یتیمی را جا داد باین سبب او را بکردهٔ فرزندش آمرزیدم
پس حضرت فرمود که [illegible] که از برای خدا از بنده میماند فرزندیست که بعد از
او عبادت خدا کند و در روایت دیگر منقولست که کسی که بی فرزند بمیرد
گویا هرگز در میان مردم نبوده است و کسی که بمیرد و فرزندی از او بماند گویا
نمرده است و در حدیث معتبر از حضرت رسول ص منقولست که حق تعالی بر
دختران مهربان تر است از پسران و هر مردی که شادی برساند بزنی که با او
خویشی داشته باشد و محرم او باشد خدا او را در قیامت شاد گرداند
و حضرت صادق علیه السلام فرمود که دختران حسنات اند و پسران نعمتند و خدا
بر حسنه ثواب میدهد و از نعمت سؤال میکند و آنحضرت بیکی از اصحاب خود
فرمود که شنیده ام که دختری بهم رسانیده و نمیخواهی او را چه ضرر دارد بتو گلیست
بو میکنی او را و روزیش بر خداست و حضرت رسول ص پدر دختران بود و در
حدیث دیگر فرمود که حضرت ابرهیم از پروردگار خود سؤال کرد که دختری
او را روزی کند که بعد از مرگ بر او گریه کند و فرمود که هر که آرزوی مرگ
دختران خود کند و بمیرند ثواب نداشته باشد و در قیامت نزد خدا عاصی
باشد و در حدیث دیگر منقولست که شخصی نزد حضرت رسول ص نشسته بود خبر

باو رسید که دختری برای او متولد شده است رنگش متغیر شد حضرت فرمود
زمین او را بر میدارد و آسمان بر و سایه می افکند و خدا روزیش میدهد و کلبت
او و امی بوی نیس رو با صحاب خود کردند و فرمودند که هر که دختر دارد بار ش
گرانست و هر که دو دختر دارد بخدا سوگند که بفریاد او برسید و کسی که سه
دختر داشته باشد جهاد و سایر آزارها برا او دارید و کسی که چهار دختر
داشته باشد ای بندگان خدا او را یاری کنید ای بندگان خدا او را قرض دهید
ای بندگان خدا او را رحم کنید و در حدیث صحیح دیگر از آنحضرت منقولست
که هر که سه دختر یا سه خواهر را نفقه دهد بهشت او را واجب شود
بعد از ان فرمود که هر که دو تا را یا یکی را نفقه دهد بهشت او را واجب شود
و از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که هر گاه کسی را فرزند
دیر بهم رسد این دعا بخواند اَللّٰهُمَّ لَا تَذَرْنِی فَرْدًا وَاَنْتَ خَیْرُ الرَّازِقِیْنَ
وَحِیْدًا وَحْشًا فَیَقْصُرُ شُکْرِی عَنْ تَفَکُّرِی بَلْ هَبْ لِی عَاقِبَةَ صِدْقٍ
ذُکُوْرًا وَاِنَاثًا اٰنَسُ بِهِمْ مِنَ الْوَحْشَةِ وَاَسْکُنُ اِلَیْهِمْ مِنَ الْوَحْدَةِ وَ
اَشْکُرُکَ عِنْدَ تَمَامِ النِّعْمَةِ یَا وَهَّابُ یَا عَظِیْمُ یَا مُعَظَّمُ ثُمَّ اَعْطِنِی
فِی کُلِّ عَاقِبَةٍ شُکْرًا حَتّٰی تُبَلِّغَنِی مِنْهَا رِضْوَانَکَ فِی صِدْقِ الْحَدِیْثِ وَ
وَاَدَاءِ الْاَمَانَةِ وَوَفَاءٍ بِالْعَهْدِ و در حدیث حسن دیگر فرمود که برای طلب

وفاء العهد

فرزند

فرزند در سجده این دو آیه را بخوان رَبِّ هَبْ لِی مِنْ لَدُنْکَ ذُرِّیَّةً
طَیِّبَةً اِنَّکَ سَمِیْعُ الدُّعَاءِ رَبِّ لَا تَذَرْنِی فَرْدًا وَاَنْتَ خَیْرُ الْوَارِثِیْنَ و در
روایت دیگر فرمود که هر که خواهد که زنش حامله شود بعد از نماز جمعه دو رکعت
نماز بکند و رکوع و سجود را طول دهد پس بگوید اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَسْئَلُکَ بِمَا سَئَلَکَ
بِهِ زَکَرِیَّا رَبِّ لَا تَذَرْنِی فَرْدًا وَاَنْتَ خَیْرُ الْوَارِثِیْنَ اَللّٰهُمَّ هَبْ لِی مِنْ لَدُنْکَ
ذُرِّیَّةً طَیِّبَةً اِنَّکَ سَمِیْعُ الدُّعَاءِ اَللّٰهُمَّ بِاسْمِکَ اسْتَحْلَلْتُهَا وَفِی اَمَانَتِکَ
اَخَذْتُهَا فَاِنْ قَضَیْتَ فِی رَحِمِهَا وَلَدًا فَاجْعَلْهُ غُلَامًا مُبَارَکًا زَکِیًّا وَلَا تَجْعَلْ
لِلشَّیْطَانِ فِیْهِ شِرْکًا وَلَا نَصِیْبًا و در روایت دیگر منقولست که ابرش کلبی بحضرت
امام محمد باقر ع عرض کرد که مرا فرزند نمیشود فرمود که در هر روز یا هر شب صد مرتبه
استغفار بکن و بهتر آنست که اَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ رَبِّی وَاَتُوْبُ اِلَیْهِ بگوید و در حدیث
دیگر از آنحضرت منقولست که صبح و شام هفتاد نوبت سُبْحَانَ اللّٰهِ و بیست
نوبت اَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ رَبِّی وَاَتُوْبُ اِلَیْهِ بگوید و در حدیث دیگر نه نوبت
سُبْحَانَ اللّٰهِ پس یکنوبت اَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ رَبِّی وَاَتُوْبُ اِلَیْهِ بگوید راوی میگوید
که جمع کثیر باین عمل مداومت کردند و فرزندان بسیار بهم رسانیدند و در بعضی
از آنها بگفتن اَسْتَغْفِرُ اللّٰهَ تنها اکتفا میتوان کرد و در روایت دیگر از حضرت امام
جعفر صادق ع منقولست که از برای فرزند در هر سحر صد مرتبه استغفار بکن و اگر

شبی فراموش کنی در وقت دیگر قضا کن و شخصی دیگر بآنحضرت شکایت کرد که مرا
فرزند نمیشود فرمود که چون اراده جماع کنی بگو اللّهمّ إن رزقتني ذكراً
سمّيته محمّداً و در حدیث دیگر منقولست که شخصی بخدمت حضرت امام رضا ع
شکایت کرد که من همیشه بیمارم و مرا فرزند نمیشود فرمود که در خانه خود صدا
باذان گفتن بلند کن چنان کرد مرضش صحیح شد و فرزندان بسیار بهم رسانید
و در حدیث دیگر از حضرت امام جعفر صادق ع منقولست که شخصی شکایت
کرد که مرا فرزند نمیشود حضرت فرمود که چون خواهی که نزد زن خود بروی
این آیه را بخوان که انشاء الله خدا تو را فرزندی روزی میکند وَذَا النُّونِ
إِذْ ذَهَبَ مُغَاضِبًا فَظَنَّ أَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ فَنَادَىٰ فِي الظُّلُمَاتِ أَنْ لَا
إِلَٰهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَنَجَّيْنَاهُ
مِنَ الْغَمِّ وَكَذَٰلِكَ نُنْجِي الْمُؤْمِنِينَ وَزَكَرِيَّا إِذْ نَادَىٰ رَبَّهُ رَبِّ لَا تَذَرْنِي
فَرْدًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ و در حدیث دیگر فرمود که هر که را فرزند نشود
نیت کند که اگر مرا فرزند بشود علی نام خواهم کرد اگر چنین کند خدا او را
پسری روزی کند و از حضرت امام زین العابدین ع منقولست که هر که
این دعا را بسیار بخواند هر چه خواهد از مال و فرزند و خیر دنیا و آخرت
خدا باو عطا فرماید رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ وَاجْعَلْ

لِي مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا يَرِثُنِي فِي حَيَاتِي وَيَسْتَغْفِرُ لِي بَعْدَ مَوْتِي وَاجْعَلْهُ خَلْقًا
سَوِيًّا وَلَا تَجْعَلْ لِلشَّيْطَانِ فِيهِ نَصِيبًا اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَغْفِرُكَ وَأَتُوبُ
إِلَيْكَ إِنَّكَ أَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ و از برای فرزند هفتاد مرتبه این دعا بخواند
و از حضرت صادق ع منقولست که هر گاه زنی را حملی باشد و چهار ماه بر او
بگذرد روی او را بقبله کن و آیة الکرسی بخوان و دست بر پهلوی او بزن و بگو
اللَّهُمَّ إِنِّي قَدْ سَمَّيْتُهُ مُحَمَّدًا یعنی خدایا من او را محمد نام کردم چون چنین کند
خدا آن فرزند را پسر کرداند پس اگر او را محمد نام کند مبارک باشد و اگر
نام نکند خدا اگر خواهد او را از او بگیرد و اگر خواهد باو ببخشد و در چند
حدیث معتبر وارد شده است که هر که زن او حملی داشته باشد و عزم کند که او را
محمد یا علی نام کند او پسر شود و در حدیث دیگر آنست که او را علی نام کن که عمرش
دراز تر باشد و در کتاب طب الائمه روایت کرده است که شخصی بخدمت
حضرت امام محمد باقر ع شکایت کرد کمی فرزند را حضرت فرمود که سه روز
بعد از نماز صبح و نماز خفتن هفتاد مرتبه سبحان الله و هفتاد مرتبه
أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ بگو و بعد از آن این آیه را بخوان اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ
غَفَّارًا يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا وَيُمْدِدْكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَ
يَجْعَلْ لَكُمْ جَنَّاتٍ وَيَجْعَلْ لَكُمْ أَنْهَارًا پس در شب سیم با زن خود جماع کن

که خدا پسری که خلقتش درست باشد بتو عطا میفرماید و در کتاب نوادر الحکمة
روایت کرده است که شخصی بنزد حضرت امام جعفر ع آمد و گفت یا ابن رسول
الله هشت دختر بهم رسانیده‌ام و روی پسر ندیده‌ام حضرت فرمود که وقتی
که در میان پای زن نشینی دست راست خود را بر جانب راست ناف زن بگذار
و سوره انا انزلناه را هفت نوبت بخوان و بعد از آن جماع کن و چون از حمل
ظاهر شود پس در شبها دست بر جانب راست ناف او بگذار و هفت مرتبه
سوره انا انزلناه را بخوان آن مرد گفت که چنین کردم و هفت پسر پیهم خدا
بمن روزی کرد و از حضرت امام حسن ع منقولست که هر که فرزند خواهد
باید که استغفار بسیار بگوید فصل هشتم از باب چهارم در احکام ایام حمل و آداب روز
ولادت و نام نهادن طفل از حضرت صادق علیه السلم منقولست که زن حامله
به بخورد تا فرزندش خوشبوتر و رنگ فرزند صافتر باشد و بسند معتبر
منقولست که حضرت رسول ص فرمود که اول چیزی که زن زاییده بخورد
باید که رطب باشد چنانچه حق تعالی بحضرت مریم فرمود که بعد از زاییدن حضرت
عیسی رطب بخورد گفتند اگر وقت رطب نباشد چه کند فرمود که نه دانه
خرما از خرماهای مدینه بخورد و اگر نباشد نه دانه از هر خرمایی که
باشد بخورد بدرستی که حق تعالی میفرماید که بعزت و جلال خودم سوگند که

هر زنی

هر زن تازه زاییده که رطب بخورد فرزند او را بردبار گردانم و در حدیث
معتبر از حضرت امیر المؤمنین علیه السلم منقولست که زنان بعد از ولادت فرزند
خرمای برنی بخورانند تا آنکه فرزند زیرک و بردبار شود و در حدیث دیگر از
حضرت رسول ص منقولست که بزنان حامله بخورانید کندر بدرستی که چون طفل
در شکم مادر کندر غذای او شود دلش محکم و عقلش زیاد می‌شود و اگر پسر باشد
شجاع میشود و اگر دختر باشد سرینش بزرگ میشود و بسبب این نزد شوهر عزیز
می‌باشد و در حدیث معتبر منقولست که حضرت علی بن الحسین صلوات الله علیه چون
وقت ولادت زن میشد میفرمود که زنان را از خانه بیرون کنید که اول مرتبه
نظر زن بر عورت طفل نیفتد و منقولست که چون بآنحضرت بشارت فرزند
میدادند نمی‌پرسید که پسر است یا دختر بلکه اول می‌پرسید که خلقتش درست است
پس اگر میگفتند که درست است و عیبی در خلقتش نیست میفرمود که الحمد لله
الذی لم یخلق منی شیئا مشوها یعنی سپاس خداوندی را که از من نیافرید
فرزندی که قبیح و معیوب باشد و از حضرت صادق علیه السلم منقولست که
چون فرزند متولد شود بقدر عدسی از جاوشیر بگیر و در آب حل کن و دو قطره
در بینی راست طفل و یک قطره در بینی چپش بریزد و در گوش راستش اذان بگو
و در گوش چپش اقامه بگو پیش از آنکه نافش را ببرند که اگر چنین کنی هرگز ترس باو

نرسد وام الصبیان او را ضرر نرساند و در حدیث دیگر فرمود که قابله یا
دیگری را بگوید که اقامه در گوش راستش بگوید که هرگز صرع جنیان باو نرسد
و دیوانه نشود و حضرت امام محمد باقر ع فرمود که کام طفل را با آب فرات بردارید
و اقامه در گوشش بگویید و در روایت دیگر وارد شده است که کامش را
با آب فرات و تربت قبر امام حسین ع بردارید و اگر آب فرات نباشد باب باران
بردارید و از حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه منقولست که کام
فرزندان خود را بخرما بردارید که حضرت پیغمبر ص چنین کرد با حسن و حسین
صلوات الله علیهما و حضرت رسول ص فرمود که هر که فرزندی از او متولد شود
باید که اذان در گوش راست و اقامه در گوش چپ او بگوید که نگاه دارنده
اوست از شر شیطان و از حدیث ولادت حسین صلوات الله علیهما ظاهر میشود
که مکروهست طفل را در ابتداء ولادت در جامه زرد پیچیدن و سنت است که
در جامه سفید بپیچند و از حضرت صادق ع منقولست که کام طفل خود را
بتربت حضرت امام حسین ع بردارید که امان میدهد او را از دردها و بلاها
و از حضرت صادق ع منقولست که شخصی را تهنیت فرمود برای پسری که خدا باو
عطا کرده بود و گفت رزقک الله شکر الواهب و بارک لک فی الموهوب
وبلغ اشده ورزقک بره یعنی خدا روزی کند ترا شکر آن خداوندی که فرزند را

بتو بخشیده است و برکت دهد برای تو در آنچه بتو بخشیده است و او را بنهایت
قوت برساند و روزی کند ترا نیکی او یعنی بتو نیکوکار باشد و نزدیک باین
عبارات بسند بسیار از حضرت امام حسن ع منقولست و ابن ادریس علیه الرحمه
در کتاب سرائر از حضرت امام جعفر صادق ع روایت کرده است که هرگاه بر زن
دشوار شود زائیدن بنویسد از برای او در پوست این آیات را و بریسمانی ببندد
بر ران راستش و چون وضع حمل شود باز کن آیات اینست که بسم الله الرحمن
الرحیم کانهم یوم یرون ما یوعدون لم یلبثوا الا ساعة من نهار کانهم
یوم یرونها لم یلبثوا الا عشیة او ضحیها اذ قالت امرأة عمران رب
انی نذرت لک ما فی بطنی محررا و مولف کتاب طب الائمه علیهم السلام روایت
کرده است که شخصی بخدمت حضرت امام محمد باقر ع آمد و گفت زن من از درد
زائیدن مشرف بر مردن شده است حضرت فرمود که برو و این آیه را براو بخوان
فاجاءها المخاض الی جذع النخلة قالت یا لیتنی مت قبل هذا وکنت نسیا
منسیا فناداها من تحتها ان لا تحزنی قد جعل ربک تحتک سریا وهزی
الیک بجذع النخلة تساقط علیک رطبا جنیا پس باواز بلند بگو و
الله اخرجکم من بطون امهاتکم لا تعلمون شیئا وجعل لکم السمع
والابصار والافئدة لعلکم تشکرون کذلک اخرج ایها الطلق اخرج

باذن الله چون بخوانی در ساعت نجات یابد بیاری خدا وبسند دیگر از
آنحضرت روایت کرده است که برای دشواری زاییدن این آیات را در ظرف پاکیزه
بمشک و زعفران بنویسید وبآب چاه بشویید وبخورد آن زن بدهند وب
شکم و فرجش بپاشند کأنّهم یوم یرونها لم یلبثوا الّا عشیّة او ضحیها
کأنّهم یوم یرون ما یوعدون لم یلبثوا الّا ساعة من
نهار بلاغ فهل یهلک الّا القوم الفاسقون لقد کان فی قصصهم
عبرة لاولی الالباب ما کان حدیثا یفتری ولکن تصدیق الّذی
بین یدیه وتفصیل کلّ شیء وهدی ورحمة لقوم یؤمنون وبسند
دیگر از حضرت صادق ع روایت کرده است که این آیات را برای حامله در کاغذی
بنویسند ودر وقتی که داخل شود در ماهی که در آن ماه وضع حمل او می‌شود
وچیزی بر آن بپیچید اما گره نزند وبر کمر آن زن ببندد چون چنین کند درد وآزار
زاییدن باو نرسد وبعد از زاییدن باو نرسد وبعد از زاییدن بزودی
بگشاید ویکساعت با او نگذارد اینست آیات اولم یر الّذین کفروا
انّ السّموات والارض کانتا رتقا ففتقناهما وجعلنا من الماء کلّ شیء
حیّ افلا یؤمنون وآیة لهم اللّیل نسلخ منه النّهار فاذا هم مظلمون والشّمس
تجری لمستقرّ لها ذلک تقدیر العزیز العلیم والقمر قدّرناه منازل حتّی عاد کالعرجون

القدیم

القدیم لا الشّمس ینبغی لها ان تدرک القمر ولا اللّیل سابق النّهار وکلّ فی فلک یسبحون
وآیة لهم انّا حملنا ذرّیّتهم فی الفلک المشحون وخلقنا لهم من مثله ما یرکبون وان نشأ
نغرقهم فلا صریخ لهم ولا هم ینقذون الّا رحمة منّا ومتاعا الی حین ونفخ فی الصّور
فاذا هم من الاجداث الی ربّهم ینسلون ودر بیشتر کاغذ این آیات را بنویسید
کأنّهم یوم یرون ما یوعدون لم یلبثوا الّا ساعة من نهار بلاغ فهل یهلک
الّا القوم الفاسقون کأنّهم یوم یرونها لم یلبثوا الّا عشیّة او ضحیها وار
حضرت امام محمّد باقر علیه السّلم منقولست که راست ترین نامها نامیست که دلالت بر
بندگی خدا کند مثل عبد الله وبهترین نامها نام پیغمبرانست واز حضرت امیر
المؤمنین ع منقولست که فرزند را در شکم مادر نام بگذارید که اگر نام نگذارید
وسقط شود در قیامت با پدر خود گوید که چرا مرا نام نگذاشتی ورسول خدا
محسن فرزند حضرت فاطمه را در شکم نام گذاشت ومحسن آن فرزند است که بعد از
حضرت رسول هنوز در شکم بود که [illegible] او را شهید کرد واز حضرت امام
موسی ع منقولست که اول نیکی که پدر با فرزند خود میکند آنست که او را نام نیک
بگذارد وحضرت رسول ص فرمود که هر که چهار فرزند از برای او بوجود آید
وهیچیک را بنام من نسازد مرا جفا کرده است ودر حدیث دیگر از حضرت
امام موسی ع منقولست که فقر وبینوایی داخل خانه نمیشود که در آنخانه نام محمّد یا احمد

یا علی یا حسن یا حسین یا جعفر یا طالب یا عبد الله یا فاطمه بوده باشد و در حدیث
معتبر منقولست که شخصی بخدمت حضرت رسول ص آمد و گفت مرا پسری بهم رسیده است
چه نام کنم او را فرمود که نام کن او را بهترین نامها نزد من که آن حمزه است و از
جابر منقولست که گفت با حضرت امام محمد باقر ع بخانه شخصی رفتیم طفلی بیرون آمد
حضرت از او پرسیدند که چه نام داری گفت محمد پرسیدند که چه کنیت داری
گفت ابو علی حضرت فرمود که خود را از شر شیطان در حظیره محکمی در آورده
بدرستی که هرگاه شیطان میشنود که کسی را آواز میکند یا محمد یا علی آب میشود
چنانچه قلع آب میشود تا آنکه بشنود که کسی را آواز میکنند بنام یکی از دشمنان
ما شاد میشود و فخر میکند و در حدیث دیگر منقولست که شخصی بحضرت
صادق ع گفت که خدا بمن پسری داده است فرمود که مبارک باشد چه نام کرده
او را گفت محمد حضرت سر را بجانب زمین فرو آوردند و مکرر اسم محمد را میگفتند
تا آنکه نزدیک شد که روی ایشان بزمین برسد پس فرمودند که جان خودم و
فرزندانم و زنانم و پدرم و مادرم و جمیع اهل زمین فدای حضرت رسول ص باد
چون او را چنین نام مبارکی کرده او را دشنام مده و او را مزن و بد باو مرسان
و بدانکه هیچ خانه نیست که در آن اسم محمد باشد مگر آنکه هر روز آن خانه را مقدس
و مطهر میگردانند و در چندین حدیث وارد شده است که حضرت رسول ص

نهی فرمود از نام گذاشتن باسم حکم و حکیم و خالد و مالک و فرمود که دشمن
ترین نامها نزد خدا حارث و مالک و خالد است و نهی فرمود از چهار کنیت
ابو عیسی و ابو الحکم و ابو مالک و ابو القاسم در وقتی که نام محمد باشد که نام
و کنیت هر دو موافق حضرت رسول ص نباشد و در حدیثی وارد شده است
که یاسین نام نکنند که مخصوص پیغمبر است ص و از حضرت رسول ص منقولست
که هر گروهی که جمع شوند برای مشوره و در میان ایشان کسی باشد که نامش
محمد باشد یا حامد یا محمود یا احمد البته آنچه خیر است رای ایشان بر آن قرار میگیرد
و فرمود که فرزندی را که محمد نام کنید او را گرامی دارید و جا از برای او در مجلس
بگشایید و رو بسوی او ترش مکنید و فرمود که هر اهل بیتی که در میان ایشان
نام پیغمبری باشد البته حق تعالی هر روز صبح و پیشین ملکی میفرستد که
دعا کند برای ایشان بقدس و پاکی و در فقه الرضا ع مذکور است که نام را
در روز هفتم تعیین کنید و بدانکه از جمله اعمالی که در وقت ولادت سنت
مؤکد است غسل دادن طفل است و بعضی واجب میدانند و احوط آنست
که نیت کند که غسل میدهم این طفل را از برای رضای خدا و سنت را اول
بشوید و بعد از آن جانب راستش را و بعد از آن جانب چپش را ه

فصل نهم در عقیقه کردن و سر تراشیدن و آداب هر یک بدانکه عقیقه

فرزند سنت مؤکد است بر کسی که قادر بر آن باشد و بعضی از علما واجب میدانند
و بهتر آنست که در روز هفتم واقع شود و اگر تاخیر کند تا بلوغ طفل بر پدر سنت است
و بعد از بلوغ تا آخر عمر خودش را سنت است و در احادیث معتبره بسیار وارد
شده است که عقیقه واجبست بر کسی که او را فرزندی بهم رسد و در احادیث
بسیار منقولست که هر فرزندی در گرو عقیقه است یعنی اگر نکنند او در معرض
مردن و انواع بلاها است و از حضرت صادق ع منقولست که عقیقه لازم است
بر کسی که غنی باشد و کسی که فقیر باشد بعد از آنکه بهم رساند بکند و اگر بهم نرساند بر او
چیزی نیست و اگر عقیقه برای او نکنند تا وقتی که قربانی برای او بکنند قربانی از
عقیقه مجزیست و در حدیث دیگر منقولست که از آنحضرت پرسیدند که ما طلب
کردیم گوسفند برای عقیقه و بدست نیامد چه میفرمایید که تصدق کنیم قیمتش را
فرمود که طلب کنید تا بیابید خدا دوست میدارد خورانیدن طعام
و ریختن خونها و در حدیث دیگر پرسیدند که فرزندی که در روز هفتم
بمیرد عقیقه اش می باید کرد فرمود که اگر پیش از ظهر بمیرد عقیقه ندارد و اگر
بعد از ظهر بمیرد عقیقه بکنند و در حدیث معتبر از عمر بن یزید منقولست
که بخدمت آنحضرت عرض کرد که نمیدانم که پدرم برای من عقیقه کرده است
یا نه فرمود که عقیقه بکن پس او در پیری خود را عقیقه کرد و در حدیث حسن از

آنحضرت

آنحضرت منقولست که فرزند را در روز هفتم نام میگذارند و عقیقه میکنند
و سرش میتراشند و موی سرش را با نقره میکشند و آن نقره را تصدق میکنند
و پا و ران عقیقه را برای قابله که مدد کرده است در زاییدن میفرستند و باقی را
بخورد مردم میدهند و تصدق میکنند و در حدیث موثق دیگر فرمود
که هرگاه پسری یا دختری برای تو متولد شود عقیقه میکنی در روز هفتم گوسفندی
یا شتری و نام بگذار و سرش را بتراش در روز هفتم گوسفندی یا شتری و نام
بگذار و سرش را بتراش در روز هفتم و بوزن موی سرش طلا یا نقره تصدق
کن و در حدیث دیگر وارد شده است که ربع گوسفند را بقابله میدهد و اگر زنی
قابله نباشد آنرا بمادر میدهد که بهر که خواهد بدهد و اقلا بخورد ده کس از
مسلمانان میدهد و هرچند زیاده باشند بهتر است و خود را گوشت عقیقه
نمیخورد و اگر قابله زن یهودیه باشد قیمت ربع گوسفند باو میدهد و در
روایت دیگر وارد شده است که قابله ثلث گوسفند را میدهند و مشهور میان
علما آنست که عقیقه یا شتر یا گوسفند یا بز می باید باشد و از حضرت امام رضا
ع منقولست که حضرت رسول ص در روز ولادت اذان در گوش حسنین صلوات
الله علیهما گفتند و حضرت فاطمه در روز هفتم از ایشان عقیقه کردند و بقابله
پای گوسفند را دادند با یک اشرفی و باید که اگر شتر باشد یکساله یا در ششم

باشد یا بیشتر و اگر بز باشد یکساله یا در دو باشد یا بیشتر و اگر گوسفند باشد
آماده شش ماهه یا در هفت باشد و اگر هفت ماه تمام باشد بهتر است و می باید
که خصیه اش را نکشیده باشند و بهتر آنست که نمالیده باشند و مغز شاخش
نشکسته باشد و گوشش بریده باشد و بسیار لاغر نباشد و کور نباشد
و لنگ بسیار لنگ نباشد که بر آن راه رفتن دشوار باشد اما در حدیث
معتبر از حضرت صادق ع منقولست که عقیقه از باب قربانی نیست هر گوسفندی
که باشد خوبست غرض گوشت است هر چند فربه‌تر باشد بهتر است و مشهور
میان علما آنست که سنت است که عقیقه پسر نر باشد و عقیقه دختر ماده باشد
و گمان فقیر اینست که از برای هر دو گوسفند نر بهتر است موافق احادیث معتبره
بسیار و از برای هر دو گوسفند ماده هم خوبست و سنت است که پدر و مادر
از گوشت عقیقه نخورند بلکه بهتر آنست که از طعامی که در آن پخته باشند نخورند
و خوردن مادر کراهتش بیشتر است و بهتر آنست که عیال پدر و مادر هم که در خانه
ایشان می باشند از آن گوشت و طعام نخورند و سنت است که استخوانها را
نشکنند بلکه از بندها جدا کنند و سنت است که بپزند و خام تصدق نکنند
و اقلش آنست که با آب و نمک بپزند بلکه محتملست که این بهتر باشد و اگر خام تصدق
کنند هم خوبست و اگر حیوان عقیقه بهم نرسد قیمتش را تصدق کردن فایده

ندارد بلکه باید صبر کنند تا بهم رسد و شرط نیست که جماعتی که بخوردن عقیقه
حاضر میشوند فقیر باشند اما صلحا و فقرا را طلبیدن بهتر است و مشهور
آنست که سنت است که اول سر بتراشند و آخر عقیقه را بکشند و در حدیث
وارد شده است که سر تراشیدن و عقیقه را کشتن و موی سر را بطلا یا نقره
کشیدن و تصدق کردن در یکجا و یک وقت می باید کرد و در سر تراشیدن سنت است
که همه سر را بتراشند و زلف و کاکل نگذارند و در روایتی وارد شده است که
طفلی را نزد حضرت رسول ص آوردند که برای او دعا کند و آن طفل کاکلی داشت
حضرت دعا برای او نکردند و فرمودند که کاکلش را بتراشند اما در روایتی
وارد شده است که رسول خدا ص برای امام حسن و امام حسین علیهما السلم دو گیسو
در جانب چپ سر ایشان گذاشتند و در روایت دیگر در میان سر و ممکنست
که این مخصوص ایشان باشد یا آنکه در تراشیدن اول کراهت داشته باشد
و در روایتی وارد شده است که سنت است زعفران بر سر او بمالند بعد از تراشیدن
و در احادیث بسیار نهی وارد شده است از مالیدن خون عقیقه بر سر طفل
که آن از عمل جاهلیتست و در روایت معتبر مرویست از حضرت امام جعفر صادق
ع که در وقت کشتن گوسفند عقیقه این دعا بخواند بِسْمِ اللهِ وَبِاللهِ اللّٰهُمَّ
عَقِیقَةٌ عن فلان و نام او را بگوید لَحْمُهَا بِلَحْمِهِ وَدَمُهَا بِدَمِهِ وَعَظْمُهَا بِعَظْمِهِ

اللهم اجعلها وقاء لآل محمد علیه و آله السلام ودر روایت معتبر دیگر
فرمود که این دعا بخواند بسم الله و بالله و الحمد لله و الله اکبر ایمانا بالله
و ثناء علی رسول الله صلی الله علیه و آله و العصمة لامره و الشکر
لرزقه و المعرفة بفضله علینا اهل البیت پس اگر پسر باشد بگو اللهم
انک وهبت لنا ذکرا و انت اعلم بما وهبت و منک ما اعطیت و کلما
صنعنا فتقبله منا علی سنتک و سنة نبیک و رسولک صلی الله
علیه و آله و اخسأ عنا الشیطان الرجیم لک سفکت الدماء لا شریک
لک و الحمد لله رب العالمین اللهم لحمها بلحمه و دمها بدمه و عظمها
بعظمه و شعرها بشعره و جلدها بجلده اللهم اجعلها وقاء لفلان
بن فلان و بجای فلان بن فلان نام طفل و پدرش را بگوید ودر حدیث موثق
دیگر فرمود که این دعا بخواند یا قوم انی بریء مما تشرکون انی وجهت
وجهی للذی فطر السموات و الارض حنیفا مسلما و ما انا من المشرکین
ان صلوتی و نسکی و محیای و مماتی لله رب العالمین لا شریک له
و بذلک امرت و انا من المسلمین اللهم منک و لک بسم الله و بالله
و الله اکبر اللهم صل علی محمد و آل محمد و تقبل من فلان بن فلان و نام
فرزند را ببرد پس آنرا بکشد **فصل دوم** در ختنه کردن پسران و دختران

وسوراخ

وسوراخ کردن گوش ایشان و آداب هر یک بدانکه روز هفتم سنت مؤکد است
ختنه کردن پسران و اگر در هفتم نکند هم سنت است بعد از ان تا بالغ شدن طفل
و بعد از بالغ شدن بر خودش واجب است و بعضی گفته اند که نزدیک ببلوغ
بر ولی طفل واجبست و ختنه کردن دختران نیز سنت است و مستحب است که
اندکی ببرند و بسیار نبرند و سوراخ کردن نرمهٔ گوش راست و بالای گوش چپ
از برای پسران سنت است ودر حدیث معتبر از حضرت صادق ع منقولست
که ختنه کنید فرزندان خود را در روز هفتم که بیشتر پاکیزه میکند بدن طفل را
و گوشت در بدن او زودتر میرویاند و زمین کراهت دارد از بول کسی که ختنه
نکرده باشند ودر حدیث صحیح فرمود که گوش پسر را سوراخ کردن و در روز
هفتم ختنه کردن از سنت است و از حضرت رسول ص منقولست که زمین نجس
میشود از بول کسی که ختنه نکرده باشد چهل روز ودر حدیث دیگر فرمود
که زمین ناله میکند بسوی خدا از بول او ودر حدیث صحیح از حضرت امام
موسی ع منقولست که پسر را در روز هفتم ختنه کردن سنت است و اگر پس
اندازند هم باکی نیست و حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه فرمود که
کسی که مسلمان شود ختنه اش میکنند اگر چه هشتاد سال داشته باشد ودر
چند حدیث وارد شده است که ختنه کردن در مردان سنت است و در زنان سنت

نیست اما باعث این میشود که نزد شوهران گرامی باشد و چه چیز از این بهتر میباشد
و در روایتی از حضرت امیر المؤمنین ع منقولست که ختنه نکنند زنان را
مگر بعد از هفت سال و در حدیث معتبر منقولست که چون زنان بخدمت
حضرت رسول ص هجرت کردند زنی آمد که اورا ام حبیب میگفتند و زنان را
ختنه میکرد حضرت فرمود که ای ام حبیب آن کاری که داشتی هنوز داری گفت
بلی یا رسول الله مگر آنکه نهی فرمایی و من ترک کنم حضرت فرمود که نه بلکه حلالست
بیا تا ترا بیاموزم که چه باید کرد چون ختنه کنی زنان را بسیار مبر و اندکی
بگیر که رو را نورانی تر و رنگ را صافی تر میکرداند و نزد شوهر عزیز تر میدارد
پس ام عطیه خواهر او آمد که زنان را مشاطگی میکرد حضرت با او فرمود که
چون زنان را مشاطگی کنی برای جلا دادن پارچهای جامه بر روی ایشان
مالیدن خوب نیست آب روی ایشان را میبرد و موهای دیگران را بموی ایشان
پیوند مکن و از حضرت امام جعفر صادق ع منقولست که در وقت ختنه
کردن پسر این دعا بخوانند و اگر در آن وقت میسر نشود تا بالغ شدن طفل هر
وقت که میسر شود بر آن طفل بخوانند که او از حرارت آهن را از کشتن و غیر آن
دفع میکند دعا اینست اَللّٰهُمَّ هٰذِهِ سُنَّتُكَ وَسُنَّةُ نَبِيِّكَ صَلَوٰاتُكَ
عَلَيْهِ وَآلِهِ وَاتِّبَاعٌ مِنّا لَكَ وَلِنَبِيِّكَ بِمَشِيَّتِكَ وَبِاِرَادَتِكَ وَقَضَائِكَ

لِاَمْرٍ اَرَدْتَهُ وَقَضَاءٍ حَتَمْتَهُ وَاَمْرٍ اَنْفَذْتَهُ وَاَذَقْتَهُ حَرَّ الْحَدِيدِ فِي
خِتَانِهِ وَحِجَامَتِهِ بِاَمْرٍ اَنْتَ اَعْرَفُ بِهِ مِنِّي اَللّٰهُمَّ فَطَهِّرْهُ مِنَ الذُّنُوبِ
وَزِدْ فِي عُمْرِهِ وَادْفَعِ الْاٰفَاتِ عَنْ بَدَنِهِ وَالْاَوْجَاعَ عَنْ جِسْمِهِ وَزِدْهُ
مِنَ الْغِنَى وَادْفَعْ عَنْهُ الْفَقْرَ فَاِنَّكَ تَعْلَمُ وَلَا نَعْلَمُ و از حسین بن خالد
منقولست که از حضرت امام رضا علیه السلم سؤال کرد که تهنیه و مبارکباد
فرزند را در چه روز باید گفت فرمود که چون حضرت امام حسن صلوات
الله علیه متولد شد جبرئیل برای تهنیت بر حضرت رسول ص نازل شد در روز
هفتم و امر کرد که او را نام بگذارد و سرش را بتراشد و عقیقه از برای او بکند
و گوشش را سوراخ کند و همچنین در ولادت حضرت امام حسین ع در روز
هفتم جبرئیل آمد و با اینها امر کرد و ایشان را دو گیسو بود در جانب چپ سر و
در گوش راست در نرمه گوش سوراخ کردند و در گوش چپ در بالای گوش
و از حضرت صاحب الامر ع منقولست که اگر پسری را ختنه کنند و باز غلاف
بروید و سر حشفه را پنهان کند می باید بار دیگر ختنه کنند او را زیرا که زمین
ناله میکند بسوی خدا از بول کسی که حشفه اش در غلاف باشد تا چهل صباح
و از حضرت صادق ع منقولست که کسی که ختنه نکرده باشد پیشنمازی مردم
نکند و گواهیش مقبول نیست و اگر بمیرد بر او نماز نکنند زیرا که بزرگترین سنتهای

پیغمبر را ترک کرده است مگر آنکه از ترس مردن ترک کرده باشد و در حدیث
دیگر منقولست که اول زنی را که ختنه کردند هاجر بود مادر اسمعیل که رشک
مادر اسحق از روی غضب او را ختنه کرد و باعث زیادتی خوبی او شد
و از آن روز سنت جاری شد که زنان را ختنه کنند فصل
یازدهم از باب چهارم در آداب شیر دادن و تربیت کردن فرزندان و رعایت ایشان
بدانکه منتهای شیر دادن فرزند دو سالست و مشهور میان علما آنست
که بی عذری زیاد و سال شیر دادن جایز نیست مگر آنکه آزاری داشته
باشد و مضطر باشند و از بیست و یکماه کمتر ندهند مگر آنکه ضرورتی
باشد که دایه بهم نرسد یا قادر بر اجرت او نباشد و مادر شیر نداشته
باشد یا آزاری داشته باشد و جمعی از علما واجب میدانند که مادر
بفرزند بخوراند از شیر اولی که بپستانش می آید و گفته اند که اگر آن شیر را
ندهند طفل باقی نمیماند یا قوت نمی یابد و از حضرت امیر المومنین
صلوات الله علیه منقولست که نافع تر و مبارکترین شیرها برای فرزند
شیر مادر است و در حدیث دیگر منقولست که حضرت امام جعفر صادق
ع دیدند که مادر اسحق فرزند خود را شیر میدهد فرمود که ای مادر اسحق
از یک پستان شیر مده از هر دو پستان شیر بده که یکی بعوض طعام است و دیگری

بعوض

بعوض آب و فرمود که هر چه کمتر از بیست و یکماه شیر میدهند بفرزند ظلم است
بر طفل و در حدیث صحیح دیگر فرمود که دایه گبر شیر ندهد بفرزند شما و
دایهٔ یهودی و نصرانی میتوان گرفت اما فرزند را بایشان نباید داد که
بخانهٔ خود برند و منع می باید کرد ایشان را از خوردن شراب و گوشت خوک و
سایر چیزهای که حرام است در دین مسلمانان و ایشان حلال میدانند و در
احادیث معتبره نهی کرده اند از شیری که از زنا بهم رسیده باشد و در بعضی اخبار
وارد شده است که اگر کنیزی زنا کند و فرزندی بهم رساند اگر صاحب کنیز
حلال کند کنیز خود و آن مردی را که زنا کرده است آن شیر را بفرزند می توان داد
و در اخبار نهی وارد شده است از شیر زنی که خودش از زنای بهم رسیده باشد
و حضرت رسول صلعم نهی فرمود از شیر زن احمق یا زنی که چشمش معیوب باشد
زیرا که شیر تاثیر میکند در فرزند و حضرت امیر المومنین صلوات الله
علیه فرمود که دایه بگیرید که بصورت و سیرت نیکو باشد زیرا که شیر در
طفل سرایت میکند و طفل شبیه میشود بدایه در صورت و سیرت و از
حضرت صادق ع منقولست که فرزند خود را تا هفت سال بگذار که بازی کند
و بعد از آن تا هفت ساله دیگر سعی کن که در تربیت او اگر نیک شد دیگر سعی
کن و اگر نه امیدی چیزی از او نیست و در حدیث دیگر فرمود که هفت سال

اورا بگذار که بازی کند و هفت سال دیگر خط و سواد اورا بیاموز و هفت سال
دیگر حلال و حرام خدارا باو بیاموز و از حضرت امیر المؤمنین صلوات
الله علیه منقولست که طفل را هفت سال نگاه داری و تربیت بدنش باید
کرد و هفت سال آداب باو می باید باو آموخت و هفت سال دیگر خدمتش
باید فرمود و تا بیست و سه سال قدش بلند میشود و تا سی و پنج سال عقلش
زیاد می شود دیگر بعد از ان او را تجربها حاصل میشود و روایت دیگر
وارد شده است که پسران که شش ساله شدند می باید که با یکدیگر ایشان را
در یک لحاف نخوابانند و در روایت دیگر وارد شده است که پسران
و دختران که ده ساله شوند باید که رخت خواب ایشان را جدا کنند
و حضرت صادق ع فرمود که فرزندان خود را از احادیث بیاد ایشان
بدهید که مخالفان مذهب ایشان را گمراه نکنند و در احادیث معتبره وارد
شده است که تادیب کنید فرزندان خود را بر محبت علی بن ابی طالب صلوات
الله علیه اگر قبول نکنند نظر کنید در امر مادرهاشان یعنی این علامت فرزند
زناست که قبول محبت امیر المؤمنین نمیکند و حضرت صادق ع
فرمود که هر که محبت ما اهل بیت را در دل خود بیابد مادرش را بسیار دعا
کند که پدرش خیانت نکرده است و از حضرت رسول ص منقولست که

حق فرزند بر پدر آنست که او را بنام نیکو بخواند و نیکو تادیب کند و بکسب
نیکو او را بدارد و در حدیث دیگر منقولست که سکونی بخدمت حضرت
امام جعفر صادق ع آمد و گفت من غمگینم فرمود که سبب غم تو چیست گفت
خدا بمن دختری داده است فرمود که ای سکونی زمین او را بر میدارد و
روزیش بر خداست و زندگانی میکند بغیر عمر تو و روزی تو را نمیخورد
پس فرمود که او را چه نام کرده گفت فاطمه حضرت فرمودند که آه آه و دست
بر پیشانی گذاشتند و فرمودند که رسول خدا ص فرمود که حق فرزند
بر پدر اگر پسر باشد آنست که مادر نیک برای او بگیرد و نامش را نیک تعیین
کند و قرآن باو بیاموزاند و او را ختنه کند و شناگری یاد دهد و او را اگر
دختر باشد مادر نیک برای او قرار دهد و نامش را نیک کند و سوره
نور بیاد او دهد و سوره یوسف باو نیاموزاند و در بالاخانها او را جا ندهد
و زود او را بخانه شوهر فرستد پس فرمود که چون فرزند خود را فاطمه نام
کرده او را دشنام مده و نفرین مکن و مزن و از حضرت امیر المؤمنین صلوات
الله علیه منقولست که حضرت رسول ص فرمود که بفرزندان خود بیاموزانید
شنا کردن و تیر انداختن را و حضرت امام موسی ع فرمود که شوخی و کج خلقی طفل
در کودکی علامت آنست که در بزرگی دانا و بردبار خواهد بود و از حضرت رسول

مرویست که پدر و مادر را نیز گناه عقوق فرزندی باشد و عاق فرزندان
میشوند چنانچه فرزندان عاق پدر و مادر میشوند و فرمود که خدا رحم کند
پدر و مادری را که یاری کنند فرزندان خود را در نیکی کردن بایشان
و از حضرت صادق ع منقولست که حضرت رسول ص فرمود که خدا رحم
کند کسی را که اعانت نماید فرزند خود را بر نیکی او راوی عرض کرد که چگونه
اعانت کند فرمود که کار آسانی که از او بعمل آید قبول کند او و کاری که بر او
دشوار باشد و نکند از او در گذرد و تکلیفهای دشوار باو نکند و سفاهت و
تندی با او نکند و در حدیث دیگر منقولست که شخصی بخدمت حضرت امام
جعفر صادق ع عرض کرد که با کی نیکی کنم فرمود که با پدر و مادرت گفت ایشان
مرده اند فرمود که با فرزند خود نیکی بکن و در حدیث دیگر فرمود که حضرت
رسول ص فرمود که دوست دارید اطفال خود را و رحم کنید بایشان و اگر
وعده کنید با ایشان وفا کنید بآن زیرا که ایشان گمان میکنند که شما روزی
میدهید ایشان را و حضرت امام موسی ع فرمود که خدا غضب نمیکند
برای چیزی مثل آنکه غضب از برای ظلم بر زنان و طفلان میکند و در حدیث
صحیح از حضرت رسول ص منقولست که هر که فرزند خود را ببوسد خدا حسنه
برای او بنویسد و هر که فرزند خود را شاد کند خدا او را در قیامت شاد

کند

کند خدا او را در قیامت شاد کند و هر که قرآن بیاموزاند بفرزند خود در قیامت
پدر و مادر را بطلبند و دو حله بایشان بپوشانند که از نور آن دو جامه روی
اهل بهشت روشن شود و در حدیث دیگر فرمود که شخصی بخدمت حضرت رسول
ص آمد و گفت هرگز اطفال خود را نبوسیده ام چون او رفت حضرت فرمود که
این مرد نزد من از اهل جهنم است و در حدیث دیگر فرمود که هر که طفلی داشته
باشد باید که با او طفلانه بازی کند و حضرت صادق ع فرمود که خدا رحم میکند
بنده خود را بسبب آنکه دوست دار فرزند خود را و در حدیث دیگر مرویست
که حضرت رسول ص دیدند شخصی را که دو پسر داشت و یک پسر خود را بوسید
و دیگری را نبوسید حضرت فرمود که چرا هر دو را مثل هم مهربانی نکردی و بدانکه
بهتر آنست که در میان فرزندان زیادتی قرار ندهند مگر آنکه عالمتر و صالحتر
باشد و باین سبب او را زیادتی دهد و در حدیث معتبر از حضرت امام جعفر
صادق ع منقولست که چون پسر سه ساله شود باو میگویند که هفت مرتبه بگوید
لا اِلٰهَ اِلّا الله و چون سه سال و هفت ماه و بیست روز از عمرش بگذرد باو
میگویند که هفت مرتبه بگوید مُحَمَّدٌ رَسُولُ الله پس چون چهار سالش تمام شود
باو میگویند که هفت نوبت بگوید صَلَّی اللهُ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِه پس چون پنج سالش
تمام شود او را امید دارند که خدا را سجده کند پس چون از شش سالش تمام شد

بیادش میدهند و بنمازش میدارند چون هفت سالش تمام شد وضو را باو یاد میدهند
و امر بنماز میکنند او را و چون نه سالش تمام شد وضو و نماز را خوب بیادش میدهند
و بر ترک وضو و نماز میزنندش پس چون وضو و نماز را یاد گرفت خدا مادر و
پدرش را می آمرزد و در روایت دیگر منقولست که حضرت امیر المؤمنین صلوات
الله علیه نهی فرمود از انکه حرز آهن باطفال بپوشانند یا بدست ایشان بدهند
و در حدیث معتبر دیگر فرمود که چربی و کثافت دست و روی اطفال را پیش شبه
از خواب بشوئید که شیطان می آید و ایشانرا بو میکند و در خواب میترسند
و ملئکه نویسنده کاتبان اعمال متاذی میشوند و از حضرت رسول ص منقولست
که هر که ببازار رود و تحفه بخرد و بردارد و برای عیال خود بخانه آورد چنانست
که تصدقی برای جمعی از فقرا برداشته و بایشان رسانیده است و باید که اول
بدختران بدهد پیش از پسران بدرستیکه هر که دختری را خوشحال کند چنانست
که بنده از فرزندان اسمعیل آزاد کرده است و کسی که دیده پسری را روشن کند
و او را شاد گرداند چنانست که از ترس خدا گریسته باشد و هر که از ترس خدا
بگرید خدا او را داخل بهشت گرداند و از حضرت امام جعفر صادق ع منقولست
که باطفال خود بخورانید قاووت که گوشت در بدن ایشان میرویاند و استخوان
ایشانرا محکم میکند و در حدیث دیگر فرمود که انار بخورانید بایشان که زودتر

ایشانرا

ایشانرا بحد جوانی و قوت میرساند و در کتاب طب الائمه از حضرت امیر المؤمنین
روایت کرده است که اگر طفلی گریه بسیار کند یا زنی در خواب ترسد یا کسی را دردی
بیداری بر او مستولی شود این آیه را بخوانند فَضَرَبْنَا عَلَىٰ آذَانِهِمْ فِي الْكَهْفِ
سِنِينَ عَدَدًا ثُمَّ بَعَثْنَاهُمْ لِنَعْلَمَ أَيُّ الْحِزْبَيْنِ أَحْصَىٰ لِمَا لَبِثُوا أَمَدًا و در احادیث
معتبره وارد شده است که دختری که شش ساله شود مرد نامحرم او را نبوسد و در
دامن ننشاند و در حدیث دیگر منقولست که حضرت امام رضا ع در مجلسی بودند
دختری را بمجلس آوردند و مردم می بوسیدند و در دامن می نشانیدند چون نوبت
بحضرت رسید پرسید که چند سال دارد گفتند پنج سال حضرت او را دور کرد
و نبوسید و بدامن ننشانید و در حدیث دیگر وارد شده است که دختر که
شش سالش تمام شود مادر او را برهنه بپهلوی خود نخواباند که بمنزله زناست
و در حدیث دیگر وارد شده است که دختر که شش ساله شد پسران او را نبوسند
و پسر که از هفت سال بگذرد زنان او را نبوسند و در احادیث معتبره وارد شده است
که ملعونست کسی عیال خود را ضایع گذارد و خرج ایشانرا ندهد یعنی با قدرت
و حضرت امام موسی ع فرمود که عیال آدمی اسیران اویند پس کسی که خدا نعمتی باو
کرامت کند بر اسیران خود توسعه کند اگر نکند بزودی آن نعمت از او زایل شود
و حضرت صادق ع فرمود که هر که خرج دو دختر یا دو خواهر یا دو عمه یا دو خاله را بکشد

حاجب او باشند از آتش جهنم و حضرت رسول صلعم فرمود که در بهشت درجه
هست که بان درجه نمیرسد مگر سه کس امام عادل و خویشی که احسان بخویشان
خود کند و صاحب عیالی که بر خرج عیال و آزار ایشان صبر کند و از حضرت صادق
ع منقولست که پنج کسند که نفقه ایشان دادن واجبست فرزند و پدر و مادر
و زن و بنده و فرزند شامل فرزندان فرزندان هم هست هرچند پایین
روند و پدر و مادر شامل جد و جده پدر و مادری هست هرچند بالا روند

فصل دوازدهم از باب چهارم در بیان حق پدر و مادر بر فرزند و وجوب رعایت ایشان

بدانکه رعایت حرمت پدر و مادر از عمده شرایع دین است و ایشانرا از خود راضی
داشتن از جمله اشرف طاعاتست و عاق ایشان بودن و ایشانرا از خود آزرده
داشتن از جمله گناهان کبیره است و حق تعالی در قرآن فرموده که اگر پدر و مادر تو
کافر باشند و ترا امر کنند که کافر شود در این باب اطاعت ایشان مکن اما در دنیا
با ایشان نیکو مصاحبت کن و در حدیث معتبر منقولست که شخصی بخدمت حضرت
رسول صلعم آمد و گفت مرا وصیتی بکن حضرت فرمود که ترا وصیت میکنم که بخدا
شرک نیاوری هرچند ترا بآتش بسوزانند مگر آنکه بزبان حرفی بگویی و دلت
بر ایمان ثابت باشد و ترا وصیت میکنم که اطاعت پدر و مادر بکنی و با ایشان
نیکی کنی خواه زنده باشند و خواه مرده باشند هرچند ترا گویند که از زن و مال

خود

خود بگذر بکن که این از جمله ایمانست و در حدیث دیگر منقولست که شخصی از
آنحضرت پرسید که حق پدر بر فرزند چیست فرمود که آنکه نام او را نگوید
و پیش از او راه نرود و پیش از آنکه پدر بنشیند او ننشیند و کاری نکند که
مردم پدر او را دشنام دهند و حضرت صادق ع فرمود که چه مانع است
احدی از شما را که احسان کند بپدر و مادر خود خواه زنده باشند و خواه
مرده بآنکه بعد از مردن نماز بر ایشان بکند و حج بنیابت ایشان بکند و روزه
از برای ایشان بدارد و آنچه میکند ثواب آن بایشان عاید شود و هم بخود او بسبب
این نیکی که با ایشان کرده است ثواب بسیار باو میدهد و در حدیث حسن
فرمود که شخصی نزد حضرت رسول صلعم آمد و گفت یا رسول الله با کی نیکی کنم
فرمود که با مادرت تا سه مرتبه پرسید و چنین فرمود و در مرتبه چهارم
فرمود که با پدرت و در حدیث دیگر فرمود که شخصی بخدمت حضرت رسول صلعم
آمد و گفت یا رسول الله بسیار رغبت دارم بجهاد حضرت فرمود که جهاد
کن در راه خدا اگر کشته شوی نزد خدا زنده خواهی شد و روزی در بهشت
خواهی یافت و اگر بمیری مزدت بر خداست و اگر زنده برگردی از گناهان بدر
می‌آیی مانند روزی که از مادر متولد شده گفت یا رسول الله پدر و مادر
پیری دارم که با من انس دارند و نمیخواهند که من از ایشان جدا شوم حضرت فرمود

که پسر با پدر و مادر خود باش بحق آن خداوندی که جانم بدست قدرت اوست
که انسی که ایشان یک شبانه روز با تو داشته باشند بهتر است از یکسال جهاد
کردن در راه خدا و حضرت امام محمد باقر ع فرمود که کسی جزای حق پدر نمی
تواند ادا کرد مگر آنکه در دو چیز یکی آنکه پدر بنده باشد و او را بخرد و آزاد
کند یا بر او قرضی باشد او ادا کند و در حدیث دیگر فرمود که گاه هست
که کسی نیکوکار است با پدر و مادر در زندگی ایشان و بعد از مرگ ایشان
قرض ایشان را ادا نمیکند و طلب آمرزش از برای ایشان نمیکند پس خدا او را
عاق پدر و مادر می نویسد و گاه هست که کسی که عاق ایشانست در زندگی
ایشان پس چون مردند قرضشان را ادا میکند و استغفار از برای ایشان میکند
پس خدا او را نیکوکار می نویسد و در حدیث دیگر فرمود که سه چیز است
که خدا بهیچوجه در آن رخصتی نداده است اول پس دادن امانت از هر کس
باشد خواه نیکوکار و خواه بدکار دویم وفا بعهد و پیمان کردن خواه
با نیکوکار و خواه با بدکردار سیم نیکی با پدر و مادر خواه نیکوکار باشند خواه
بدکردار و در حدیث دیگر فرمود که ادنای عقوق پدر و مادر آنست که اف بروی
ایشان بگویی و فرمود که چون روز قیامت شود پرده از پردهای بهشت را
بگشایند پس هر صاحب جانی بوی آنرا از پانصد ساله راه بشنود مگر کسی که عاق

عاق پدر و مادر باشد و در حدیث دیگر فرمود که کسی که از روی خشم
و غضب نظر بسوی پدر و مادر کند در وقتی که بر او ظلم کنند ایشان خدا
هیچ نماز او را قبول نکند و در حدیث دیگر فرمود که از عقوق است آنکه کسی تند
نظر کند بسوی پدر و مادر و در حدیث معتبر منقولست که حضرت امام محمد
باقر ع فرمودند که پدرم دید که شخصی پسرش با او راه میرود و تکیه بر دست
پدر کرده است پدرم دیگر با او پسر سخن نگفت تا زنده بود و حضرت صادق
ع فرمود که با پدران خود نیکی کنید تا فرزندان شما نیز با شما نیکی کنند و از
زنان دیگران عفت کنید تا زنان شما عفت کنند و فرمود که هر که خواهد که
خدا سکرات مرگ بر او آسان کند باید که با خویشان خود احسان کند و با
پدر و مادر خود نیکی کند اگر چنین کند سختیهای مرگ را حق تعالی بر او آسان
کند و هرگز در زندگی او باو پریشانی نرسد و در حدیث صحیح از حضرت
امام محمد باقر ع منقولست که چهار خصلتست که هر که از مومنان در او آن خصلتها
جمع شود حق تعالی در اعلای مراتب بهشت در بلندترین غرفهای عزت و شرف
او را جا دهد کسی که یتیمی را پناه دهد و متوجه احوال او گردد و از برای او بجای
پدر باشد و کسی که ضعیف شکسته را رحم کند و یاری نماید و کارهای او را متکفل
شود و کسی که خرج پدر و مادر خود را بکشد و با ایشان مدارا کند و نیکی با ایشان

کند و ایشان را هرگز آزرده نکند و کسی که بنده خود را یاری کند و سفاهت و
تندی با او نکند و اعانت کند او را بر خدماتی که باو میفرماید و کاری که بر او
دشوار باشد باو نفرماید و در حدیث معتبر از حضرت صادق ع منقولست
که سه دعاست که البته مستجابست دعای پدر و مادر برای فرزند نیکوکار
و نفرین ایشان بر فرزندی که عاق ایشان باشد و نفرین مظلوم بر ظالم و دعای
مظلوم برای کسی که انتقام او از ان ظالم بکشد و دعای مؤمنی که برای برادر مؤمنی
دعا کند که او را از برای رعایت ما اهلبیت شریک در مال خود ساخته باشد
و نفرین مؤمن بر کسی که برادر مؤمنش باو محتاج شده باشد و قدرت داشته
باشد که او را اعانت کند و نکند و از حضرت رسول ص منقولست که هر فرزندی
نیکوکاری که از روی شفقت و مهربانی بسوی پدر و مادرش نظر کند بهر نگاه
کردنی ثواب یک حج مقبول برای او نوشته شود گفتند یا رسول الله هر چند روزی
صد مرتبه نظر کند فرمود که خدا بزرگتر و کریمتر است و در حدیث دیگر فرمود
که نگاه کردن بروی عالم عبادتست و نظر کردن بسوی امام عادل عبادتست
و نظر کردن بسوی پدر و مادر از روی مهربانی و ترحم عبادتست و نظر
کردن بروی برادر مؤمنی که از برای خدا دوست داری او را عبادتست و فرمود
که سه گناه است که عقوبتش زود در دنیا باین کس میرسد عقوبت پدر و مادر

وظلم

وظلم کردن بر مردم و کفران نعمت خدا و خلق کردن و در حدیث دیگر از حضرت
امام محمد باقر ع منقولست که در میان بنی اسرائیل عابدی بود که او را جریح می نامیدند
و در صومعه خود پیوسته مشغول عبادت بود روزی مادرش نزد او آمد
و او مشغول نماز بود او را آواز داد او جوابش نداد بار دیگر آمد و او را طلب کرد
باز مشغول نماز شد و جوابش نداد پس بار سیم آمد و او را طلب کرد باز
با او سخن نگفت و مشغول نماز بود مادرش گفت که از خدای بنی اسرائیل میخواهم
که تو را باین گناه بگیرد روز دیگر زن زناکاری که در بنی اسرائیل بود آمد و نزد
صومعه او نشست و فرزندی زایید و گفت این فرزند از جریح است با من
زنا کرد و این فرزند از او بهم رسید در میان بنی اسرائیل شهرت کرد که آن کسی
که مردم را بزنا ملامت میکرد خود زنا کرد و پادشاه فرمود که او را بر دار کشند
پس مادرش آمد و بر روی خود میزد جریح گفت که خاموش باش که باین بلا بنفرین
تو متوجه من شده است چون مردم این را شنیدند از سبب آن واقعه پرسیدند
عابد نقل کرد آنچه گذشته بود گفتند ما چون بدانیم که تو راست میگویی
گفت که آن طفل را بیاورید چون بیاوردند عابد از آن طفل پرسید که فرزند
کیستی طفل بامر الهی بسخن آمد و گفت فرزند فلان کسم که شبانی گوسفندان فلان
میکند پس از کشتن نجات یافت و سوگند خورد که تا زنده باشد خدمت مادر

بکند و از او جدا نشود و احادیث در حق پدر و مادر زیاده از آنست که استیفا
توان نمود **باب پنجم** در بیان آداب مسواک کردن و شانه کردن
و ناخن و شارب گرفتن و سر تراشیدن و امثال آن **فصل اول از باب پنجم** در بیان
فضیلت مسواک کردن در احادیث معتبره از حضرت صادق ع منقولست
که مسواک کردن از سنت پیغمبرانست و حضرت رسول ص فرمود که پیوسته
جبرئیل مرا امر بمسواک میفرمود تا آنکه ترسیدم که دندانهایم ساییده شود
یا بریزد و در روایت دیگر فرمود که جبرئیل آنقدر مرا امر بمسواک کرد که
گمان کردم بر امت من واجب خواهد کرد و حضرت صادق ع فرمود که در مسواک
دوازده خصلتست از سنت پیغمبر است صلی الله علیه و آله و پاک کننده
دهانست و جلا دهنده چشم است و موجب خشنودی پروردگار است و
بلغم را دفع میکند و حافظه را زیاده میکند و دندانها را سفید میکند و حسنات را
مضاعف میگرداند و پوست انداختن و پوسیدن دندان را میبرد و بن دندان را
محکم میکند و اشتهای طعام را زیاده میکند و ملئکه بآن خشنود میشوند
و در حدیث دیگر فرمود که آب ریختن چشم را برطرف میکند و نور چشم را
زیاده میکند و حضرت رسول ص فرمود که چرا من دندانهای شما را زرد می‌بینم
چرا مسواک نمیکنید و در حدیث دیگر منقولست که حضرت امیرالمؤمنین وصیت

فرمود

فرمود که بر تو باد بمسواک کردن برای هر نمازی و بسند معتبر از حضرت امام
موسی و امام رضا صلوات الله علیهما منقولست که سنتهای حنیفیه حضرت
ابرهیم ده است پنج در سر و پنج در بدن اما آنها که در سر است پس مسواک کردن
و شارب گرفتن و موی سر را دو حصه کردن که جای مسح گشوده شود و مضمضه
کردن یعنی آب در دهان کردن و گردانیدن و ریختن و استنشاق کردن یعنی
آب در بینی کردن و بالا کشیدن و اما آن پنج که در بدنست پس ختنه کردن
و پشت ظهار را تراشیدن و موی زیر بغلها را کندن و ناخن گرفتن و استنجا
کردن و در روایت دیگر منقولست که آن پنج که در سر است موی شارب گرفتن
و ریش را بلند گذاشتن و موی سر را تراشیدن و مسواک کردن و خلال
کردن و آن پنج که در بدنست موهای بدن را ازاله کردن و ختنه کردن
و ناخن گرفتن و غسل جنابت کردن و استنجا باب کردن و از حضرت رسول ص
منقولست که اگر نه این بود که بر امت من دشوار میشد هر آینه واجب میگردانیدم
بر ایشان که در وقت هر نماز مسواک بکنند و از حضرت صادق ع منقولست
که چون بنماز شب برخیزی مسواک بکن که ملک می‌آید و دهان خود را بر دهان
تو میگذارد و هر چه از قرآن و دعا و ذکر میخوانی باسمان می‌برد پس باید که دهان
تو خشبو باشد و علی بن جعفر از برادر خود حضرت امام موسی ع سوال کرد که

که آیا می توانم کسی که بنماز شب برخیزد بانکشت مسواک کند و او توانند که مسواک
بهم رساند حضرت فرمود که اگر ترسد که صبح طالع شود باکی نیست و در حدیث
دیکر منقولست که حضرت امام جعفر صادق ع دو سال پیش از فوت ترک
مسواک کردند بسبب آنکه دندانهای آنحضرت بسیار ضعیف شده بود
و از حضرت رسول ص منقولست که سه چیز است که حافظه را زیاده میکند
و دردهای بدن را می برد کندر خاییدن و مسواک کردن و قرآن خواندن
و در حدیث دیکر فرمود که چهار چیز است که از سنت پیغمبرانست بوی
خوش کردن و با زنان نزدیکی کردن و مسواک کردن و خضاب بحنا کردن
و از حضرت امام محمد باقر ع منقولست که خانه کعبه بخدا شکایت کرد از نفسهای
بدبوی کافران حق تعالی باو وحی فرمود که ای کعبه قرار کیر که بعوض ایشان جماعتی را
بسوی تو خواهم فرستاد که دهانهای خود را چون درختان پاک کنند
پس چون حضرت رسول ص مبعوث شد جبرئیل مسواک و خلال از برای
آنحضرت آورد و در حدیث معتبر منقولست که شخصی از حضرت امام جعفر
صادق ع سؤال کرد از مسواک کردن بعد از وضو حضرت فرمود که مسواک را
پیش از وضو باید کرد و اگر کسی فراموش کند تا وضو بسازد و بعد از وضو
مسواک کند پس سه مرتبه مضمضه کند بعد از مسواک کردن و از حضرت

امیر

امیر المؤمنین صلوات الله علیه منقولست که اگر کسی با وضو مسواک کند و بنماز
بایستد ملک می آید و دهان را بر دهان او میگذارد و آنچه میکوید بخاطر نگاه
میدارد و اگر مسواک نکند بکناری می ایستد و قراءت او را میشنود و از حضرت
رسول ص منقولست که دو رکعت نماز که با مسواک باشد بهتر است از هفتاد رکعت
نماز که بی مسواک باشد و از حضرت صادق ع منقولست که هر که مسواک کند
باید که بعد از آن مضمضه بکند و در حدیث دیکر منقولست که حضرت رسول
ص مسواک را بعرض دندانها میمالیدند و حضرت امام موسی ع فرمود که
مسواک کردن در بیت الخلا موجب کند دهانست و منقولست از حضرت
امام محمد باقر ع که مسواک را ترک مکن در هر سه روز اگر چه یک مالیدن باشد
فصل دویم از باب پنجم در فضیلت سر تراشیدن و آداب آن از حضرت امام موسی
ع منقولست که سه چیز است که هر که لذتشان را یافت ترک نمیکند مو را از
بیخ گرفتن و جامه را کوتاه کردن و وطی کنیزان و حضرت صادق ع فرمود که
موی سر را از بیخ بکیر تا چرک نکیرد و جانوران در آن جا نکنند و گردنت کنده شود
و دیدت جلا یابد و بدنت راحت یابد و حضرت صادق ع فرمود که من هر
جمعه سر میتراشم و در حدیث دیکر فرمود که موی پشت سر را تراشیدن غم را
زایل میکند و در حدیث صحیح از حضرت امام موسی ع منقولست که چون موی سر بلند

شود چشم را ضعیف میکند و نورش را کم میکند و مویش را ازاله کردن دیده را
جلا میدهد و در فقه الرضا ع مذکور است که چون خواهی که موی سر را بتراشی
رو بقبله کن و ابتدا کن از پیش سر از جانب پیشانی و بتراش تا دو استخوان که از پهلوهای
گوش بلند شده اند و در حین شروع این دعا بخوان بِسْمِ اللهِ وَبِاللهِ وَعَلَى مِلَّةِ
رَسُولِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسُنَّتِهِ حَنِيفاً مُسْلِماً وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ
اللَّهُمَّ أَعْطِنِي بِكُلِّ شَعْرَةٍ نُوراً سَاطِعاً يَوْمَ الْقِيٰمَةِ پس چون فارغ شوی بگو
اللَّهُمَّ زَيِّنِّي بِالتُّقَى وَجَنِّبْنِي الرَّدَى وَجَنِّبْ شَعْرِي وَبَشَرِي الْمَعَاصِي وَجَمِيعَ
مَا تَكْرَهُ مِنِّي فَإِنِّي لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي نَفْعاً وَلَا ضَرّاً و در روایت دیگر منقولست
که در وقت شروع این دعا بخواند بِسْمِ اللهِ وَبِاللهِ وَعَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللهِ صَلَّى
اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ اللَّهُمَّ أَعْطِنِي بِكُلِّ شَعْرَةٍ نُوراً يَوْمَ الْقِيٰمَةِ و چون فارغ شود
بگوید اللَّهُمَّ زَيِّنِّي بِالتَّقْوَى وَجَنِّبْنِي الرَّدَى **فصل سیم از باب نهم** در آداب
موی سر نگاه داشتن مردان و زنان بدانکه زنان را بی ضرورتی و عذری موی
سر تراشیدن حرام است و مردان را یکی از دو چیز سنت است یا آنکه موی سر را
بتراشند و این بهتر است یا آنکه موی سر را بگذارند و تربیت کنند بآنکه بشویند
و شانه کنند و موی پیش سر را دو حصه کنند که در میان سر ته مو ظاهر شود
و چون در اول اسلام سر تراشیدن عیب عظیم بود در میان عرب و پیغمبر و امام نمی باید

کاری

کاری بکنند که در نظرها قبیح نماید حضرت رسول ص موی سر را بقدر چهار انگشت
میگذاشتند و در حج و عمره میتراشیدند و در حدیث معتبر از حضرت رسول ص
منقولست که هر که موی سر را بلند بگذارد نیکو رعایت و تربیتش کند یا آنکه
آن را ببرد و بلند نگذارد و در چندین حدیث وارد شده است که از حضرت
صادق ع پرسیدند که آیا حضرت رسول ص موی سر را دو حصه میکردند
و میانش را میشکافتند فرمود که آنحضرت مو را بحدی بلند نمیگذاشتند
که احتیاج باین بشود بلکه آنقدر بلند میگذاشتند که بنرمه گوش میرسید و هیچیک
از پیغمبران موی سر نگاه نمیداشتند و در حدیث معتبر دیگر فرمود که هر که موی
سر را بلند بگذارد و میانش را نگشاید حق تع در قیامت اره از آتش بگشاید
و در حدیثی وارد شده است که حضرت رسول ص نهی فرمود از آنکه زنی که بحد
بلوغ رسیده باشد بروش مردان جمیع موهای سر را در پیش سر یا میان سر یا در
اطراف سر گره بزنند و بیاویزند و در حدیث دیگر منقولست که حضرت رسول ص
نهی فرمود از کاکل گذاشتن و مو را در پیش سر گره زدن و نقش خضاب کردن
و فرمود که زنان بنی اسرائیل هلاک شدند بسبب آنکه موی سر را در پیش سر
گره میزدند و نقش خضاب میکردند و محتملست که مراد از نقش خضاب آن باشد
که متعارفست در میان زنان عرب که سوزن بدست و بدن میزنند و سرمه و غیر

ان در آن میریزند که رنگش میماند واحتمال دارد که نقشهای حنا راهم شامل باشد
و در حدیث دیگر منقولست که از حضرت صادق ع پرسیدند از زنی که موی
بالای پیشانی خود را می برد یا میکند وموهای او را میکند برای زینت یا آنکه
گیس خود را با گیس باف می بافد فرمود که باکی نیست و در دو حدیث دیگر فرمود
که اگر با پشم یا موی حیوانات یا موی همان زن خودش بافند وموی زن باکی نیست
اما با موی زن دیگر نبافند وموی زن دیگر را با موی خود پیوند نکنند و بدانکه
اگر با موی حیوانی پیوند کرده باشند که گوشتش حرام باشد در حال نماز
می باید با او نباشد که در آن نماز کردن جایز نیست مگر آنکه از پشم وموی باشد
که پیش مذکور شد که نماز در آن می توان کرد **فصل دوم [illegible]** در فضیلت
شارب گرفتن بدانکه شارب گرفتن یعنی موی لب بالا را اندک گرفتن سنت مؤکد است
وهر چند بیشتر بگیرند بهتر است و از حضرت رسول ص منقولست که شارب
خود را دراز مکنید که شیطان در آن جا میکند وپنهان میشود و از حضرت صادق
ع منقولست که شارب گرفتن رفع غم و وسواس میکند و از سنت حضرت رسول
ص است و حضرت رسول ص فرمود که سنت است گرفتن موی شارب تا آنکه
برسد بدم لب بالا و حضرت صادق ع شارب را آنقدر میگرفتند که بته
مو میرسید و از حضرت امام جعفر ع منقولست که ناخن گرفتن و شارب گرفتن

از جمعه

از جمعه تا جمعه دیگر امان میدهد از خوره و در حدیث دیگر وارد شده است که
شخصی بخدمت آنحضرت عرض کرد که دعایی تعلیم من کن که باعث زیادتی روزی
شود حضرت فرمود که شارب وناخن بگیر و باید که در روز جمعه باشد
و در حدیث معتبر دیگر از آنحضرت منقولست که هر که ناخن وشارب در هر
جمعه بگیرد و در وقت گرفتن بگوید بِسْمِ اللهِ وَبِاللهِ وَعَلَى سُنَّةِ مُحَمَّدٍ وَآلِ
مُحَمَّدٍ بعدد هر ریزه که از مو وناخن او بریزد حق تعالی ثواب یک بنده از فرزندان
اسمعیل آزاد کردن باو عطا فرماید وبیمار نشود مگر ببیماری مرگ و از حضرت
رسول ص منقولست که هر که در روز شنبه وپنجشنبه شارب وناخن بگیرد
عافیت یابد از درد دندان ودرد چشم و در حدیث دیگر فرمود که شارب را
از ته بگیرید وریش را بلند بگذارید وبیهودان یا گبران خود را شبیه مگردانید
فرمود که از ما نیست هر که شارب خود را نگیرد **فصل [illegible]** در آداب ریش
بلند کردن بدانکه سنت است ریش را میانه گذاشتن نه بسیار بلند و نه
بسیار کوتاه وزیاده از قبضه گذاشتن مکروهست واحتمال حرمت نیز دارد
ومشهور میان علما آنست که تراشیدن ریش حرام است اما بر دو دو طرف
لب پایین را تراشیدن جایز است واحوط آنست که اصلاح بسیار نکند که شبیه
بتراشیدن باشد نکنند و از حضرت صادق ع منقولست که آنچه از ریش زیاده

از یک قبضه است در آتش و در حدیث دیگر منقولست که دست بر ریش
بگیر و آنچه زیاده از قبضه باشد ببر و از محمد بن مسلم منقولست که گفت
دیدم که مصلحی اصلاح ریش حضرت امام محمد باقر ع میکرد حضرت باو فرمود
که ریش را مدور کن و از حضرت صادق ع منقولست که حضرت رسول ص بشخصی
گذشتند که ریش درازی داشت فرمودند که چه میشد اگر این مرد ریش خود را
باصلاح می‌آورد چون این خبر باو رسید ریش را میانه ساخت و بخدمت
آنحضرت آمد حضرت فرمود که چنین کنید ریش را و در حدیث معتبر منقولست
که حضرت امام محمد باقر ع پهلوهای رو را تنک میکردند مویش را و زیر ذقن را
هم میچیدند و در حدیث دیگر منقولست که آنحضرت ریش را تنک میکردند
و انبوه نمیگذاشتند و علی بن جعفر از حضرت امام موسی ع پرسید که آیا از
روی ریش میتوان گرفت حضرت فرمود که از عارض یعنی پهلوهای رو بلی و از
پیش رو نه و در حدیث دیگر منقولست که حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه
فرمود که در زمان پیش گروهی بودند که ریش را می‌تراشیدند و شارب را می‌تابیدند
حق تعالی ایشان را مسخ کرد و از حضرت رسول ص منقولست که چون حق تعالی توبهٔ حضرت
آدم را قبول فرمود سر بسجده گذاشت و چون سر برداشت رو باسمان کرد و گفت
پروردگارا حسن و جمال مرا زیاده گردان پس بعد از آن ریش بسیار سیاهی رویش

روید و بیشتر ریش نداشت گفت پروردگارا این چیست باو وحی رسید که این زینت
تو و زینت مردان فرزندان تست تا روز قیامت **فصل پنجم** در بیان فضلت
موی سفید و حکم کندن آن از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه منقولست که
پیش از زمان حضرت ابرهیم موی سفید در سر و ریش بهم نرسید بسا که بود که کسی بمجلسی
می‌آمد و پدر و فرزندانش در آن مجلس حاضر بودند میان پدر و فرزندان فرق نمیکرد
می‌پرسید که کدام یک پدر شماست پس چون زمان حضرت ابرهیم ع شد دعا کرد
که خداوندا برای من موی سفیدی قرار ده که از فرزندان خود ممتاز شوم پس موی
و ریشش سفید شد و از حضرت صادق ع منقولست که اول کسی که موی سفید
در محاسن او بهم رسید حضرت ابرهیم بود نظر کرد موی سفیدی در ریش خود دید
گفت پروردگارا این چیز است خطاب باو رسید که این باعث وقار آدمی است
گفت پروردگارا وقار مرا زیاده گردان و از حضرت امام محمد باقر ع منقولست
که چون حضرت ابرهیم موی سفید در محاسن خود دید گفت حمد و سپاس خداوندی را
سزاست که مرا باین سن رسانید و در یک چشم زدن معصیت او نکرده‌ام و از
حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه منقولست که موی سفید را مکنید
که آن نور مسلمانست و هر که یک موی سفید در ریش او پیدا شود در اسلام نوری
باشد برای او در قیامت و از حضرت امام جعفر ع منقولست که سر کس اندکه

خداوند عالمیان در روز قیامت با ایشان سخن نمیگوید و نظر رحمت بسوی ایشان
نمی افکند و اعمال ایشان را نمی پسندد و برای ایشان عذاب الیم مهیاست کسی که موی سفید
خود را بکند و کسی که با دست خود بازی کند که او را منی بیاید یا با جاهای دیگر
بدن خود و کسی که دیگری با او لواطه کنند و دور نیست که این حدیث محمول بر آن باشد
که برای غرض فاسدی موی سفید را بکند زیرا که در حدیث صحیح از حضرت صادق ع
منقولست که باکی نیست موی سفید را بریدن و کندن اما بریدنش را دوست تر
میدارم از کندن و در حدیث دیگر هم وارد شده است از آنحضرت که کندن و
بریدن هر دو باکی نیست و در حدیث دیگر فرمود که حضرت امیر المؤمنین ع
تجویز بریدن موی سفید میفرمود اما کندنش را مکروه میدانست و از حضرت
امام رضا ع منقولست که حضرت رسول ص فرمود که موی سفید در پیش سر میمنتست
و مبارکست و در عذارها علامت سخاوت و جوانمردیست و در جای زلف علامت
شجاعتست و در پشت سر شوم است و ظاهر امراد ابتدای سفید شدنست
فصل هفتم از باب پنجم در کندن موی بینی و بازی کردن با ریش در حدیث معتبر از حضرت
رسول ص منقولست که باید هر کس موی شارب و موی بینی را بگیرد و با حوال بدن خود
بپردازد که اینها باعث زیادتی جمال اوست و از حضرت صادق ع منقولست که موی
بینی را گرفتن رو را نیکو میکند و از حضرت امام موسی ع منقولست که چهار چیز است

کراز

که از وسواس شیطانست گل خوردن و گل را بدست ریزه کردن و ناخن را بدندان
گرفتن و ریش را خاییدن و از حضرت صادق ع منقولست که بسیار دست بر ریش
مگذار که رو را معیوب و بدنما میکند فصل هشتم از باب پنجم در فضیلت ناخن گرفتن
از حضرت رسول ص منقولست که ناخن گرفتن دردهای بزرگ را منع میکند
و روزی را فراخ میگرداند و حضرت امام محمد باقر ع فرمود که برای این امر
کرده اند بناخن گرفتن که چون بلند شد شیطان در آن جا میکند و مورث فراموشیست
و حضرت صادق ع فرمود که سنت موکداست ناخن گرفتن و در حدیث دیگر
منقولست که حضرت رسول ص مردان را میفرمودند که ناخن را تر بگیرید و زنان را
میفرمودند که اندکی بلندتر بگذارید که زینت شماست و در روایت دیگر وارد
شده است که چندگاه وحی بر حضرت رسول ص نازل نشد از سبب آن پرسیدند
فرمود که چگونه وحی از من باز نایستد و حال آنکه شما ناخن نمیگیرید و چرک انگشتان را
ازاله نمیکنید فصل نهم از باب پنجم در بیان آداب اوقات ناخن گرفتن منقولست که
حضرت رسول ص نهی فرمود از گرفتن ناخن بدندان و در حدیث حسن از حضرت امام
جعفر صادق ع منقولست که ناخن گرفتن در روز جمعه ایمن میگرداند از خوره و پیسی و
کوری و اگر احتیاج بگرفتن نداشته باشی بسای که از آن ریزها بریزد و در چند حدیث
دیگر فرمود که شارب و ناخن در هر جمعه بگیر و اگر نباشد از سوهان و غیر آن حک کن

تا دیوانگی و خوره و پیسی بتو نرسد و در حدیث دیگر فرمود که هر که در هر جمعه
ناخن و شارب بگیرد پیوسته با طهارت باشد تا جمعهٔ دیگر و در حدیث
دیگر فرمود که ناخن و شارب گرفتن و سر را بخطمی شستن در هر جمعه فقر را
برطرف میکند و روزی را زیاد میکند و در حدیث دیگر منقولست که
بآنحضرت عرض کردند که خبر بما رسیده است که تعقیب خواندن بعد از نماز
صبح تا طلوع آفتاب نافع تر است برای زیادتی از سفر کردن بشهرها حضرت فرمود
که میخواهی چیزی بتو تعلیم کنم که از این هم نافع تر باشد گفتم بلی فرمود که ناخن و
شارب را در هر جمعه بگیر اگر چه بسایدن باشد و در حدیث معتبر منقولست
که حضرت امام رضا ع شخصی را دیدند که آزار چشم داشت فرمودند که میخواهی
بتو چیزی بیاموزانم که اگر بجا آوری هرگز درد چشم نبینی گفت بلی فرمود که در
هر پنجشنبه ناخن بگیر آنشخص چنین کرد هرگز درد چشم ندید و از حضرت
امام محمد باقر ع نیز منقولست که هر که بر این مداومت کند آزار چشم نبیند
هرگز و در حدیث معتبر وارد شده است که در ناخن گرفتن ابتدا بانگشت
کوچک دست چپ بکند و بپستا بگیرد و بانگشت کوچک دست راست ختم کند
و در حدیث دیگر وارد شده است که هر که در روز چهارم شنبه ناخن بگیرد
و ابتدا کند بانگشت کوچک دست راست و ختم کند بانگشت کوچک دست

چپ

چپ او را امان دهد از درد چشم و در روایت دیگر وارد شده است که اگر در
روز پنجشنبه ابتدا کند بناخن انگشت کوچک دست راست و تا انگشت مهین بگیرد
پس ابتدا کند بانگشت کوچک دست چپ و تا انگشت مهین بگیرد امان یابد از
درد چشم و دور نیست که اگر در روز چهارشنبه گیرد ابتدا بانگشت دست چپ
کردن بهتر باشد و اگر در روز پنجشنبه گیرد ابتدا از هر دستی بانگشت کوچک
آن دست بکند و اگر در روز جمعه یا سایر روزها گیرد ابتدا بانگشت کوچک دست
چپ و ختم بانگشت کوچک دست راست بکند و اگر در همه وقت ابتدا بانگشت
کوچک دست چپ بکند خوبست چنانچه علی بن بابویه گفته است و در حدیث
دیگر منقولست که هر که ناخنهای خود را در روز پنجشنبه بگیرد و یک ناخن را برای روز
جمعه بگذارد خدا پریشانی را از او زایل گرداند و از حضرت امام رضا ع منقولست
که در روز سه شنبه ناخن بگیرید و در حدیث معتبر از حضرت رسول ص منقولست
که هر که ناخنهای خود را در روز جمعه بگیرد حق تعالی دردها را از سر انگشتان او بیرون
کند و دوا را در آنها داخل کند و کسی که در روز شنبه یا پنجشنبه ناخن و شارب
بگیرد از درد دندان و درد چشم عافیت یابد و از حضرت امیر المؤمنین ع منقولست
که ناخنها را در روز جمعه گرفتن هر دردی را برطرف میکند و در روز پنجشنبه گرفتن
روزی را فراخ میکند و در حدیث دیگر منقولست که بحضرت امام موسی ع عرض

کردند که اصحاب ما میگویند که البته ناخن را در روز جمعه می باید گرفت فرمود
که اگر خواهی در روز جمعه بگیر و اگر خواهی در روزهای دیگر یعنی اگر در روز دیگر
دراز باشد و احتیاج بگرفتن داشته باشد صبر نباید کرد تا روز جمعه و بخبر
در حدیث دیگر وارد شده است که هر گاه که بلند شود بگیر و از حضرت صادق
ع منقولست که هر که در جمعه ناخن بگیرد ریشه کردن بن ناخنها از او طرف شود
و از حضرت امام محمد باقر ع منقولست که هر که هر پنجشنبه ناخن بگیرد فرزندانش
درد چشم نبینند و اگر کسی خواهد ثواب پنجشنبه و جمعه هر دو را بیابد در روز پنجشنبه
بگیرد و یکی را برای جمعه بگذارد یا همه را در پنجشنبه بگیرد و در جمعه سوهانی بر آن
بمالد که ریزه چند بریزد و در وقت ناخن گرفتن بگوید بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ
وَعَلىٰ سُنَّةِ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ چنانچه حدیث در باب شارب گرفتن گذشت و آنچه
مشهور است که در ناخن گرفتن دست راست اول انگشت شهاده را میگیرد و بعد
از آن انگشت کوچک و بعد از آن انگشت مهین و بعد از آن انگشت میانی و بعد از آن
انگشت دیگر در دست چپ اول انگشت بعد از انگشت کوچک را بگیرد پس انگشت
میان پس انگشت مهین پس انگشت کوچک پس انگشت شهاده در اخبار اهل سنت
چنین وارد شده است و آنچه پیش ذکر کردیم از اخبار شیعه است و عمل بآن کردن
اولی است فصل نهم از باب پنجم در دفن کردن مو و ناخن و سایر چیزهایی که دفن باید

کرد

کرد از حضرت امام جعفر صادق علیه السلم منقولست که در تفسیر این آیه کریمه
که اَلَمْ نَجْعَلِ الْاَرْضَ كِفَاتًا اَحْيَآءً وَاَمْوَاتًا یعنی آیا نگردانیده ایم زمین را محل
انضمام و اجتماع و پنهان شدن در حالتی که زنده اند و در حالتی که مرده اند حضرت
فرمود که مراد از حال زندگی دفن کردن مو و ناخن است و در حدیث معتبر از حضرت
امیر المومنین صلوات الله منقولست که رسول خدا ص امر فرمود ما را که چهار
چیز را در خاک پنهان کنیم مو و دندان و ناخن و خون و از حضرت رسول ص منقولست
که هفت چیز است که از آدمی جدا می شود و آنها را دفن می باید کرد مو و ناخن و خون
و خون حیض و بچه دان و دندان و نطفه که پاره خون شده باشد ۵
فصل دهم از باب پنجم در فضیلت شانه کردن موی سر و ریش در حدیث معتبر
از حضرت امام جعفر صادق ع منقولست که جامه پاکیزه پوشیدن دشمن را
منکوب میکند و روغن بر بدن مالیدن بدحالی و پریشانی را زایل میکند
و سر را شانه کردن تب را می برد و ریش را شانه کردن دندانها را محکم میکند
و از حضرت ص منقولست که سر را بسیار شانه کردن تب را دور میگرداند
و روزی می آورد و قوت جماع را زیاد میکند و از حضرت صادق ع
منقولست که شانه کردن فقر را برطرف میکند و دردها را می برد و در حدیث
دیگر فرمود که روزی را زیاد میکند و موی را نیکو میکند و حاجت روا میکند

وپشت را محکم میکند وبلغم را قطع میکند و در روایت دیگر موجب بسیاری
فرزند میشود و در حدیث دیگر فرمود که شانه کردن عارض دندانها را محکم
میکند وشانه کردن پایین ریش طاعون را از اهل کس دور میکرداند وشانه
کردن زلف وسواس سینه را می برد وشانه کردن سر بلغم را قطع میکند
فصل دوازدهم از باب نهم در آداب واوقات شانه کردن وانواع شانهها در حدیث
معتبر منقولست که در میان جای نماز حضرت امام جعفر صادق ع شانه
بود که هرگاه که از نماز فارغ میشدند شانه میکردند و در حدیث حسن
از حضرت امام موسی ع منقولست که در تفسیر این آیه کریمه خُذُوا زِينَتَكُمْ
عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ یعنی بگیرید زینت خود را نزد هر مسجدی حضرت فرمود
که از این زینت است شانه کردن پیش از هر نمازی و در حدیث دیگر نزد
هر نماز واجب وسنتی و در حدیث دیگر فرمود که هرگاه سر وریش را
شانه کنی شانه را بر سینه خود بکش که اندوه وبیماری را می برد و از حضرت
صادق ع منقولست که هرکه ریش خود را هفتاد ونه بار شانه کند وبشمارد
یکی یکی شیطان تا چهل روز نزدیک او نیاید و در حدیث دیگر فرمود
که در حمام شانه مکن که مو را تنک میکند و در حدیث دیگر فرمود که کسی
که اراده شانه کردن داشته باشد شانه را بدست راست بگیرد در حالتی

کرنشسته

که نشسته باشد وبر بالای سر بگذارد وپیش سر را شانه کند وبگوید اللّٰهُمَّ
حَسِّنْ شَعْرِي وَبَشَرِي وَطَيِّبْهُمَا وَاصْرِفْ عَنِّي الْوَبَاءَ پس عقب سر خود را
شانه کند وبگوید اللّٰهُمَّ لَا تَرُدَّنِي عَلَى عَقِبِي وَاصْرِفْ عَنِّي كَيْدَ الشَّيْطَانِ
وَلَا تُمَكِّنْهُ مِنْ قِيَادِي فَيَرُدَّنِي عَلَى عَقِبِي پس ابروها را شانه کند وبگوید
اللّٰهُمَّ زَيِّنِّي بِزِينَةِ الْهُدَى پس ریش را از طرف بالا بزیر شانه کند وشانه را
بر سینه بمالد وبگوید اللّٰهُمَّ سَرِّحْ عَنِّي الْغُمُومَ وَالْهُمُومَ وَوَحْشَةَ
الصَّدْرِ وَوَسْوَسَةَ الشَّيْطَانِ پس از پایین ریش بطرف بالا شانه
کند وسوره انا انزلناه فی لیلة القدر بخواند و در روایت دیگر وارد
شده است که چون خواهی ریش شانه کنی از زیر ریش بطرف بالا چهل مرتبه شانه
کن وسوره انا انزلناه فی لیلة القدر بخوان واز طرف بالا بجانب پایین هفت
مرتبه شانه کن وسوره والعادیات بخوان پس بگو اللهم سرح تا آخر دعا
واز حضرت امام رضا ع منقولست که هرکه شانه را هفت مرتبه بر سر وریش
وسینه بکشد دردی نزدیک او نیاید واز حضرت امام موسی ع منقولست
که ایستاده شانه مکن که باعث ضعف دل میشود ونشسته شانه کن که دل را
قوی میکند وپوست را بر میکند و در حدیث دیگر وارد شده است که حضرت
رسول ص با آب شانه میکردند یعنی شانه را باآب فرو میبردند ومیمالیدند در

روایت دیکر وارد شده است که در وقت شانه کردن ریش سنت است که این
دعا بخواند اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَلْبِسْنِي جَمَالاً فِي خَلْقِكَ وَ
زِينَةً فِي عِبَادِكَ وَحَسِّنْ شَعْرِي وَبَشَرِي وَلَا تَبْتَلِنِي بِالنِّفَاقِ وَ
ارْزُقْنِي الْمَهَابَةَ بَيْنَ بَرِيَّتِكَ وَالرَّحْمَةَ مِنْ عِبَادِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ
و از حضرت صادق ع منقولست که هر که ایستاده شانه کند صاحب قرض
شود و از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه منقولست که ایستاده
شانه کردن باعث فقر و پریشانی میشود و در حدیث دیکر منقولست که
حضرت رسول صلعم ریش را از طرف پایین چهل مرتبه و از طرف بالا هفت مرتبه
شانه میکردند و میفرمودند که ذهن را زیاد میکند و بلغم را قطع میکند
و از قاسم بن ولید منقولست که از حضرت صادق ع پرسید از روغن
دان و شانه که از استخوان فیل باشد فرمود که باکی نیست و از حسن بن عاصم
منقولست که بخدمت حضرت امام موسی ع رفت دید که حضرت شانه
از استخوان فیل در دست دارند و بآن شانه میکنند کفت فدای تو شوم
جماعتی در عراق هستند که شانه کردن از استخوان فیل را حلال نمیدانند
فرمود که چرا پدرم یکشانه یا دو شانه از این داشت پس فرمود که شانه
کنید باستخوان فیل که تب را می برد و در احادیث بسیار وارد شده است

که ائمه علیهم السلم بشانه استخوان فیل شانه میکردند و در روایتی از حضرت
صادق علیه السلم منقولست که بشانه نقره و نقره نشان شانه کردن مکروهست

باب ششم در آداب بوی خوش کردن و کل بوییدن و روغن مالیدن

فصل اول از باب ششم در بیان سبب پیدا شدن بوهای خوش در زمین

در حدیث معتبر از حضرت امام جعفر صادق ع منقولست که چون آدم
و حوا را از بهشت بزمین آمدند حضرت آدم بر کوه صفا قرار کرفت و حضرت
حوا بر کوه مروه و حضرت حوا چون در بهشت از بوی خوش آنجا کیسوی خود را
بسته بود چون بزمین آمد کفت چه امید داشته باشم از مشاطکی کردن
بهشت کرده ام و حال آنکه الحال خدا از من در خشم است پس کیسوهای خود را
کشود پس آن بوی خوش که از کیسوی او فرو ریخت باد بمشرق و مغرب برد
و اکثرش را بزمین هند ریخت باین سبب اکثر بوهای خوش در هند میروید
و در حدیث دیکر از آنحضرت منقولست که چون حضرت آدم از آن درخت
که نهی شده بود از خوردن آن تناول نمود جامها و زیورهای بهشت همه از او
فرو ریخت پس برکی از برکهای بهشت را کرفت و عورت خود را بآن پوشانید
چون بزمین آمد باد جنوب بوی خوش آن برک را بهند رسانید و در ختان
و کیاهای هند را خوشبو کردانید و باین سبب کیاهای خوش بوی در هند می باشد

و اول جانوری که از آن برگ بهشتی یا از گیاههای آن خورد آهوی مشک بود چون
از آن برگ خورد بوی خوش در گوشت و خونش جاری شد تا آنکه جمع شد
در پیش نافش و از آن مشک بهم رسید **فصل دویم از باب ششم** در فضیلت بوی
خوش و آداب آن در احادیث معتبره وارد شده است که عطر و بوی خوش
کردن از جمله اخلاق پسندیده پیغمبرانست و از حضرت صادق ع منقولست
که بوی خوش دل را قوی میکند و قوت جماع را می افزاید و در حدیث صحیح از
حضرت امام رضا علیه السلم منقولست که سزاوار نیست مرد را که ترک کند بوی
خوش را در هر روز و اگر قادر نباشد یکروز نه یکروز و اگر قادر نباشد در هر
جمعه و اینرا البته ترک نکند و از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه
منقولست که بوی خوش بر شارب مالیدن از اخلاق پیغمبرانست و گرامی
داشتن ملئکه است که اعمال آدمی را می نویسند بسبب آنکه ایشان از خوش
می آید و از حضرت صادق ع مرویست که هر که در اول روز بوی خوش
بر خود بمالد تا شب عقلش با او باشد و فرمود که نماز کسی که خوشبو باشد
بهتر است از هفتاد نماز که بی بوی خوش باشد و فرمود که سه چیز است که
خدا پیغمبران داده است بوی خوش و زنان و مسواک و در حدیث دیگر
فرمود که لازم است بر هر بالغی که در هر جمعه شارب و ناخن بگیرد و چیزی از بوی

خوش

خوش و زنان و مسواک و در حدیث دیگر فرمود که لازم است بر هر بالغی
که در هر جمعه شارب و ناخن بگیرد و چیزی از بوی خوش بر خود بریزد و حضرت
رسول صلعم چون روز جمعه میرسید و بوی خوش نزد آنحضرت نبود روپال
بعضی از زنان را میطلبید که بوی خوش داشت و تر میکرد و بر روی مبارک
میمالید و در حدیث دیگر منقولست که حضرت امام جعفر صادق ع
بر موضعی که سجده میفرمود بعد از آن میشناختند آن موضع را از بوی خوش
آنحضرت و حضرت رسول صلعم میفرمودند که جبرئیل مرا گفت که یکروز در
میان خود را خوشبو کن و روز جمعه البته ناچار است و ترک مکن و میفرمود
که در روز جمعه البته خود را خوشبو کنید اگرچه از بوی خوش زنان باشد
و روزی عثمن بن مظعون بخدمت آنحضرت عرض کرد که میخواهم بوی خوش
و چیزی چند را از لذتها ترک کنم حضرت فرمود که ترک بوی خوش مکنید
که ملئکه بوی خوش مؤمن را می بویند و در هر جمعه البته ترک مکن و فرمود
که هر چه صرف نمائی در بوی خوش اسراف نیست و در حدیث دیگر منقولست
که حضرت رسول صلعم زر در بوی خوش زیاده از طعام میکردند و فرمود که
بوی خوش زنان باید که رنگش ظاهر و بویش مخفی باشد و بوی خوش مردان
باید که بویش ظاهر و رنگش مخفی باشد و از حضرت امام موسی ع منقولست که

ناخن بگیرید در روز سه شنبه و حمام بروید در روز چهارشنبه و مجامعت
بکنید در روز پنجشنبه و بهترین بوهای خوش خود را خوشبو کنید در روز
جمعه و از حضرت امام رضا علیه السلم منقولست که چهار چیز است که دل را میگشاید
و غم را زایل میکند بوی خوش کردن و عسل خوردن و سواری کردن و بسبزه
نظر کردن و حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه فرمود که باید که زن مسلمان
پیوسته برای شوهر خود خود را خوشبو کند و از حضرت امام محمد باقر
عم منقولست که در حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله سه خصلت بود که در
دیگری نبود اول انکه آنحضرت را سایه نبود دویم انکه از هیچ راهی نمیگذشت
مگر انکه دو روز یا سه روز که کسی از آن راه میگذشت میدانست که آنحضرت
از آن راه عبور نموده از بوی خوشی که در آن راه مانده بود سیم انکه
بهر سنگی و درختی که میگذشتند آنحضرت را سجده میکردند و از حضرت
رسول منقولست که هر زنی که بوی خوش کند و از خانه بیرون آید پیوسته
لعنت الهی بر او باشد تا از خانه برگردد فصل سیم از باب ششم در کراهیت رد کردن
بوی خوش از حضرت صادق علیه السلم پرسیدند که آیا کسی میتواند بوی
خوش را که برای او بیاورند رد کند و قبول نکند فرمود که سزاوار نیست اورا
که رد کند کرامت را و در حدیث دیگر فرمود که نزد حضرت امیر المومنین

صلوات الله علیه آوردند روغن خوشبویی حضرت گرفتند و بر خود
مالیدند و در آن زودی روغن مالیده بودند بعد از ان فرمود که ما هرگز
بوی خوش را رد نمیکنیم و در حدیث دیگر منقولست که حضرت رسول صلعم
رد نمیکردند بوی خوش و شیرینی را که برای آنحضرت می‌آوردند و از حسن بن
جهم منقولست که گفت رفتم بخدمت حضرت امام رضا علیه السلم برای من
ظرفی که در آن مشک بود آورد و فرمود که بردار و بر خود بمال قدری برداشتم
و مالیدم فرمود که دیگر بردار و در گو و پایین گردن خود بمال برداشتم و مالیدم
پاره دیگر ماند فرمود که این را هم بر آنجا بمال مالیدم بعد از ان فرمود که حضرت
امیر المومنین صلوات الله علیه میفرمود که رد نمیکند کرامت را مگر خر
گفتم کرامت کدامست فرمود که بوی خوش و بالشی که برای نشستن و تکیه
کردن تواضع کنند و مانند آن فصل چهارم از باب ششم در فضیلت مشک و عنبر و
زعفران از حضرت امام جعفر صادق علیه السلم منقولست که بوی خوش مشک است
و عنبر و زعفران و عود و در حدیث معتبر دیگر منقولست که حضرت امام
زین العابدین صلوات الله علیه مشک دانی از قلعی داشتند و هر وقت که
اراده رخت پوشیدن میکردند آن را میطلبیدند و از مشک بر خود میمالیدند
و در حدیث دیگر وارد شده است که شیشه از مشک داشتند در جای نماز

خود و هرگاه که بنماز بر میخواستند بر خود میمالیدند و در حدیث دیگر منقولست
که حضرت رسول ص آنقدر مشک بر خود میمالیدند که رنگ مشک از فرق
مبارک ایشان ظاهر میبود و در حدیث دیگر صحیح منقولست که حضرت
رسول ص مشکدانی داشتند که هرگاه وضو میساختند با دست تر آنرا
میگرفتند و چون بیرون می آمدند از بوی خوش میدانستند که آنحضرت
می آیند و در حدیث دیگر منقولست که حضرت امام رضا ع حقه بیرون
آوردند از آبنوس و در آن خانها بود که در هر خانه بوی خوشی بود و یکی از آنها
مشک بود و در حدیث صحیح منقولست که علی بن جعفر از حضرت امام موسی ع
سؤال کرد که آیا مشک را در روغنی که بر خود مالند داخل میتوان کرد فرمود
که من میکنم و باکی نیست و در روایت دیگر منقولست که باکی نیست که مشک
داخل طعام کنند و در روایت دیگر وارد شده است که حضرت رسول ص
خود را بمشک و عنبر خوشبو میکردند و احادیث در مدح خلوق واقع شده است
و آن بوی خوشی بوده است که از چند چیز بعمل می آورده اند و یک جزوش
زعفران بوده است و در بعضی اخبار وارد شده است که شب تا صباح بر بدن
نگذارند و دور نیست که این نهیها برای آن باشد که رنگش در بدن بسیار نماند
فصل پنجم باب ششم از در فضیلت غالیه بسند موثق منقولست که اسحق بن

عمار بخدمت حضرت صادق عرض کرد که با من تجار سودا میکنیم و غالیه بر خود
میمالم برای آنکه مرا فقیر ندانند حضرت فرمود که غالیه کم و بسیارش مساویست
کسی که اندک غالیه گاه گاه بر خود بمالد کافیست او را اسحق گفت که من بفرموده
حضرت عمل کردم و سالی ده درهم غالیه میخرم و تمام سال بآن خوشبو میشوم
و در حدیث دیگر منقولست که حضرت علی بن الحسین صلوات الله علیه شبی
از خانه بیرون آمدند و جبه و خز و عبای خز پوشیده بودند و ریش خود را
بغالیه خوشبو کرده بودند پرسیدند از آنحضرت که در این شب باین هیأت
برای چه بیرون آمده اید فرمود که میخواهم عبادت کنم و حوران بهشت را
از خدا خواستگاری نمایم یعنی برای عبادت زینت و بوی خوش کردن سنت است
و در حدیث صحیح منقولست که حضرت امام رضا ع فرمود که روغنی برای آنحضرت
بعمل آوردند که در آن مشک و عنبر داخل کردند و فرمود که در کاغذی آیة الکرسی
و سوره حمد و قل اعوذ برب الناس و قل اعوذ برب الفلق و آیه چند از آیات
حفظ نوشتند و در میان غلاف شیشه آن روغن گذاشتند و پیوسته
بر ریش خود میمالیدند و در روایت دیگر منقولست که حضرت امام رضا
ع فرمود که روغن را با مشک از برای آنحضرت بعمل آوردند و بهفتصد درهم
برآمد فضل بن سهل وزیر مامون بحضرت نوشت که مردم شما را در این باب عیب

میکنند حضرت در جواب نوشتند که مگر نمیدانی که یوسف پیغمبر خدا بود و جامه
دیبای طلا باف میپوشید و بر کرسیهای طلا می نشست و با اینها از حکمتش چیزی کم
نشد پس حضرت فرمود که غالیه ساختند بچهار هزار درهم **فصل
ششم از باب ششم** در فضیلت و آداب روغن بر بدن مالیدن از حضرت امیر المؤمنین
صلوات الله علیه منقولست که روغن مالیدن بشره را نرم میکند و دماغ را
زیاد میکند و مجاری آب را در بدن آسان میکند و خشونت جلد یا بد حالی
و تنگی روزی را برطرف میکند و رو را نورانی میگرداند و از حضرت صادق
ع منقولست که روغن مالیدن توانگری را ظاهر میکند و در حدیث دیگر
فرمود که فقر را زایل میکند و از حضرت امام محمد باقر صلوات الله علیه منقولست
که در شب روغن مالیدن در عروق بدن جاری میشود و بشره را سیراب میکند
و رو را سفید میکند و در حدیث دیگر فرمود که هر که بر مؤمنی روغن بمالد
حق تع برای او بعدد هر مویی نوری بنویسد که در قیامت باو عطا فرماید
و از حضرت صادق ع منقولست که چون روغن را بر کف دست بریزی بگو
اللّهمّ اِنّی اَسئَلُکَ الزَّینَ وَ الزِّینَةَ وَ الْمَحَبَّةَ وَ اَعُوذُ بِکَ مِنَ الشَّینِ وَ
الشَّنَآنِ وَ الْمَقْتِ پس کف را بر بالای سر بگذارد و از آنجا ابتدا کند بروغن مالیدن
و در روایت دیگر وارد شده است که چون روغن را بکف بریزی بگو اللّهمّ

انی

اِنّی اَسئَلُکَ الزَّینَ وَ الزِّینَةَ فِی الدُّنیا وَ اَعُوذُ بِکَ مِنَ الشَّینِ وَ الشَّنَآنِ
فِی الدُّنیا وَ الآخِرَةِ و در چند حدیث نهی وارد شده است از مداومت بر روغن
مالیدن در هر روز و در روایتی وارد شده است که ماهی یکبار بمالند و در
روایت دیگر هفته یک مرتبه یا دو مرتبه اما زنان را هر روز مالیدن بد نیست
فصل هفتم از باب ششم در فواید روغن بنفشه و در حدیث حسن از حضرت
صادق ع منقولست که روغن بنفشه سید و بهترین روغنهای شماست
و در حدیث دیگر فرمود که فضیلت روغن بنفشه بر سایر روغنها مثل فضیلت
ماست بر سایر مردم و در حدیث دیگر مثل فضیلت شیعیان ماست بر سایر
خلق و در روایت دیگر فرمود که مثل فضیلت اسلام است بر سایر ادیان
و فرمود که نیکو روغنیست روغن بنفشه بسیار بمالید که درد را از سر و چشم
می برد و در حدیث دیگر فرمود که از ناحیه شما چیزی نمی آید که ما بیشتر دوست
داریم از روغن بنفشه و در روایت دیگر از عقبه منقولست که شخصی از اسب
افتاده بود و دماغش آفت یافته بود حضرت صادق علیه السلام فرمود که روغن
بنفشه در دماغش بچکانید چنان کردند شفا یافت بعد از آن فرمود که ای
عقبه روغن بنفشه در زمستان گرم است و در تابستان خنکست و برای شیعیان
ما نرم است و برای دشمنان ما خشکست و اگر مردم فضیلت آنرا بدانند هر آینه

هر اوقیه از آن قیمتش یک اشرفی شود و حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه
فرمود که روغن بنفشه در بینی بچکانید که حضرت رسول صلعم فرمود که اگر مردم فواید
این روغن را بدانند هر آینه از آن بسیار بخورند و در حدیث دیگر فرمود
که گرمی تب را بشکنید بروغن بنفشه و در حدیث دیگر منقولست که درد سر را
زایل میکند و دماغ را باصلاح می‌آورد **فصل هشتم از باب ششم** در فواید روغن بان
و روغن زنبق بدانکه بان فستق هندیست که از آن روغن میگیرند و از حضرت صادق ع
منقولست که نیکو روغنیست روغن بان و در حدیث دیگر منقولست که شخصی
بآنحضرت شکایت کرد از ترکها که در دست و پایش بهم میرسید فرمود که پنبه را
بگیر و روغن بان باو بریز و بر ناف خود بگذار یا روغن را در ناف بریز آنشخص که
این کار کرد و آن آزار از او زایل شد و بسند معتبر از حضرت رسول صلعم منقولست
که هر که روغن بان بر خود بمالد و در پیش روی شیطان بخوابد بقدرت الهی باو ضرر
نتواند رسانید و از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه منقولست که بر خود
بمالید روغن بان را که آن امانست از هر دردی و پیغمبران آنرا استعمال میفرموده اند
و از حضرت رسول صلعم منقولست که هیچ چیز برای بدن بهتر از روغن زنبق نیست
و در روایت دیگر منقولست که حضرت امام موسی و امام رضا صلوات الله علیهما
در بینی میچکانیدند و در روایت دیگر از حضرت رسول صلعم منقولست که در روغن

زنبق

زنبق منافع بسیار هست و در آن شفای از هفتاد درد هست و از حضرت
صادق علیه السلم نیز مرویست که در روغن زنبق شفای هفتاد درد هست و ظاهر
آنست که مراد از زنبق سفید باشد که آنرا رازقی نیز میگویند و در بسیاری از احادیث
بلفظ رازقی وارد شده است **فصل نهم از باب ششم** در فواید سایر روغنها منقولست
که حضرت رسول صلعم بحضرت امیر المؤمنین ع فرمود که یا علی روغن زیت بخور
و بر بدن بمال که هر که بخورد و بمالد شیطان تا چهل صباح نزدیک او نیاید
و در بعضی اخبار وارد شده است که روغن گل خیری روغن لطیفیست و در روایت
دیگر وارد شده است که حضرت امام موسی ع روغن گل خیری بر خود می‌مالیدند
و در حدیث موثق منقولست که حضرت رسول صلعم در وقتی که صداع ایشان را عارض
میشد روغن کنجد در بینی میچکانیدند و در حدیث معتبر دیگر منقولست که
آنحضرت دوست میداشتند که روغن کنجد را در بینی بچکانند **فصل دهم از باب ششم**
در فضل بخور و انواع و آداب آن از حضرت صادق ع منقولست که سزاوار است
مرد را که هرگاه قادر باشد جامهای خود را بخور و خوشبو دارد و از حضرت امام
رضا ع مردم بسیار بوی بخور میشنیدند و مرازم روایت کرده است که با حضرت
امام موسی ع بحمام رفتم چون حضرت بیرون آمدند در رخت کن عود سوز طلبیدند
و خود را خوشبو کردند پس فرمود که مرازم را نیز خوشبو کنید و در روایت دیگر وارد

شده است که چون زنان حضرت امام موسی کاظم ع میخواستند که بخور کنند اول
پوست ویل هسته از خرمای صیحانی که نوعیست از خرماهای مدینه میگرفتند و خرما را
از آن دانه پاك میکردند و در آتش می انداختند و جامه را بر بخور میداشتند
و میگفتند که این بیشتر باعث خوشبویی میشود و از حضرت امام جعفر صادق ع
منقولست که عود خالص بویش در بدن تا چهل روز میماند و عودی که با بوهای خوش
دیگر پرورده باشند بویش تا بیست روز میماند و در حدیث دیگر منقولست که
حضرت امام رضا علیه السلم با عود هندی خالص بخور میکردند و بعد از آن گلاب
و مشك بر خود میمالیدند و در روایت دیگر وارد شده است که حضرت رسول
بعود قماری بخور میکردند و در حدیث دیگر از آنحضرت م منقولست که بر شما
باد بعود هندی که در آن هفت نوع از شفا هست و در روایت دیگر منقولست
که تحفهٔ که برای مرد روزه دار آورند آنست که ریشش را روغن بمالند و جامه اش را
بخور بدارند و تحفهٔ زن روزه دار آنست که کیسش را شانه کنند و جامه اش را
بخور بدارند و سید ابن طاوس علیه الرحمه روایت کرده است که حضرت رسول
در وقت بخور کردن این دعا میخواندند الحَمدُ لِلّٰهِ الَّذِی بِنِعمَتِهِ تَتِمُّ
الصّالِحاتُ اَللّٰهُمَّ طَيِّبْ عَرَقَنا وَزَكِّ رَوائِحَنا وَاَحسِنْ مُنقَلَبَنا وَ
اجعَلِ التَّقوىٰ زادَنا وَالجَنَّةَ مَعادَنا وَلا تُفَرِّقْ بَيْنَنا وَبَيْنَ عافِيَتِكَ اِيّانا

عرفنا ند

وكرامتك

وَكَرامَتِكَ اِنَّكَ عَلىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ و گفته است که در روایت دیگر منقولست
که در وقت بخور و بوی خوش کردن این دعا بخوانند الحَمدُ لِلّٰهِ رَبِّ العالَمِینَ
اَللّٰهُمَّ اَمتِعْنِی بِما رَزَقتَنِی وَلا تَسلُبْنِی ما خَوَّلتَنِی وَاجعَلْ ذٰلِكَ رَحمَةً وَلا
تَجعَلْهُ وَبالًا عَلَيَّ اَللّٰهُمَّ طَيِّبْ ذِكرِی بَیْنَ خَلقِكَ كَما طَيَّبتَ بَشَرِی
وَنَشْوارِی بِفَضلِ نِعمَتِكَ عِندِی فصل یازدهم از باب ششم در بیان فضل گلاب
و گل سرخ و انواع گلها از حضرت رسول ص منقولست که گلاب بر رو ریختن
آب رو را زیاده میکند و پریشانی را برطرف میکند و در حدیث فرمود که هر که
دستها گلاب بر رو بمالد در آن روز بدحالی و پریشانی باو نرسد و چون گلاب بر رو و
مالد حمد خدا بکند و صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد و از حضرت صادق ع
منقولست که هر که در روز اول مبارك رمضان یك کف گلاب بر رو ریزد در آن
روز ایمن گردد از خواری و پریشانی و هر که در آن روز بر سرش یك کف گلاب
بریزد در آن سال از مرض سرسام و ذات الجنب ایمن گردد و بسند معتبر از
حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه منقولست که حضرت رسول ص هر دو کف را
از گل سرخ پر کرده بمن عطا فرمودند چون نزدیك بمشام خود بردم فرمودند
که این بهترین گلهای بهشت است بعد از گل مورد و در حدیث دیگر از حضرت
رسول ص منقولست که چون مرا باسمان بردند از عرق من قطرهٔ چند بزمین ریخت

تشری و تشواری

وگل سرخ از آن رویید پس آن گل بدریا افتاد ماهی خواست که بردارد و دعموص که
کرمیست در میان آب و سر پهنی دارد و دم باریك درازی خواست که بردارد
و در میان ایشان نزاع شد پس حق تعالی ملکی را فرستاد که در میان ایشان محاکمه
کرد و نصف را بماهی داد و نصف را بدعموص باین سبب پنج برگ سبزی که در زیر
گل می‌باشد دو تا بشکل دم ماهیست که از هر طرف پری دارد و دو تا بشکل دم
دعموص است که تا یکپوست و از هیچ طرف پری ندارد و یکی یك طرفش پری دارد
و طرف دیگر ندارد که نصفش بشکل دم ماهی و نصفش بشکل دم دعموص است
و در روایت دیگر منقولست که چون آنحضرت را بمعراج بردند زمین از رفتن
حضرت محزون شد و باین سبب گیاه در آن رویید و چون برگشتند زمین شاد شد
وگل سرخ در آن رویید پس کسی که خواهد که بوی حضرت پیغمبر صلی الله علیه و آله را
استشمام نماید گل سرخ را ببوید و در روایت دیگر از طرق عامه از حضرت رسول
صلعم وارد شده است که گل سفید از عرق من رویید در شب معراج وگل سرخ از
عرق جبرئیل وگل زرد از عرق براق و در روایتی وارد شده است که بوییدن
نرگس و روغنش را مالیدن فضایل بسیار دارد و چون حضرت ابرهیم را در آتش
انداختند حق تعالی آتش را براو برد و سلام گردانید در میان آتش نرگس برای آنحضرت
رویانید و از آن روز نرگس در میان مردم بهم رسید و از حضرت امام موسی ع منقولست

که حضرت

که حضرت رسول صلعم فرمود که نیکو گلیست مرزنگوش در زیر عرش میروید
و آبش باعث شفای چشم است و در روایت دیگر منقولست که بسیار ببویید
مرزنگوش را که قوت شامه را می‌افزاید و از حضرت صادق صلوات الله
علیه منقولست که گل بیست و یکنوع دارد و سید و بهتر همه گل مورد است
فصل دوازدهم از باب ششم در آداب گل بوییدن در حدیث صحیح از حضرت صادق
ع و در حدیث معتبر از حضرت رسول صلعم منقولست که هرگاه گلی بشما بدهند
ببویید و بر دیدهای خود بگذارید که آن از بهشت آمده است و در حدیث
معتبر مالك جهنی روایت کرده است که گلی بحضرت امام جعفر صادق ع دادم
گرفتند و بوییدند و بر هر دو دیده گذاشتند پس فرمودند که هر که گلی را
بگیرد و ببوید و بر دیدها بگذارد پس بگوید اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ
مُحَمَّدٍ هنوز بر زمین نگذاشته باشد که گناهش آمرزیده شود و از
حضرت امام علی نقی صلوات الله علیه منقولست که هر که گل را ببوسد
و بر دیدها گذاشته صلوات بر محمد و ائمه بفرستد حق تعالی برای او از حسنات
بقدر ریگ بیابان عالج که در مابین مکه و شام و عراق کشیده است بنویسد
و از گناهان او بعدد هر ریگ آن بیابان محو نماید **باب هفتم** در آداب
حمام رفتن و سر و بدن شستن و دارو کشیدن و آداب بعضی از اغسال

فصل اول از باب ششم در فضیلت حمام منقولست که عمر [illegible] کفت که بد خانه
ایست حمام عورت را ظاهر میکند و پرده آدمی را میدرد حضرت امیر المومنین
صلوات الله علیه فرمود که نیکو خانه ایست حمام جهنم را بیاد می آورد و چرک را
از بدن میبرد و از حضرت امام موسی ع منقولست که حمام یکروز در میان
کوشت بدن را زیاد میکند و هر روز رفتن بیه کُرده ها را میکدازد
و بدن را لاغر میکند و از سلیمن جعفری منقولست که کفت بیمار شدم تا آنکه
کوشتم همه بتحلیل رفت بخدمت حضرت امام رضا ع رفتم فرمود که میخواهی
که کوشت بدنت بر کردد کفتم بلی فرمود که یکروز نه یکروز بحمام برو که کوشت
بدنت عود میکند و زنهار که هر روز مرو که باعث مرض سل میشود
و در حدیث دیگر فرمود که کسی که خواهد که فربه شود یکروز بحمام برود و یکروز
نرود و کسی که کوشت زیاد داشته باشد و خواهد که لاغر شود هر روز بحمام
برود و از حضرت امام محمد باقر ع منقولست که بهترین دواهای شما حقنه
و حجامت کردن و دوا در بینی چکانیدن و حمام است و در روایت دیگر
وارد شده است که دوای بلغم حمام است و در چند روایت وارد شده است
که هر که ایمان بخدا و روز قیامت دارد باید که زنش را بحمام نفرستد و علما تاویل
کرده اند بدو وجه اول آنکه این در بلادیست که در آن بلاد باعتبار کرمی هوا

احتیاج

احتیاج ندارند زنان بحمام رفتن دویم آنکه مراد آنست که بزن خود را رخصت
دهد که برای سیر کردن بحمامها رود فصل دویم از باب ششم در آداب داخل شدن
و بیرون آمدن و دعاها که باید خواند در احادیث معتبره بسیار وارد شده است
که هر که ایمان بخدا و روز قیامت دارد باید که بی لنگ داخل حمام نشود
و از حضرت امام جعفر صادق ع منقولست که هر که با لنگ بحمام داخل شود
حق تعالی کناهان او را بپرده ستر خود بپوشاند و در حدیث دیگر فرمود
که هر که داخل حمام شود و دیده خود را از نظر کردن بعورت دیگران بپوشاند
حق تعالی او را از حمیم جهنم ایمن کرداند و حضرت رسول صلعم نهی فرمود از
غسل کردن در زیر آسمان بی لنگ و از داخل شدن در نهرها بی لنگ و فرمود
که در نهرها ساکنان هستند از ملئکه و نهی فرمود از داخل شدن بحمام بی
لنگ و از حضرت صادق ع منقولست که داخل حمام مشو مکر بعد از آنکه اندک
چیزی در معده تو باشد که حرارت معده را از تو فرو نشاند و این بیشتر باعث
قوت بدنست و داخل حمام مشو در وقتی که معده پر باشد از طعام و در حدیث
دیگر منقولست که هر کاه که آنحضرت اراده حمام رفتن میکردند اندک چیزی
تناول میفرمودند راوی کفت که مردم میکویند که ناشتا بحمام رفتن بهتر است
فرمود که نه بلکه اندک چیزی میباید خورد که صفرا را فرو نشاند و حرارت اندرون را

ساكن كرداند و در روايت ديكر فرمود كه حمام رفتن ناشتا بلغم را پاك ميكند
و بعد از چيزى خوردن صفرا و سودا را پاك ميكند و فرمود كه اكر خواهى كوشت
بدنت زياد شود بعد از چيزى خوردن بحمام برو و اكر خواهى كه كوشت كم شود
ناشتا برو و بسند معتبر از حضرت صادق عليه السلام منقولست كه در وقتى كه
در رخت كن حمام جامها را از خود ميكنى بكو اللّهمّ انزع عنّى ربقة النّفاق
وثبّتنى على الايمان پس چون داخل خانهٔ اول حمام شوى بكو اللّهمّ انّى
اعوذ بك من شرّ نفسى واستعيذ بك من اذاه و چون داخل خانهٔ دويم
شوى بكو اللّهمّ اذهب عنّى الرّجس النّجس وطهّر جسدى وقلبى و بكير از
آب كرم و بر سر ريز و بعضى از آن آب را بپا بريز و اكر توانى كه جرعهٔ از آن آب بخورى
بخور كه مجراى بول را پاك ميكند و در خانهٔ دويم ساعتى صبر كن پس چون داخل
خانهٔ سيم شوى بكو نعوذ بالله من النّار ونسأله الجنّة و مكرر اين را بكو تا
هنكام بيرون آمدن از آن خانهٔ كرم و زينهار كه آب سرد و بزه در حمام مخور
كه معده را فاسد ميكند و آب سرد بر خود مريز كه بدن را ضعيف ميكند و چون از
حمام بيرون آيى آب سرد بر پا بريز كه درد را از بدنت ميكشد پس چون مشغول جامه
پوشيدن شوى بكو اللّهمّ البسنى التّقوى وجنّبنى الرّدى پس چون اينها را كه كفتم
بكنى از همه دردى ايمن شوى و از حضرت امير المؤمنين صلوات الله عليه منقولست

كه چون بعد از بيرون آمدن تو از حمام برادر مؤمن بكويد بتو طاب حمّامك
وحميمك تو در جواب بكو انعم الله بالك و در روايت ديكر وارد شده است
كه حضرت امام حسن صلوات الله عليه از حمام بيرون آمدند شخصى بآنحضرت
كفت كه طاب استحمامك حضرت او را منع كردند پس كفت طاب حمّامك
باز او را منع كردند پس كفت طاب حميمك باز منع كردند او را كفت پس چه
بكويم فرمود كه بكو طاب ما طهر منك وطهر ما طاب منك يعنى خدا
طيب و پاكيزه و نيكو كرداند نيكى معنوى بسبب مغفرت كناهان و توفيق
طاعات آنچه پاك شده است در حمام از اعضاى بدن تو و پاك كرداند
از لوث كناهان و جهالت وضلالت آنچه پاكيزه و نيكوست از تو كه آن
دل و نفس و عقل و ساير قوى و اعضاى شريفه باشد و در روايت ديكر
منقولست كه كسى كه از حمام بيرون آيد باو بكويند انقى الله غسلك واو در
جواب بكويد طهّركم الله و حضرت صادق ع فرمود كه هركاه كه از حمام بيرون
مى آييد عمامه بر سر ببنديد فرمود كه بعد از بيرون آمدن از حمام پاها را
بشوييد كه درد شقيقه را زايل ميكند و در حديث ديكر منقولست كه حضرت
امام محمد باقر و امام جعفر صادق عليهما السلام هركاه كه از حمام بيرون آمدند
در زمستان و تابستان بر سر مى پيچيدند و ميفرمودند كه امانست از درد

سر و در روایتی وارد شده است که چون کسی داخل حمام شود و حرارت بر او
غلبه کند آب سرد بر خود بریزد تا حرارتش ساکن شود و از حضرت امام موسی ع
وارد شده است که در روز چهارشنبه بحمام بروید **فصل**
سیم از باب هفتم در بیان آنچه در حمام نباید کرد و آنچه تجویز شده است منقولست از حضرت
امام جعفر صادق علیه السلم که حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه میفرمود
که در حمام بر پشت مخوابید که پیه گردها را میگدازد و سفال و آجر بر پای خود
مسایید که مورث خوره است و حضرت صادق ع فرمود که مرد با پسر خود
بحمام نرود که نظر کند بعورت او و فرمود که پدر و مادر را جایز نیست که
نظر کنند بعورت فرزند خود و فرزند را جایز نیست که نظر کند بعورت پدر
و مادر و فرمود که حضرت رسول ص لعنت فرمود که کسی نظر بعورت کسی کند
در حمام یا بی لنگ رود که دیگران بعورت او نظر کنند و در حدیث دیگر
فرمود که بر پهلو مخواب در حمام که پیه گرده را میگدازد و لاغر میکند آدمی را و
در حمام شانه مکن که مو تنک میشود و سر را بگل مشو که غیرت را می برد و سفال
بر بدن مال که مورث پیسی است و لنگ بر رو مال که آب رو را می برد و ابن بابویه
علیه الرحمه گفته است که مراد گل مصر سفال شام است و در حدیث صحیح منقولست
که از حضرت امام موسی ع پرسیدند از قرآن خواندن در حمام و جماع کردن

در

در حمام فرمود که باکی نیست و در روایت حسن دیگر از حضرت امام محمد باقر ع
پرسیدند که آیا حضرت امیر المؤمنین نهی میفرمود از قرآن خواندن در حمام حضرت فرمود
که وقتی نهی میفرمود که کسی عریان باشد پس اگر لنگ بسته باشد باکی نیست و از حضرت
صادق ع منقولست که باکی نیست مرد را که در حمام قرآن بخواند اگر غرضش رضای خدا باشد
نه خوش خوانی و در حدیث دیگر منقولست که روزی آنحضرت میخواستند بحمام
روند حمامی گفت که اگر میخواهید حمام را برای شما خلوت کنم فرمود که در کار نیست
مؤمن کارش از این سبکتر می باشد که حمام را برای او غورق کنند و حضرت امام رضا ع
فرمود که هر که از حمام سفالی بردارد و بر بدن خود بمالد و پیسی باو برسد ملامت نکند
مگر خود را و کسی که غسل کند از آبی که از غسل مردم جمع شده باشد در حمام و خوره باو
برسد ملامت نکند مگر خود را و در حدیث موثق از حضرت صادق ع منقولست
که زینهار که در حمام بر پهلو مخواب که پیه گردها را آب میکند و بر پشت مخواب که درد
اندرون بهم میرساند و شانه مکن که مو را میریزاند و مسواک مکن که دندانها میریزاند
و سر را بگل مشوی که رو را بدنما و سمج میکند و لنگ بر سر و رو ممال که آب رو را می برد
و کف پا را بسفال مسای که باعث پیسی میشود و از آبی که در حوضهای کوچک در حمامهای
سنیان جمع میشود از غسل مردم غسل مکن که در آن غساله یهودی و نصرانی و گبر و دشمن ما
اهل بیت که از همه بدتر است جمع میشود و خدا خلقی از سگ نجس تر خلق نکرده است و کسی

که عداوت ما اهل بیت دارد از سگ نجس تر است و از حضرت امیر المؤمنین صلوات
الله علیه منقولست که بول کردن در حمام مورث فقر و پریشانیست و در حدیث دیگر
فرمود که باکی نیست که مرد با کنیزانش بحمام بروند اما باید که لنگ بسته باشند
مانند خران برهنه نباشند که نظر بعورت یکدیگر کنند و در روایتی وارد شده است
که در حمام سلام نکنند و آن در صورتیست که لنگ نبسته باشند زیرا که در احادیث
بسیار وارد شده است که ائمه علیهم السلام در حمام سلام کرده اند بر مردم **فصل
چهارم از باب هفتم** در فضیلت شستن سر و بدن و دفع بوهای بد از خود کردن از حضرت رسول ص
منقولست که کافیست آب از برای خوش بو کردن بدن و فرمود که هر که جامه بپوشد
باید که پاکیزه باشد و از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه منقولست که
شستن سر چرک را می برد و آزار چشم را دفع میکند و شستن جامه غم و اندوه را
می برد و پاکیزگیست برای نماز و فرمود که خود را پاکیزه کنید بآب از بوهای بدی
که مردم از آن متاذی میشوند و در پی اصلاح بدن خود باشید بدرستی که خدا دشمن
میدارد از بندگانش آن کثیف گندیده را که بپهلوی هر که نشیند از او متاذی شود
و فرمود که آب را بوی خوش خود گردانید و از حضرت امام رضا ع منقولست که
حق تعالی غضب نکرد بر بنی اسرائیل مگر وقتی که ایشان را داخل مصر کرد و راضی نشد
از ایشان مگر وقتی که ایشان را از مصر بیرون کرد و حضرت رسول ص فرمود که سر

خود را

خود را بگل مصر مشوئید و از کوزه که در مصر میسازند آب مخورید که خواری
و مذمت می آورد و غیرت را می برد و از حضرت امام محمد باقر ع منقولست
که دوست نمیدارم که سر خود را از گل مصر بشویم از ترس آنکه که مرا ذلیل گرداند
و غیرت مرا ببرد و از جابر جعفی منقولست که شکایت کرد بحضرت امام محمد باقر ع
از آنکه کری در سرم هست و بسیار میریزد و جامه ام را چرکین میکند فرمود که مورد را
بکوب و آبش را بگیر و با سرکه که از شراب عمل آورده باشند و بسیار تند باشد
بر هم بزن آنقدر که کف کند پس سر و ریشت را بآن بقوت تمام بمال و بشوی
پس بروغن شیره تازه سر و ریشت را چرب کن که آن علت زایل میشود
فصل پنجم از باب هفتم در فضیلت شستن سر با سدر و خطمی در حدیث حسن
از حضرت امام جعفر صادق ع منقولست که ناخن و شارب گرفتن و سر را
با خطمی شستن فقر و درویشی را زایل میکند و روزی را زیاد میکند و در
حدیث موثق دیگر فرمود که شستن سر با خطمی در هر جمعه امانست از پیسی
و دیوانگی و در روایت دیگر فرمود که هر که ناخن و شارب بگیرد و سر را با خطمی
بشوید در روز جمعه ثواب کسی دارد که یک بنده آزاد کرده باشد و در حدیث
دیگر فرمود که شستن سر با خطمی دل را میگشاید و سوداء و اندوه را بر طرف
میکند و در حدیث موثق از حضرت امام موسی ع منقولست که شستن سر با سدر

روزی را زیاد میکند و در حدیث معتبر از حضرت امیر المومنین صلوات الله
علیه منقولست که چون حق تعالی حضرت رسول ص را امر فرمود که اسلام را ظاهر کرداند
و آنحضرت کمی مسلمانان و بسیاری کافران را دید بسیار غمگین شد حق تعالی حضرت
جبرئیل را با یک برگ سدر از درخت سدرة المنتهی فرستاد که سر را بآن
بشوید پس بآن شستن اندوه آنحضرت برطرف شد و در حدیث معتبر از
حضرت صادق ع منقولست که شستن سر با خطمی امان میدهد از درد سر
و بیزار میگرداند از پریشانی و سر را پاک میکند از کری و در حدیث دیگر فرمود
که حضرت رسول ص سر خود را با سدر میشستند و میفرمودند که بشوئید
سر خود را با برگ سدر که هر ملک مقرب و هر پیغمبر مرسل آنرا پاکیزه کرده است
و هر که سر خود را بآن بشوید حق تعالی از او وسوسه شیطان را هفتاد روز دور کرداند
و هر که هفتاد روز وسوسه شیطان از او دور شود معصیت خدا نکند
و هر که معصیت خدا نکند داخل بهشت شود و از حضرت امیر المومنین
ع منقولست که شستن سر با خطمی چرک و جانوران سر را برطرف میکند ع

فصل ششم از باب هفتم در فضیلت دارو کشیدن در حدیث حسن از حضرت
امیر المومنین صلوات الله علیه منقولست که دارو کشیدن پاک کننده بدنست
و در حدیث صحیح منقولست که عبد الرحمن بن ابی عبد الله گفت با حضرت امام

جعفر

جعفر صادق ع بحمام رفتم فرمود که دارو بکش گفتم که چند روز نیست که کشیده ام فرمود
که دیگر بکش که پاک کننده بدنست و براین مضمون چند حدیث وارد شده است
و در حدیث دیگر منقولست که شخصی را حضرت تکلیف دارو کشیدن کردند
او گفت که سه روز است که کشیده ام فرمود که باز بکش که پاک میگرداند ترا
و از حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه منقولست که دارو کشیدن رفع
دلگیری و پریشانی خاطر میکند و بدن را پاک میکند و از حضرت امام موسی ع
منقولست که موهای بدن را از خود بیندازید که نجس و کثیف است و در حدیث
صحیح از آنحضرت منقولست که موی بدن چون بلند میشود آب پشت را
قطع میکند یعنی فرزند بوجود نمی آید و بندها را سست میکند و ضعف و
تنبلی می آورد و نوره کشیدن آب پشت را زیاد میکند و بدن را قوی میکند
و پیه گردها را زیاد میکند و بدن را فربه میکند و از حضرت امام رضا
صلوات الله علیه منقولست که چهار چیز است که از اخلاق پیغمبرانست بوی
خوش کردن و سر تراشیدن و نوره مالیدن و بسیار جماع کردن و از حضرت
رسول ص منقولست که موی شارب و پشت زهار و زیر بغل را بلند مگذارید
که شیطان در اینجاها جا میگیرد و پنهان میشود **فصل هفتم از باب هفتم** در ازاله موی زیر
بغل در حدیث معتبر از حضرت رسول ص منقولست که دراز مگذارید موی زیر

بغل را که شیطان در انجا پنهان میشود و در حدیث معتبر دیگر منقولست که
حضرت امام جعفر صادق ع زیرهای بغل را دار و میگذاشتند و میفرمودند
که کندن موی زیر بغل دوش را سست میکند و در حدیث دیگر منقولست
که دار و گذاشتن زیر بغل بهترست از تراشیدن و تراشیدن بهترست از
کندن و در دو حدیث دیگر وارد شده است که بسیار بود که آنحضرت از
برای ازاله موی زیر بغل بحمام میرفتند و همین آن موضع را دار و میکشیدند
و بیرون می آمدند و از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه منقولست
که موی زیر بغل را کندن گند بغل را برطرف میکند و پاک کننده است و سنت
رسول خدا صلی الله علیه و آله است **فصل هشتم از باب هفتم** در غایت زمانی
که نوره را تا چهل توان کرد در حدیث معتبر از حضرت رسول ص منقولست که
هر مردی که ایمان بخدا و روز قیامت دارد باید که موی پشت زهار را زیاده
از چهل روز نگذارد و حلال نیست زنی را که ایمان بخدا و روز قیامت داشته
باشد این که ترک کند ازاله موی زهار را زیاده از بیست روز و از حضرت
صادق ع منقولست که حضرت رسول ص در هر جمعه دار و میکشیدند موی
میان پشت زهار و میان پا را و در حدیث صحیح از حضرت صادق ع منقولست
که سنت در نوره کشیدن آنست که هر پانزده روز یکمرتبه بکشد و اگر کسی بیست و

یکروز

یکروز و در روایت دیگر بیست روز بر او بگذرد که نوره نکشیده باشد من
قرض کند بر خدا و نوره بکشد و کسی که چهل روز بر او بگذرد که نوره نکشد او مؤمن
و مسلمان نیست و او را هیچ کرامت نزد خدا نیست و از حضرت رسول ص منقولست
که هر که ایمان بخدا و روز قیامت دارد موی زهار را زیاده از چهل روز
نگذارد پس اگر چیزی نیابد بعد از چهل روز قرض کند و بیم نبیند از حضرت
امیر المؤمنین صلوات الله علیه فرمود که دوست میدارم از برای مؤمن که
هر که پانزده روز نوره بمالد و از حضرت صادق ع منقولست که باید که پشت
زهار را یکهفته بیشتر نگذارد و کسی که نوره را زیاده از یکماه ترک کند
نمازش مقبول نیست **فصل نهم از باب هفتم** در دعاهای وقت نوره کشیدن
از حضرت صادق ع منقولست که هر که پیش از نوره کشیدن اندکی از نوره
بردارد و ببوید و بر سر بینی بگذارد و بگوید صَلَّی اللّهُ عَلی سُلَیمانَ بنِ داوُدَ
کما أمَرَنا بِالنُّورَة او را انسوزاند نوره و از حضرت علی بن الحسین صلوات الله
علیه منقولست که هر که وقت نوره مالیدن بر بدن این دعا بخواند خدا او را
از چرکها و کثافتهای دنیوی و از گناهان پاک گرداند و بعوض آن مو با و موئی
کرامت فرماید که در ان مو گناه نکند و بعدد هر موی از بدنش ملکی خلق کند که
از برای او تسبیح الهی کند تا روز قیامت و بدرستی که یک تسبیح از تسبیح ملئکه ثوابش

برابر است با ثواب هزار تسبیح اهل زمین دعا اینست اللّهمّ طیّب ماطهر منّی وطهّر ما طاب منّی و ابدلنی شعراً طاهراً لا یعصیک اللّهمّ انّی تطهّرت ابتغاء سنّة المرسلین و ابتغاء رضوانک و مغفرتک فحرّم شعری و بشری علی النّار وطهّر خلقی وطیّب خلقی وزکّ عملی واجعلنی ممّن یلقاک علی الحنیفیّة السّمحة ملّة ابراهیم خلیلک و دین محمّد صلّی الله علیه وآله حبیبک ورسولک عاملاً بشرائعک تابعاً لسنّة نبیّک صلّی الله علیه وآله آخذاً به متأدّباً بتأدیبک وتأدیب رسولک صلّی الله علیه وآله وتأدیب اولیائک الّذین غذوتهم بادبک وزرعت الحکمة فی صدورهم وجعلتهم معادن لعلمک صلواتک علیهم

فصل دهم از باب هفتم در اوقات نوره کشیدن وساير آداب آن

از حضرت صادق ع منقولست که یکمرتبه در تابستان دارو کشیدن بهتر است در فضیلت ونفع از ده مرتبه که در زمستان بکشند و از حضرت امیر المؤمنین ع مرویست که احتراز کنید از نوره مالیدن در روز چهارشنبه که روز نحس مستمر است وجهنّم در روز چهارشنبه خلق شده است و از حضرت رسول ص منقولست که پنج چیز است که مورث پیسی است نوره در روز جمعه وچهارشنبه مالیدن و وضو وغسل بآبی کردن که در آفتاب گرم شده باشد

و در حال جنابت چیزی خوردن و زن را در حال حیض جماع کردن و در حال سیری چیزی خوردن و از حضرت امام رضا ع منقولست که هر که در روز جمعه نوره بکشد و پیس شود ملامت نکند مگر خود را و دور نیست که این دو حدیث محمول بر تقیّه باشد یا آنکه یکی از طریق اهل سنّه است زیرا که حدیث گذشت که حضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله در روز جمعه دارو میکشیدند و در حدیث معتبر دیگر منقولست که بخدمت حضرت صادق ع عرض کردند که مردم میگویند که نوره کشیدن در روز جمعه مکروهست حضرت فرمود که چنین نیست که توهّم کان کرده که چه چیز پاک کننده تر است از نوره کشیدن در روز جمعه و در حدیث دیگر منقولست که علی بن یقطین خواست که بخدمت حضرت امام موسی ع بنویسد که آیا مرد در حالت جنابت دارو می تواند کشید و فراموش کرد حضرت از باب اعجاز باو نوشتند که باکی نیست نوره باعث زیادتی پاکیزگی جنب است و از حضرت صادق ع پرسیدند فرمود که باکی نیست و در حدیث حسن منقولست که از حضرت صادق ع پرسیدند که کسی که دارو کشید ایستاده بول میتواند کرد فرمود که باکی نیست و در روایت دیگر منقولست که کسی که در وقت دارو مالیدن بنشیند بیم آنست که بعلت فتق مبتلا شود و بشیر نبال با حضرت امام محمّد باقر ع بحمام رفت حضرت لنگی بستند از ناف تا زانو وخدمتکار حمام را طلبیدند که

که آبچه بالا و پایین لنگ بود دارو مالید بعد از آن او را بیرون کردند و از ناف تا
زانوی خود کشیدند و با بشیر گفتند که هرگاه که دارو بکشی چنین کن و در بعضی از
احادیث تجویز آن وارد شده است که غیر عورتین را دیگری بمالد و بسند
حسن منقولست که از حضرت صادق ع پرسیدند که آیا جایز است که کسی آرد را
با روغن زیت مخلوط کند و بعد از نوره بر بدن بمالد برای آنکه بوی نوره را
ببرد فرمود که باکی نیست و در حدیث دیگر منقولست که حضرت امام موسی ع
چنین میکردند و در حدیث دیگر منقولست که از حضرت صادق ع پرسیدند
که آرد را بعد از نوره بر بدن می توان مالید فرمود که باکی نیست راوی گفت
که مردم میگویند که اسرافست حضرت فرمود که در چیزی که اصلاح بدن کند
اسراف نیست من بسیار است که میفرمایم که آرد بیخته را با روغن زیت مخلوط
میکنند و بر بدن میمالم اسراف در چیزی می باشد که مال را تلف کند و به بدن ضرر
برساند **فصل یازدهم از باب هفتم** در فضیلت حنا مالیدن بعد از نوره حسین بن
موسی روایت میکند که پدرم حضرت موسی بن جعفر ع هرگاه که اراده حمام
میکردند میفرمودند که حمام را بسیار گرم میکردند بمرتبه که داخل نمیتوانست
شد پس میفرمودند که نمدها بر زمین حمام می انداختند و بعد از آن داخل میشدند
روزی از حمام بیرون آمدند شخصی از آل زبیر بآنحضرت رسید و اثر حنا در دست

حضرت دید گفت این رنگ چیست که در دست تست فرمود که رنگ حناست
پدرانم از رسول خدا ص روایت کرده اند که هر که بحمام رود و دارو بکشد و بعد از
دارو حنا از سر تا پا بمالد او را امان باشد از دیوانگی و خوره و پیسی و آکله
تا نوره کشیدن دیگر و در حدیث معتبر منقولست که حکم بن عتیبه دید که
حضرت صادق ع حنا بر داشتند و بر ناخنهای خود گذاشتند پس فرمودند
که ای حکم چه میگویی در این باب گفت چه توانم گفت در کاری که شما بکنید اما
این کار را پیش ما جوانان میکنند حضرت فرمود که ای حکم ناخنها بعد از نوره
شبیه میشود بناخن مردگان ما رنگشان را میگردانیم بحنا و در حدیث دیگر
منقولست که حضرت امام محمد تقی ع از حمام بیرون آمد و از سر تا پای مبارکش
مانند گل سرخ شده بود از حنا و حضرت صادق ع فرمود که حنا مالیدن
بوی بد را می برد و آب رو را زیاد میکند و دهان را خوشبو میکند و فرزند را
نیکو میکند و هر که بعد از دارو از سر تا پا حنا بمالد فقر و پریشانی از او برطرف
شود **فصل دوازدهم از باب هفتم** در آداب غسل جمعه و سایر اغسال بدانکه غسلهای
واجب بنا بر مشهور میان علما شش است غسل جنابت و حیض و استحاضه و
نفاس و مس میت و غسل میت و مستحبست که در وقت غسل جنابت این دعا
بخواند اللهم طهر قلبی و زک عملی و تقبل سعیی و اجعل ما عندک خیرا لی

اللهم اجعلنی من التوابین واجعلنی من المتطهرین واکر این دعا بخواند بهتر است
اللهم طهر قلبی واشرح لی صدری واجر علی لسانی مدحتک والثناء
علیک اللهم اجعله طهورا وشفاء ونورا انک علی کل شیء قدیر و
بعضی این دعا را بعد از غسل ذکر کرده اند ودر تفسیر حضرت امام حسن عسکری
ع مذکور است که هر که بعد از وضو یا غسل جنابت این دعا بخواند گناهان از او
بریزد چنانچه برک از درختان میریزد و هر قطره از قطرات وضو و غسل
او حق تعالی ملکی خلق فرماید که تسبیح وتقدیس وتهلیل وتکبیر الهی کند وصلوات
بر محمد وآل محمد بفرستد وثوابش از او باشد وگناهانش آمرزیده شود
دعا اینست سبحانک اللهم وبحمدک اشهد ان لا اله الا انت استغفرک
واتوب الیک واشهد ان محمدا عبدک ورسولک واشهد ان علیا
ولیک وخلیفتک بعد نبیک علی خلقک وان اولیائه خلفاؤک
واوصیاءه اوصیاؤک واما غسلهای سنت شصت ودو غسل است
واز جمله آنها غسل جمعه است وبعضی از علما واجب میدانند واحوط آنست
که تا مقدور باشد ترک نکنند ودر احادیث معتبره وارد شده است که غسل
جمعه واجبست بر مردان وزنان در سفر وحضر مکر آنکه رخصت داده اند
زنان را که ترک کنند در سفر برای کمی آب واز حضرت صادق ع منقولست که غسل جمعه

پاکیزه

پاکیزه کننده وکفاره گناهانست از جمعه تا جمعه دیگر ودر حدیث دیگر از آنحضرت
منقولست که هر که غسل جمعه بکند وبگوید اشهد ان لا اله الا الله وحده
لا شریک له واشهد ان محمدا عبده ورسوله اللهم صل علی محمد وآل محمد
واجعلنی من التوابین واجعلنی من المتطهرین این غسل و دعا پاک میکرداند
او را تا روز جمعه دیگر وبهتر آنست که این دعا را نیز بخواند اللهم طهرنی وطهر قلبی
وانق علی واجر علی لسانی محبة منک وباز بگوید اللهم طهر قلبی من کل
آفة تمحق بها دینی وتبطل بها عملی ودر فقه الرضا ع مذکور است که چون از غسل
جمعه فارغ شوی بگو اللهم طهرنی وطهر قلبی وانق غسلی واجر علی لسانی ذکرک
وذکر نبیک محمد صلی الله علیه وآله واجعلنی من التوابین والمتطهرین
ووقت آن از صبح صادقست روز جمعه تا پیشین ومشهور آنست که هر چند نزدیکتر است
به پیشین بهتر است واگر خوف داشته باشد که در روز جمعه آب یافت نشود در
روز پنجشنبه می تواند کرد ونیت قضا در کار نیست واز صبح روز شنبه تا شام بقصد
قضا می تواند کرد ودر فقه الرضا ع مذکور است که در روزهای دیگر هفته هم
می تواند کرد وظاهرا کسی از علما قایل نشده است باین وسنت است غسل در شبهای
طاق ماه مبارک رمضان خصوصا در شب اول وشب نیمه وهفدهم وآن شبی است
که مؤمنان وکافران در بدر جمع شدند ودر روز آن اعظم فتحهای اسلام واقع شد

وشب نوزدهم وآن شبیست که تقدیرات سال در آن شب نوشته میشود بنابر بعضی
از احادیث وشب بیست ویکم وآن شبی است که اوصیاء انبیا در آن شب شهادت
یافته اند وحضرت عیسی در آن شب بآسمان رفته است وحضرت موسی از دنیا
رفته واحتمال قوی دارد که قدر بوده باشد وشب بیست وسیم وآن شب قدر است
بر احتمال اقوی وقول اکثر ودر آن شب دو غسل میکند یکی مقارن غروب آفتاب و
دیگری در آخر شب ودر بعضی از روایات وارد شده است که در شبهای دهه آخر هر شب
غسل بکند وسنت است غسل در شب عید فطر وروزش وروز عید قربان
واظهر آنست که در این دو روز غسل را تا شب میتواند کرد ولیکن افضل آنست که پیش
از نماز عید واقع سازد ودر روز هشتم ذی الحجه وروز عرفه نزد زوال وشب نیمه
رجب ومنقولست از رسول خدا که هر گاه ماه رجب را دریابد وغسل کند در اول
ماه ومیان ماه وآخر ماه از گناهان بدر آید مثل روزی که از مادر متولد شده است
وروز مبعث وآن بیست وهفتم رجب است واکثر علما گفته اند اگرچه حدیثی
بخصوص بنظر نرسیده است وشب نیمه شعبان وروز غدیر خم که هجدهم ذی الحجه
است وروز مباهله که بیست وچهارم ذی الحجه است وبعضی گفته اند روز بیست و
پنجم وروز دحو الارض بنابر مشهور وآن روز بیست وپنجم ذی القعده است ودر
این غسل نیز حدیثی بنظر نرسیده است وروز نوروز بنابر مذهب بعضی

وحدیث معلی بن خنیس بر آن دلالت دارد ومشهور آنست که روزیست که آفتاب
ببرج حمل منتقل میشود وهمچنین سنت است غسل برای احرام حج یا عمره وبعضی
واجب میدانند واحوط آنست که ترک نکنند وغسل زیارت حضرت رسول ص
وائمه معصومین صلوات الله علیهم اجمعین از نزدیک ودور وغسل استخاره
مطلقا خصوصا نمازهای خاص استخاره وبرای نمازهای مخصوص که در طلب حاجت
وارد شده است وغسل توبه از گناهان وباز سنت است غسل از برای قضای نماز
کسوف وهر گاه عمدا ترک کرده باشد وتمام قرص گرفته باشد وبعضی گفته اند واجبست
واحوط آنست که ترک نکند وبعضی گفته اند بواسطه قضا غسل میکند اگر عمدا ترک
کرده باشد اگرچه تمام قرص نگرفته باشد واز برای ادا غسل میکند اگر تمام گرفته
باشد واین قول قوی است وسنت است غسل از برای داخل شدن حرم واز برای
داخل شدن مکه معظمه واز برای داخل شدن خانه کعبه واز برای طواف واز
برای داخل شدن حرم مدینه واز برای داخل شدن شهر مدینه مشرفه واز برای
داخل شدن مسجد رسول ص واز برای کشتن هدی وغسل فرزندی که متولد شود
چنانچه گذشت وغسل روز ولادت حضرت رسول ص بنابر قول بعضی وآن هفدهم
ماه ربیع الاول است وآنچه بنظر رسیده غسل از برای زیارتست در آن روز وسنت است
غسل برای نماز طلب باران واز برای کشتن چلپاسه وغسل بعد از کشتن است

وهمچنین هرگاه شخصی برود برای دیدن کسی که او را از حلق کشیده باشند غسل سنت است
بعد از دیدن و بعضی واجب دانسته اند و اکثر علما گفته اند که هرگاه سعی بعد از
سه روز باشد سنت است خواه بحق او را کشته باشند یا بباطل و خواه بطریق
شرعی او را کشته باشند یا غیر آن و بعضی از علما گفته اند که سنت است اعاده غسل هرگاه
بعنوان ناقص بر وجه ضرورت بعمل آمده باشد مثل جبیره و تقیه وهمچنین گفته اند
که هرگاه جامه میان دو کس مشترک باشد و منی در آن بیابند و معلوم نباشد که
از کدام یک بوده است هر دو را غسل کردن سنت است و برای کفن کردن میت نیز
گفته اند که سنت است و ظاهر حدیث آنست که همان غسل مس میت است که سنت است
که پیش از کفن کردن بجا آورد وهمچنین سنت است غسل هرگاه کسی مرده را بعد از غسل
دست بمالد و بعضی گفته اند که هرگاه شخص جنب مرده باشد سنت است که
غسل جنابت بدهند او را پیش از غسل میت یا بعد از آن و از حضرت امام جعفر صادق
ع منقولست که چون خواهی غسل عید فطر بجا آوری در زیر سقفی بجا آور و چون
خواهی شروع کنی بگو اللّهُمَّ إیمانًا بِكَ وَتَصْدِیقًا بِکِتابِكَ وَاتِّباعَ سُنَّةِ
نَبِیِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ وچون از غسل فارغ شوی بگو اللّهُمَّ اجْعَلْهُ
کَفّارَةً لِذُنُوبی وَطَهِّرْ دِینی اللّهُمَّ أَذْهِبْ عَنِّی الرِّجْسَ و بدانکه تفاصیل
اغسال و احکام آنها را این رساله گنجایش ندارد انشاء الله در کتاب عبادات نوشته

خواهد

خواهد شد والله الموفق **باب هشتم** در آداب خواب رفتن و بیدار شدن
و بیت الخلاء رفتن **فصل اول از باب هشتم** در بیان اوقات خواب بدانکه خواب کردن بعد از
طلوع صبح تا طلوع آفتاب و میان نماز شام و خفتن و بعد از عصر مکروه است
و پیش از ظهر در وقت گرمی هوا و بعد از نماز ظهر تا عصر خواب قیلوله است و
سنت است و از حضرت علی بن الحسین صلوات الله علیه منقولست که بابی حمزه
ثمالی فرمود که خواب مکن پیش از طلوع آفتاب که من از برای تو دوست نمیدارم زیرا
که حق تعالی روزی بندگان را در این وقت قسمت می نماید و هر که در این وقت در خواب است
از روزی محروم میشود و از حضرت رسول ص مرویست که زمین بسوی خدا
ناله میکند و فریاد میکند از سه چیز از خون حرامی که بر آن ریخته شود یا غسلی که
از زنا کنند بر روی آن یا خواب کردن بر آن پیش از طلوع آفتاب و از حضرت صادق
ع منقولست که خواب بامداد شوم است روزی را منع میکند و رنگ را زرد
میکند و رو را قبیح و متغیر میکند و این خواب هر شومیست بدرستی که حق تعالی
روزی را از مابین طلوع صبح تا طلوع آفتاب قسمت می نماید پس زینهار که این خواب را
مکنید و فرمود که مرغ بریان و ترنجبین بر بنی اسرائیل در این وقت نازل میشد هر که
در این وقت خواب بود بهره او نازل نمیشد و حضرت رسول ص فرمود که هر که در جای
نماز خود بنشیند از طلوع صبح تا طلوع آفتاب خدا او را مستور کرداند از آتش جهنم

و در حدیث دیگر فرمود که مثل ثواب حج کنندهٔ خانهٔ کعبه داشته باشد و گناهانش
آمرزیده شود اما در چند حدیث تجویز وارد شده است که اگر نماز بکند قدری
تعقیب بخواند و پیش از برآمدن آفتاب بخوابد باکی نیست چنانچه در حدیث صحیح
منقولست که حضرت امام رضا ع بشخصی فرمود که فردا بعد از طلوع آفتاب بیا که من
بعد از نماز صبح خوابی میکنم و از حضرت صادق ع منقولست که بشخصی فرمود که
چون نماز صبح کردی و ذکر خدا خواندی اگر پیش از طلوع آفتاب بخواب روی باکی
نیست و از حضرت امام محمد باقر علیه السلم منقولست که خواب اول روز سفاهت است
و خواب قیلوله نعمتست و خواب بعد از عصر حماقتست و خواب میان نماز شام
و خفتن از روزی محروم میگرداند و از حضرت امیر المؤمنین ع منقولست که
خواب کردن پیش از طلوع آفتاب و پیش از نماز خفتن پریشانی و فقر می‌آورد و در
روایت دیگر منقولست که شخصی بخدمت حضرت رسول صلی الله علیه و آله آمد
و عرض کرد که من حافظهٔ قوی داشتم و اکنون فراموشی بر من غالب شده است
فرمود که آیا خواب قیلوله میکردی و الحال ترک کرده گفت بلی فرمود که باز خواب
قیلوله بکن چنان کرد حافظه اش برگشت و در روایت دیگر وارد شده است که
قیلوله کنید که شیطان قیلوله نمیکند و منقولست که نیکو یاوری است خواب قیلوله
بر بیداری و عبادت شب **فصل دویم از باب هشتم** در وضو ساختن پیش از خواب

ازحضرت

از حضرت صادق علیه السلم منقولست که هر که وضو بسازد و بر رخت خواب برود رخت
خواب برای او حکم مسجد داشته باشد و اگر در میان رخت خواب بیادش آید
که وضو ندارد از لحاف خود تیمم کند که اگر با وضو یا تیمم بخوابد تا بیاد خداست چنانست
که نماز میکند و از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه منقولست که نخوابد
مسلمان در حالتی که جنب باشد و نخوابد مگر با وضو و اگر آب نیابد برای غسل و وضو
تیمم کند بخاک زیرا که روح مؤمن را در وقت خواب باسمان می برند و حق تعالی اورا
قبول می نماید و برکت بر او میفرستد پس اگر اجلش رسیده است او را در گنجهای
رحمت خود میسپارد و اگر اجلش نرسیده است با امینان خود از ملائکه بسوی بدن او
برمیگرداند و در حدیث معتبر دیگر منقولست که روزی حضرت رسول ص با اصحاب
خود فرمود که کدام یک از شما تمام سال روزه میدارید سلمان گفت که من فرمود
که کدام یک از شما همه شب را احیا میکند سلمان گفت که من فرمود که کدام یک از
شما هر روز ختم قرآن میکنید سلمان گفت که من عمر بخشم آمد و گفت این مردیست
از فارس میخواهد که بر ما که از قریشیم فخر کند دروغ میگوید در اکثر روزها
روزه نیست و در اکثر شب خوابست و در اکثر روزش خاموش می باشد
حضرت فرمود که او مانند و شبیه لقمان حکیم است از او سؤال کن تا جواب بگوید
عمر پرسید سلمان فرمود که اما روزه سال من ماهی سه روز روزه میدارم و حق تعالی

میفرماید که هرکه حسنه بکند ده برابر با و ثواب میدهم این برابر روزه سال میشود
با آنکه ماه شعبان را هم روزه میگیرم و با ماه رمضان پیوند میکنم و اما بیداری شب
هر شب با وضو میخوابم و از حضرت رسول ص شنیدم که میفرمود که هرکه با وضو بخوابد
چنانست که تمام شب را بعبادت احیا کرده باشد و اما ختم قرآن در هر روز
سه مرتبه سوره قل هو الله احد را میخوانم و از رسول خدا ص شنیدم که بحضرت
امیر المؤمنین صلوات الله علیه فرمود که یا علی مثل تو در میان امت من مثل قل هو الله
احد است هرکه سوره قل هو الله احد را یکبار بخواند چنانست که ثلث قرآن را خوانده
است و هرکه دو بار بخواند چنانست که دو ثلث قرآن را خوانده است و هرکه سه بار
بخواند چنانست که قرآن را ختم کرده است پس هرکه ترا بزبان دوست دارد ثلث ایمان
در او کامل شده است و هرکه ترا بزبان و دل هر دو دوست دارد دو ثلث ایمان در او
تمام شده است و هرکه ترا بزبان و دل دوست دارد و بدست خود ترا یاری کند
تمام ایمان در او کامل شده است یا علی بحق آن خداوندی که مرا براستی فرستاده است
سوگند که اگر ترا اهل زمین دوست میداشتند چنانچه اهل آسمان ترا دوست
میدارند خدا هیچکس را بآتش جهنم عذاب نمیکرد پس عمر ساکت شد که گویا سنگی
بدهانش گذاشتند **فصل سیم از باب هشتم** در مکان خوابیدن و آداب پیش از خوابیدن
مشهور میان علما آنست که خوابیدن در مساجد مکروه هست و ظاهر احادیث آنست

که مکروه

که مکروه نیست مگر در مسجد الحرام و مسجد رسول ص و در آنها نیز تجویز واقع
شده است در احادیث معتبره و در احادیث معتبره بسیار وارد شده است
که رسول خدا ص سه کس را لعنت کرد کسی که تنها چیزی بخورد و تنها بسفر رود و در
بیوت تنها بخوابد و فرمود که اگر کسی تنها بخوابد بیم آنست که دیوانه شود از حضرت
امام موسی ع منقولست که هرکه در خانه تنها یا بیابانی تنها بخوابد بگوید اللّهمّ
آنس وحشتی و اعنّی علی وحدتی و در حدیث دیگر منقولست که حضرت رسول ص
نهی فرمود از خوابیدن بر بامی که دیوار نداشته باشد و فرمود که هرکه بر بامی بخوابد
که دیوار نداشته باشد از امان خدا بدر میرود و در احادیث معتبره از حضرت صادق
ع منقولست که مکروه هست که کسی بر بامی تنها بخوابد یا بر بامی که دیوار نداشته
باشد بخوابد و فرمود که مرد و زن هر دو در این حکم مساویند پرسیدند که اگر
سه طرف دیوار داشته باشد چونست فرمود که نه بلکه هر چهار طرف می باید
دیوار داشته باشد و در بعضی از روایات وارد شده است که حد بلندی دیوار
دو ذراع است و در بعضی از احادیث تجویز یک ذراع و یک شبر هم وارد شده است
و حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه نهی فرمود از خوابیدن بر سر راه و از حضرت
رسول ص نهی وارد شده است از آنکه کسی با دست چرب و آلوده بخوردنی بخوابد
که اگر چنین کند و شیطان بر او دست یابد یا دیوانه شود ملامت نکند مگر خود را و فرمود

که اطفال خود را در وقت خوابیدن دست و دهانشان را بشویید که اگر نکنید شیطان
ایشان را می بوید و در خواب می ترسند و در چند حدیث از حضرت رسول
منقولست که هر که بجامه خواب خواهد داخل شود کنار جامه خود را بر رخت خواب
بکشد که اگر جانوری داخل شده باشد بدر رود و با وضو برساند و از حضرت
امیر المؤمنین صلوات الله علیه وارد شده است که باید پیش از خواب بیت الخلاء
رود و بعد از آن بخوابد **فصل چهارم** از باب هشتم در سایر آداب خوابیدن سنت است
که بر دست راست رو بقبله بخوابد و دست راست را در زیر رو بگذارد و بر
دست چپ خوابیدن و بر رو خوابیدن مکروهست چنانچه از حضرت امیر المؤمنین
صلوات الله علیه منقولست که خواب بر چهار قسم است پیغمبران بر پشت میخوابند
و دیدهای ایشان بخواب نمیرود و منتظر وحی پروردگار خود می باشند و مؤمن بر
دست راست میخوابد رو بقبله و پادشاهان و فرزندان ایشان بر دست چپ میخوابند
که آنچه خورده اند گوارا شود و شیطان و برادران او و هر دیوانه و مبتلایی بر رو
در افتاده میخوابند و در حدیث معتبر دیگر فرمود که آدمی بر رو نخوابد و هر که را
ببینید که بر رو خوابیده است او را بیدار کنید و مگذارید بر آن حال و فرمود
که هر گاه کسی اراده خواب کند باید که دست راست را بر زیر جانب راست رو
بگذارد بندنسی که نمیداند که از این خواب بیدار خواهد شد یا نه و احادیث

در فضیلت خوابیدن بر دست راست و منع خوابیدن بر دست چپ بسیار
وارد شده است **فصل پنجم** از باب هشتم در آیات و ادعیه که پیش از خواب باید
که خوانده شود در حدیث صحیح از حضرت امام محمد باقر ع منقولست که هر گاه
کسی دست راست در زیر سر گذاشته بخوابد بگوید بِسْمِ اللهِ اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْلَمْتُ
نَفْسی اِلَیْکَ وَ وَجَّهْتُ وَجْهی اِلَیْکَ وَ فَوَّضْتُ اَمْری اِلَیْکَ وَ اَلْجَأْتُ
ظَهْری اِلَیْکَ وَ تَوَکَّلْتُ عَلَیْکَ رَهْبَةً مِنْکَ وَ رَغْبَةً اِلَیْکَ لا مَلْجَأَ
وَ لا مَنْجا مِنْکَ اِلّا اِلَیْکَ آمَنْتُ بِکِتابِکَ الَّذی اَنْزَلْتَ وَ بِرَسُولِکَ الَّذی
اَرْسَلْتَ بعد از آن تسبیح حضرت فاطمه علیها السلام بخواند و در حدیث صحیح دیگر
فرمود که ترک نکنید در وقت خواب این دعا را اُعیذُ نَفْسی وَ ذُرِّیَّتی وَ اَهْلَ
بَیْتی وَ مالی بِکَلِماتِ اللهِ التّامّاتِ مِنْ کُلِّ شَیْطانٍ وَ هامَّةٍ وَ مِنْ کُلِّ عَیْنٍ
لامَّةٍ که باین دعا تعویذ میفرمود حضرت رسول ص امام حسن و امام حسین صلوات الله
علیهما را و در حدیث صحیح از حضرت صادق ع منقولست که سوره قل هو الله احد
و سوره قل یا ایها الکافرون را پیش از خواب بخوان که قل یا ایها الکافرون بیزاری
از شرکست و قل هو الله احد نسبت پروردگارست و در حدیث صحیح دیگر فرمود
که هر که بعد از خوابیدن در رخت خواب سه مرتبه بگوید اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذی عَلا
فَقَهَرَ وَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذی بَطَنَ فَخَبَرَ وَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذی مَلَکَ فَقَدَرَ وَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ

الذی یحیی الموتی ویمیت الاحیاء وهو علی کل شیء قدیر از گناهان بیرون آید
مانند روزی که از مادر متولد شده بوده و از حضرت امام رضا ع منقولست
که هر که آیة الکرسی در وقت خواب بخواند از فالج ایمن گردد و از حضرت صادق ع
منقولست که هر که سوره یس پیش از خواب بخواند حق تع هزار ملک با و موکل گردانند
که او را از شر شیطان و هر بلائی حفظ کنند و از حضرت امام محمد باقر ع منقولست
که هر که سوره اذا وقعت الواقعة هر شب پیش از خواب بخواند در قیامت روی
او مانند ماه شب چهارده باشد و در حدیث دیگر فرمود که هر که سورهائی
که در او نشان سبح لله و یسبح لله است پیش از خواب بخواند نمیرد تا بخدمت حضرت
صاحب الامر صلوات الله علیه برسد و اگر بمیرد در همسایگی حضرت رسول ص جا
دهند او را و در حدیث دیگر فرمود که هر که شب این دعا بخواند تا صبح او را عقرب
و هیچ گزنده نگزد اعوذ بکلمات الله التامات التی لا یجاوزهن بر ولا
فاجر من شر ما ذرأ ومن شر ما برأ ومن شر کل دابة هو آخذ بناصیتها
ان ربی علی صراط مستقیم و از حضرت امام رضا صلوات الله علیه منقولست
که هر که در وقت خواب این آیه بخواند خانه بر سرش خراب نشود ان الله یمسک
السموات والارض ان تزولا ولئن زالتا ان امسکهما من احد من بعده
انه کان حلیما غفورا و از حضرت صادق ع منقولست که چون کسی برخت خواب

رود

رود بگوید اللهم انی احتبست نفسی عندک فاحتبسها فی محل رضوانک
ومغفرتک وان رددتها فارددها مؤمنة عارفة بحق اولیائک
حتی تتوفاها علی ذلک و در حدیث دیگر فرمود که حضرت رسول ص در
اینوقت آیة الکرسی میخواندند و بعد از ان میگفتند بسم الله آمنت بالله
وکفرت بالطاغوت اللهم احفظنی فی منامی وفی یقظتی و بهتر اینست که
آیة الکرسی را تا هم فیها خالدون بخواند و در حدیث دیگر فرمود که چون برخت
خواب رفتی تسبیح حضرت فاطمه صلوات الله علیها بخوان و آیة الکرسی و قل اعوذ
برب الناس و قل اعوذ برب الفلق و ده آیه از اول سوره صافات و ده آیه
از آخر سوره صافات بخوان و در حدیث صحیح منقولست که آنحضرت بفرزند
خود فرمود که این دعا را در وقت خواب بخوان اشهد ان لا اله الا الله
وان محمدا صلی الله علیه وآله عبده ورسوله اعوذ بعظمة الله
واعوذ بعزة الله واعوذ بقدرة الله واعوذ بجلال الله واعوذ
بسلطان الله ان الله علی کل شیء قدیر واعوذ بعفو الله واعوذ
بغفران الله واعوذ برحمة الله من شر السامة والهامة ومن شر کل
دابة صغیرة او کبیرة بلیل او نهار ومن شر فسقة الجن والانس ومن
فسقة العرب والعجم ومن شر الصواعق والبرد اللهم صل علی محمد عبدک

وَرَسُولِكَ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ و در حدیث صحیح دیگر فرموده که هر که صد نوبت سوره
قل هو الله احد در وقت بخواب بخواند گناه پنجاه ساله‌اش آمرزیده شود و در حدیث
دیگر فرموده که هر که در وقت خواب سه مرتبه آیة الکرسی و یک مرتبه آیه شهد الله
و آیه سخره و آیه آخر سوره حم سجده را بخواند حق تعالی دو شیطان را موکل گرداند
که شیاطین را از او دور گردانند و سی ملک را امر فرماید که تحمید و تسبیح و تهلیل
و تکبیر خدا بگویند و استغفار کنند تا بیدار شدن او و ثواب همه از او باشد
و بسند معتبر از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه منقولست که کسی که
اراده خواب داشته باشد پهلو را بر زمین نگذارد تا این دعا بخواند اُعِیذُ
نَفْسِي وَدِينِي وَأَهْلِي وَمَالِي وَخَوَاتِيمَ عَمَلِي وَمَا رَزَقَنِي رَبِّي وَخَوَّلَنِي بِعِزَّةِ
اللهِ وَعَظَمَةِ اللهِ وَجَبَرُوتِ اللهِ وَسُلْطَانِ اللهِ وَرَحْمَةِ اللهِ وَرَأْفَةِ
اللهِ وَغُفْرَانِ اللهِ وَقُوَّةِ اللهِ وَقُدْرَةِ اللهِ وَجَلَالِ اللهِ وَبِصُنْعِ اللهِ
وَأَرْكَانِ اللهِ وَبِجَمْعِ اللهِ وَبِرَسُولِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَبِقُدْرَةِ
اللهِ عَلَى مَا يَشَاءُ مِنْ شَرِّ السَّامَّةِ وَالْهَامَّةِ وَمِنْ شَرِّ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ وَمِنْ
شَرِّ مَا يَدِبُّ فِي الْأَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا وَمَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا يَعْرُجُ
فِيهَا وَمِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ رَبِّي آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا إِنَّ رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ وَ
هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ بدرستی که

بلغ

این

این تعویذیست که حضرت رسول ص از برای حسنین صلوات الله علیهما میخواندند
و فرمود که چون کسی اراده خواب کند باید که دست راست را در زیر رو بگذارد
و بگوید بِسْمِ اللهِ وَضَعْتُ جَنْبِي لِلهِ عَلَى مِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ وَدِينِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ
عَلَيْهِ وَآلِهِ وَوِلَايَةِ مَنِ افْتَرَضَ اللهُ طَاعَتَهُ مَا شَاءَ اللهُ كَانَ وَمَا
لَمْ يَشَأْ لَمْ يَكُنْ که هر که این دعا بخواند در وقت خواب محفوظ بماند از دزد
و غارت و خانه فرود آمدن و ملائکه از برای او استغفار کنند و فرمود که هر که
قل هو الله احد در وقت خوابیدن بخواند حق تعالی پنجاه هزار ملک بر او موکل
گرداند که در آن شب او را پاسبانی کنند و از حضرت صادق ع منقولست
که هر که پیش از خواب صد مرتبه لا اله الا الله بگوید خدا خانه در بهشت
از برای او بنا کند و هر که صد مرتبه استغفار کند گناهانش بریزد چنانچه
برگ از درخت می‌ریزد و از حضرت رسول ص منقولست که هر که سوره الهیکم
التکاثر در وقت خواب بخواند از عذاب قبر ایمن گردد و بسند معتبر از حضرت
صادق علیه السلام منقولست که هر که یازده مرتبه سوره قل هو الله احد پیش از
خواب بخواند گناهانش آمرزیده شود و او و همسایگانش از بلا محفوظ
مانند و اگر صد مرتبه بخواند گناه پنجاه ساله از آینده عمرش آمرزیده شود
و در حدیث معتبر دیگر فرموده که هر که در وقت خواب بگوید اَللّٰهُمَّ إِنِّي أُشْهِدُكَ

انک افترضت علی طاعة علی ابن ابی طالب والحسن والحسین وعلی بن الحسین
ومحمد بن علی وجعفر بن محمد وموسی بن جعفر وعلی بن موسی ومحمد بن علی
وعلی بن محمد والحسن بن علی والحجة القائم صلوات الله علیهم اجمعین
و در آن شب بمیرد داخل بهشت شود و در روایت معتبر دیگر فرمود که هر که
در وقت خواب یازده مرتبه سوره انا انزلناه بخواند حق تعالی یازده ملک براو
موکل گرداند که او را از شر شیطان حفظ کنند تا صبح و در حدیث معتبر از حضرت
امیر المومنین صلوات الله علیه منقولست که هر که در وقت خواب این آیات را
بخواند از دزد ایمن گردد قل ادعوا الله او ادعوا الرحمن ایا ما تدعو
فله الاسماء الحسنی ولا تجهر بصلوتک ولا تخافت بها وابتغ بین ذلک
سبیلا وقل الحمد لله الذی لم یتخذ ولدا ولم یکن له شریک فی الملک
ولم یکن له ولی من الذل وکبره تکبیرا و در حدیث معتبر از حضرت
علی بن الحسین صلوات الله علیه منقولست که هر که در وقت خواب این دعا بخواند
فقر و پریشانی از او دور شود و هیچ کزنده باو ضرر نرساند اللهم انت
الاول فلا شیء قبلک وانت الظاهر فلا شیء فوقک وانت الباطن
فلا شیء دونک وانت الاخر فلا شیء بعدک اللهم رب السموات السبع
ورب الارضین السبع ورب التوریة والانجیل والزبور والقران

الحکیم

الحکیم اعوذ بک من شر کل دابة انت اخذ بناصیتها انک علی صراط مستقیم
و از حضرت رسول منقولست که هر که در وقت رفتن بر تخت خواب سوره
تبارک الذی بیده الملک بخواند پس بگوید چهار مرتبه اللهم رب الحل والحرام
والبلد الحرام بلغ روح محمد منی تحیة وسلاما حق تعالی دو ملک را موکل گرداند
که بنزد حضرت رسول روند و بگویند که فلان شخص تو را سلام میرساند پس حضرت
فرماید که براو باد سلام و رحمت و برکات الهی **فصل ششم از باب هشتم** در دفع ترسیدن
در خواب و خواب پریشان دیدن و محتلم شدن از حضرت امام جعفر صادق
ع منقولست که هر که در خواب ترسد پیش از خواب ده مرتبه بگوید لا اله الا الله
وحده لا شریک له یحیی ویمیت ویمیت ویحیی وهو حی لا یموت پس تسبیح
حضرت فاطمه صلوات الله علیها بخواند و در طب الائمه زیاد کرده است که آیة
الکرسی و قل هو الله احد نیز بخواند و از حضرت امیر المومنین صلوات الله علیه
منقولست که چون در خواب ترسد یا از دردی بیخوابی براو مستولی شود
این آیه بخواند فضربنا علی اذانهم فی الکهف سنین عددا ثم بعثناهم
لنعلم ای الحزبین احصی لما لبثوا امدا و اگر طفلی بسیار گریه کند این آیه را
براو بخوانند و در حدیث صحیح از حضرت امام محمد باقر ع منقولست که هر که در خواب
ترسد در وقت خوابیدن سوره قل اعوذ برب الناس و قل اعوذ برب و آیة الکرسی

بخواند و در روایت دیگر منقولست که برای ترسیدن شب ده مرتبه بخواند
این دعا را اعوذ بكلمات الله من غضبه ومن عقابه ومن شر عباده
ومن همزات الشياطين وان يحضرون و آية الكرسی بخواند و بگوید اذ
يغشيكم النعاس امنة منه وجعلنا نومكم سباتا و در حدیث معتبر منقولست
که شهاب بن عبد ربه بخدمت حضرت صادق عرض کرد که زنی در خواب من می آید
و مرا میترساند حضرت فرمود که باخود بردار تسبیح در رخت خواب و سی و چهار
مرتبه الله اکبر و سی و سه مرتبه سبحان الله و سی و سه مرتبه الحمد لله بگو
و ده مرتبه بگو لا اله الا الله وحده لا شريك له له الملك وله الحمد يحيي
ويميت ويميت ويحيي بيده الخير وله اختلاف الليل والنهار وهو على
كل شیء قدير و ظاهرا در تسبیح حضرت فاطمه در وقت خواب مخیر است میان
آنکه سبحان الله را پیش از الحمد بگوید یا بعد از آن و در حدیث صحیح از آنحضرت
منقولست که هر که ترسد که محتلم شود چون برخت خواب رود این دعا بخواند
اللهم انی اعوذ بك من الاحتلام ومن سوء الاحلام ومن ان يتلاعب
الشيطان في اليقظة والمنام و در حدیث حسن از حضرت امام جعفر صادق
ع منقولست که اگر کسی خواب پریشانی ببیند از آن پهلو که خوابیده است به پهلوی
دیگر بگردد و بگوید انما النجوى من الشيطان ليحزن الذين آمنوا وليس

بضارهم شيئا الا باذن الله پس بگوید عذت بما عاذت به ملائكة الله
المقربون وانبياؤه المرسلون وعباده الصالحون من شر ما رايت
ومن شر الشيطان الرجيم و در روایت دیگر از آنحضرت منقولست
که چون خواب پریشانی ببیند و بیدار شود بگوید اعوذ بما عاذت به
ملائكة الله المقربون وانبياء الله المرسلون وعباد الله الصالحون
والائمة الراشدون المهديون من شر ما رايت من رؤياي ان تضرني
ومن الشيطان الرجيم پس بسوی جانب چپ خود سه نوبت آب دهان بیندازد
و در روایت دیگر وارد شده است که شخصی با آنحضرت شکایت کرد که
دختری دارم و در شب و روز بسیار میترسد فرمود که فصدش بکن
و در روایت دیگر منقولست که شخصی شکایت کرد که دخترم در خواب بسیار
میترسد و گاهی بسیار حالش صعب میشود و اعضایش سست و بیحس
میشود و میگویند از تصرف جن است فرمود که فصدش بکن و آب مثبت را
با عسل بپز و سه روز بده که بخورد چنین کرد و شفا یافت و در حدیث دیگر
منقولست که شخصی بحضرت صادق علیه السلم شکایت کرد که زنی در خواب من
می آمد و مرا میترساند حضرت فرمود که مگر زکوة نمیدهی گفت میدهم فرمود
که بمستحق نمیدهی بعد از آن زکوة را بخدمت حضرت میفرستاد و آن حال از او برطرف

شد **فصل نهم** از باب هشتم در دعا برای دفع بیداری و برای بیدار شدن در آخر
شب در حدیث معتبر از حضرت صادق ع منقولست که هر که در وقت
خوابیدن این آیه را بخواند قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ يُوحَى إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمْ
إِلَهٌ وَاحِدٌ فَمَنْ كَانَ يَرْجُو لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ
رَبِّهِ أَحَدًا هر وقت که از شب که خواهد بیدار شود و در روایت دیگر
از آنحضرت منقولست که حضرت رسول ص فرمود که هر که خواهد در آخر
شب برخیزد چون برخت خواب رود بگوید اللَّهُمَّ لَا تُؤْمِنِّي مَكْرَكَ
وَلَا تُنْسِنِي ذِكْرَكَ وَلَا تَجْعَلْنِي مِنَ الْغَافِلِينَ أَقُومُ سَاعَةَ كَذَا وَكَذَا
یعنی در فلان ساعت برخیزم چون این دعا بخواند حق تعالی ملکی موکل سازد
که او را در آن ساعت بیدار کند و در حدیث معتبر از حضرت امام موسی کاظم
صلوات الله علیه منقولست که هر که خواهد که در شب بیدار شود در وقت
خواب رفتن بگوید اللَّهُمَّ لَا تُنْسِنِي ذِكْرَكَ وَلَا تُؤْمِنِّي مَكْرَكَ وَلَا تَجْعَلْنِي
مِنَ الْغَافِلِينَ وَأَنْبِهْنِي لِأَحَبِّ السَّاعَاتِ إِلَيْكَ أَدْعُوكَ فِيهَا فَتَسْتَجِيبُ
لِي وَأَسْأَلُكَ فَتُعْطِينِي وَأَسْتَغْفِرُكَ فَتَغْفِرُ لِي إِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا
أَنْتَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ که چون این دعا بخواند حق تعالی دو ملک بفرستد
که او را بیدار کنند اگر بیدار نشود امر کند آن دو ملک را که از برای او استغفار

کنند

کنند و اگر در آن شب بمیرد شهید مرده باشد و اگر بیدار شود هر حاجتی که
بطلبد خدا باو عطا فرماید و در حدیث معتبر از حضرت امام محمد باقر
ع منقولست که هر که عزم کند که در ساعتی از ساعات شب برای عبادت بر
خیزد و خدا داند که در آن اراده او صادقست البته دو ملک را بفرستد
که در آن ساعت او را حرکت دهند تا بیدار شود و در حدیث معتبر از
حضرت صادق ع منقولست که هر که بیخوابی او را عارض شود و خوابش نبرد
این دعا بخواند سُبْحَانَ اللَّهِ ذِي الشَّأْنِ دَائِمِ السُّلْطَانِ كُلَّ يَوْمٍ هُوَ فِي
شَأْنٍ و در روایت معتبر دیگر منقولست که حضرت فاطمه صلوات الله
علیها شکایت فرمود برسول خدا ص از بیخوابی فرمود که این دعا بخواند یَا مُشْبِعَ
الْبُطُونِ الْجَائِعَةِ وَيَا كَاسِيَ الْجُسُومِ الْعَارِيَةِ وَيَا مُسَكِّنَ الْعُرُوقِ الضَّارِبَةِ
الجنوب
وَيَا مُنَوِّمَ الْعُيُونِ السَّاهِرَةِ سَكِّنْ عُرُوقِيَ الضَّارِبَةَ وَأْذَنْ لِعَيْنِي نَوْمًا
عَاجِلًا **فصل هشتم** از باب هشتم در بیان نماز و دعا برای خوابهای نیک دیدن
و آداب بیدار شدن از حضرت امام جعفر صادق ع منقولست که هر که
خواهد که حضرت رسول ص را در خواب ببیند بعد از نماز خفتن غسل نیکوئی
بجا آورد و چهار رکعت نماز بگذارد و در هر رکعتی بعد از حمد صد مرتبه آیة
الکرسی بخواند و بعد از هزار مرتبه صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد و بر جامه

پاکیزه بخواند که بر روی آن جامه با حلال و حرامی جماع نکرده باشد و دست
راست را در زیر جانب راست رو بگذارد و صد نوبت بگوید سبحان الله
والحمد لله ولا اله الا الله والله اکبر ولا حول ولا قوة الا بالله پس صد مرتبه
بگوید ما شاء الله چون چنین کند رسول ص را در خواب ببیند و در
روایت دیگر منقولست که اگر خواهد حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه را
در خواب ببیند چون بخواباند این دعا بخواند اللهم انی اسئلک یا من له
لطف خفی و ایادیه باسطة لا تنقضی اسئلک بلطفک الخفی الذی
ما لطفت به لعبد الا کفی ان تریني مولای امیر المؤمنین علی بن
ابی طالب علیه السلام فی منامی و در روایت دیگر منقولست که اگر کسی
خواهد یکی از مردگان را بخواب ببیند با وضو بر جانب راست بخوابد و تسبیح
حضرت فاطمه ع بخواند پس بگوید اللهم انت الحی الذی لا یوصف و
الایمان یعرف منه منک بدأت الاشیاء و الیک تعود فما اقبل
منها کنت ملجأه و منجاه و ما ادبر منها لم یکن له ملجأ و ما منجا
منک الا الیک فاسئلک بلا اله الا انت و اسئلک ببسم الله الرحمن
الرحیم و بحق حبیبک محمد صلی الله علیه و آله سید النبیین و بحق
علی خیر الوصیین و بحق فاطمة سیدة نساء العالمین و بحق الحسن و

الحسین

الحسین الذین جعلتهما سیدی شباب اهل الجنة علیهم اجمعین
السلام ان تصلی علی محمد و آل محمد و ان تریني میتی فی الحال التی هو
فیها و منقولست که چون حضرت رسول ص برخت خواب میرفتند میفرمودند
باسمک اللهم احیا و باسمک اموت و چون بیدار میشدند میفرمودند
الحمد لله الذی احیانی بعد ما اماتنی و الیه النشور و از حضرت صادق ع
منقولست که چون کسی از خواب برخیزد بگوید سبحان الله رب النبیین و آله
المرسلین و رب المستضعفین و الحمد لله الذی یحیی الموتی و هو علی کل
شیء قدیر چون این را بگوید حق تعالی میفرماید که راست گفت بندهٔ من و شکر کرد مرا
و در حدیث دیگر منقولست که چون آنحضرت در آخر شب بر میخواستند بصدای
بلند میگفتند اللهم اعنی علی هول المطلع و وسع علی المضجع و ارزقنی
خیر ما قبل الموت و ارزقنی خیر ما بعد الموت و در حدیث دیگر منقولست
که چون از خواب بیدار شوی بگو سبوح قدوس رب الملائکة و الروح
سبقت رحمتک غضبک لا اله الا انت انی ظلمت نفسی فاغفر لی و ارحمنی
انک انت التواب الرحیم الغفور و از حضرت صادق ع منقولست
که هر وقت که از پهلو بپهلوی دیگر بگردد الحمد لله و الله اکبر بگوید و از حضرت
امام علی نقی صلوات الله علیه منقولست که چون در میان شب بیدار شود و از پهلو

بپهلوی دیگر بگردد بگوید لا اِلٰهَ اِلّا اللّٰه الحَیُّ القیّومُ وَهُوَ علیٰ کُلِّ شیءٍ قدیرٌ
سُبحانَ اللّٰهِ رَبِّ العالَمینَ وَاِلٰهَ المُرسَلینَ وَسُبحانَ اللّٰهِ رَبِّ السَّمواتِ
السَّبعِ وَما فیهِنَّ وَرَبِّ الاَرَضینَ السَّبعِ وَما فیهِنَّ وَرَبِّ العَرشِ العَظیمِ
وَسَلامٌ عَلَی المُرسَلینَ وَالحَمدُ لِلّٰهِ رَبِّ العالَمینَ و در روایت دیگر
وارد شده است که چون از خواب برخیزد بگوید اَلحَمدُ لِلّٰهِ الَّذی رَدَّ عَلَیَّ
رُوحی لِاَحمَدَهُ وَاَعبُدَهُ و دعای نظر کردن در عقیق و ادراک انگشتر بدست
کردن گذشت و سایر دعاهای این باب چون از مقدمات نماز شب است
انشاء الله در کتاب عبادات بیان خواهد شد با سایر دعاهای وقت خواب
و این رساله گنجایش زیاده از این نداشت **فصل نهم از باب هشتم** در سبب خواب است
و دروغ و تعبیر خواب در حدیث معتبر منقولست که از حضرت امام جعفر صادق ع
پرسیدند که چه سبب دارد که مؤمن گاهی خواب می بیند و چنان میشود که دیده است
و گاهی خواب می بیند و اثری از آن ظاهر نمیشود فرمود که چون مؤمن بخواب میرود
روحش بجانب آسمان حرکت میکند پس آنچه روح مؤمن در ملکوت آسمان می بیند
در محل تقدیر و تدبیر آن حق است و اثرش ظاهر میشود و آنچه در زمین و هوا می بیند
خواب پریشانست راوی پرسید که آیا روحش همه باسمان میرود و هیچ در
بدن نمیماند فرمود که اگر چنین باشد خواهد مرد بلکه از بابت آفتابست که در آسمانست

دروشنی و شعاعش در زمین است همچنین روح اصلش در بدن است و پرتوی
از آن او باسمان حرکت میکند و در روایت دیگر از حضرت امیر المؤمنین ع
منقولست که هر مؤمنی که بخواب میرود روح او را بنزد عرش پروردگار او
می برند پس آنچه در آنجا می بیند حق است و آنچه در وقت برگردانیدن در هوا می بیند
خواب پریشانست و بر این مضمون احادیث بسیار است و در حدیث معتبر از
حضرت امام محمد باقر ع منقولست که شیطانی هست که او را هزع میگویند در هر
شب از مشرق تا مغرب را پر میکند از بدن خود و بخواب مردم می آید و باین
سبب مردم خوابهای پریشان می بینند و در روایت دیگر مرویست که دو نصرانی
بنزد ابوبکر آمدند و از مسئله چند سؤال کردند و او عاجز شد پس حضرت
امیر المؤمنین صلوات الله علیه ایشان را جواب گفت از جمله آنها آن بود که
پرسیدند که خواب راست و دروغ چه سبب دارد فرمود که حق تعالی روح را
کرده است و برای او سلطانی مقرر ساخته است و سلطان او نفس است چون
آدمی بخواب میرود روح بیرون میرود و سلطانش در بدن میماند پس روح میگذرد
بگروهی چند از ملئکه و گروهی چند از جن پس هر چه خواب راستست از ملئکه است
و هر چه خواب دروغست از جن است و در روایت دیگر منقولست که خوابهای
مؤمن صحیح می باشد زیرا که نفسش پاکیزه و یقینش درست است و چون روحش بدر میرود

با ملائکه ملاقات میکند پس خواب او بمنزله وحی است و در حدیث دیگر منقولست
که وحی بعد از حضرت رسول ص منقطع شد اما خوابهای بشارت دهنده هست
و در حدیث وارد است که خوابهای راست یک جزو از هفتاد جزو از پیغمبریست دیگر
و در حدیث حسن از حضرت صادق ع منقولست که رای مؤمن و خواب او در
آخر الزمان بر هفتاد جزو از اجزای پیغمبریست و در حدیث صحیح از حضرت امام
رضا ع منقولست که چون صبح میشد حضرت رسول ص با اصحاب خود میگفت
که آیا کسی خواب بشارت دهنده دیده است و در حدیث معتبر دیگر از حضرت
امام محمد باقر ع منقولست که شخصی از حضرت رسول ص سؤال کرد از تفسیر این آیه
کریمه الَّذِینَ آمَنُوا وَکَانُوا یَتَّقُونَ لَهُمُ الْبُشْرَیٰ فِی الْحَیٰوةِ الدُّنْیَا وَفِی الْآخِرَةِ
یعنی آنکسانی که ایمان آوردند و پرهیزکار بودند ایشان را بشارت هست در زندگانی
دنیا و در آخرت حضرت فرمود که بشارت زندگانی دنیا خوابهای نیکوست که
مؤمن در دنیا می‌بیند و بآن بشارت می‌یابد و شاد میشود و در حدیث حسن از
حضرت صادق ع منقولست که خواب بر سه قسم است اول بشارت خدا از برای
مؤمن دویم ترسانیدن شیطان سیم خوابهای پریشان و در حدیث معتبر دیگر
فرمود که خوابهای دروغ که اثرش ظاهر نمیشود آن خوابهاییست که در اول شب
دیده میشود که وقت سلطنت و استیلای شیاطین متمرد است و آنها خیالی است که

که نزد

١٣٥

نزد او صورت میدهند شیاطین و اصلی ندارد و اما خوابهای راست آن خوابی
چند است که در ثلث آخر شب دیده میشود که آن وقت نزول ملائکه است وقت
سحر و آن خواب راست می‌باشد و تخلف نمیکند مگر آنکه جنب خوابیده باشد یا
بی وضو یا آنچه سزاوار است از ذکر و یاد خدا بجا نیاورده باشد پیش از خواب
که اگر با این حالات خوابیده باشد خوابش یا بعمل نمی‌آید یا دیر بعمل می‌آید
و از حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام منقولست که رسول خدا ص فرمود که
هر که مرا در خواب ببیند چنانست که مرا دیده است در بیداری زیرا که
شیطان متمثل نمیتواند شد بصورت من و نه بصورت یکی از اوصیای من و نه
بصورت یکی از شیعیان خالص ایشان و بدرستی که خوابهای راست یک جزو
از هفتاد جزو از پیغمبریست و از حضرت رسول ص منقولست که در آخر الزمان
خواب مؤمن دروغ نمیشود و هر که راست گوتر است خوابش درست تر است
و تحقیق این مقام آنست که چون حق سبحانه و تعالی روح مؤمن را از عالم قدس خلق
کرده است و او را ارتباطی بارواح انبیا و اوصیا علیهم السلام داده است و در عالم
ارواح با ایشان محشور بوده است چنانچه در احادیث بسیار وارد شده است
که ارواح لشکرهای مجتمع بودند فوج فوج در عالم بدن ارواح پس ارواحی
که در آن عالم آشنای یکدیگر بودند در عالم بدن هم آشنا میشوند و آنچه در آن عالم

حبابی و نخوت داشتند در این عالم نیز یکدیگر را نمیشناسند و از یکدیگر نفرت
مینمایند و چون بحسب مصالح غیر متناهیه آن ارواح مقدسه را در زندان
بدنهای کثیف ظلمانی محبوس گردانیده اند و بانواع تعلقات جسمانی و شهوات
نفسانی و خیالات شیطانی مبتلا ساخته اند باین سبب او را از عالم قدس بعدی
و غفلتی رو داده اما اشخاص را در این باب اختلاف بسیار است جمعی که مقربان
درگاه الهی اند ارواح ایشان بملأ اعلی در آویخته و این تعلقات جسمانی ایشان را
از آنعالم دور نینداخته است بلکه ببدن با مردم محشور نه و ارواح ایشان
پیوسته با قدسیان ملأ اعلی مشغول مکالمه و محادثه اند و پیوسته روح
القدس با ایشان مشغول راز و نیاز است و افاضات ربانی علی الدوام بر
ارواح ایشان فایض است و جمعی هستند از اشقیا که بالکلیه آنعالم را فراموش
کرده اند و بغیر این نشأه فانیه و لذات دنیه چیزی بخاطر نمیگذرانند جمعی
جمعی از ایشان از کثرت شقاوت و ضلالت نشأه دیگر غیر این نشأه را باور
نمیکنند و پیغمبران در معاد تکذیب مینمایند اینها از مهر بر دیده و گوش و دل
ایشان زده اند و راههای خیر و سعادت را بر ایشان بسته اند و جمعی دیگر
هستند که با وجود تشبث باین علایق دنیه دست از تحصیل مراتب علیه بر نداشته
اند و در مقام نفس لوامه خود را داشته اند گاهی گوش دل بشیطان میدهند و گاهی

از

از ملک نصیحت میشنوند زمانی با واعظان و راهنمایان بشر محشور اند و زمانی
با شیطان انس مشغول فسق و فجور اند گاه بلوث گناه خود را می آلایند و گاه
بآب تضرع و توبه خود را تطهیر مینمایند اما جماعت اول چون روح ایشان را
باعتبار اشتغال و تعلقات و خطایا و سیئات بعدی عظیم از جناب قاضی
الحاجات انبیا و ائمه و ملائکه سموات بهم رسیده در وقت خواب که نفس را
از اشتغال بدنی فی الجمله فراغی حاصل شد و خیالات فاسده که از راه روزنهای
مشاعر بدنی بر او داخل میشد مسدود گردید فی الجمله او را آشنایان قدیم
بیاد می آید و با دوستان روحانی طرح اختلاط می اندازد و با ایشان صورت
و معنی عروج مینماید و با روحانیان و قدسیان همزبان میگردد اما در اول شب
چون پاره از صور خیالات بیداری در ضمیرش حاضر است هنوز در هوای
تعلقات خود پرواز میکند و ربطش بآنعالم ناقص است پس باین علت شیاطین
بر او مستولی میشوند و خیالات و علایق باطله او را بصورتهای گوناگون بنظر
او در می آورند و هر چند از اول شب دورتر میشود و نقش خیالات بیداری
بیشتر محو میشود پرواز او بعالم بالا رساتر میشود تا آنکه چون وقت سحر میشود
از ما بین زمین و آسمان و زمین و هواها و خواهشهای رنگین بدن
رفته و بر عرش الهی بصحبت مقربان فایز گردیده استیلای شیاطین ضعیف میشود

ولطف ربانی ملئکهٔ اسمانی را برای تنبیه غافلان وبیدار کردن خواب غفلت
ربودکان ودور کردن عساکر شیاطین وجنیان فرو می فرستد لهذا در
آنوقت خوابهای رحمانی وافاضات سبحانی برارواح مؤمنان فایض میشود
وایشانرا برای نماز وتضرع وزاری وتوبه وپشیمانی آنچه در روز بغفلت کرده اند
بیدار میکنند وباین سبب نماز شب را در آنوقت مقرر ساخته اند وآیهٔ کریمهٔ
إِنَّ نَاشِئَةَ اللَّيْلِ هِيَ أَشَدُّ وَطْئًا وَأَقْوَمُ قِيلًا درشانش فرستاده اند
که حاصل مضمونش آنست که عبادتی که در شب کرده میشود موافقت دل با زبان
دران بیشتر است وگفتار درآن درست تر است پس زهی سعادتمندی که
قدر آنوقت را بداند واندازهٔ آن نعمتهای بی اندازه آن نعمتهای بی اندازه را
بشناسد وملئکهٔ روحانی را بردفع وساوس شیطانی یاور خود کرداند
وروح مقدس خود را از آلودکیهای تعلقات دنیه پاک کردانیده بساحت
قرب پروردکار خود سازند ودر آنوقت مبارک که هنکام راز ونیاز
مقربانست باخداوند بی نیاز خود را هم آواز ایشان کرداند وقدری قدر
خود را بداند واندکی اصل خود را بیاد آورد وان جوهر قدسی را بهای کم نفروشد
وآن طایر عرشی را در قفص علایق محبوس نکرداند وفقنا الله تعم وسایر
المؤمنین لسلوک مسالک المقربین وللتنبه عن نوم الغافلین وبذکه

چون

چون این پردهای رنکارنک تعلقات جسمانی وشیشهای الوان زینتهای
دنیوی در وقت خواب در پیش دیدهٔ دل آویخته است وبا وجود عروج بمراتب
علیه باز بصیرتش با این خیالات آمیخته است لهذا در خواب چیزها بصورتها
دیکر دیده میشود وهر چیز را باعتبار مناسبات شکلها وصورتها هست
که در کلام الهی وسخنان انبیا واوصیا برای عقلهای ضعیف وبصیرتها
مؤف محبوسان سرای غرور بآنها اشارت زده اند چون ایشان خود را از معقولات
معزول ساخته مدار ایشان بر محسوسات است لهذا معقولات را در لباس
محسوسات بایشان مینمایند چنانچه فرموده اند که دنیا مانند ماراست که خط وخال
نیکو دارد وطفل نادان بآن فریفته میشود ودر میانش زهر کشنده هست وچنانچه
علم که باعث حیوة دلهاست تشبیه کرده اند باب که باعث حیوة دلهاست تشبیه کرده اند
باب که باعث حیوة بدنهاست وچنانچه سبزی زمین بابست سرسبزی دلها بعلم است
وچنانچه سبزی زمین بابست علم را بار دیکر بنور آفتاب وچراغ تشبیه کرده اند
زیرا که نور تاریکیهای ظاهر را برطرف میکند وعلم ظلمتهای شکوک وشبهات و
حیرتهای جهالات وضلالات را زایل میکند وکلام حق تعم وانبیا واوصیا باین امثال
مشحونست وسرش همانست که مذکور شد لهذا در عالم خواب نیز باعتبار ضعف بصیرت
ایشان هر چیز بصورتی نموده میشود وباین سبب خواب محتاج بتعبیری می باشد وکاه

تعبیر کننده آنست که از آن صورتها بدی صورت منتقل میشود چنانچه کسی در خواب
می بیند که در میان فضله افتاده است یا دستش بفضله آلوده شده است معبر
میداند که این صورت دنیاست که در پیش مردم آگاه از فضله و جیفه گندیده تراست
میداند که مالی بدست او می آید یا می بیند که ماری متوجه اوست مالی رو باو میکند
یا می بیند که در میان آبیست علی او را و میدهد و این علمیست عظیم و مخصوص انبیا
و اوصیاست و معجزه حضرت یوسف تعبیر خواب بود و تحقیق این مقام محتاج بسطی
هست که این رساله گنجایش آن ندارد انشاء الله در کتب دیگر که در خاطر است اگر
خدا خواهد بر وجه کامل مذکور شود و در حدیث صحیح از حضرت امام رضا ع
منقولست که فرمود که بسیار است که خوابی می بینیم و تعبیر خواب برای خود میکنیم
و خواب بهمان نحو که تعبیر میکنند واقع میشود و در حدیث معتبر دیگر فرمود
که زنی در زمان حضرت رسول الله ص شوهرش در سفر بود بخواب دید که ستون
خانه اش شکست بحضرت عرض کرد حضرت فرمود که شوهرت می آید بسلامت
پس چنان شد بار دیگر شوهرش بسفر رفت او چنین خوابی دید و حضرت چنان
تعبیر فرمود و شوهرش آمد باز مرتبه دیگر شوهرش بسفر رفت و او چنین خوابی
دید بمردم شومی برخورد و این خواب را نقل کرد او گفت که شوهرت میمیرد چنان
شد این خبر بآنحضرت رسید فرمود که چرا تعبیر خوب برای او نکرد و از حضرت

امام محمد باقر علیه السلام منقولست که حضرت رسول ص میفرمود که خواب مؤمن در میان
آسمان و زمین بر بالای سرش پرواز میکند تا آنکه خود از برای خود تعبیر کند یا
دیگری برای او تعبیر کند پس بآن نحو که تعبیر کردند واقع میشد پس خواب خود را
نقل مکنید مگر برای شخصی که عاقل باشد و در حدیث معتبر دیگر از آنحضرت منقولست
که خواب را نقل نمی باید کرد مگر برای مؤمنی که خالی باشد از حسد و عداوت و طغیان
و در حدیث حسن منقولست که شخصی بخدمت حضرت صادق ع آمد و گفت
خواب دیدم که آفتاب بر سرم تابیده بود بر بدنم حضرت فرمود که نور ساطع
و دین شاملی بتو خواهد رسید اگر همه تو را فرا میگرفت در دین حق غوطه میخوردی
آنشخص گفت که دیگران بپادشاهی تاویل میکنند حضرت فرمود که کدام یک از پدران
تو پادشاه بوده اند که تو این خیال میکنی و کدام پادشاهی بهتر است از دین حق که با آن
امید بهشت میرسانی و در روایت معتبر دیگر منقولست که محمد بن مسلم بخدمت
آنحضرت عرض کرد که خواب دیدم که داخل خانه ام شدم زنم آمد و گردکان بسیاری شکست
و بر سر من ریخت حضرت فرمود که متعه خواهی کرد و زنت مطلع خواهد شد
و رختهای تو که پوشیده باشی بر بدنت پاره پاره خواهد کرد زیرا که پوست
گردکان بمنزله جامه آنست محمد بن مسلم گفت که چون صبح جمعه شد رختهای
نو که در عیدها می پوشیدم در بر کردم و در خانه نشستم دختری گذشت او را

طلبیدم و بخانه بردم و متعرض گردم زنم مطلع شد و آمد بر سر ما و آن دختر گریخت
و من در خانه ماندم رختهای نوم پاره پاره کرد ومنقولست که شخصی دیگر با آنحضرت
عرض کرد که خوابی دیده ام و بسیار میترسم دامادی داشتم که مرده است خواب دیدم
که دست در گردن من کرد و میترسم که بمیرم حضرت فرمود که انتظار مرگ بکش
هر صبح و شام و از مرگ گریزان مباش اما معانقه مردگان با زندگان علامت طول عمر است
بگو که داماد تو چه نام داشت گفت حسین فرمود که زیارت حضرت امام حسین
ترا نصیب خواهد شد زیرا که هر که معانقه با همنام آنحضرت در خواب میکند
توفیق زیارت آنحضرت می یابد ودر حدیث صحیح از آنحضرت منقولست که هر که
در خواب ببیند که در حرم است اگر ترسان باشد ایمن گردد و شخص دیگر با آنحضرت
عرض کرد که خواب دیدم که چون نیزه در دست داشتم فرمود که آهنی بر سر آن بود گفت
نه فرمود که اگر آهن میداشت خدا ترا پسری میداد چون آهن نداشته است
خدا ترا دختری خواهد داد پس ساعتی صبر کردند بعد از آن پرسیدند که آن
نیزه چند بند داشت گفت دوازده بند فرمود که دوازده دختر هم خواهی رسانید
محمد بن یحیی میگوید که من این حدیث را بشخصی نقل کردم او گفت که من فرزند یکی از آن
دخترهایم و یازده خاله دارم ودر حدیث صحیح منقولست که حضرت امام رضا
ع فرمود که من دیشب مولای علی بن یقطین را در خواب دیدم که در میان دو چشمش

سفیدی

سفیدی بود چنین تعبیر کردم که بدین حق در خواهد آمد ودر حدیث دیگر
منقولست که یاسر خادم بخدمت حضرت امام رضا ع عرض کرد که در خواب دیدم که
هفده شیشه در میان قفسی بود ناگاه آن قفس افتاد و شیشه ها شکست حضرت
فرمود که اگر خوابت راستست می باید شخصی از اهل بیت و خویشان من هفده روز
پادشاه شود و بعد از آن بمیرد پس محمد بن ابرهیم در کوفه با ابو السرایا خروج کرد و
بعد از هفده روز مرد ودر روایت دیگر منقولست که حضرت رسول ص فرمود
که در خواب دیدم که قدحی از شیر بدست من دادند و آنقدر خوردم که دیدم از
میان ناخنهایم بیرون می آمد پرسیدند که بچه چیز تعبیر کردید فرمود که بعلم ودر
حدیث دیگر منقولست که شخصی بخدمت حضرت صادق ع عرض کرد که خواب دیدم
که از شهر کوفه بیرون رفتم بموضع معروفی در آنجا شخصی از چوب دیدم که بر اسب چوبی
سوار بود و شمشیری در دست داشت و حرکت میداد و من او را مشاهده میکردم
و میترسیدم حضرت فرمود که دلالت بر این میکند که تو میخواهی بفریبی شخصی را
از روزی خود برآوری از خدا بترس و مرگ را یاد آور و چنین مکن آن شخص گفت
گواهی میدهم که خدا علم عظیم بتو داده است و علم را از معدنش اخذ کرده بدرستی که
شخصی از همسایگان من بنزد من آمد و گفت مزرعه دارم و بتو میخواهم بفروشم
من چون دیدم که مشتری دیگر بغیر از من ندارد در خاطر گذرانیدم و عزم کردم که

بقیمت بسیار ارزانی از او بخرم **فصل دهم** در آداب بیداری و مذمت
خواب بسیار از حضرت رسول صلعم منقولست که سخن گفتن و صحبت داشتن بعد از
نماز خفتن مکروه است و در حدیث معتبر دیگر از آنحضرت منقولست که شب بیداری
داشتن خوب نیست مگر در سه چیز در نماز شب کردن و قرآن خواندن در آن و در طلب
علم و برای عروسی که بخانه شوهرش برند و از حضرت صادق ع منقولست که پنج کسند
که بخواب نمیروند کسی که قصد کشتن کسی داشته باشد و کسی که مال بسیار داشته باشد
و امینی نداشته باشد که بر او اعتماد کند و کسی که در میان مردم دروغ و بهتان
بسیار گفته باشد و کسی که مال بسیاری از او خواهند و مال نداشته باشد و کسی که
محبوبی را خواهد و ترسد که از او جدا شود و پدرم علیه الرحمة والرضوان میفرمود
که ممکنست که این تنبیهی باشد مردمی را که خواب غفلت بسیار میکنند زیرا که
همه کس می باید در پی کشتن نفس اماره خود باشد که دشمن اندرونیست و پیوسته
در پی کشتن اینکس است و سرمایه ایمان و طاعات که اینکس دارد امینی ندارد و نفس
و شیطان و هواها و شهوات همه اتفاق کرده اند بر غارت آنها و دروغ و بهتان
بسیار گفته است هر کس و از همه کس طاعات و بندگی بسیار میخواهند و آنچه باید
تحصیل نکرده اند و چون خدا محبوبی دارند و بخواب غفلت قرب او را از دست
میدهند پس کسی که این همه اسباب بیداری در او باشد چگونه خواب کند و از حضرت

صادق علیه السلم منقولست که عجب دارم از کسی که دعوای محبت الهی میکند و شبها
خواب میکند و از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه منقولست که هر که
از شبیخون عذاب خدا ترسد باید که کم خواب کند و منقولست که چهار چیز
هست که کمش بسیار است آتش و خواب و بیماری و دشمنی و از حضرت رسول
منقولست که مادر حضرت سلیمن ع باو میگفت که زنهار که در شب خواب بسیار مکن
که بسیاری خواب شب آدمی را در قیامت فقیر میگرداند و حضرت صادق ع
فرمود که سه چیز را خدا دشمن میدارد خواب کردن بی آنکه بیداری کشیده باشد
و خنده کردن بی تعجبی و با سیری چیزی خوردن و فرمود که اول معصیتی که خدا را
کردند بشش چیز بود محبت دنیا و محبت ریاست و محبت طعام و محبت زنان
و محبت خواب و محبت راحت و از حضرت امام محمد باقر ع منقولست که شیطان را
سرمه ایست که در دیدهای مردم میکشد و لعوقی هست که در حلق مردم میکند
و سعوطی است که در بینی مردم میچکاند سرمه اش پینکی است و لعوقش دروغ است
و سعوطش تکبر است و حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه فرمود که
مستی چهار است مستی شراب و مستی مال و مستی خواب و مستی پادشاهی و از
حضرت امام محمد باقر ع منقولست که حضرت موسی ع مناجات کرد که پروردگارا
کدام یک از بندگان خود را بیشتر دشمن میداری خطاب رسید که آنکسی که شب

تا صباح مانند مردار افتاده است و روز را ببطالت بشب میرساند
و از حضرت امام موسیٰ منقولست که دیده خود را بخواب عادت مده که هیچ
عضوی در بدن شکر خدا کمتر از دیده نمیکند و حضرت صادق فرمود
که خدا دشمن میدارد بسیاری خواب کردن و بسیاری فارغ بودن را و فرمود
که بسیاری خواب دنیا و آخرت را می برد و بدانکه بسیاری بیداری کشیدن
هم مذموم است و در غیر شبهایی که بخصوص احیای آنها وارد شده است تمام
شب بیدار بودن کراهت دارد و در اخبار وارد شده است که دیده را بر آدمی
حقی هست ببسیاری بیداری حق او ضایع نباید کرد و بدانکه در خواب و
بیداری رو بآفتاب خوابیدن و نشستن کراهت دارد چنانچه از حضرت امیر
المؤمنین صلوات الله علیه منقولست که کسی که در آفتاب نشیند پشت را
بآفتاب کند که رو بآفتاب نشستن دردهای پنهانی را ظاهر میگرداند و در
حدیث دیگر فرمود که رو بآفتاب مکنید که مورث هیجان بخار است و رو را
متغیر میکند و جامه را کهنه میکند و دردهای اندرونی از آن بظهور می آید
و از حضرت رسول بسند معتبر منقولست که در آفتاب چهار خصلت هست
رنگ را متغیر میکند و این کس را بدبو میکند و جامه را کهنه میکند و باعث دردها
میشود فصل یازدهم از باب نهم در آداب بیت الخلاء چون خواهد که داخل بیت الخلاء

شود

شود سر را بپوشاند و اگر در بالای عمامه چیزی دیگر بر سر گیرد بهتر است و
بسم الله بگوید و دعا بخواند باین عنوان بِسْمِ اللهِ وَبِاللهِ اللّٰهُمَّ اِنّی اَعُوذُ
بِكَ مِنَ الْخَبِيثِ الْمُخْبِثِ الرِّجْسِ النَّجِسِ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ و دیگر بگوید بِسْمِ اللهِ
وَبِاللهِ وَلَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ رَبِّ اَخْرِجْ عَنِّی الْاَذیٰ سُرُحًا بِغَيْرِ حِسَابٍ وَاجْعَلْنِی
لَكَ مِنَ الشَّاكِرِينَ فِيمَا تَصْرِفُهُ عَنِّی مِنَ الْاَذیٰ وَالْغَمِّ الَّذِی لَوْ حَبَسْتَهُ
عَنِّی هَلَكْتُ لَكَ الْحَمْدُ اَعْصِمْنِی مِنْ شَرِّ مَا فِی هٰذِهِ الْبُقْعَةِ وَاَخْرِجْنِی مِنْهَا
سَالِمًا وَحُلْ بَيْنِی وَبَيْنَ طَاعَةِ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ و چون داخل شود پای چپ را
مقدم دارد بنا بر مشهور و حدیثش بنظر نرسیده است و چون عورتش
باز شود بسم الله بگوید تا شیطان چشم برهم نهد و نظرش بعورت او نیفتد
و چون درست بنشیند بگوید اللّٰهُمَّ اَذْهِبْ عَنِّی الْقَذیٰ وَالْاَذیٰ وَاجْعَلْنِی
مِنَ الْمُتَطَهِّرِينَ و جمعی گفته اند که سنت است که تکیه بر پای چپ کند و
پای راست را گشاده گذارد و مستندش بنظر نرسیده است و چون غایط یا بول
بدشواری بیرون آید و بعضی گفته اند مطلقا این دعا بخواند اللّٰهُمَّ كَمَا اَطْعَمْتَنِيهِ
طَيِّبًا فِی عَافِيَةٍ فَاَخْرِجْهُ مِنِّی خَبِيثًا فِی عَافِيَةٍ و در حدیثست که بر هر بنده
فرشته موکلست که سر او را بزیر می اندازد در بیت الخلاء که نظر بحدث خود کند
پس آن فرشته میگوید که ای فرزند آدم این عاقبت خورشهای تست که سعی بسیار

وبا کین کی اینها کرد میکردی بس فکر کن که از کجا بهم رسانیدی و عاقبت بکجا رسید
بس سزاوار آنست که در آن حال بنده این دعا بخواند اللهم ارزقنی الحلال
وجنبنی الحرام و چون نظرش بآب استنجا افتد بگوید الحمد لله الذی
جعل الماء طهوراً ولم یجعله نجساً و چون خواهد که استنجا کند بگوید
اللهم حصن فرجی واستر عورتی وحرمنی علی النار ووفقنی لما
یقربنی منک یا ذا الجلال والاکرام و چون برخیزد دست بر شکمش بمالد
وبگوید الحمد لله الذی هنأنی طعامی وشرابی وعافانی من البلوی و چون
خواهد که بیرون آید پای راست را مقدم دارد بنا بر مشهور و دست
بر شکمش بمالد و بگوید الحمد لله الذی عرفنی لذته وابقی فی جسدی
قوته واخرج عنی اذاه یا لها من نعمة لا یقدر القادرون قدرها
و در بعضی از کتب حدیث یا لها نعمة سه مرتبه وارد شده است و سنت است
که بعد از انقطاع قطرات بول استبرا کند و بعضی استبرا را واجب میدانند
و طریق استبرا آنست که انگشت میان دست چپ را نزدیک مقعد گذاشته
بقوت بکشد تا زیر خصیتین سه مرتبه پس انگشت شهادت را زیر ذکر
گذارد و انگشت مهین را بر بالای آن و بقوت بکشد تا سر ذکر سه مرتبه و اکثر
علما گفته اند که سر ذکر را سه مرتبه بفشارد و این مستندی ندارد و سنت است

استنجا

استنجا بآب سرد کردن که دفع بواسیر میکند و بسیار نشستن در بیت الخلاء
مکروهست و منقولست که حضرت لقمان فرمود که بر در بیت الخلاءها
نوشتند که بسیار نشستن در بیت الخلاء باعث بواسیر میشود و استنجا باستخوان
و سرگین کردن مکروهست زیرا که اجنه بخدمت حضرت رسول آمدند
و از برای خود و حیوانات خود طعامی طلبیدند حضرت استخوان را برای ایشان
و سرگین را برای حیوانات ایشان قرار داد و باین سبب استخوان را پاک کردن
خوب نیست و همچنین استنجا بسایر مطعومات کردن خصوصا نان کراهت
شدید دارد و استنجا بجزهای محترم مثل تربت حضرت امام حسین
صلوات الله علیه و نوشته که در آن قرآن یا نام خدا یا نام پیغمبران یا ائمه
صلوات الله علیهم یا حدیث یا فقه بوده باشد حرام است و اگر بر وجه
استخفاف کند کافر میشود و استنجا بدست راست کردن مطلقا مکروهست
و بدست چپ هم مکروهست در صورتی که در آن انگشتری باشد که در آن
اسم خدا باشد و الحاق کرده اند علما اسماء انبیا و ائمه معصومین صلوات الله
علیهم را هرگاه بقصد نام ایشان کنده باشند و مکروهست با خود بردن
بیت الخلاء چنین انگشتری را هر چند در انگشت نباشد و همچنین با خود
بردن قرآن و تعویذ و دعا و همچنین با خود بردن نقره مسکوک مگر آنکه در کیسه

باشد و مکروهست مسواک کردن در بیت الخلا که باعث کند دهانی میشود
و مکروهست حرف گفتن در آن حال مگر بذکر خدا و دعاهای مقرره و آیة الکرسی
و حمد الهی کردن و آنچه مؤذن میگوید از پی او گفتن چنانچه منقولست که حضرت
موسی در مناجات با خداوند خود گفت که حالتی چند بر من میگذرد که تو را از آن
بزرگتر میدانم که در آن احوال تو را یاد کنم فرمود که ای موسی در همه حال مرا یاد کن
که یاد من در همه حال نیکوست و واجبست رد سلام یا اگر اسم حضرت رسول صلعم را
بشنود صلوات بفرستد بنابر قول جمعی و سنت است که اگر عطسه کند حمد
بگوید و صلوات بفرستد و جایز است که اگر کاری با کسی داشته باشد و ترسد
که تا بیرون آمدن فوت شود و باشاره و دست زدن اعلام نتواند کرد سخن
بگوید و منقولست که هر که در بیت الخلا حرف بگوید حاجتش بر آورده نشود
و مکروهست خوردن و آشامیدن در حال بول و غایط و استنجا با بی کردن
که بویش متغیر شده باشد بغیر نجاست مگر آنکه آب دیگر یافت نشود ~

از باب هشتم
فصل دوازدهم در بیان احوال و اوضاع و مکانهایی که نهی از آنها وارد
شده است واجبست که عورت خود را از ناظر محترم بپوشاند نه از زن
و متعه خود و نه از کنیزی که وطی او تواند کرد و نه از اطفالی که تمیز نداشته باشند
و سایر حیوانات و عورت ذکر است و خصیتین و دبر و فرج زن و سنت است

که تمام بدن را بپوشاند با آنکه پنهان شود در خانه یا کوی و اگر در صحرا باشد
دور شود که کسی جثه او را نبیند و اکثر علما بر آنند که حرام است رو بقبله
کردن و پشت بقبله کردن در حالت بول و غایط خواه در صحرا باشد و خواه
در بنا و احوط اجتنابست چنانچه از حضرت امام رضا ع منقولست که
هر که برابر قبله بول کند از روی فراموشی پس بخاطرش آید و از برای تعظیم
و اجلال قبله بگردد بجانب دیگر از آنجا برنخیزد مگر آنکه حق تعالی او را بیامرزد
و احوط آنست که در حالت استنجا نیز رو و پشت بقبله نکند و سنت است
که رو بمشرق یا مغرب کند و احوط آنست که از ما بین مشرق و مغرب نیز اجتناب
کند و احوط آنست که اگر قبله را نداند سعی کند در معرفت قبله تا خاطر جمع کند
که رو و پشت بقبله نکرده است و اگر متعذر باشد باکی نیست و در این صورت
اگر پشت بقبله کند بهتر است و سنت است که از جهت بول بر جای بلندی
یا جایی که خاک بسیاری داشته باشد برود که خاطر جمع باشد که باو ترشح
نمیکند چنانچه منقولست که حضرت رسول صلعم از همه کس بیشتر احتراز از بول
میکردند تا آنکه هرگاه اراده بول میکردند بجای بلندی میرفتند یا جایی
که خاک نرم بسیاری بود که مبادا بول ترشح کند و در احادیث بسیار وارد
شده است که بیشتر عذاب قبر از سهل شمردن بول و از کج خلقی است و در آب بول

کردن مکروهست و در آب ایستاده بول کردن بدتر است و در احادیث
معتبره وارد شده است تجویز بول کردن در آب روان و وارد شده است
که در آب ایستاده بول کردن باعث تسلط اجنه و شیاطین میشود و مورث
دیوانگی و غلبه فراموشی است و بهتر آنست که غایط را هم در میان آب نکند
و ایستاده بول کردن مکروهست بل غایط را هم ایستاده کردن مکروهست
و از حضرت صادق علیه السلم منقولست که هر که ایستاده بول کند بیم آنست که
دیوانه شود و از جای بسیار بلند بزیر بول کردن مکروهست و مکروهست
بول کردن در سوراخ جانوران و بول غایط کردن در مجرای آب هرچند آب
نداشته باشد و همچنین در میان راهها و کنار آبها و در در مسجدها و نزدیک
بدیوارهای مسجدها و در در خانها و در جاهایی که بسبب آن مردم دشنام دهند
و لعنت کنند و در زیر درختان میوه دار در وقتی که میوه داشته باشد زیرا
که ملئکه در آن وقت با آن درختان می باشند که نگاه میدارند میوه را
از ضرر جانوران و بعضی گفته اند که در غیر وقت میوه هم مکروهست و در جاهایی
که مردم قافله فرود می آیند و جاهایی که مردمان از آن متأذی میشوند
حتی از بوی آن و در حدیث معتبر از حضرت رسول صلعم منقولست که حق تعم
لعنت کرده است کسی را که غایط کند در سایه که قافله در آنجا منزل میکنند و کسی

که منع

که منع کند مردم را از آب مباحی که در چاهها و چشمها مردم بنوبت بر آن
وارد میشوند یا آبی که ملک جماعتی باشد و هر روز یا هر شب نوبت شخصی باشد
صاحب نوبت را منع کنند و کسی که راه شارع مردم را سد کند بدیوار
کشیدن یا راه زنی کردن یا عشور گرفتن **باب نهم** در آداب حجامت
و تنقیه و خواص بعضی از ادویه و معالجه بعضی از امراض و ذکر بعضی از ادعیه
و احراز **فصل اول از باب نهم** در ثواب بیماری و صبر کردن بر آن و بیان شدت
ابتلای مؤمنان در حدیث صحیح از حضرت امام جعفر صادق ع منقولست
که روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله سر بجانب آسمان بلند کردند
و تبسم فرمودند صحابه از سبب آن سؤال کردند حضرت فرمود که تعجب
کردم از دو ملک که بزمین فرود آمدند و بنده صالحی مؤمن را در جای نمازش
نیافتند باسمان رفتند و گفتند پروردگارا فلان بنده تو را در جای
نمازش طلب کردیم او را نیافتیم و او در بند بیماریست حق تعم فرمود که
بنویسید برای بنده من مثل آنچه در حالت صحت از افعال خیر در شب و روز
میکرده است مادام که در بند منست و در حدیث معتبر دیگر از حضرت
رسول صلعم منقولست که چون بر مؤمن ضعیف پیری غالب شود حق تعم امر میفرماید
که آنچه در جوانی و قوت میکرده است برای او بنویسند و همچنین ملکی را موکل

میکرداند که برای مؤمن بیمار بنویسند آنچه در حال صحت میکرده است از کارهای خیر و از برای
کافر بیمار بنویسند آنچه در صحت از کارهای بد میکرده است و در حدیث حسن و غیر آن
از حضرت امام محمد باقر ع منقولست که بیداری یکشب از بیماری و درد بهتر است از
عبادت یکسال و در حدیث دیگر منقولست که حق تعالی ملک دست چپ را امر میفرماید
که در ایام بیماری گناه بر مؤمن ننویسد و در حدیث معتبر از حضرت امام محمد باقر
ع منقولست که بدنی که بیماری نکشد طغیان بهم میرساند و خیری نیست در چنین بدنی
و در حدیث دیگر فرمود یکشب تب برابر است با عبادت یکسال و دو شب تب برابر است
با عبادت دو سال و سه شب تب برابر است با عبادت هفتاد سال و از حضرت صادق
ع منقولست که یکشب تب کفاره گناهان گذشته و آینده است و در چند حدیث
معتبر از حضرت رسول ص منقولست که حق تعالی میفرماید که هر که سه شب بیماری بکشد
و با احدی از عیادت کنندگان شکایت نکند بدل میکنم برای او گوشتی بهتر از گوشت
او و خونی بهتر از خون او پس اگر او را عافیت دهم از گناهان پاک میکنم او را و اگر بمیرانم
بسوی رحمت خود میبرم او را و در احادیث معتبره از حضرت صادق ع منقولست که هر که
یکشب بیماری بکشد و قبول کند از آنچه شرط قبول کردنست با آنکه کسی را خبر نه دهد
از آنچه کشیده تا چون صبح شود خدا را شکر کند حق تعالی بفضل خود ثواب عبادت شصت سال
با و عطا فرماید و در حدیث حسن از آنحضرت منقولست که حد شکایت نه آنست که بگوید

که دیشب

که دیشب مرا خواب نبرد یا تب داشتم بلکه آنست که بگوید که بلایی مبتلا شده ام
که هیچکس با آن مبتلا نشده است و آنچه بمن رسیده بهیچ کس نرسیده است و مثل اینها
و در حدیث دیگر فرمود که تب رسول مرگست و زندان خداست در زمین و گرمیش
از جهنم است و بهره مؤمن از جهنم همین است و از حضرت علی بن الحسین صلوات
الله علیه منقولست که نیکو دردیست تب بهر عضوی میرساند بهره او از بلا و خیری
نیست در کسی که ببلا مبتلا نشود و در روایت دیگر وارد شده است که مؤمن چون
تب میکند گناهان از او میریزد مانند برگ از درخت و اگر بر رخت خواب بیفتد
ناله اش ثواب سبحان الله دارد و فریادش ثواب لا اله الا الله دارد و از پهلو به پهلو که میگردد
مانند کسی است که در راه خدا شمشیر زند و از حضرت امام رضا ع منقولست که بیماری
برای مؤمن پاک کننده اوست از گناهان و رحمت الهی است نسبت با او و از برای کافر
عذاب و لعنت است و فرمود که یکشب درد سر گناهی را بر طرف میکند مگر گناهان
کبیره و از حضرت صادق ع که چون حق تعالی بنده را دوست دارد یکی از تحفه برای
او میفرستد یا تب یا درد چشم یا درد سر و در احادیث معتبر بسیار وارد شده است
که بلای پیغمبران از همه کس شدیدتر است پس بعد از ایشان اوصیای ایشان پس بعد از اوصیا
هر که نیکوتر و فاضلتر است بلایش عظیمتر است و مؤمن بقدر ایمان و اعمال نیکش بلا باو
میرساند پس هر که ایمانش صحیحتر و عملش نیکوتر است بلایش بیشتر است و هر که ایمانش ضعیفتر

وعمل نیکش کمتر است بلایش کمتر است و در احادیث معتبره از حضرت صادق ع منقولست
که ثواب عظیم با بلای عظیم می باشد و هیچ گروهی را خدا دوست نمیدارد مگر آنکه ایشان را
مبتلا میگرداند و فرمود که حق تعالی را بندگان خالص هست که از آسمان هیچ تحفه بزمین
نمیفرستد مگر آنکه از ایشان میگرداند بسوی غیر ایشان و هیچ بلایی نمیفرستد
مگر آنکه میگرداند از دیگران بسوی ایشان و بروایت معتبره دیگر از حضرت
امام محمد باقر ع منقولست که چون حق تعالی بنده را دوست داشت غوطه میدهد او را
در بلا غوطه دادنی و میریزد بر او بلا را ریختنی پس اگر خدا را برای دفع آن بلا
بخواند حق تعالی میفرماید لبیک ای بنده من اگر من زود بتو بدهم آنچه طلبیدی
قادرم بر آن واگر ذخیره کنم برای روز جزا بهتر است از برای تو و در حدیث حسن
از حضرت صادق ع منقولست که مؤمن چهل شب بر او نمیگذرد مگر آنکه او را
امری رو میدهد که اندوهگین شود و بسبب آن متذکر و آگاه گردد و در حدیث
صحیح از آنحضرت منقولست که در بهشت منزلتی هست که هیچکس باو منزلت نمیرسد
مگر بآنکه بلایی ببدن او برسد و فرمود که اگر مؤمن بداند که در مصیبتها چه ثواب
برای او هست هر آینه آرزو کند که بدنش را از مقراض پاره پاره کنند و حضرت
امام محمد باقر ع فرمود که خداوند عالمیان یاد میکند مؤمن را بتحفه بلا چنانچه
کسی از سفر تحفه برای اهل خود بفرستد و او را پرهیز میفرماید از دنیا چنانچه

طبیب بیمار را پرهیز میفرماید از چیزهائی که باو میرساند و از حضرت صادق ع ضرر
منقولست که شخصی حضرت رسول ص را بخانه خود طلبید چون حضرت داخل خانه
او شدند دیدند که مرغی بر بالای دیوار تخم کرد و آن تخم افتاد و بر روی میخی که در میان
دیوار بود بند شد و نیفتاد و نشکست حضرت تعجب فرمودند آنشخص گفت که
از این تعجب میفرمایید بحق آن خداوندی که ترا براستی فرستاده است که هرگز
نقصانی بمن نرسیده است حضرت برخاستند و طعام او را تناول نفرمودند و گفتند
که هر که نقصانی باو نرسد امید خیر در او نیست و در حدیث دیگر فرمود که خدا
مؤمن را بهر بلایی مبتلا میکند و بهر مرگی او را میمیراند اما عقلش را بر طرف نمیکند
نمیبینی که شیطان بر مال و فرزندان و اهل حضرت ایوب مسلط شد و بر عقلش مسلط
نشد که بآن عقل خدا را بیگانگی بشناسد و در حدیث حسن دیگر فرمود که حق تعالی
میفرماید که نه آن بود که مؤمن در دل خود چیزی می یافت هر آینه عصابه بر سر کافری
بستم که هرگز درد سر باو نرسد **فصل دویم** از باب ۹ در فضیلت و آداب حجامت
بسند صحیح از حضرت صادق ع منقولست که دوا چهار چیز است حجامت و دوا
در بینی چکانیدن و حقنه کردن و قی کردن و در حدیث دیگر منقولست که آنحضرت
گذشتند بر جماعتی که حجامت میکردند فرمودند که چه میشد شما را اگر تاخیر
میکردند تا پسین روز یکشنبه که درد را بیشتر از بدن میکشد و در حدیث دیگر

فرمود که حضرت رسول ص در روز دوشنبه حجامت کردند و باجرت حجام گندمی
دادند و در حدیث دیگر فرمود که حضرت رسول ص روز دوشنبه بعد از عصر حجامت
میکردند و فرمود که حجامت کردن در آخر روز دوشنبه درد را از بدن میکشد
کشیدنی و در روایت دیگر منقولست که شخصی دید که حضرت امام موسی ع
در روز جمعه حجامت میکردند گفت فدای تو شوم در روز جمعه حجامت میکنی
حضرت فرمود که هرگاه خون زیادتی کند بر تو خواه در شب و خواه در روز
آیة الکرسی بخوان و حجامت بکن و از حضرت رسول ص منقولست که هرکه حجامت
کند در روز سه شنبه هفدهم یا چهاردهم یا بیست و یکم ماه او را شفا دهد
از دردهای سال هم و شفا بخشد او را از درد سر و درد دندان و دیوانگی
و خوره و پیسی و در روایت دیگر منقولست که شخصی دید که حضرت امام علی نقی
صلوات الله علیه در روز چهارشنبه حجامت میکردند گفت که اهل مکه و مدینه
از حضرت رسول ص روایت میکنند که هرکه در روز چهارشنبه حجامت کند و
پیس شود ملامت نکند مگر خود را فرمود که دروغ میگویند کسی پیس میشود که
که مادرش در حیض با او حامله شده باشد و از حضرت صادق ع منقولست
که هرکه خواهد که حجامت کند باید که در روز پنجشنبه حجامت کند بدرستی که
در هر پیشین جمعه خون از جای خود حرکت میکند از ترس قیامت و بجای خود

بر نمیگردد تا صبح روز پنجشنبه و فرمود که هرکه حجامت کند در پنجشنبه آخر ماه
در اول روز دردها را از بدنش بکشد و در حدیث دیگر فرمود که چون حجامت
کنی و خون از محل حجامت بیرون آید پس بگو پیش از آنکه محجمه را بریزند بسم الله
اَعُوذُ بِاللهِ الْکَرِیمِ فِی حِجَامَتِی هٰذِهِ مِنَ الْعَیْنِ فِی الدَّمِ وَمِنْ کُلِّ سُوْءٍ و در
حدیث دیگر فرمود که حضرت رسول ص حجامت در سر و در میان هر دو کتف
و در پشت گردن میکردند یکی را نافعه می نامیدند و دیگری را مغیثه یعنی بفریاد
رسنده و سیم را منقذه یعنی خلاص کننده از بلاها و در روایت دیگر فرمود
که منقذه آنست که از سر بینی بتر کنی بجانب بالا و بهر جای سر که برسد در آنجا
حجامت کنی و در روایت معتبر منقولست که حضرت امام موسی ع در روز
چهارشنبه حجامت کردند و تب برطرف نشد پس در جمعه حجامت کردند
و تب برطرف شد و از حضرت امام رضا ع منقولست که هرکه در چهارشنبه
آخر ماه حجامت کند برای رد بر اهل طیره عافیت یابد از هر بلایی و محفوظ
ماند از هر دردی و محل حجامتش سبز نشود و در روایت دیگر منقولست که
حضرت امام جعفر ع بعد از عصر حجامت کردند و از حضرت امیر المؤمنین
صلوات الله علیه منقولست که حجامت کردن بدن را صحیح میکند و عقل را محکم
میکند و فرمود که حجامت مکنید در روز چهارشنبه که روز نحسیست و در روز

جمعه ساعتی هست که هر که در آن ساعت حجامت کند بمیرد و در حدیث دیگر فرمود
که روز سه‌شنبه روز خون گرفتن است و در روایت دیگر از حضرت رسول
ص نهی وارد شده است از حجامت کردن در روز چهارشنبه و از حضرت امام
موسی ع منقولست که در روز پنجشنبه حجامت بکنید و بسند معتبر از حضرت
رسول ص منقولست که اگر در چیزی شفا هست در شیشهٔ حجام و در خوردن
عسل است و فرمود که نیکو عادتیست حجامت دیده را جلا میدهد و دردها را
میبرد و حضرت صادق ع فرمود که جبرئیل برای حضرت رسول ص مسواک
و خلال و حجامت را آورد و در فقه الرضا ع مذکور است که چون ارادهٔ حجامت
کنی چهار زانو در پیش حجام بنشین و بگو بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیمِ أَعُوذُ بِاللّٰهِ
الْكَرِيمِ فِي حِجَامَتِي مِنَ الْعَيْنِ فِي الدَّمِ وَمِنْ كُلِّ سُوءٍ وَأَعْلَالٍ وَأَمْرَاضٍ
وَأَسْقَامٍ وَأَوْجَاعٍ وَأَسْأَلُكَ الْعَافِيَةَ وَالْمُعَافَاةَ وَالشِّفَاءَ مِنْ كُلِّ دَاءٍ
و در حدیث دیگر منقولست که بحضرت صادق ع عرض کردند که مردم بد
میدانند حجامت در روز شنبه و چهارشنبه را فرمود که حضرت رسول ص
فرموده که هر گاه کسی زیادتی خون در خود بیابد البته حجامت کند که مبادا
او را بکشد و فرمود که اول سه‌شنبهٔ که از آذر ماه رومی که اول ماه بهار است
حجامت کند باعث صحت بدن او شود و حضرت امام محمد باقر ع فرمود که حضرت

رسول ص را هیچ آزاری بهم نمیرسید مگر آنکه بپناه بحجامت میبردند و در حدیث
دیگر فرمود که هر که نظر کند باول محجمه از خون او که بریزند امان یابد از درد چشم
تا حجامت دیگر و در روایتی از حضرت صادق ع منقولست که چون حضرت رسول
ص حجامت میکردند بآب سرد غسل میکردند که حرارت خون فرو نشیند و در
حدیث دیگر فرمود که حضرت رسول ص اول در پشت کردن حجامت میکردند پس
جبرئیل آمد و امر کرد آنحضرت را بحجامت میان دو کتف و در حدیث دیگر مرویست
که حضرت صادق ع حجامت کردند و بعد از حجامت سه پارچه قند یا نبات
طلبیدند و تناول نمودند و فرمودند که خون صافی را متولد میکند و حرارت
قطع میکند و از حضرت امام علی نقی صلوات الله علیه منقولست که انار شیرین
بعد از حجامت خون را ساکن میکند و خون اندرون را صاف میکند و از حضرت
صادق ع منقولست که حجامت روز شنبه باعث ضعف میشود و در روایت
دیگر منقولست که بسیار بود که حضرت امام رضا ع در میان شب زیادتی خون می‌یافتند
و در آنوقت حجامت میکردند و از حضرت صادق ع منقولست که در ماه مبارک
رمضان بهتر آنست که حجامت را در شب بکنند و فرمود که حجامت ما در روز
یکشنبه است و حجامت شیعیان ما در روز دوشنبه است و فرمود که زنهار که ناشتا
حجامت مکن تا اندک چیزی بخوری که بیشتر باعث بیرون آمدن خون و قوت بدن

میشود و فرمود که چون بعد از اکل حجامت کنند خون جمع میشود و خون فاسد را
بیرون میکند و اگر پیش از اکل باشد خون صالح بیرون می‌آید و خون فاسد در
بدن میماند و زید شحام میگوید که در خدمت حضرت صادق ع بودم که حجام را
طلبیدند و فرمودند که محجمه خود را بشو و بند کن پس اناری طلبیدند و تناول
فرمودند و چون از حجامت فارغ شدند انار دیگر طلبیدند و تناول فرمودند
و گفتند که خوردن انار در اینوقت صفرا را فرو مینشاند و حضرت امام محمد باقر
ع از ابو بصیر پرسیدند که مردم بعد از حجامت چه چیز میخورند گفت برگ کاسنی
و سرکه فرمود که باکی نیست و از حضرت امام موسی ع منقولست که کسی که خواهد
حجامت کند در روز شنبه حجامت بکند و فرمود که حجامت کردن در روز
یکشنبه شفای هر درد است و در روایتی وارد شده است که نباید حجامت
کرد در روز چهارشنبه هرگاه قمر در عقرب باشد و از حضرت صادق ع منقولست
که در روز پنجشنبه خون در موضع حجامت جمع میشود پس چون ظهر شد در
بدن متفرق میشود پس حجامت را پیش از ظهر بکنید و در حدیث دیگر نهی
فرمود از حجامت کردن در وقت ظهر روز جمعه و از حضرت امام موسی ع منقولست
که در هفتم ماه حزیران رومی که در اوایل تابستانست حجامت بکن و اگر نشود در
چهاردهم بکن و حضرت صادق ع فرمود که حجامت را در آخر روز بجا آورید

و از حضرت رسول ص منقولست که حجامت در گودی پشت سر موجب غلبه فراموشی
است و حضرت صادق ع فرمود که حجامت سر بفریاد رسنده است و برای
هر دردی نافع است بغیر از مرگ پس از هر دو طرف ابرو شبر کردن بجانب پشت و
تا آنجا که انگشتهای رسید نشان دادند که در اینجا حجامت می باید کرد و در
روایت دیگر منقولست که در روز سه شنبه ساعتی هست که اگر حجامت در آن
ساعت اتفاق افتد خون بند نمیشود تا بمیرد و فرمود که هر که در وقت ظهر روز
جمعه حجامت کند و بلائی باو برسد ملامت نکند مگر خود را و در حدیث دیگر
فرمود که آیة الکرسی بخوان و در هر روز که خواهی حجامت کن و فرمود که حجامت سر
نافع است برای دیوانگی و خوره و پیسی و درد دندان و در حدیث دیگر تاریکی
چشم و درد سر و غلبه خواب و فرمود که چون طفل چهار ماهه شود هر ماه
یکمرتبه او را حجامت کنید در گودی پشت سر که لعابش را خشک میکند و حرارت را
از سر و بدنش میکشد و منقولست که حضرت امام محمد تقی صلوات الله علیه
طبیبی را طلبیدند و فرمودند که رگ کف دست را بگشاید و منقولست که
شخصی بحضرت صادق ع شکایت کرد از درد جگر حضرت او را فصد پا فرمود
و شخص دیگر از خارش بدن شکایت کرد فرمود که سه مرتبه هر دو پا را حجامت کن
در پشت پا در میان کعب و بند پا و شخصی بحضرت امام موسی ع شکایت کرد از جرب

فرمود که فصد پای راست بکن و بقدر دو درهم روغن بادام شیرین بر روی آب
کشک بریز و بخور و ماهی و سرکه بخورد و شخص دیگر بحضرت صادق ع شکایت
کرد از جرب فرمود که رگ اکحل و اکشا فصل سیم از باب ۴ در بیان انواع تداوی
که از ائمه علیهم السلام وارد شده است و بیان جواز رجوع باطبا از حضرت رسول ص
منقولست که درد سه است و دوا سه است پس درد مره است یعنی صفرا و سودا
و بلغم و خون و دوای خون حجامتست و دوای مره مسهل است و دوای بلغم
حمام است و از حضرت صادق ع منقولست که از دوای پیغمبران است حجامت
کردن و نوره کشیدن و دوا در دماغ چکانیدن و از حضرت امام محمد باقر
ع منقولست که بهترین دواهای شما حقنه است و دوا در بینی چکانیدن
و حجامت کردن و حمام رفتن و در حدیث دیگر فرمود که طب عرب در حجامت
و حقنه است و آخر دوای ایشان داغ کردنست در حدیث دیگر فرمود که طب
عرب در حجامت و حقنه و آخر دوای ایشان داغ کردنست و در حدیث دیگر
فرمود که طبابت عربان در هفت چیز است حجامت و حقنه و دوا در بینی
کردن و حمام و قی و خوردن عسل و آخر دوای ایشان داغ است و از حضرت
صادق ع منقولست که حقنه از جمله دواهای عظیم است و شکم را بزرگ میکند
و فرمود که دوا چهار چیز است حجامت و دارو مالیدن و قی کردن و حقنه کردن

وفرمود

و فرمود که طب عربان حجامت و حقنه و حمام و قی و دوا در بینی کردن است
و آخر دوا داغ سوختن است و از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه منقولست
که حضرت رسول ص فرمود که بهتر چیزی که بآن مداوا کنند حقنه است شکم را
فربه میکند و دردهای اندرون را پاک میکند و بدن را قوت میدهد
و فرمود که روغن بنفشه ببینی بچکانید و در فقه الرضا ع مذکور است
که حمیه و امساک سر همه دواهاست و معده خانه دردهاست و هر بدنی را
بده آنچه او را عادت فرموده و فرمود که اجتناب کن از دوا خوردن تا بدنت
تاب درد دارد و فرمود که هرگاه که گرسنه شوی طعام بخور و هرگاه که تشنه
شوی آب بخور و هرگاه که بول آید بول کن و تا ضرور نشود جماع مکن و هرگاه
که ترا خواب گیرد خواب بکن چون چنین کنی بدنت صحیح می باشد همیشه و فرمود
که حق تعالی دوا را مانع میشود از تاثیر کردن تا وقتی که مقدر شده است که آن
مرض تا آنوقت باشد چون آن مدت منقضی شد دوا را رخصت اثر میدهد
و بان دوا شفا می یابد مگر آنکه بیش از آن مدت دعا یا تصدق یا کارهای خیر
بکند که خدا بیشتر از آن مدت دوا را رخصت تاثیر بدهد و فرمود که در عسل
شفای هر دردی هست و هر که یک انگشت عسل ناشتا بخورد بلغم را دفع
میکند و سودا را برطرف میکند و ذهن را صاف میکند و حافظه را قوی میکند

هرگاه باکند خورده شود و آب سرد حرارت و صفرا را فرو مینشاند و طعام را
هضم میکند و اخلاطی که در فم معده است میکند از دو تب را برطرف میکند
و فرمود که اگر چیزی بدن را فربه میکند مالیدن بدست و جامهای نرم
پوشیدن و بوی خوش کردن و حمام رفتن و اگر مرده را اما اندکی کند و زنده
شود بعید نیست و تصدق بلاهای آسمانی را دفع میکند و قضاهای محکم را
برطرف میکند و فرمود که بیماری را نمی برد چیزی مانند دعا و تصدق و آب
سرد و فرمود که منتهای پرهیز و اساس چهارده روز است و پرهیز نه آنست که
چیزی نخورد بلکه آنست که کمتر بخورد و فرمود که صحت و مرض در بدن آدمی با یکدیگر
در مقام معارضه و مقاتله اند پس هر وقت که صحت غالب آمد بیمار بشعور می آید
و اشتهای طعام بهم میرساند پس هرگاه که طعام بطلبد بدهید که شاید شفایش
در آن باشد و فرمود که شفای هر درد در قرآن هست پس بیماران خود را مداوا
کنید بتصدق و طلب شفا کنید بقرآن که هر که را قرآن شفا ندهد هیچ چیز
سبب شفای او نیست و از حضرت امام محمد باقر ع منقولست که هر که دردها
در بدن خود یابد و حرارت را بر مزاج خود غالب یابد با زنان جماع کند که
حرارت را فرو مینشاند و از حضرت صادق ع منقولست که عامه دردها
و بیماریها از غلبه صفرا و سودا و خون سوخته شده و بلغم زیاده می باشد پس باید

که آدمی

که آدمی تعهد احوال خود بکند پیش از آنکه اینها بر او غالب شود و او را هلاک
کند و از حضرت رسول الله ص باسانید معتبره منقولست که دوا کنید بیماران
خود را بتصدق و فرمود که تصدق بلاهای محکم را دفع میکند و فرمود
که تصدق مرگهای بد را از صاحبش دفع میکند و در روایت دیگر منقولست
که شخصی بحضرت امام موسی ع عرض کرد که من با ده نفر از عیالم همه بیماریم فرمود
که ایشان را دوا کنید بتصدق که هیچ چیز بیشتر و زودتر از تصدق نفع نمیکند
و بسند معتبر از حضرت صادق ع منقولست که شخصی بیمار شد حضرت امیر
المؤمنین صلوات الله علیه باو فرمود که از زن خود بگیر درهمی از مهری که باو داده
بطلب که شوهر بخشد و عسل بخر و با آب باران بخور آن شخص چنین کرد و شفا یافت
از سبب این پرسیدند از آنحضرت فرمود که حق تعالی میفرماید که اگر زنان از مهر
خود بشما بطیب خاطر چیزی ببخشند بخورید گوارا و با عاقبت نیک و در باب
عسل میفرماید که در آن شفاست از برای مردمان و در باب باران میفرماید
که فرستادیم از آسمان آبی مبارک پس در اینجا گوارایی و حسن عاقبت و برکت و شفا
همه جمع شد و در حدیث دیگر منقولست که مردی پیری بخدمت حضرت صادق ع
آمد و عرض کرد که دردی دارم و برای آن اطبا شراب گفته اند و میخورم حضرت
فرمود که چرا دوای خود نمیکنی آبی را که خدا فرموده است که همه چیز را آن زنده گردانیده است

چرام

با من موافقت نمیکند فرمود که عسل نمیخوری که خدا شفای مردمان کردانیده است
گفت بدستم نمی آید فرمود که چرا شیر نمیخوری که گوشت و استخوان بدنت از شیر
پرورده است گفت با طبعم موافقت نمیکند فرمود که میخواهی که ترا رخصت بدهم
که شراب بخوری والله که هرگز نکنم و در حدیث معتبر از آنحضرت منقولست
که راه رفتن بیمار باعث نکس مرض و زیادتی آن میشود و در حدیث معتبر دیگر
منقولست که شخصی بآنحضرت عرض کرد که بیماران که نزد ما بیمار میشوند اطبا
ایشانرا امر بامساک و پرهیز میکنند فرمود که ما اهل بیت امساک نمیکنیم مگر
از خرما و خودرا مداوا میکنیم بسیب و آب سرد پرسید که چرا از خرما امساک را
میکنید فرمود که برای انکه حضرت پیغمبر ص حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه را
در بیماری ازان امساک فرمود و در روایت دیگر از آنحضرت پرسیدند
که تا چند روز می باشد پرهیز و امساک بیمار فرمود که تا ده روز و در روایت
دیگر یازده روز و در حدیث صحیح دیگر فرمود که پرهیز و امساک بعد از هفت
روز دیگر نفعی ندارد و از حضرت امام موسی ع منقولست که پرهیز آن نیست که دیر
اصل چیزی را نخوری بلکه آنست که بخوری و کمتر بخوری و در حدیث معتبر از
حضرت صادق ع منقولست که حضرت موسی بن عمران ع مناجات کرد که پروردگارا
درد را کی میدهد خطاب رسید که من پرسید که دوا از کیست خطاب رسید که

ازمن

از من پرسید که پس چه میکنند مردم این حکیمان خطاب رسید که دلهای
مردم را خوش میکنند و در حدیث صحیح منقولست که علی بن جعفر از حضرت امام
موسی ع سؤال کرد که از داغ کردن بیماران و عوذه ها و افسانها برایشان خواندن
فرمود که باکی نیست در داغ کردن و افسانی که معنیش را دانی و در حدیث
صحیح دیگر منقولست که شخصی از آنحضرت پرسید که من محتاج میشوم و طبیب نصرانی
و بنزد او به معالجه میروم و بر او سلام میکنم و او را دعا میکنم فرمود که
باکی نیست دعا و سلام تو باو نفعی نمیرساند و در حدیث دیگر فرمود که تا ممکنست
رجوع بمعالجه طبیبان مکنید که این مانند عمارت کردنست که اندکش بسیار میکشد
و از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه منقولست که مسلمان باید
که دوا نکند تا غالب نشود بیماری او بر صحتش و از حضرت صادق ع منقولست
که هر که صحتش بر بیماریش غالب باشد و معالجه کند و بمیرد من از او بیزارم
و در حدیث دیگر فرمود که هر که با این حال دوا بخورد اعانت بر کشتن خود کرده است
و در حدیث دیگر منقولست که از حضرت امام محمد باقر ع پرسیدند که بمعالجه
طبیب یهودی یا نصرانی عمل میتوان کرد فرمود که باکی نیست شفا بدست خداست
و در روایت دیگر از حضرت صادق ع پرسیدند که شخصی دوا میخورد و گاه هست دوا را
که او را میکشد و گاه شفا می یابد اما بیشتر آنست که شفا می یابد فرمود که حق تعا

فرستاده است وشفارا میفرستد و هیچ دردی را خلق نکرده است مگر انکه
دوای برای آن آفریده است بخور و نام خدا ببر در وقت خوردن واز حضرت
امام محمد باقر ع پرسیدند که زنی یا مردی چشمش آب سیاه می آورد و اطبا میگویند
که چشم ترا میل میزنیم می باید که یکماه یا چهل روز بر پشت بخوابی و حرکت نکنی
وبا این حال نماز بایما می باید کرد حضرت فرمود که چون مضطر است باکی
نیست واز حضرت صادق ع منقولست که پیغمبری از پیغمبران بیمار شد پس گفت که
دوا نمیکنم تا انکسی که مرا درد داده است شفا بدهد حق تع باو وحی فرستاد که
تا دوا نکنی من شفا ندهم و در حدیث دیگر منقولست که شخصی بانحضرت عرض کرد که
من جراحتها را می برم و داغ میکنم باتش فرمود که باکی نیست گفت که دواهای
تلخ که سمیت دارد بمردم میدهم مثل غاریقون فرمود که باکی نیست گفت که گاه
هست که می میرد فرمود که هر چند که بمیرد باکی نیست گفت که گاه هست که شراب ونبیذ
میدهیم که بخورند فرمود که در حرام شفا نمی باشد و در حدیث معتبر دیگر
منقولست که شخصی بانحضرت عرض کرد که شخصی دوا میخورد و رگهای بدنش میبرند
وگاه منتفع میشود و بسیار است که او را میکشد فرمود که بکند و در حدیث
دیگر عرض کردند که کسی داغ میسوزاند بر بدن وگاه هست که میکشد فرمود
که شخصی در زمان حضرت پیغمبر ص داغ سوزاند و حضرت بر بالای سرش ایستاده

بودند و در حدیث معتبر از حضرت موسی بن جعفر صلوات الله علیه منقولست
که هیچ دوایی نیست مگر انکه در بدن دردی را بر می انگیزد و هیچ چیز در بدن نافعتر از
این نیست که تا محتاج نشوی تصرف در بدن نکنی باب نهم [illegible] در معالجه
انواع تب در احادیث بسیار وارد شده است که ما مداوا نمیکنیم تب را
مگر بریختن آب سرد بر بدن و خوردن سیب و از حضرت صادق ع منقولست
که تب از بوی جهنم است فرو نشانید حرارت انرا باب سرد و در حدیث دیگر
فرمود که برای دفع تب هیچ چیز نافعتر از دعا و آب سرد نیست و از مفضل منقولست
که بخدمت آنحضرت رفت در ایام تابستان و آنحضرت تب داشتند دید که طبقی
گذاشته است پر از سیب سبز عرض کرد که مردم اینرا برای تب خوب نمیدانند فرمود
که این تب را بر طرف میکند و حرارت را فرو مینشاند و در حدیث دیگر فرمود
که مقدار ده درهم قند با آب سرد ناشتا خوردن برای دفع تب نافع است واز
حضرت امام رضا ع منقولست که روزی رسول خدا ص بنزد حضرت امیر المومنین
صلوات الله علیه آمدند و آنحضرت تب داشت فرمودند که سنجد تناول فرماید
و از حضرت امام موسی ع منقولست که خاریدن بدن و غلبه خواب و دوار
سر و شورها و دملها علامات زیادتی خونست و از حضرت امیر المومنین
صلوات الله علیه منقولست که بشکنید گرمی تب را ببنفشه و آب سرد در تابستان

بر بدن صاحب تب آب سرد بریزند و فرمود که یاد ما اهل بیت کردن شفاست
از تب و جمیع دردها و وساوس شیطانی و فرمود که بخورید آب باران که بدن شما را
پاک میکند و دردها را دفع میکند و در حدیث معتبر منقولست که حضرت
امام جعفر صادق ع از شخصی پرسیدند که شما بیماران خود را بچه چیز دوا میکنید
گفت باین دواهای تلخ فرمود که هرگاه کسی از شما بیمار شود قند سفید را بکوبید و آب
سرد بر او بریزید و بالخورانید که آن خداوندی که بتلخ شفا میدهد قادر است که
بشیرین شفا بدهد و در حدیث دیگر فرمود که کباب دفع تب میکند و در حدیث
دیگر فرمود که دو ماه بیماری کشیدم خدا مرا الهام کرد که برنج را گفتم که شستند
و اندکی بر روی آتش بو دادند و در آسیا خورد کردند و پاره سفوف کردم و پاره را
در میان آب کردم و خوردم و فرمود که تب بر اولاد پیغمبران دو برابر دیگران میباشد
و از حضرت امام محمد باقر ع منقولست که علاج تب بسه چیز میباشد قی و عرق
و مسهل و از ابرهیم جعفی منقولست که بخدمت حضرت صادق ع رفت و شکایت
کرد از تب ربع فرمود که نبات یا قند را بسای و در میان آب بریز و ناشتا و هر وقت
که احتیاج بآب خوردن شود بخور چنان کرد بزودی شفا یافت و حضرت امام
موسی ع فرمود در معالجه تب غب کهنه که عسل و سیاه دانه را باهم ممزوج کن و سه
انگشت از آن بخور که این هر دو مبارک است و خدا عسل را فرموده که شفاست

وحضرت

وحضرت پیغمبر ص فرمود که در سیاه دانه شفای همه دردهست مگر مرگ و از
حضرت امام علی نقی صلوات الله علیه منقولست که بهترین چیزها برای تب ربع
آنست که در روز نوبه پالوده با عسل بسازی و زعفران بسیار در آن بکنی
و در آن روز غیر آنچیزی نخوری و از حضرت امام رضا ع منقولست که
این تعویذیست برای شیعیان از سل یَا اَللهُ یَا رَبَّ الْاَرْبَابِ وَیَا سَیِّدَ
السَّادَاتِ وَیَا اِلٰهَ الْاٰلِهَةِ وَیَا مَلِکَ الْمُلُوکِ وَیَا جَبَّارَ السَّمٰوَاتِ
وَالْاَرْضِ اِشْفِنِی وَعَافِنِی مِنْ دَائِی هٰذَا فَاِنِّی عَبْدُکَ وَابْنُ عَبْدِکَ اَتَقَلَّبُ
فِی قَبْضَتِکَ وَنَاصِیَتِی بِیَدِکَ سه مرتبه این دعا را میخوانی تا خدا شفا دهد
بحول و قوت خود و در روایت معتبر وارد شده است که حضرت رسول ص را
تب شدیدی عارض شد جبرئیل آمد و این عوذه را بآن حضرت خواند
و در ساعت تب زایل شد بِسْمِ اللهِ اَرْقِیکَ بِسْمِ اللهِ اَشْفِیکَ بِسْمِ اللهِ
مِنْ کُلِّ دَاءٍ یُعْیِیکَ بِسْمِ اللهِ وَاللهُ شَافِیکَ بِسْمِ اللهِ خُذْهَا فَلْتَهْنِیکَ
بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیمِ فَلَا اُقْسِمُ بِمَوَاقِعِ النُّجُومِ لَتَبْرَاَنَّ بِاِذْنِ اللهِ و در حدیث
معتبر منقولست که بر هیچ بیماری و صاحب دردی هفتاد مرتبه حمد خوانده نمیشود
مگر آنکه آن درد ساکن میشود و در روایت دیگر منقولست که شخصی بخدمت حضرت
صادق ع آمد و عرض کرد که بما هست که تب میکشیم و آنچه اطبا گفتند بعمل آوردم

وبر طرف نشد حضرت فرمود که بندهای پیراهن خود را بگشا و سر را در گریبان
پیراهن داخل کن و اذان و اقامه بگو و هفت مرتبه سوره حمد بخوان آن شخص گفت
که چنان کردم گویا که از بندی رها شدم و در حدیث دیگر منقولست که یکی
از فرزندان آنحضرت بیمار شد فرمود که ده مرتبه یا الله بگو که هیچ مؤمنی نگوید
مگر آنکه حق تعالی میفرماید که لبیک حاجت خود را بگو و در حدیث دیگر فرمود که هر کرا
علتی عارض شود هفت مرتبه سوره حمد بخواند اگر برطرف نشود هفتاد مرتبه بخواند
که من ضامنم که آن علت برطرف شود و در حدیث معتبر منقولست از داود بن زربی
که گفت بیمار شدم در مدینه بیماری شدیدی چون این خبر بحضرت امام جعفر صادق
علیه السلم رسید بمن نوشتند که یک صاع گندم بخر و بر پشت بخواب و آن گندم را بر
سینه خود بریز و بگو اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُکَ بِاسْمِکَ الَّذی اِذا سَأَلَکَ بِهِ الْمُضْطَرُّ
کَشَفْتَ ما بِهِ مِنْ ضُرٍّ وَمَکَّنْتَ لَهُ فِی الْاَرْضِ وَجَعَلْتَهُ خَلیفَتَکَ عَلی خَلْقِکَ
اَنْ تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وَعَلی اَهْلِ بَیْتِهِ وَاَنْ تُعافِیَنی مِنْ عِلَّتی پس درست بنشین گندم را — وآل محمد ن زد
جمع کن و باز آن دعا را بخوان و آن گندم را چهار حصه کن و هر حصه بیک فقیر بده
و باز دعا بخوان داود گفت که من چنان کردم گویا از بندی رها شدم و بسیار کسی
کردند و شفا یافتند و در حدیث صحیح از آنحضرت منقولست که چون نزد بیماری
روی هفت مرتبه بگو اُعیذُکَ بِاللّٰهِ الْعَظیمِ رَبِّ الْعَرْشِ الْعَظیمِ مِنْ کُلِّ عِرْقٍ — الکریم ن زد

نَعّارٍ وَمِنْ شَرِّ حَرِّ النّارِ و در حدیث دیگر فرمود که سوره حمد و قل هو الله احد
و انا انزلناه فی لیلة القدر و آیة الکرسی بخوان پس بانگشت شهادة بر پهلوی بیمار بنویس
اَللّٰهُمَّ ارْحَمْ جِلْدِیَ الرَّقیقَ وَعَظْمِیَ الدَّقیقَ مِنْ سَوْرَةِ الْحَریقِ یا اُمَّ مِلْدَمٍ اِنْ کُنْتِ
آمَنْتِ بِاللّٰهِ وَالْیَوْمِ الْآخِرِ فَلا تَأْکُلِی اللَّحْمَ وَلا تَشْرَبِی الدَّمَ وَلا تَنْهَکِی الْجِسْمَ وَلا
تُصَدِّعِی الرَّأْسَ وَانْتَقِلی عَنْ فلان بن فلان و نام او و مادرش را بنویسد اِلی مَنْ
یَجْعَلُ مَعَ اللّٰهِ اِلٰهاً آخَرَ لا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ تَعالَی اللّٰهُ عَمّا یُشْرِکُونَ عُلُوّاً کَبیراً
و در روایت دیگر فرمود که بیمار سر را در گریبان خود داخل کند و اذان و اقامه
بگوید و سوره حمد و قل اعوذ برب الفلق و قل اعوذ برب الناس و سه مرتبه
قل هو الله احد بخواند و بگوید اُعیذُ نَفْسی بِعِزَّةِ اللّٰهِ وَقُدْرَةِ اللّٰهِ وَعَظَمَةِ
اللّٰهِ وَسُلْطانِ اللّٰهِ وَجَمالِ اللّٰهِ وَجَمْعِ اللّٰهِ وَبِرَسُولِ اللّٰهِ وَبِعِتْرَتِهِ صَلَّی اللّٰهُ
عَلَیْهِ وَعَلَیْهِمْ وَبِوُلاةِ اَمْرِ اللّٰهِ مِنْ شَرِّ ما اَخافُ وَاَحْذَرُ وَاَشْهَدُ اَنَّ
اللّٰهَ عَلی کُلِّ شَیْءٍ قَدیرٌ وَلا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ اِلّا بِاللّٰهِ الْعَلِیِّ الْعَظیمِ وَصَلَّی اللّٰهُ
عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ اَللّٰهُمَّ اشْفِنی بِشِفائِکَ وَداوِنی بِدَوائِکَ وَعافِنی مِنْ
بَلائِکَ و در روایت دیگر منقولست که شخصی بآنحضرت شکایت کرد که تبش بسیار
بطول انجامیده است فرمود که آیة الکرسی را در ظرفی بنویس و آب حل کن و بخور و در
بعضی از کتب معتبره منقولست که برای تب این تعویذ را بنویسد و بر بازوی راست ببندد

سوره حمد را تا آخر بنویسید و بعد از آن بنویسد بسم الله و بالله اعوذ بکلمات
الله التامات کلها التی لا یجاوزهن بر و لا فاجر من شر ما خلق و ذرأ
و برأ و من شر الهامة و السامة و العامة و اللامة و من شر طوارق
اللیل و النهار و من شر فساق العرب و العجم و من فسقة الجن و الانس و من
شر الشیطان و شرکه و من شر کل ذی شر و من شر کل دابة هو آخذ
بناصیتها ان ربی علی صراط مستقیم ربنا علیک توکلنا و الیک انبنا
و الیک المصیر یا نار کونی بردا و سلاما علی ابرهیم و ارادوا به کیدا فجعلناهم
الاخسرین بردا و سلاما علی ابرهیم و ارادوا به کیدا فجعلناهم و فلان بن فلانه
و نام بیمار و مادرش نوشته شود ربنا لا تاخذنا ان نسینا او اخطأنا ربنا
و لا تحمل علینا اصرا کما حملته علی الذین من قبلنا ربنا و لا تحملنا ما لا طاقة
لنا به و اعف عنا و اغفر لنا و ارحمنا انت مولینا فانصرنا علی القوم الکافرین
حسبی الله لا اله الا الله الا هو فاتخذه وکیلا و توکل علی الله الحی الذی
لا یموت و سبح بحمده و کفی به بذنوب عباده خبیرا بصیرا لا اله الا الله
وحده لا شریک له صدق وعده و نصر عبده و هزم الاحزاب وحده
ما شاء الله لا قوة الا بالله کتب الله لاغلبن انا و رسلی ان الله قوی
عزیز ان حزب الله هم الغالبون و من یعتصم بالله فقد هدی الی صراط مستقیم

وصلی

وصلی الله علی محمد و آله الطیبین الطاهرین و از سلمان فارسی رضی الله عنه
منقولست که گفت بعد از وفات حضرت رسالت پناه صلی الله علیه و آله
بده روز از خانه بیرون آمدم در راه حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه را
ملاقات کردم فرمود که برو بنزد حضرت فاطمه صلوات الله علیها که تحفه از
بهشت برای او آمده میخواهد بتو عطا فرماید بتعجیل بخدمت آنحضرت شتافتم
فرمود که دیروز در همین موضع نشسته بودم و در خانه بسته بود و غمگین
بودم و فکر میکردم در منقطع شدن وحی الهی از ما و نیامدن ملائکه بسوی ما
ناگاه دیدم که در گشوده شد و سه دختر باندرون آمدند که کسی بحسن و جمال
و طراوت و نزاکت و خوشبوئی ایشان هرگز ندیده است چون ایشانرا دیدم
برخاستم و سؤال کردم که شما از اهل مکه اید یا از اهل مدینه گفتند ای دختر
حضرت رسول ما از اهل زمین نیستیم ما را پروردگار عزت از بهشت جاوید
بسوی تو فرستاده و بسیار مشتاق تو بوده ایم از یکی که بزرگتر مینمود پرسیدم
که چه نام داری گفت مقدوده گفتم بچه سبب ترا این نام کرده اند گفت بجهت
آنکه از برای مقداد بن اسود خلق شده ام پس از دیگری پرسیدم که چه نام داری
گفت ذره نام دارم از سبب نام پرسیدم گفت زیرا که از برای ابوذر غفاری
خلق شده ام از سیم پرسیدم که چه نام داری گفت سلمی از سبب نام پرسیدم گفت که

زیرا که از برای سلمان فارسی آزاد کرده پدر تو خلق شده ام حضرت فاطمه علیها السلام
فرمود که پس از برای من رطبی چند بیرون آوردند مانند کرده نانهای بزرگ
از برف سفیدتر و از مشک خوشبوتر پس سلمان گفت که حضرت فاطمه ع
یکی از آن رطبها بمن دادند و فرمودند که امشب با این رطب افطار کن و فردا
هسته اش را برای من بیاور پس آن رطب را گرفتم و بیرون آمدم بهر جمعی از
اصحاب حضرت رسول ص که میگذشتم میپرسیدند که ای سلمان مگر مشک همراه
داری میگفتم بلی پس چون وقت افطار شد تناول کردم هیچ هسته نداشت
روز بخدمت حضرت فاطمه رفتم و عرض کردم که هسته نداشت فرمود که چون
هسته داشته باشد و حال آنکه این رطب از درختی بهم رسیده است که حق تعالی
آن را در بهشت غرس فرموده است بسبب دعایی که پدرم بمن تعلیم کرده است
و هر صبح و شام میخوانم سلمان گفت ای سیده من آن دعا را تعلیم من فرما فرمود
که اگر خواهی که تا در دنیا باشی آزار تب نیابی این دعا مواظبت کن دعا اینست
بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ بِسْمِ اللهِ النُّورِ بِسْمِ اللهِ نُورِ النُّورِ بِسْمِ اللهِ نُورٌ
عَلىٰ نُورٍ بِسْمِ اللهِ الَّذِي هُوَ مُدَبِّرُ الْأُمُورِ بِسْمِ اللهِ الَّذِي خَلَقَ النُّورَ
مِنَ النُّورِ الْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي خَلَقَ النُّورَ مِنَ النُّورِ وَأَنْزَلَ النُّورَ عَلَى الطُّورِ
فِي كِتَابٍ مَسْطُورٍ فِي رَقٍّ مَنْشُورٍ بِقَدَرٍ مَقْدُورٍ عَلىٰ نَبِيٍّ مَحْبُورٍ الْحَمْدُ لِلّٰهِ

الَّذِي هُوَ بِالْعِزِّ مَذْكُورٌ وَبِالْفَخْرِ مَشْهُورٌ وَعَلَى السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ مَشْكُورٌ
وَصَلَّى اللهُ عَلىٰ سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ سلمان گفت که این دعا را زیاده
از هزار نفر از اهل مکه و مدینه که تب داشتند تعلیم کردم و همه از تب نجات یافتند
و در حدیث حسن منقولست که بعضی از فرزندان حضرت امام جعفر صادق
ع بیمار شد حضرت فرمود که این دعا بخوان اَللّٰهُمَّ اشْفِنِي بِشِفَائِكَ وَ
دَاوِنِي بِدَوَائِكَ وَعَافِنِي مِنْ بَلَائِكَ فَإِنِّي عَبْدُكَ وَابْنُ عَبْدِكَ و از
برای تب ربع منقولست که این آیه را بنویسند و بر او ببندند یَا نَارُ كُونِي
بَرْدًا وَسَلَامًا عَلىٰ إِبْرٰهِيمَ و در روایت دیگر این دعا را بر بازوی راستش
ببندند بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ وَلَوْ أَنَّ قُرْآنًا سُيِّرَتْ بِهِ الْجِبَالُ أَوْ
قُطِّعَتْ بِهِ الْأَرْضُ أَوْ كُلِّمَ بِهِ الْمَوْتىٰ بَلْ لِلّٰهِ الْأَمْرُ جَمِيعًا يَا شَافِي يَا كَافِي
يَا مُعَافِي وَبِالْحَقِّ أَنْزَلْنَاهُ وَبِالْحَقِّ نَزَلَ باسم فلان بن فلان و نام او و پدر را
بنویسد بِبِسْمِ اللهِ وَبِاللهِ وَعَنِ اللهِ وَإِلَى اللهِ وَلَا غَالِبَ إِلَّا اللهُ
و از برای تب لرز این آیات را بنویسند و بر بازوی بیمار ببندند بِسْمِ اللهِ
مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ بَيْنَهُمَا بَرْزَخٌ لَا يَبْغِيَانِ وَجَعَلَ بَيْنَهُمَا بَرْزَخًا وَ
حِجْرًا مَحْجُورًا يَا نَارُ كُونِي بَرْدًا وَسَلَامًا عَلىٰ إِبْرٰهِيمَ أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللهِ هُمُ
الْغَالِبُونَ وَلَقَدْ سَبَقَتْ كَلِمَتُنَا لِعِبَادِنَا الْمُرْسَلِينَ إِنَّهُمْ لَهُمُ الْمَنْصُورُونَ

وَاِنَّ جُنْدَنَا لَهُمُ الْغَالِبُونَ **فصل پنجم** از باب دوم در ادعیه جامعه و ادویه مرکبه
نافعه در حدیث معتبر از حضرت صادق ع منقولست که هر دردی که داشته باشی
دست را بر موضع درد بگذار و سه مرتبه بگو اَللّٰهُ اَللّٰهُ رَبِّی حَقّاً لَا اُشْرِکُ
بِهِ شَیْئاً اَللّٰهُمَّ اَنْتَ لَهَا وَلِکُلِّ عَظِیمَةٍ فَفَرِّجْهَا عَنِّی و در روایت معتبر
دیگر فرمود که بگو بِسْمِ اللّٰهِ و بمال دست را بر آن موضع که درد میکند و بگو
اَعُوذُ بِعِزَّةِ اللّٰهِ وَاَعُوذُ بِقُدْرَةِ اللّٰهِ وَاَعُوذُ بِجَلَالِ اللّٰهِ وَاَعُوذُ
بِعَظَمَةِ اللّٰهِ وَاَعُوذُ بِجَمْعِ اللّٰهِ وَاَعُوذُ بِرَسُولِ اللّٰهِ وَاَعُوذُ بِاَسْمَاءِ
اللّٰهِ مِنْ شَرِّ مَا اَحْذَرُ وَمِنْ شَرِّ مَا اَخَافُ عَلَی نَفْسِی هفت مرتبه میگوئی
و در روایت دیگر فرمود که دست را بر موضع درد میگذاری و میگوئی بِسْمِ
اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ وَمُحَمَّدٌ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ
اِلَّا بِاللّٰهِ اَللّٰهُمَّ امْسَحْ عَنِّی مَا اَجِدُ و سه مرتبه دست بر آن موضع میکشی
و در روایت دیگر فرمود که دیگری دست بر موضع درد میگذارد و هفت نوبت
و اقلش سه نوبت میگوید اَیُّهَا الْوَجَعُ اسْکُنْ بِسَکِینَةِ اللّٰهِ وَقِرَّ بِوَقَارِ اللّٰهِ
وَانْحَجِزْ بِحَاجِزِ اللّٰهِ وَاهْدَأْ بِهُدُوءِ اللّٰهِ اُعِیذُکَ اَیُّهَا الْاِنْسَانُ بِمَا
اَعَاذَ اللّٰهُ بِهِ عَرْشَهُ وَمَلٰئِکَتَهُ یَوْمَ الرَّجْفَةِ وَالزَّلَازِلِ و در روایت
معتبر فرمود که برای هر آزاری این دعا بخواند یَا مُنْزِلَ الشِّفَاءِ وَمُذْهِبَ الدَّاءِ

اَنْزِلْ

اَنْزِلْ عَلٰی بِی مِنْ دَاءٍ شِفَاءً و از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه
منقولست که هر که باو برسد المی در بدنش این دعا بخواند تا هیچ المی و دردی
باو ضرر نرساند اَعُوذُ بِعِزَّةِ اللّٰهِ وَقُدْرَتِهِ عَلَی الْاَشْیَاءِ اُعِیذُ نَفْسِی
بِجَبَّارِ السَّمَاءِ اُعِیذُ نَفْسِی بِمَنْ لَا یَضُرُّ مَعَ اسْمِهِ دَاءٌ اُعِیذُ نَفْسِی
بِالَّذِی اسْمُهُ بَرَکَةٌ وَشِفَاءٌ و از حضرت صادق ع منقولست که هر که
دردی بهم رساند و دست را بر موضع درد بگذارد و باخلاص نیت بگوید
وَنُنَزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِلْمُؤْمِنِینَ وَلَا یَزِیدُ الظَّالِمِینَ
اِلَّا خَسَاراً البته عافیت یابد از هر علتی که باشد و در حدیث دیگر فرمود
که هر که را سوره حمد و قل هو الله احد شفا نمیدهد هیچ چیز او را شفا
نمیدهد و از حضرت امام محمد باقر ع منقولست که هرگاه کسی آزاری
در خود بیابد بگوید بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ وَصَلَّی اللّٰهُ عَلَی رَسُولِ اللّٰهِ وَ
اَهْلِ بَیْتِهِ وَاَعُوذُ بِعِزَّةِ اللّٰهِ وَقُدْرَتِهِ عَلَی مَا یَشَاءُ مِنْ شَرِّ مَا اَجِدُ
و در حدیث دیگر منقولست که شخصی بخدمت آنحضرت آمد و شکایت کرد از
بسیاری بیماری و پریشانی فرمود که این دعا بخوان لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا
بِاللّٰهِ الْعَلِیِّ الْعَظِیمِ تَوَکَّلْتُ عَلَی الْحَیِّ الَّذِی لَا یَمُوتُ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی لَمْ
یَتَّخِذْ وَلَداً وَلَمْ یَکُنْ لَهُ شَرِیکٌ فِی الْمُلْکِ وَلَمْ یَکُنْ لَهُ وَلِیٌّ مِنَ الذُّلِّ وَ

كبرّه تكّبيرًا و در حديث معتبر از حضرت صادق ع منقولست كه حضرت موسى
بن عمران عليه السلم بحق تعم شكايت كرد از غلبه رطوبت حق تعم او را امر فرمود
كه هليله و بليله و آمله را بسايد و با عسل خمير كند و بخورد و حضرت فرمود
كه اينست كه شما اطريفل ميكوييد و در طب الائمه صلوات الله عليهم روايت
كرده است كه شخصى بخدمت حضرت امام على نقى عرض كرد كه در همسايكى ما
شخصى را عقرب كزيده است و بيم آنست كه هلاك شود فرمود كه بخورانيد
باو دواى جامع را كه از حضرت امام رضا ع بما رسيده است پس فرمود كه سنبل
و زعفران و قاقله و عاقرقرحا و خربق سفيد و بذر البنج و فلفل سفيد همه
مساوى يكديكر و فرفيون دو برابر هريك از آنها بسيار نرم بكوبند و از حرير
و از خريز بيرون كنند و بعسلى كه كفش را كرفته باشند خمير كنند و كسى را كه
مار يا عقرب كزيده باشد يكحب آنرا با آب حلتيت باو بخورانند كه در ساعت شفا
مى يابد و از حضرت امام رضا ع روايت كرده است كه از براى فالج و لقوه يكحب
آنرا با آب مرزنكوش در بينى بچكانند و از حضرت امام محمد تقى ع نقل كرده است
كه از براى سردى معده و خفقان قلب نافع است كه يكحب آنرا با آب زيره كه بخته
باشند بخورند و در حديث ديكر از حضرت امام رضا ع منقولست كه از براى
آزار سپرز يكحب آنرا با آب سرد و اندك سركه بخورند و در روايت ديكر از حضرت

امام

امام رضا ع نقل كرده است كه از براى درد پهلوى راست يكحب آنرا با آب زيره
بخته بخورند و از براى درد چپ يكحب آنرا با آب ريشه كرفس كه بخته باشند بخورند
و در حديث ديكر فرمود كه از براى اسهال يكحبش را با آب مورد بخته بخورند
و از حضرت امام محمد تقى ع روايت كرده است كه يكحبش را با آب سداب
يا آب ترب بخته بخورند و از حضرت رسول صلعم منقولست كه اكر مردم بدانند كه
در سنا چه منفعتها هست هر آينه قيمت هر مثقالى دو مثقال طلا شود و بدرستى
كه امان مى بخشد از بهق و پيسى و خوره و ديوانكى و فالج و لقوه و اكر با مويز سرخ
بيدانه و هليله كابلى و هليله زرد و هليله سياه همه اجزا مساوى بعمل
آورند و هر روز ناشتا بقدر سه درهم بخورند و در هنكام خواب نيز همين
مقدار بخورند اين فوايد مى بخشد و بهترين دواهاست و در طب الائمه روايت
كرده است كه از مغز خيار شنبر پاك كرده يكرطل بكيرند و در ميان يكرطل آب
يكشبانه روز بخيسانند پس صاف كنند و با يكرطل عسل صافى و يكرطل
آب به و چهل مثقال روغن كل سرخ ممزوج كرداند و با آتش نرم بقوام
آورند و از روى آتش بردارند و بكذارند تا سرد شود پس در آن فلفل و دار
فلفل و قرفه قرنفل و قرنفل و قاقله و زنجبيل و دارچينى و جوز بوا از هريك
سه مثقال كرفته و كوفته و بيخته در آنچه سابق مذكور شد ممزوج كنند و در سبوى

سبزی با شیشه بکنند و در وقت حاجت در سه روز هر روز دو مثقال از
آن ناشتا بخورند از برای غلبه صفرا و سودا و بلغم و درد معده و قی و تب و ترکیدن
دست و پا و زحیر و درد شکم و درد جگر و حرارت سر و یرقان و تبهای شدید
و درد شانه و ذکر نافع باشد و بعد از آن باید که از خرما و ماهی و سرکه و سبزیها پرهیز
کنند و غذا آش ماج باشد با روغن کنجد و دوای دیگر نقل کرده است که از هلیله
سیاه و هلیله زرد و سقمونیا از هر یک شش مثقال و از فلفل و دارفلفل و زنجبیل
خشک و زنیان و خشخاش سرخ و نمک هندی از هر یک چهار مثقال و از
نارمشک و قاقله و سنبل و شقاقل و چوب بلسان و دانه بلسان و سلیخه
مقشر و علک رومی و عاقرقرحا و دارچینی از هر یک دو مثقال مجموع دواها را
با یکدیگر بکوبند و بیزند و سقمونیا را جدا بکوبند و نبیزند و هشتاد و پنج مثقال
شکر سپید را در پاتیل آب کنند و قدری از عسل نیز در آن بریزند و آن اجزا را
با اینها معجون سازند و در وقت حاجت دو مثقال از آن را ناشتا و دو مثقال را
در وقت خواب بخورند نافع است برای قوت جماع و سردی را از مفاصل بدن
ببرد و فایده می بخشد برای درد تهیگاه و بادهای شکم و درد مفاصل و سلس البول
و طپیدن دل و تواتر نفس و امتلای معده و کرم معده و دل را جلا میدهد و اشتهای
طعام می آورد و درد سینه و زردی چشم و زردی رنگ و یرقان و غلبه تشنگی را

می بود و برای تب لرز و دردهای کهنه و درد سر و بیدماغی نافع است و بسند
دیگر روایت کرده است که روزی فرعون بنی اسرائیل را همگی ضیافت کرد و زهر
در طعام ایشان داخل کرد که ایشان را هلاک کند حق تعالی این دوا را بحضرت موسی
ع فرستاد و چون خوردند از زهر با ایشان آسیبی نرسید جبرئیل گفت که قدری
سیر مقشر بگیر و بشکن و نرم مکوب و در پاتیل بینداز و از روغن گاو آنقدر
بر آن سیرها بریز که بپوشاند آنها را و آتش نرم آنقدر در زیر پاتیل بسوزان
که آب سیرها آن روغن را بخورند و از روغن چیزی نماند پس همان مقدار شیر گاو
تازه زاییده بر آن بریز و آتش نرم آنقدر برافروز که از آن شیر هم چیزی نماند
پس همان قدر عسل مصفی که مومش را گرفته باشند در پاتیل بریز و آنقدر آتش
بسوزان که آن را هم بخورد پس سیاه دانه ده درهم و از فلفل و مرزنگوش هر یک
پنج درهم بگیر و نرم بکوب و در پاتیل بریز و بر هم زن تا مخلوط شود با آن سیرها پس
ظرفی را بگیر و اندرون آن را بروغن گاو چرب کن و آن دوا را در آن بریز و در میان
جو یا کسنر چهل روز پنهان کن و هر چند کهنه تر میشود نیکوتر میشود و فرمود
که نافع است برای دفع لقوه کهنه و تازه و درد اندرون و سرفه کهنه و تازه و کسی را
که سرما زده باشد و برای سبل چشم و درد پا و ضعف معده و صرع و غش و اطفال
و ترسیدن زنان در خواب و زرداب و خوره و زیادتی بلغم و دفع سم گزیدن مار و

وعقرب و وزمود که چون یکماه بر این دوا بکذرد برای درد دندان و امراض بلغمی
بقدر نصف کردکان ناشتا بخورد و چون دو ماه بر آن بکذرد برای تب لرز
و آزارهای چشم نافع است و چون سه ماه بر آن بکذرد برای صفرا و بلغم
سوخته و جمیع مرضهای صفراوی ناشتا خوردن نافع است و چون چهار ماه
بر آن بکذرد برای تاریکی چشم و تنکی نفس نافع است و چون پنجماه بر آن بکذرد
کسی که درد سر داشته باشد بقدر نیم عدس از این دوا با روغن بنفشه ممزوج
کرده اینده در بینی بچکاند و چون شش ماه بر آن بکذرد کسی که درد شقیقه داشته
باشد بقدر یک عدس از آن با روغن بنفشه مخلوط کرده اینده در بینی بچکاند از آن
جانبی که درد میکند در اول روز و چون هفت ماه بر آن بکذرد برای دفع
بادی که در کوش هم میرسد بقدر یک عدس با روغن کل سرخ ممزوج ساخته
در کوش بچکاند در اول روز در هنکام خواب و چون هشت ماه بکذرد آنرا
با آب خوردن برای دفع خوره نافع است و چون نه ماه بکذرد نافع است برای غلبه
خواب و هذیان کفتن در خواب و ترس و بیم باید که با روغن تخم ترب ناشتا
و در وقت خواب بقدر یک عدس خورده شود و چون ده ماه بکذرد برای
غلبه صفرا و تبهای اندرونی و اختلاط عقل بقدر یک عدس با سرکه بخورند
و برای سفیدی چشم ناشتا و وقت خواب بخورند و چون یازده ماه بر آن

کذشت

کذشت از برای سودایی که اینکس را ترس و وسواس می اندازد بقدر یک نخود
با روغن کل سرخ ناشتا و بقدر یک نخود بی روغن در هنکام خوابیدن بخورد
و چون دوازده ماه بکذرد برای فالج کهنه و تازه با آب مرزنکوش بقدر یک
نخود بخورد و با روغن زیت و روغن نمک بر پا بمالد و وقت خواب و از سرکه
و شیر و ماست و سبزیها و ماهی احتراز نماید و چون سیزده ماه بکذرد بقدر
یک نخود از آن با آب سداب حل کند و در اول شب بخورد نافع است برای درد
اندرون و خندیدن بی سبب و با ریش بازی کردن و اکر چهارده ماه بکذرد برای
دفع ضرر زهرها نافع است و اکر زهری با و خورانیده باشند تخم بادنجان را
بکوبند و بجوشانند و صاف کنند و با یک نخود از این دوا در سحر بخورند و آب
نیم کرم از عقبش بخورند سه شب یا چهار شب و چون پانزده ماه بکذرد
برای دفع سحر و بادها نافع است و چون شانزده ماه بکذرد بقدر نیم عدس
آنرا با آب باران تازه حل کرده بدیده کسی بکشند که بینایش کم شده باشد
در بامداد و شام و وقت خواب تا چهار روز و اکر بر طرف نشود تا هشت روز
و چون هفده ماه بکذرد برای دفع خوره یک کلوله از آن با روغن پاچه کاو ناشتا
و در وقت خواب بخورند و بقدر یکحبه اش را بر بدن بمالند و اندکی را با روغن زیت
یا روغن
کل سرخ در بینی بچکانند در آخر روز در حمام و چون هیجده ماه بکذرد برای دفع

بهمان موضع راسوزن بزنند که خون درآید و بقدر یک نخود باروغن بادام تلخ
یاروغن صنوبر بخورند واندکی را در بینی بچکانند و بانمک بر آن موضع بمالند
وچون نوزده ماه بگذرد اگر آب نار شیرین را گرفته باقدر یک دانه جواز حنظل
وبانمک نخداز این دوانا ناشتا بخورند برای دفع سهو و فراموشی و بلغم سوخته و تب
کهنه نافع است وچون بیست ماه بگذرد بقدر یک عدس از آن گرفته باآب کندر
حل کنند و برای سنگینی گوش در گوش بچکانند واگر نفع ظاهر نشود در روز
دیگر باز بچکانند واندکی بر کله سرش بریزند واز برای صاحب مرض سرسام
باآب نار ترش نافع است ودر دو حدیث دیگر روایت کرده است از حضرت
صادق علیه السلم که مثل این دوا را جبرئیل برای حضرت رسول ص آورد و فرمود که
چهار رطل از سیر مقشر بگیرند و در پاتیل کنند و چهار رطل شیر گاو بر آن بریزند
بپزند آنقدر که شیر نماند باز چهار رطل روغن گاو بر آن بریزند وآنقدر بجوشانند
که روغن نماند پس بقدر دو درهم با بومن بر آن بپاشند و برهم بزنند تا خوب
بقوام آید و در کوزه کرده سرش را ببندند و در میان جو یا خاک پاک پنهان
کنند در مدت ایام تابستان و در زمستان بیرون آورند و در بامداد بقدر
یک گردکان بخورند برای هر درد نافع باشد وکلینی در حدیث معتبر روایت
کرده است که اسمعیل بن الفضل شکایت کرد بخدمت حضرت صادق ع از قراقر

معده

معده واینکه طعام در معده اش هضم نمیشود حضرت فرمود که چرا نمیکیری آن نبیذی را
که ما میخوریم و باعث هضم طعام میشود و قراقر و بادهای شکم را دفع میکند پس فرمود
که یکصاع از مویز بگیر و دانه اش را بیرون کن و پاک بشوی و در ظرفی کن وآنقدر
بر آن آب بریز که همه را بپوشاند و در زمستان سه شبانه روز بگذار و در تابستان
یکشبانه روز پس صاف کن وآب صافش را در دیک کن وآنقدر بجوشان که دو حصه
برود ویک حصه بماند پس نیم رطل عسل در دیک بریز وآنقدر بجوشان که آنقدر
بشود که پیش از عسل ریختن شده بود پس زنجبیل و خولنجان و دارچینی و زعفران
و قرنفل و مصطکی را بگیر و همه را بکوب و در میان کهنه نازکی بکن و در میان دیک
بینداز که چند جوشی بزند پس دیک را پایین کذار تا سرد شود و صاف کن و هر صبح
وپسین قدری از آن بخور راوی کفت که چنان کردم وآزارم برطرف شد ه

فصل ششم از باب نهم در معالجه درد سر و زکام و صرع و اختلال دماغ و تصرف جن

از حضرت امام محمد باقر ع منقولست که برای دفع درد سر و نصف سر این دعا را بنویسد
و بر آنجانب سر که درد میکند بیاویزند اَللّٰهُمَّ لَسْتَ بِاِلٰهٍ اسْتَحْدَثْنَاهُ وَلَا
بِرَبٍّ يَبِيدُ ذِكْرُهُ وَلَا مَعَكَ شُرَكَاءُ يَقْضُونَ مَعَكَ وَلَا كَانَ قَبْلَكَ اِلٰهٌ
نَدْعُوهُ وَنَتَعَوَّذُ بِهِ وَنَتَضَرَّعُ اِلَيْهِ وَنَدَعُكَ وَلَا اَعَانَكَ عَلَىٰ خَلْقِنَا مِنْ
اَحَدٍ فَنَشُكُّ فِيكَ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ عَافِ فُلَانَ بْنَ فُلَانَةٍ

وصل علی محمد و اهل بیته و در روایت معتبر از حضرت صادق ع منقولست که
هر که درد سر داشته باشد یا بولش بند شده باشد دست بر موضع درد بکذارد
و بکوید اسکن سکنتک بالذی سکن له ما فی اللیل و النهار و هو السمیع العلیم
و از حضرت امام علی نقی صلوات الله علیه منقولست که برای درد سر این آیه را بر
قدح آبی بخواند و بخورد اولم یر الذین کفروا ان السموات و الارض کانتا
رتقا ففتقناهما و جعلنا من الماء کل شیء حی افلا یؤمنون و در حدیث معتبر
منقولست که حبیب سیستانی شکایت کرد بحضرت باقر ع که هفته دو مرتبه مرا درد
شقیقه میکیرد فرمود که بکذار دست را بر آن جانب که درد میکند و سه مرتبه
بکو یا ظاهرا موجودا و یا باطنا غیر مفقود اردد علی عبدک الضعیف
ایادیک الجمیلة عنده و اذهب عنه ما به من اذی انک رحیم ودود
و در حدیث دیکر فرمود که برای دفع درد سر دست بر سر بمالد و هفت نوبت بکوید
اعوذ بالله الذی سکن له ما فی البر و البحر و ما فی السموات و الارض و هو
السمیع العلیم و در روایت دیکر منقولست که برای دفع درد کوش دست بر کوش
بمالد و هفت مرتبه این دعا بخواند و در روایت دیکر فرمود که برای دفع درد سر دست را
بر بالای سر بکذارد و بکو لو کان معه آلهة کما یقولون اذا لابتغوا الی ذی
العرش سبیلا و اذا قیل لهم تعالوا الی ما انزل الله و الی الرسول رایت

المنافقین یصدون عنک صدودا و در حدیث معتبر منقولست که شخصی بخدمت
حضرت صادق ع آمد و کفت من سفر بسیار میکنم و در مواضع هولناک بسر می برم
چیزی بمن تعلیم فرما که نترسم حضرت فرمود که چون در چنین جائی واقع شوی دست را
بر بالای سر بکذار و باواز بلند بکو افغیر دین الله یبغون و له اسلم من فی
السموات و الارض طوعا و کرها و الیه ترجعون آن شخص کفت که در بیابانی
واقع شدم که میکفتند که جن در آنجا بسیار است شنیدم که کسی میکفت که چکونه
بکیریمش و حال آنکه پناه بایه طیبه برد و در حدیث دیکر منقولست که شخصی
بآنحضرت شکایت کرد که پسری دارم و کاهی او را باد جن و ام الصبیان میکیرد
بحدی که ازو نا امید می شوم فرمود که هفت مرتبه سوره محمد را با مشک و
زعفران بر ظرفی بنویس و باب بشوی و تا یکماه از آن آب بدو بخورد راوی کفت
که یکمرتبه که خورد بر طرف شد و در حدیث دیکر فرمود که کسی را که صرع بکیرد
بر او بخوانید این دعا را عزمت علیک یا ریح بالعزیمة التی عزم بها علی بن
ابی طالب علیه السلام رسول الله صلی الله علیه و آله علی جن وادی
الصبرة فاجابوا و اطاعوا لما اجبت و اطعت و خرجت عن فلان بن فلان
الساعة و در روایت دیکر منقولست که شخصی از اختلال دماغ بهم رسیده بود
حضرت فرمود که هر شب در هنکام خواب این دعا بخواند بسم الله و بالله آمنت

بِاللهِ وَكَفَرْتُ بِالطَّاغُوتِ اللّٰهُمَّ احْفَظْنِي فِي مَنَامِي وَفِي يَقَظَتِي اَعُوذُ بِعِزَّةِ اللهِ وَ
جَلَالِهِ مِمَّا اَجِدُ وَاَحْذَرُ و از حضرت امام محمد باقر علیه السلم منقولست که کسی را
که باد جن کیرد بر او سوره حمد و قل اعوذ برب الناس و قل اعوذ برب الفلق هر یک را
ده مرتبه بخوانند و این سه سوره را در جامی با مشك و زعفران بنویسند و باو
بخورانند و در آب وضو و غسلش داخل کنند و در حدیث دیکر منقولست که حضرت
امام رضا ع شخصی را دیدند که صرعش کرفته است قدح آبی طلبیدند و سوره حمد
و قل اعوذ برب الناس و قل اعوذ برب الفلق بر آن آب خواندند و بر سر و روی
او پاشیدند بهوش باز آمد و از حضرت رسول ص منقولست که در خانه که جنیان
سنك اندازند صاحب خانه آن سنك را بردارد و بکوید حَسْبِيَ اللهُ وَكَفٰى
سَمِعَ اللهُ لِمَنْ دَعَا لَيْسَ وَرَاءَ اللهِ مُنْتَهٰى و از حضرت رسول ص منقولست که
برای درد سر روغن کشنیز را در بینی بچکانند و شخصی بخدمت حضرت صادق
ع شکایت کرد از درد سر فرمود که بحمام برو و پیش از انکه داخل آب شوی هفت جام
آب کرم بر سر بریز و در هر مرتبه بِسْمِ اللهِ بکو و منقولست که شخصی بحضرت امام
رضا ع شکایت کرد که سردی عظیم در سر خود می یابم بجائی که اکر باد بر آن بوزد
بیم آنست که غش کنم فرمود که روغن عنبر و روغن زنبق بعد از طعام خوردن بدماغ
بچکان و در حدیث صحیح از حضرت صادق ع منقولست که هیچیك از فرزندان

آدم

آدم نیست مکر انکه در او دو رك هست یك رك در سرش که خوره را بحرکت می آورد
و دیکری در بدنش که پیسی را بحرکت می آورد پس چون آن رك سر بحرکت می آید خدا زکام
را بر آن مسلط میکرداند که دردهای سر را میکشد و اکر آن رك بدن بحرکت می آید خوره
دمل را بر آن مسلط میکرداند که دردهای بدن را میکشد پس کسی که زکام و دمل بهم رساند
خدا را شکر کند و در روایت دیکر فرمود که زکام لشکریست از لشکرهای خدا
میفرستد که دردهای بدن را بر طرف کنند و در چند روایت وارد شده است که
زکام را علاج نمی باید کرد و در دیکر روایت از آنحضرت وارد شده است در معالجه زکام
که پنبه را بروغن بنفشه آلوده کند و در وقت خواب بر مقعد خود کذارد و در
روایت دیکر فرمود که یك دانك سیاه دانه و نیم دانك کندر را نرم بکوبند و در
دماغ بدمند زکام را بر طرف میکند فصل هفتم از باب نهم در معالجه سایر امراض
سر و رو و کلو در حدیث معتبر از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه منقولست
که هر کاه چشم کسی آزرده باشد باید که آیة الکرسی بخواند باعتقاد درست که البته
شفا می یابد و در روایت معتبر دیکر منقولست که حضرت صادق ع بشخصی فرمود که
میخواهی دعائی تعلیم نمایم ترا که برای دنیا و آخرت تو نافع باشد و درد چشم ترا زایل
کند کفت بلی فرمود که بعد از نماز صبح و نماز شام مداومت نما بر این دعا اَللّٰهُمَّ اِنِّي
اَسْئَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ تَجْعَلَ النُّورَ

فی بصری والبصیرة فی دینی والیقین فی قلبی والاخلاص فی عملی والسلامة
فی نفسی والسعة فی رزقی والشکر لک ابداً ما ابقیتنی و در حدیث دیگر
منقولست که حضرت رسول صلعم برای درد چشم این دعا امیر فرمودند که بخوانند
اللهم متعنی بسمعی وبصری واجعلهما الوارثین منی وانصرنی علی من
ظلمنی وارنی فیه ثاری و در روایت دیگر منقولست که شخصی بخدمت حضرت
امام جعفر صادق ع آمد دید که چشم آنحضرت آزار عظیم دارد روز دیگر بخدمت
آنحضرت رفت دید که هیچ آزار نمانده است از آن پرسید فرمود که این تعویذ را
خواندم اعوذ بعزة الله اعوذ بقدرة الله اعوذ بعظمة الله اعوذ
بجلال الله اعوذ بجمال الله اعوذ بکرم الله اعوذ ببهاء الله اعوذ بغفران الله
اعوذ بحلم الله اعوذ بذکر الله اعوذ برسول الله اعوذ بآل رسول الله اعوذ
بآل رسول الله صلی الله علیه وعلیهم علی ما اجد فی عینی وما اخاف وما
احذر اللهم رب الطیبین اذهب ذلک عنی بحولک وقدرتک وابن
شهرآشوب روایت کرده است که مرد کوری شنید که حضرت امیر المؤمنین صلوات
الله علیه این دعا را میخواند آن شخص بخانه رفت و وضو ساخت و نماز کرد و بعد از
نماز این دعا را خواند و چون باین موضع رسید که ان تجعل النور فی بصری دیده اش
بینا شد دعا اینست اللهم انی اسئلک یا رب الارواح الفانیة ورب

الاجساد

الاجساد البالیة اسئلک بطاعة الارواح الراجعة الی اجسادها وبطاعة
الاجساد الملتئمة الی اعضائها وبانشقاق القبور عن اهلها وبدعوتک
الصادقة فیهم واخذک بالحق بینهم اذا برز الخلائق ینتظرون قضاءک
ویرون سلطانک ویخافون بطشک ویرجون رحمتک یوم لا یغنی
مولی عن مولی شیئاً ولا هم ینصرون الا من رحم الله انه هو العزیز
الرحیم اسئلک یا رحمن ان تجعل النور فی بصری والیقین فی قلبی وذکرک
باللیل والنهار علی لسانی ابداً ما ابقیتنی انک علی کل شیء قدیر و در روایت
دیگر از حضرت امام موسی علیه السلم منقولست که شخصی بآنحضرت شکایت کرد از ضعف
باصره و گفت بمرتبه رسیده است که شبکور شده ام فرمود که آیه الله نور
السموات والارض را تا آخر مکرر در جامی بنویس و باب محو کن و آب را در شیشه
کن و از میل بچشم بکش راوی گفت که کمتر از صد میل کشیدم که بینایی من برگشت
و در حدیث معتبر منقولست از حضرت امام رضا ع که شفای چشم در خواندن
سوره حمد و قل اعوذ برب الناس و قل اعوذ برب الفلق و آیة الکرسی و کشیدن
قسط و مر و کندر است و دعای درد گوش و دردعاهای دردسر گذشت و در حدیث
دیگر منقولست که شخصی بحضرت امام محمد باقر ع شکایت کرد از سنگینی گوش فرمود
که دست بر گوش بکش و این آیات را بخوان لو انزلنا هذا القرآن علی جبل لرایته

خاشعا متصدعا من خشية الله وتلك الامثال نضربها للناس لعلهم يتفكرون
هو الله الذى لا اله الا هو عالم الغيب والشهادة هو الرحمن الرحيم
هو الله الذى لا اله الا هو الملك القدوس السلام المؤمن المهيمن العزيز
الجبار المتكبر سبحان الله عما يشركون هو الله الخالق البارئ المصور
له الاسماء الحسنى يسبح له ما فى السموات والارض وهو العزيز الحكيم و
روايت ديكر وارد شده است كه براى درد كوش بر روغن ياسمن يا روغن بنفشه
هفت مرتبه بخواند كان لم يسمعها كان فى اذنيه وقرا ان السمع والبصر
والفؤاد كل اولئك كان عنه مسئولا پس آن روغن را در كوش بچكاند و از براى
رعاف منقولست كه بر پيشانى او بنويسند وقيل يا ارض ابلعى ماءك ويا سماء
اقلعى وغيض الماء وقضى الامر واستوت على الجودى وقيل بعدا للقوم
الظالمين ودر روايت ديكر اين آيات را بخواند منها خلقناكم وفيها نعيدكم
ومنها نخرجكم تارة اخرى يومئذ يتبعون الداعى لا عوج له وخشعت
الاصوات للرحمن فلا تسمع الا همسا يا ارض ابلعى ماءك تا للقوم الظالمين
ومن يتق الله يجعل له مخرجا ويرزقه من حيث لا يحتسب ومن يتوكل
على الله فهو حسبه ان الله بالغ امره قد جعل الله لكل شىء قدرا وجعلنا
من بين ايديهم سدا ومن خلفهم سدا فاغشيناهم فهم لا يبصرون

ومنقولست

ومنقولست كه شخصى بحضرت صادق ع شكايت كرد از درد دهان فرمود كه دست
بر دهان بكذار وبكو بسم الله الرحمن الرحيم بسم الله الذى لا يضر مع اسمه
داء اعوذ بكلمات الله التى لا يضر معها شىء قدوسا قدوسا قدوسا
باسمك يا رب الطاهر المقدس المبارك الذى من سالك به اعطيته
ومن دعاك به اجبته اسئلك يا الله يا الله يا الله ان تصلى على محمد
النبى واهل بيته وان تعافينى مما اجد فى فمى وفى راسى وفى سمعى وفى بصرى
وفى بطنى وفى ظهرى وفى يدى وفى رجلى وفى جميع جوارحى كلها وابو بصير
شكايت كرد بحضرت امام محمد باقر صلوات الله عليه از درد دندان وكفت شبها
از اين درد بيدار مى باشم فرمود كه هر كاه كه اثرش ظاهر شود دست بر آن موضع
درد بكذار وسوره حمد وسوره قل هو الله احد بخوان پس اين آيه را بخوان
وترى الجبال تحسبها جامدة وهى تمر مر السحاب صنع الله الذى اتقن
كل شىء انه خبير بما تعملون واز حضرت صادق ع منقولست كه اينها را بخوان
با سوره انا انزلناه فى ليلة القدر واز حضرت امير المؤمنين صلوات الله عليه
منقولست كه از براى دفع درد دندان دست بر موضع سجود بمالد و بر موضعى كه
درد ميكند بمالد و بكويد بسم الله والشافى الله ولا حول ولا قوة الا
بالله العلى العظيم ودر روايت ديكر منقولست كه براى دفع درد دندان سوره حمد

وقف كتابخانه آستان قدس رضوى (ع)
اهدائى بنام خلدوران حسين كى استوان

وقل اعوذ برب الناس وقل اعوذ برب الفلق وقل هو الله احد بخواند پس بگوید
بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیمِ وَلَهُ مَا سَكَنَ فِی اللَّیلِ وَالنَّهَارِ وَهُوَ السَّمِیعُ الْعَلِیمُ قُلْنَا
یَا نَارُ كُونِی بَرْدًا وَسَلَامًا عَلَى إِبْرَاهِیمَ وَأَرَادُوا بِهِ كَیدًا فَجَعَلْنَاهُمُ الْأَخْسَرِینَ
نُودِیَ أَنْ بُورِكَ مَنْ فِی النَّارِ وَمَنْ حَوْلَهَا وَسُبْحَانَ اللهِ رَبِّ الْعَالَمِینَ
اللّٰهُمَّ یَا كَافِی مِنْ كُلِّ شَیءٍ وَلَا یَكْفِی مِنْكَ شَیءٌ اِكْفِ عَبْدَكَ وَابْنَ اَمَتِكَ
مِنْ شَرِّ مَا یَخَافُ وَیَحْذَرُ وَمِنْ شَرِّ الْوَجَعِ الَّذِی یَشْكُوهُ اِلَیكَ ودر روایت
دیگر منقولست که جبرئیل این تعویذ را برای حضرت امام حسین صلوات الله علیه
آورد بجهت دفع درد دندان که دست بر آن دندان که کرم خورده است بگذارند
و هفت نوبت بخوانند اَلْعَجَبُ كُلُّ الْعَجَبِ لِدَابَّةٍ تَكُونُ فِی الْفَمِ تَأْكُلُ الْعَظْمَ
وَتَتْرُكُ اللَّحْمَ اَنَا الرَّاقِی وَاللهُ الشَّافِی الْكَافِی لَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ
رَبِّ الْعَالَمِینَ وَاِذْ قَتَلْتُمْ نَفْسًا فَادَّارَأْتُمْ فِیهَا وَاللهُ مُخْرِجٌ مَا كُنْتُمْ تَكْتُمُونَ
فَقُلْنَا اضْرِبُوهُ بِبَعْضِهَا كَذٰلِكَ یُحْیِی اللهُ الْمَوْتٰى وَیُرِیكُمْ آیَاتِهِ لَعَلَّكُمْ
تَعْقِلُونَ ودر روایت دیگر میخی بگیرد و سوره حمد وقل اعوذ برب الناس
وقل اعوذ برب الفلق هر یك را سه مرتبه بخواند پس بگوید مَنْ یُحْیِی الْعِظَامَ
وَهِیَ رَمِیمٌ یَا ضِرْسَ فلان بن فلان ونام صاحب درد و پدرش را بگوید
اَكَلْتَ الْحَارَّ وَالْبَارِدَ اَفَبِالْحَارِّ تَسْكُنِینَ اَمْ بِالْبَارِدِ تَسْكُنِینَ وَلَهُ مَا

سکن

١٦٧

سَكَنَ فِی اللَّیلِ وَالنَّهَارِ وَهُوَ السَّمِیعُ الْعَلِیمُ شَدَدْتُ دَاءَ هٰذَا الضِّرْسِ
من فلان بن فلان بِسْمِ اللهِ الْعَظِیمِ پس میخ را در دیوار بکوبد و بگوید اَللهُ
اَللهُ اَللهُ ودر روایت دیگر منقولست که شخصی بحضرت امام موسی ع شکایت
کرد از کند دهان حضرت فرمود که در سجده بگو یا اَللهُ یا اَللهُ یا اَللهُ یا رَحْمٰنُ
یَا رَبَّ الْاَرْبَابِ یَا سَیِّدَ السَّادَاتِ یَا اِلٰهَ الْاٰلِهَةِ یَا مَالِكَ الْمُلْكِ یَا مَلِكَ
الْمُلُوكِ اشْفِنِی بِشِفَائِكَ مِنْ هٰذَا الدَّاءِ وَاصْرِفْهُ عَنِّی فَاِنِّی عَبْدُكَ وَابْنُ
عَبْدِكَ وَاَتَقَلَّبُ فِی قَبْضَتِكَ راوی گفت که بکرات این دعا را در سجود خواندم
وشفا یافتم واز حضرت رسول ص منقولست که دمیلان از گیاه بهشت است
وآبش برای درد چشم نافع است وحضرت ع فرمود که مسواك کردن آب
صادقم
ریختن چشم را زایل میکند وچشم را جلا میدهد ودر حدیث صحیح منقولست
که شخصی بحضرت صادق ع شکایت کرد از آزار چشم فرمود که داروی بسازند
از جدوار وکافور وصبر اجزا مساوی یکدیگر ودر روایت دیگر فرمود که ضعف
چشم وخیالات را برطرف میکند ودر روایت دیگر فرمود که دهنه فرنك
برای رفع سفیدی که بر روی باصره بهم رسد نافع است ودر روایت معتبر
از حضرت امام موسی ع منقولست که صبر سقوطری وکافور ریاحی را مساوی
یکدیگر بسایند واز حریر بیرون کنند وماهی یکمرتبه در چشم بکشند دردهای

سر و چشم را میکشد و از حضرت امام حسین صلوات الله علیه منقولست که شخصی
از اصحاب خود فرمود که هلیله زرد را با هفت دانه فلفل بسای و بپز و در دیده
بکش و در روایت دیگر منقولست که شخصی بخدمت حضرت امام جعفر صادق ع
شکایت کرد از سفیدی که در چشمش بهم رسیده بود و از درد دندان و درد مفاصل
فرمود که فلفل و دار فلفل از هر یك دو درهم و نشادر پاکیزه صاف یکدرهم و هر سه را
خوب بسای و از حریر بیرون کن و در هر چشمی سه میل بکش و ساعتی صبر کن که سفیدی
روی دیده را قطع میکند و گوشت چشم را پاك میکند و درد را ساکن میکند
پس چشم را با آب سرد بشوی و بعد از آن سرمه سنك بکش و در روایت دیگر
وارد شده است که حضرت امیر المؤمنین ع بسلمان و ابوذر فرمود که تا درد چشم
دارید بر پهلوی چپ مخوابید و خرما مخورید و حضرت صادق ع فرمود که ماهی
خوردن برای درد چشم زیان دارد و دست بر چشم مالیدن بعد از دست
شستن بعد از طعام از درد چشم امان میدهد و در پنجشنبه و جمعه و شارب
و ناخن گرفتن از درد چشم امان می بخشد و در روایت دیگر منقولست که
شخصی شکایت کرد از درد گوش و گفت که چرك و خون از گوشم بسیار می آید فرمود
که پنیر بسیار کهنه را یکقدری بگیر و نرم بکوب و با شیر زن ممزوج کن و بر روی آتش
نرم گرم کن و چند قطره در گوشی که درد میکند بریز و در روایت دیگر از برای

درد گوش منقولست که یك کف کنجد پوست نکنده و یك کف خردل هر یك را علیحده
بکوبند و با یکدیگر مخلوط کرده روغن بگیرند و روغن را در شیشه بکنند و سرش را
با انگشتر آهن مهر کنند و هر وقت که خواهند دو قطره از آن در گوش بچکانند
و پنبه در گوش بگذارند سه روز چنین کنند تا شفا یابد و در روایت دیگر
وارد شده است که سداب را با روغن زیت بپزند و چند قطره در گوش بچکانند
و از حضرت رسول ص منقولست که سداب برای درد گوش نافع است و از
حضرت صادق ع منقولست که برای درد گلو چیزی نافع تر از خوردن شیر نیست
و بسند معتبر از حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه منقولست که حضرت
عیسی علیه السلام بشهری گذشتند دیدند که مردم آن شهر روهای ایشان زرد و چشمهای
ایشان کبود است و از بسیاری مرض بآنحضرت شکایت کردند فرمود که شما
گوشت را نشسته می پزید و هیچ حیوانی از دنیا بدر نمی رود مگر آنکه جنابتی
با او هست بعد از آن گوشت را پیش از پختن شستند بیماری ایشان برطرف شد
و حضرت عیسی بشهر دیگر گذشتند دندانهاشان ریخته بود و روهاشان
باد کرده بود فرمود که در وقت خواب دهان را باز کنید و بر هم مگذارید چنان
کردند آن علتها از ایشان زایل شد و از حضرت امام موسی ع منقولست که برای
درد دندان سعد را بر آن بگذارند و فرمود که سرکه که از شراب بعمل آمده باشد بن دندان را